



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

کلام ارزشمند

از منابع استاد دانشمند



سی بیست و نهمین جلسه ماه مبارک رمضان ۱۴۰۰

موضوع بحث:

انقسام آداب و آثار استغفار و آشتی با خدا

سازمان تبلیغات اسلامی

دفتر تخصصی نشر و انتشارات اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کلام ارزشمند از منابع استاد دانشمند: اقسام، آداب و آثار استغفار و آشتی با خدا

نویسنده:

مهدی دانشمند

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	کلام ارزشمند از منابر استاد دانشمند: اقسام، آداب و آثار استغفار و آشتی با خدا
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	پیشگفتار
۲۰	جلسه اول: (۲۵/۰۱/۱۴۰۰)
۲۰	اشاره
۲۱	مقدمه بحث:
۲۲	مؤمن از همه مال و فرزندش بیشتر است
۴۰	جلسه دوم (۲۶/۰۱/۱۴۰۰)
۴۰	اشاره
۴۱	مقدمه:
۴۹	جلسه سوم (۲۷/۰۱/۱۴۰۰)
۴۹	اشاره
۵۲	استغفار یک قلعه امن است.
۵۲	استغفار همچون آبی گواراست
۵۲	استغفار به مثال ریزش برگ خشک درخت در فصل پاییز است
۶۰	جلسه چهارم (۲۸/۰۱/۱۴۰۰)
۷۰	جلسه پنجم (۲۹/۰۱/۱۴۰۰)
۷۰	اشاره
۷۱	۵- شرایط استغفار
۷۳	۶- اوقات استغفار
۷۴	ثواب تلاوت سوره قدر
۷۹	۷- آداب استغفار
۸۰	۸- استغفار بی فایده
۸۰	جلسه ششم (۳۰/۰۱/۱۴۰۰)
۸۰	اشاره
۸۲	مهندسی آشتی با خداوند:
۸۲	اسامی و آثار گناه:
۸۹	جلسه هفتم (۳۰/۰۱/۱۴۰۰)

۸۹	اشاره
۹۰	گناهان کبیره درقرآن کریم:
۹۱	گناهان کبیره اجتماعی
۹۴	آثار گناه نمونه ای از آثار و پیامدهایی گناه و معصیت از نظر قرآن
۹۶	انواع حق الناسی که باید بخاطر ان استغفار کند ۱- آبرویی
۹۶	دو مرحله محاسبه اعمال صورت میگیرد ۱- برزخ : محاسبه عمری که در دنیا داشته ایم
۹۷	جلسه هشتم (۳۱/۰۱/۱۴۰۰)
۹۷	اشاره
۹۸	مقدمه :
۹۸	تفاوت حالات امراض جسمی و روحی :
۱۰۶	جلسه نهم (۰۲/۰۲/۱۴۰۰)
۱۰۶	اشاره
۱۰۶	مقدمه :
۱۰۸	نکته تربیتی:
۱۰۹	نکته تربیتی:
۱۱۲	نکات تربیتی:
۱۱۴	نمونه ای از رفتار مرحوم امام (فروردین ۱۳۱۲ - بیروت لبنان)
۱۱۵	نکات تربیتی:
۱۱۸	جلسه دهم (۰۳/۰۲/۱۴۰۰)
۱۱۸	اشاره
۱۱۹	مقدمه :
۱۱۹	حضرت خدیجه سلام الله علیها مادر امت
۱۱۹	ولادت و خانواده
۱۲۰	اخلاق حضرت خدیجه (علیها السلام)
۱۲۰	آشنایی ایشان با حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)
۱۲۱	ازدواج حضرت خدیجه(علیها السلام)
۱۲۱	احترام پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله) به خدیجه(علیها السلام)
۱۲۱	خصال و صفات حضرت خدیجه (علیها السلام)
۱۲۴	نقش حضرت خدیجه (علیها السلام) در پیشبرد اسلام
۱۲۴	فرزندان حضرت خدیجه(علیها السلام)
۱۲۵	وصیت حضرت خدیجه(علیها السلام)

- ۱۲۶ وفات حضرت خدیجه (علیها السلام)
- ۱۲۷ یاد و خاطره حضرت خدیجه (علیها السلام)
- ۱۲۷ مظلومیت ام المومنین حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) در کتب اهل سنت و علمای خائن سنی
- ۱۲۸ حال بینیم از همسران دیگر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در کتاب های اهل سنت
- ۱۳۳ جلسه یازدهم (۰۴/۰۲/۱۴۰۰)
- ۱۳۳ اشاره
- ۱۳۳ مقدمه :
- ۱۳۳ تاثیرات و نکبات گناه در زندگی دنیا و آخرت
- ۱۴۱ جلسه دوازدهم (۰۵/۰۲/۱۴۰۰)
- ۱۴۱ اشاره
- ۱۴۱ مقدمه : بحمدالله دیشب توفیق داشتیم فقط روایت خواندیم و کمی باندازه حوصله مستمعین
- ۱۴۱ تاثیرات و نکبات گناه در زندگی دنیا و آخرت
- ۱۴۹ جلسه سیزدهم (۰۶/۰۲/۱۴۰۰)
- ۱۴۹ اشاره
- ۱۴۹ مقدمه : بحمدالله چندین شب است توفیق داشتیم فقط روایت خواندیم و کمی باندازه حوصله مستمعین عزیز و بزرگوار توضیح دادیم امشب نیز انشاء الله ادامه بحث تاثیرات گناه در روایات را بررسی میکنیم
- ۱۶۱ جلسه چهاردهم (۰۷/۰۲/۱۴۰۰)
- ۱۶۱ اشاره
- ۱۶۲ مقدمه :
- ۱۶۲ بررسی شخصیت و زندگی امام حسن مجتبی (علیه السلام)
- ۱۶۶ شرایط صلح با معاویه :
- ۱۶۹ اطرافیان امام حسن (علیه السلام) بر ۳ دسته بودند:
- ۱۷۳ روایتی در احتجاج طبرسی هست که چون امام با معاویه آشتی فرمود بعضی از مردم او را بر این کار سرزنش کردند.
- ۱۷۴ امام خود را از امامت خلع نکرد زیرا امامت پس از حصول آن از او سلب نمی شود.
- ۱۷۶ جلسه پانزدهم (۰۸/۰۲/۱۴۰۰)
- ۱۷۶ اشاره
- ۱۷۶ مقدمه :
- ۱۷۷ آثار گناهان از نگاه حضرت سجاد زین العابدین (علیه السلام)
- ۱۸۰ تفسیر: گناه سرچشمه گناه دیگر است
- ۱۸۱ مفسر بزرگ مرحوم طبرسی در ذیل این آیه از ابو القاسم بلخی نقل می کند :
- ۱۸۲ شرح :
- ۱۸۴ و در جای دیگر درباره گروهی از گنهکاران لجوج و عنود می فرماید:

۱۸۴	جلسه شانزدهم (۰۹/۰۲/۱۴۰۰)
۱۸۴	اشاره
۱۸۵	مقدمه:
۱۸۵	سرنخ و سر فصلهای گناه را در دعای کمیل اشاره فرموده اند :
۱۸۶	آثار شوم شراب و قمار در آیات قرآن کریم ::
۱۸۸	ایا شرابخوار میتواند توبه کند و خودش را تبرئه نماید؟
۱۸۸	خوردن شراب و انجام قمار با علم به حرمتش کفر محسوب میشود :
۱۹۶	جلسه هفدهم (۱۰/۰۲/۱۴۰۰)
۱۹۶	اشاره
۱۹۶	مقدمه :
۱۹۷	چه چیزهایی باعث انتقام الهی میگردد؟
۱۹۹	درروایات چه چیزهایی باعث انتقام الهی میشود ؟
۲۰۱	متعصبین سرسخت قبیله بنی قینقاع
۲۰۳	داستان زینب کذابه
۲۱۰	آیات اقتصادی :
۲۱۶	جلسه هجدهم (۱۱/۰۲/۱۴۰۰)
۲۱۶	اشاره
۲۱۷	مقدمه :
۲۱۸	تذکر : خداوند رحیم و بخشنده است .این گناهان ما ست که نعمتها را تغییر می دهد
۲۱۸	شکر نعمت به چند قسم است
۲۱۹	مکارم اخلاقی
۲۲۰	مفهوم شکر گزاری (مفردات راغب)
۲۲۰	شکر در قرآن:
۲۲۲	موارد شکر گذاری در قرآن کریم :
۲۲۸	شکر در روایات
۲۳۱	سیاس گزاری از واسطه فیض
۲۳۳	جلسه نوزدهم (۱۲/۰۲/۱۴۰۰)
۲۳۳	اشاره
۲۳۴	مقدمه
۲۴۲	جلسه بیستم (۱۳/۰۲/۱۴۰۰)
۲۴۲	اشاره

۲۴۲	مقدمه
۲۴۹	جلسه بیست یکم (۱۴/۰۲/۱۴۰۰)
۲۴۹	اشاره
۲۵۱	مضرات و نکبات دروغ
۲۵۳	شرح کوتاه :
۲۵۴	ولید بن عقبه ملعون
۲۶۳	جلسه بیست و دوم (۱۵/۰۲/۱۴۰۰)
۲۶۳	اشاره
۲۶۴	مظلوم
۲۶۶	شرح کوتاه :
۲۷۲	جلسه بیست و سوم (۱۶/۰۲/۱۴۰۰)
۲۸۰	جلسه بیست و چهارم (۱۷/۰۲/۱۴۰۰)
۲۸۰	اشاره
۲۸۴	اکنون روایات را درمورد کتمان حقیقت و شهادت به ناحق بررسی میکنیم
۲۸۷	چند حکایت در مورد بخیل
۲۹۶	جلسه بیست و پنجم (۱۸/۰۲/۱۴۰۰)
۳۰۶	جلسه بیست و ششم (۱۹/۰۲/۱۴۰۰)
۳۰۶	اشاره
۳۰۸	مقایسه قلب مومن با قلب غیر مومن و گنه کار از دیدگاه قران کریم
۳۱۰	مقام قلب
۳۱۳	آثار تیرگی قلب
۳۱۴	- عدم ایمان به دلیل مریضی قلبشان
۳۱۵	فقر و فقیر
۳۲۱	حق صدقه و فقیر
۳۲۱	فقیر شناسی فقیر کیست واز کجا باید تشخیص بدهیم؟ (بقره/۲۷۳)
۳۲۲	جلسه بیست و هفتم (۲۰/۰۲/۱۴۰۰)
۳۲۲	اشاره
۳۲۳	(شرک)
۳۲۴	شرح کوتاه :
۳۳۵	جلسه بیست و هشتم (۲۱/۰۲/۱۴۰۰)
۳۳۵	اشاره

۳۳۶ (نتیجه)

۳۳۶ شرح کوتاه :

۳۴۴ شرح کوتاه :

۳۵۱ جلسه بیست و نهم (۲۲/۰۲/۱۴۰۰)

۳۵۱ اشاره

۳۵۳ آثار گناه و راههای محو و از بین بردن آن

۳۵۸ اعمال زشت چگونه محو می گردد

۳۶۳ درباره مرکز

کلام ارزشمند از منابع استاد دانشمند : اقسام ، آداب و آثار استغفار و آشتی با خدا

مشخصات کتاب

کلام ارزشمند از منابع استاد دانشمند : اقسام ، آداب و آثار استغفار و آشتی با خدا

سی جلسه ماه مبارک رمضان 1400

موضوع بحث: اقسام ، آداب و آثار استغفار و آشتی با خدا

هیئت جنت الرضاء علیه السلام

ناشر دیجیتال: موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان 1400 ه ش

تعداد صفحات : 352 ص

ص: 1

پیشگفتار

سلام و عرض ادب خدمت همه جویندگان حقیقت و پویندگان علم و دین تقریبا حدود 2 سال است مردم دنیا مبتلا شدند به یک ویروس دست ساز که معلوم نشد از کجا آمد و با چه سوء قصدی مردم عالم گرفتار این ویروس منحوس شدند. اکثر برنامه های علمی و مذهبی و تجمعات بشری ناب

ص: 1

اغوش گرفته و بوسه باران کنند!

ولی افسوس!! کرونا اجازه نمیداد!!

تمام دلها غمخانه شده بود. کمتر محله ای را میدیدیم که عزادار نبودند. مرگ و میر در کشور ما به روزی بیش از 400 نفر رسیده بود.

ص: 2

غسال ها و مرده شورها بریده بودند! . طبیبان و پزشکان و پرستاران و کادر پزشکی ماها بود به خانه هایشان نمیتوانستند بروند. چقدر دکتر و پرستار و کادر پزشکی شهید سلامت شدند! گورستانها و آرامگاهها پر میشد از جنازه های غسل نداده شده.

ص: 3

اوایل کرونا حتی بسیاری از مرده ها را غسل نداده و کفن نکرده در گورهای با عمق 3 یا 4 متری بدون تشییع و نماز میت و هیچ مراسمی و بسیار محدود و کاملاً بارعایت پرتکل های بهداشتی دفن کردند. فراموش نمیکنم پدر یا مادری که از کرونا مرده بود و فرزندان نیا شدند جنازه مادر یا پدرشان را برای دفن کردن تحویل بگیرند! دینا بهم ریخته بود! کسی به کسی نبود! قشنگ قیامت را با چشمانت در دنیای ناسوتی بخوبی میتوانستی ببینی! مادر از فرزند فاصله میگرفت. و فرزندان از والدینشان! دوست های صمیمی و عاشقان لیلی و مجنون تماماً عشقشان را فراموشی سپرده بودند و در آن دوران دیگر کسی عاشق چیزی یا کسی نمیشد! اگر میپرسیدی معشوق کجاست؟ با صد بهانه و آه و ناله و بد و بیراه داد میزد که برو بابا دلت خوشه عشق چیه! عاشق کیه! معشوق کجا بود! همه منکر همه چیز شده بودند!! باورتان میشود ماسک ها و مواد ضد عفونی و مایحتاج بهداشتی و ضروری مردم توسط بعضی انسان نما اهتکار میشد تا بتوانند گران تر بفروشند!! کفتار صفتان جامعه سر و کله شان پیدا شده بود واز اینکه مردم می مردند و به وحشت افتاده بودند خوشحال بودند! هرچه احتیاج مردم بیشتر میشد خوشحالی این کفتار ها هم افزون میگشت! در ایران هم خیلی وضع روحی و روانی و حال و هوای مردم خوب نبود!

خیلی ها با تعطیلی مساجد و مصلی های نماز جمعه و بسته شدن حرم ها و اماکن مقدسه همچین ناراحت که نشدند هیچ خوشحال هم بودند!

اوائل تعطیلی اماکن مقدسه جرات نداشتند خوشحالی خودشان را بروز دهند ولی نم نم به صدا درآمده و همچون شاغالان زوزه کشیدند و منکر همه چیز شدند! یادم نمیره کسی که دخترش را امام رضا علیه السلام شفا داده بود و باقرار پزشکان کشور و حتی خارج از کشور معجزه ای رخ داده بود و به عنایت ویژه حضرت ثامن الحجج به بهبودی کامل رسیده بود منکر معجزه و زیارت و شفا و شفاعت و امامت و همه چیز شده بود!

و با ژست روشن فکری آتش بیار معرکه بازار اشفته بی دینی شده بود! امتحان سختی بود. یجورایی انگار همه آنچه در دل داشتند را باید بیرون میریختند و محتوای درونی خودشان را در ویتترین گفتار به نمایش میگذاشتند! کسانی منکر همه چیز شده بودند که باورمان نمیشد! حوزه های علمیه و علما و بخصوص خطبا تازه متوجه شده بودند در طول این چند قرن کاری برای تربیت ریشه ای و اصولی مردم به دستگاه اهل بیت علیهم السلام نکرده اند! و هرچه بوده ظاهری بوده و سطحی! چطور یک ویروسی که میلیاردها از آن ویروس را اگر یک جا جمع کنند به اندازه نوک سوزنی نمیشود تمام کوه هایی از ادعاها و شعارها را زیر و رو کرد و با خاک یکسانشان نمود؟! ویروس نبود کرونا! بعقیده من زلزله اعتقادی و اخلاقی بود این ملعون! ویروس نبود! یک خانه تکانی اعتقادی بود که با تمامی سرعت هر چه در دلها بود را بیرون ریخت و بسیاری را به ورطه بی خدایی و

ص: 5

نامیدی کشاند! در ایران هم مذهب‌یون و متدینین ما به چند دسته تقسیم شدند بعضی ها! راه تفریط را پیش گرفته و با تعطیلی مطلق جلسات خیال خودشان و همه را راحت کرده و گفتند ما قاتل جان کسی نمیشویم! این همه سال روضه و جلسه دینی گرفتیم مگر چه اتفاقی افتاد؟! جالب بود. هم روضه ها را تعطیل کردند و هم روضه های خوانده شده را خنثی نمودند و بی ارزش و بی نتیجه نشان دادند! برخی راه افراط را در پیش گرفتند و منکر مرگ و میر و اصل ویروس شدند. که البته آبروریزی و خسارت این گروه هم کمتر از ویروس کرونا نبود! چه بسیاری که فحش ها و جسارت هایشان در دل و قلبشان انباشته شده بود و دنبال بهانه می‌گشتند تا نثار دین و مذهبی ها کنند. با این جماعت متحجر نافهم چنان فرصتی برایشان پیداشد که کوچک و بزرگ و ظالم و مظلوم را به باد فحش دهند. چه شبهاتی که بر علیه امامان معصوم و مراکز دینی مطرح نکرده و از داعشی ها بدتر تمام اعتقادات دینی مردم را سر بریدند! پیرزنی که 70 سال گریه کن امام حسین علیه السلام بود را به مرز انکار و کفر کشاندند! یادم نمیرود یه عده متحجر احمق یا مامور مخفی دشمن! نمیدانم چه نامی را بگویم که روز قیامت مسول نباشم ولی این گروه از خوارج نهران

بدتر عمل کردند. در ورودی مجالس اهل بیت (علیهم السلام) بنر زده و بر آن نوشته بودند لطفا بدون ماسک وارد شوید! وای از این بنرها و اطلاعاتیه ها چقدر عکس و فیلمبرداری شد و در

فضاهای مجازی پخش شد و چه بسیار فحش و ناسزا بر دین و متدینین فراهم گشت!

ولی بعضی ها عاقلانه ترین راه را برگزیدند! نه مجالس اهل بیت (علیهم السلام) را تعطیل کردند و نه نسبت به پرتکل های بهداشتی بی توجهی نمودند!

با تمام وجود در مراکز بهداشتی حضور و با پرسنل کادر بهداشت و درمان همکاری تنگاتنگ داشتند و نیز با تمام توان و قدرت و عشق پپای احیای مجالس اهل بیت (علیهم السلام) ایستادند و بی خیال روضه و سیلی مادر نشدند! محدودیت های بهداشتی را کاملاً رعایت کرده و مجالس جشن و عزاداری های مذهبی را بطور کامل و عالی برپا کردند! نه افراط کردند و نه تقریط! نه تند رفتند و نه کند! نه کنسل کردند نه با تجمع بدون رعایت بهداشت بهانه بدست دشمن ندادند! آفرین بر این گروهی که واقعا آبرو شدند برای مذهب و دین! هیاتی ها و مومنین هم در بیمارستان ها فعالیت خوبی داشتند. برای گند زدایی شهرو سرکشی و کمک به مراکز کرونا و غسل و کفن و دفن کرونایی ها کمکهای جانانه کردند. چه بسیار از طلاب مظلومی که هم از خودی متلک میشنیدند و هم از دشمن! در بیمارستان ها و غسلخانه ها شبانه روز در میدان جهاد و مبارزه با کرونا فعالیت داشته و خیلی از آنها نیز

کرونا گرفته و از دنیا رفتند!

ص: 7

البته خیلی هم از آمار طلاب شهید در راه سلامت صحبتی به میان نیامد! اگر پرستاری یا طبیی کرونا میگرفت و به شهادت میرسید در فضاهای مجازی و تلویزیون بارها خبرش را منتشر و مکررا به خانواده های داغدارشان سرکشی شد ولی دریغ از یک نگاه به طلاب شهیدمظلوم!! دریغ از یک مصاحبه با همسر داغدار طلبه ای که بخاطر کمک به کرونایی ها مبتلا و به شهادت رسیده بود! لعنت به ویروس کرونا که چه ها دیدیم!! و چه ها شنیدیم! بگذریم بحمدالله نم نم سفره این ویروس منحوس در حال جمع شدن است. رمضان سال 1400 در دوران کرونا فرا رسید و میبایست با رعایت پرتکل های بهداشتی مجلس آماده میگشت تا 30 شب میزبان مردم و جوانان متدین و روزه دار باشیم. هیات محترم جنت الرضای تهران تصمیم گرفت تا یک ماه مبارک رمضان را در حسینیه مرحوم ایت الله العظمی حاج سید احمد خوانساری برنامه اجرا کند. در انتخاب موضوع بحث بسیار مشورت شد تا خلاصه بعد از تفکر و نهایتا استخاره به این نتیجه رسیدم که موضوع ماه مبارک رمضان سال 1400 را در مورد آداب استغفار و آنچه در مورد آشتی با خدا باید بدانیم را مطرح کنم.

سین برنامه شبهای ماه رمضان اینگونه بسته شد

رسم خوبی که ما در هیات محترم جنت الرضا (علیه السلام) سنت کرده ایم این است که شروع مجلسمان را با قرائت یکی از ادعیه که غالبا حدیث کساء

ص: 8

ست آغاز کنیم. و مفتخریم که سالهاست قرائت شریف ادعیه را در خدمت برادران محترم سماواتیان که همگی از ذاکران و مناجات خوانان با اخلاص اهل بیت (علیهم السلام) در تهرانند میباشیم. بعد از قرائت حدیث کساء. یک ربع تلاوت قرآن کریم توسط یکی از قاریان ممتاز کشور واساتید بزرگ قرآنی قرائت میشود. از افتخارات دیگر هیات جنت الرضا این است که سالهای متمادیست از تلاوت زیبای استاد محترم جناب آقای دکتر پور زرگری تهران بهرمنند میشویم. بعد از تلاوت آیات قرآن کریم. بدلیل اینکه نام مبارک هیات مان مزین به نام مقدس و زیبای حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه الاف التحیه والثناء است. زیارت مخصوصه حضرت رضا (علیه السلام) را با نوای گرم ذاکر محبوب و با اخلاص اهل بیت (علیهم السلام) مرحوم حاج افاضانصاریان رحمه الله علیه زمزمه میکنیم تا تمامی مستمعین عزیز روی به مشهد مقدس ایستاده و در حالیکه دستهای ادب بر سینه و قلب نهاده اند با شور و معنویت خاصی زیارت مخصوصه را زمزمه کنند بعد از زیارت مخصوصه حضرت رضا (علیه السلام) نوبت به منبر و سخنرانی میرسد. احساس میشود همه روح و قلب تمامی مستمعین از هر نظر آماده است برای شنیدن معارف دینی و مطالب معرفتی.

وعدہ ما شب ہشتم ہر ماہ قمری در ہیات جنت الرضای تہران. یا علی

جلسه اول : (25/01/1400)

اشاره

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ نَحْمَدُكَ اللّٰهُمَّ يَا مَنْ نَوَّرَ قُلُوبَنَا بِأَنْوَارِ الْمَحَبَّةِ الْعَلَوِيَّةِ وَ أَكْمَلَ لَنَا دِينَنَا بِالْوَلَايَةِ الْمُرْتَضَوِيَّةِ وَ أَتَمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْنَا بِالْهُدَايَةِ الْحَيْدَرِيَّةِ وَ نُصَلِّي وَ نُسَلِّمُ عَلَى الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ وَ الْفَاتِحِ لِمَا أَنْغَلَقَ وَ الْمُعَلِّنِ الْحَقِّ بِالْحَقِّ وَ الدَّافِعِ جَيْشَاتِ الْأَبْطِيلِ، وَ الدَّامِعِ صَوْلَاتِ الْأَضَالِيلِ حَبِيبِكَ وَ حَبِيبِنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَطْيَبِينَ الْأَثَمَةَ الْهُدَاهِ الْمَعْصُومِينَ أَهْلِ الذِّكْرِ وَ أَوْلَى الْأَمْرِ وَ أَمْنَاءِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ لَا سِيَّمَا النُّورِ عَلَى النُّورِ فِي طُخْيَاءِ الدِّيَجُورِ وَ الْإِمَامِ الْمَنْصُورِ وَ السِّرَاجِ الْمَسْتَوْرِ مَهْدِيَّ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ خَاتِمِ الْأَثَمَةِ إِمَامِ زَمَانِنَا الْحُجَّجِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ وَ لَعْنَهُ اللَّهُ عَلَى مَنْ لَمْ يُقَرِّبُوا لَبَيْتِهِمْ أَوْعَدَ نَفْسَهُ فِي عِدَادِهِمْ أَوْ قَاسَ غَيْرَهُمْ بِهِمْ أَبَدًا الْآبِدِينَ وَ دَهْرًا الدَّاهِرِينَ . بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اللّٰهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّجِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

عرض سلام و ادب دارم خدمت همه شما مستمعین عزیز و از خداوند متعال میخوام تمام عبادات و طاعات و اعمال همه شما مورد قبول حضرتش قرار گیرد . بجهت تعجیل در فرج موفور السرور حضرت بقیه الله الاعظم صلواتی ختم بفرمائید: اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

بسیای از مومنین دوست دارند تا بیشتر با اذکار معنوی آشنا تر شده و درخواست دارند ذکری یا ختمی یا دعایی را به ما معرفی کنید تا بخوانیم و از گرفتاریهایمان بکاهیم .

در ابتدا بر آن شدم که شما را با روایاتی در مورد آداب و اذکار و آثار و فوائد نماز و توجه به خداوند مهربان آشنا تر تان نمایم

1- مبدا زمستان یا تابستان در عبادات ما تاثیر منفی بگذارد . از فصل های سال به بهترین نحو بهره برداری معنوی کنید (روضه الواعظین و بصیره المتعظین / ج 2 / ص 317)

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) { الشَّتَاءُ رَبِيعُ الْمُؤْمِنِ يَطُولُ فِيهِ لَيْلُهُ فَيَسَّ تَعِينُ بِهِ عَلَى قِيَامِهِ وَيَقْصُرُ فِيهِ نَهَارُهُ فَيَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى صِيَامِهِ } زمستان بهار مؤمن است، شبش بلند است و کمک عبادتست، روزش کوتاه است و کمک روزه است

2- نماز را اول بخوانیم همانطور که داروهایمان را طبق سفارش طبیب سر وقت میخوریم تا بهتر اثر کند

(مکارم الأخلاق / ص 301) قال الصادق (عليه السلام) { فَضْلُ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَى الْآخِرِ خَيْرٌ لِلْمُؤْمِنِ مِنْ وُلْدِهِ وَمَالِهِ } ارزش و فضیلت نماز اول وقت برای

(روضه الواعظین / ج 2 / ص 317) قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام) {صَلَاةٌ فَرِيضَةٌ خَيْرٌ مِنْ عَشْرِينَ حِجَّةً وَ حِجَّةٌ خَيْرٌ مِنْ بَيْتٍ مَمْلُوءٍ مِنَ الذَّهَبِ يُتَصَدَّقُ بِهِ حَتَّى يَفْنَى} حضرت فرمودند: گزاردن نماز واجب بهتر از بیست حج است و هر حجی بهتر از خانه بی انباشته از طلاست که صدقه داده شود تا تمام گردد.

(روضه الواعظین / ج 2 / ص 317) قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام) {إِذَا صَلَّيْتَ صَلَاةً فَرِيضَةً فَصَلِّهَا لِقَوْتِهَا صَلَاةً مُودَّعٍ تَخَافُ أَلَّا تَعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا ثُمَّ اصْرِفْ بِبَصَرِكَ إِلَى مَوْضِعِ سُجُودِكَ فَلَوْ تَعَلَّمْ مَنْ عَنِ يَمِينِكَ وَ شِمَالِكَ لَأَحْسَنْتَ صَلَاتَكَ وَ اعْلَمْ أَنَّكَ بَيْنَ يَدَيَّ مَنْ يَرَاكَ وَ لَا تَرَاهُ.} امام صادق (عليه السلام) فرمود: چون نماز واجب می گزاری آن را در اول وقت انجام بده آنچنان که گویی آخرین نماز تو است و بیم آن داری که دیگر هرگز موفق به آن نشوی و چشم به موضع سجده خود داشته باش. و اگر بدانی چه کسی سمت راست و چپ تو ایستاده است (فرشتگان) نمازت را بهتر خواهی گزارد و بدان که در آن حال در پیشگاه خدایی هستی که تو را می بیند و تو او را می بینی.

(مجموعه ورام / ج 1 / ص 164) وَ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) {عَنِ الطَّمَعِ فِيمَا رَوَاهُ أَبُو أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيُّ أَنَّ أَعْرَابِيًّا أَتَى النَّبِيَّ (صلى الله عليه و آله) فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عِظْنِي وَ أَوْجِزْ فَقَالَ إِذَا صَلَّيْتَ فَصَلِّ صَلَاةً مُودَّعٍ وَ لَا تُحَدِّثَنَّ بِحَدِيثٍ تَعْتَدِرُ مِنْهُ غَدًا وَ اجْمَعْ الْإِيَّاسَ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ} رسول خدا (صلى الله عليه و آله) در روایتی که

ابو ایوب انصاری نقل می کند و از طمع نهی فرموده است، می گوید: مرد عربی خدمت پیامبر (صلى الله عليه و آله) آمد، عرض کرد: یا رسول الله (صلى الله عليه و آله) مرا به سخنی کوتاه موعظه کن! پیامبر فرمود: وقتی که نماز می خوانی نماز وداع بخوان،

و هرگز سخنی را مگو که بعدها از آن معذرت خواهی کنی، و از آنچه دست مردم است، نومید باش .

(دعائم الإسلام/ج 1/134) وَعَنْ الْبَاقِرِ (عَلَيْهِ السَّلَام) أَنَّهُ قَالَ: { أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ إِذَا كَانَ فِي الصَّلَاةِ } امام باقر فرمودند : نزدیک ترین عبد به خداوند زمانی است که به نماز مایستد.

(هدایه الأئمه إلى أحكام الأئمه/ج 3/167) كَتَبَ أَبُو الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) إِلَى رَجُلٍ إِذَا صَلَّى فَأَطَّلِ السُّجُودَ { امام کاظم (علیه السلام) برای کسی نوشتند . هرگاه نماز خواندی سجده هایت را طولانی کن

(عده الداعی و نجاح الساعی/277/ص 277) وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) قَالَ: { إِذَا صَلَّى الصَّلَاةَ لَوْ قَتَلَهَا صَدَقَتْ وَلَهَا نُورٌ شَعِيرَةٌ عَانِيٌّ تَفْتَحُ لَهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ حَتَّى تَنْتَهِيَ إِلَى الْعَرْشِ فَتَشْفَعُ لِمَنْ لَصَاحِبِهَا وَ تَقُولُ حَفِظَكَ اللَّهُ كَمَا حَفِظْتَنِي وَ إِذَا صَدَقْتُ فِي غَيْرِ وَ قَتَلَهَا صَدَقَتْ مُظْلَمَةٌ تُعَلِّقُ دُونَهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ ثُمَّ تُلْفُ كَمَا يُلْفُ الثَّوْبُ الْخَلْقُ وَ يُصَدِّقُ بِهَا وَجْهَ صَاحِبِهَا فَتَقُولُ صَدَّقَكَ اللَّهُ كَمَا صَدَّقْتَنِي } از نبی اکرم روایت شده است که فرمود: هر گاه که نماز در وقتش خوانده شود بطرف آسمان بالا- رود در حالتی که نوری میدرخشد برای نماز گذار، درهای آسمان باز شود تا اینکه بعرش برسد سپس برای نماز- گذار شفاعت میکند و میگوید چنان که مرا نگهداری کردی خدا ترا نگهداری کند ولی هر گاه در خارج از وقت مختصش نماز را بخواند با آسمان بالا رود در حالت ظلمت و تاریکی و درهای آسمان برویش

بسته شود بعد پیچیده می شود مانند لباس کهنه و نماز بصورت صاحبش زده می شود سپس میگوید ضایع کردی مرا خدا ترا ضایع کند

(فلاح السائل و نجاح المسائل/161/177) اِبْنُ عَلِيٍّ الْكُوفِيُّ يَحْكِي عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنِي خَادِمُ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه و آله) { أَنَّهُ كَانَ لَهُ (عليه السلام) دَعَوَاتٌ يَدْعُو بِهِنَّ فِي عَقِيبِ كُلِّ صَلَاةٍ مَفْرُوضَةٍ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ عَلَّمَنِي دَعْوَاتِكَ هَذِهِ الَّتِي تَدْعُو بِهَا فَقَالَ (عليه السلام) إِذَا صَلَّيْتَ الظُّهْرَ فَقُلْ (بِاللَّهِ اعْتَصَمْتُ وَبِاللَّهِ أَتَّقِي وَعَلَيْهِ أَتَوَكَّلُ) عَشْرَ مَرَّاتٍ ثُمَّ قُلْ (اللَّهُمَّ إِنَّ عَظَمَتَ ذُنُوبِي فَأَنْتَ أَعْظَمُ وَإِنْ كَبُرَتْ تَقْرِيطِي فَأَنْتَ أَكْبَرُ وَإِنْ دَامَ بُخْلِي فَأَنْتَ أَجْوَدُ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي عَظِيمَ ذُنُوبِي بِعَظِيمِ عَفْوِكَ وَكَبِيرَ تَقْرِيطِي بِظَاهِرِ كَرَمِكَ وَاقْمَعْ بُخْلِي بِفَضْلِ جُودِكَ اللَّهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ } و از دیگر تعقیبات مهم، اقتدا به حضرت صادق جعفر بن محمد (علیه السلام) در دعاهایی است که آن بزرگوار در تعقیب نمازهای واجب می خواند، چنان که خادم آن حضرت می گوید: که آن بزرگوار (علیه السلام) در تعقیب نمازهای واجب دعاهایی را می خواند. به حضرت عرض کردم: ای پسر رسول خدا، دعاهایی را که می خوانی به من بیاموز، فرمود: وقتی نماز ظهر را خواندی سه بار در تعقیب نماز بگو: (بِاللَّهِ اعْتَصَمْتُ وَبِاللَّهِ أَتَّقِي وَعَلَيْهِ أَتَوَكَّلُ) تنها به خدا پناه برده، و چنگ زدم، و فقط به او اعتماد دارم، و تنها بر او توکل

نمودم. سپس بگو: (اللَّهُمَّ إِنَّ عَظَمَتَ ذُنُوبِي فَأَنْتَ أَكْبَرُ وَإِنْ دَامَ بُخْلِي فَأَنْتَ أَجْوَدُ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي عَظِيمَ ذُنُوبِي بِعَظِيمِ عَفْوِكَ وَكَبِيرَ تَقْرِيطِي بِظَاهِرِ كَرَمِكَ وَاقْمَعْ بُخْلِي بِفَضْلِ جُودِكَ اللَّهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ) خداوند، اگر گناهانم

بزرگ است، تو بزرگتری، واگر کوتاهی و تقصیرم بزرگ است، تو بزرگتری، واگر بخل و تنگ چشمی ام پیوسته است، تو بخشنده تری. خدایا، گناهان بزرگم رابه عفو و گذشت عظیمت، و کوتاهی بزرگ مرا به کرم آشکارت بیامرز، و بخلم رابا فزونی بخششت برکن. خدایا، هر نعمتی که داریم ازتوست، معبودی جز تونیست، از تطلب آمرزش نموده و به سوی توتوبه می کنم

(کامل الزیارات/146) حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ الْكُوفِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحِبِّ بْنِ أَبِي حَبِيبٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي حَبِيبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: { مِنْ أَحَبِّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى زِيَارَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) وَ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ إِدْخَالُ الشُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ وَ أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ هُوَ سَاجِدٌ بَاكِ } فرمود: محبوب ترین اعمال نزد حق تعالی زیارت قبر حضرت حسین (علیه السلام) بوده و برترین اعمال نزد او جلّ و علی ادخال سرور و شادی بر مؤمن است و نزدیک ترین بنده به خدا، بنده ای است که در حال سجود بدرگاه الهی گریان باشد.

(مکارم الأخلاق/ص389) رُوِيَ عَنِ الْعَالِمِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: { لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ فَسَبِّحْ بِلِغِّهِ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ لِكُلِّ دَاءٍ دُعَاءٌ فَإِذَا أَلْهِمَ الْمَرِيضُ الدُّعَاءَ فَقَدْ أَذِنَ اللَّهُ فِي شِفَائِهِ وَ قَالَ أَفْضَلُ الدُّعَاءِ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِمْ ثُمَّ الدُّعَاءُ لِلْإِخْوَانِ ثُمَّ الدُّعَاءُ لِنَفْسِكَ فِيمَا أَحْبَبْتَ وَ أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِذَا سَجَدَ وَ قَالَ الدُّعَاءُ أَفْضَلُ مِنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ لِأَنَّ

اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ (فرقان/77) {قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ ..} وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيُؤَخِّرُ إِجَابَةَ الْمُؤْمِنِ شَوْقًا إِلَى دُعَائِهِ وَيَقُولُ صَوْتٌ أَحَبُّ أَنْ أَسْمَعَهُ وَيَعْجَلُ إِجَابَةَ الْمُؤْمِنِ وَيَقُولُ صَوْتٌ أَكْرَهُ سَمَاعَهُ {از امام (علیه السلام): هر دردی را درمانی است، از حضرت توضیح خواستند؟ فرمود: هر دردی را دعائی است، و اگر مریض ملهم شد که دعا کند خداوند فرمان شفایش را صادر میکند. و فرمود: بهترین دعا 1- (صلوات بر محمد و آل محمد) است 2- بعد دعا برای برادران دینی 3- بعد دعا برای خود، و نزدیکترین حالات بنده به خدا حال سجده است، و فرمود: دعا از قرائت قرآن برتر است زیرا خداوند عز و جل میگوید: (فرقان/77) بگو اگر دعای شما نباشد خداوند من بشما اعتنا نخواهد کرد) و خداوند عز و جل از آنجا که به شنیدن دعای مؤمن شائق است در استجاب آن تأخیر میکند و میگوید: این صدا را دوست دارم که بشنوم، و در استجاب دعای منافق تعجیل می نماید و میفرماید: این صدائی است که از شنیدن آن اکراه دارم.

(تحصین فی صفات العارفين/ص 20) عَمْرٍو بْنِ نُفَيْلٍ قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ وَأَقْبَلَ عَلَيَّ أُسَامَةَ بْنَ زَيْدٍ فَقَالَ (صلى الله عليه وآله) { يَا أُسَامَةُ عَلَيْكَ

بِطَرِيقِ الْحَقِّ وَإِيَّاكَ أَنْ تَخْتَلِجَ دُونَهُ بِزَهْرِهِ رَغَبَاتِ الدُّنْيَا وَغَضَارِهِ نَعِيمِهَا وَبَائِدِ سُرُورِهَا وَزَائِلِ عَيْشِهَا فَقَالَ أُسَامَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَيْسَرُ مَا يَقْطَعُ بِهِ ذَلِكَ الطَّرِيقُ قَالَ السَّهْرُ الدَّائِمُ وَالظَّمْأُ فِي الْهَوَاجِرِ وَكَفُّ النَّفْسِ عَنِ الشَّهَوَاتِ وَتَرْكُ اتِّبَاعِ الْهَوَى وَاجْتِنَابُ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا يَا أُسَامَةُ عَلَيْكَ بِالصَّوْمِ

فَإِنَّهُ قُرْبَهُ إِلَى اللَّهِ وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَطْيَبَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ فَمِ صَائِمٍ تَرَكَ الطَّعَامَ وَ الشَّرَابَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ آثَرَ اللَّهِ عَلَى مَا سِوَاهُ وَ ابْتِغَاءَ آخِرَتِهِ بِدُنْيَاهُ فَإِنَّ اسْمَ تَطَعْتَ أَنْ يَأْتِيكَ الْمَوْتُ وَ أَنْتَ جَائِعٌ وَ كَيْدُكَ ظَمْآنٌ فَافْعَلْ فَإِنَّكَ تَنَالُ بِذَلِكَ أَشَدَّ رَفْعَ الْمَنَازِلِ وَ تَحُلُّ مَعَ الْأَبْرَارِ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ يَا أُسَامَةَ عَلَيْكَ بِالسُّجُودِ فَإِنَّهُ أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ إِذَا كَانَ سَاجِدًا وَ مَا مِنْ عَبْدٍ سَجَدَ لِلَّهِ سَجْدَةً إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا حَسَنَةً وَ مَحَا عَنْهُ سَيِّئَةً وَ رَفَعَ لَهُ بِهَا دَرَجَةً وَ أَقْبَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِوَجْهِهِ وَ بَاهَمَى بِهِ مَلَائِكَتَهُ يَا أُسَامَةَ عَلَيْكَ بِالصَّلَاةِ فَإِنَّهَا أَفْضَلُ أَعْمَالِ الْعِبَادِ لِأَنَّ الصَّلَاةَ رَأْسُ الدِّينِ {سعيد بن زید بن عمر و بن نقیل روایت کرده است که گفت: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حالی که رو به اسامه بن زید کرده بود شنیدم که می فرمود: ای اسامه! بر تو باد به راه حق، و پرهیز از این که به خاطر شگفتی و شکوفایی رغبت های دنیا و تازگی نعمت ها و شادی زودگذر و عیش ناپایدار آن راهی غیر حق پویی!. اسامه گفت: ای رسول خدا، آسانترین وسیله که بدان این طریق پیموده شود چیست؟ فرمود: شب زنده داری همیشگی، و تشنگی در گرما، و خودداری از شهوات، و ترک پیروی از امیال نفسانی، و پرهیز از ابناء دنیا. ای اسامه! بر تو باد به روزه داشتن، که آن موجب تقرب به درگاه خداوند

است، و نزد خداوند چیزی خوشبوتر از بوی دهان روزه دار نیست که طعام و شراب را به خاطر پروردگار عالمیان ترک نموده، و خدا را بر هر چه

غیر اوست برگزیده، و با ثمن دنیا آخرت را خریداری نموده است. پس اگر بتوانی که در حال گرسنگی و تشنگی جگر، مرگ به سراغت آید چنین کن که با این کار به منازل شریف دست یابی و با نیکان و شهیدان و صالحان همگام خواهی بود.

ای اسامه! بر تو باد به سجود، که نزدیکترین حالات بنده به پروردگار خود گاهی است که در سجده باشد. و بنده ای برای خدا سجده نکند جز این که خداوند به سبب آن حسنه ای برای وی بنویسد و گناهی از وی محو کند و یک درجه او را بالا ببرد و با روی خود به او روی کند و با او به فرشتگان خود مباحث نماید.

یا اسامه! علیک بالصلاه، فانها من افضل اعمال العباد لان الصلاه رأس الدین و عموده و ذوره سنامه) ای اسامه! بر تو باد به نماز، که آن را از برترین اعمال بندگان است. زیرا نماز سرّ دین و ستون و اوج بلندی آن است.

ای اسامه! از نفرین بندگان خدا بر حذر باش، آنان که بدن ها را نحیف ساخته و با غم ها هم آغوش اند، و گوشت ها را لاغر و چربی ها را آب و کبدها را تشنه و پوست ها را با بادهای گرم سوزانده اند، تا آن جا که چشمه‌هایشان از شوق به خداوند یگانه قهار تار گردیده است؛ زیرا چون خداوند به آنان ظر کند با آنان به فرشتگان مباحث نماید و با رحمت خود آنان را بپوشاند؛ خداوند به سبب آنان حرکات مضطرب و آشوبگر و فتنه ها را برطرف سازد.

سپس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به اندازه ای گریست که صدای گریه اش بلند و فریاد ناله اش شدید شد، و مردم ترسیدند که با او سخن گویند و

پنداشتند که گریه حضرت به خاطر امر تازه ای است که از آسمان آمده است. بعد سر مبارک برداشت و آهی دردمندانه کشید و فرمود: آه، آه، بدا به این امت که مطیعان خدا از دست آنان چه می کشند! تنها به این دلیل که فرمان خدا را برده اند، چگونه مطرود و مضروب می شوند و مورد تکذیب قرار می گیرند، و این امت آنان را به همین خاطر خوار و ذلیل می سازند. آگاه باشید که قیامت برپا نشود تا این که مردم کسانی را که از خدا فرمان می برند دشمن دارند و کسانی را که خدا را نافرمانی می کنند دوست بدارند.

(عده الداعی / ص 174) امام صادق (علیه السلام) {إِنَّ أَقْرَبَ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ الرَّبِّ وَهُوَ سَاجِدٌ يَبْكِي} فرمود: نزدیکترین حالات بنده به پروردگارش این است که به سجده رود و در آن حال، گریه کند

3- باید بدانیم تفاوت نماز اول وقت با آخر وقت مانند تفاوت بین دنیا آخرت است :

(مکارم الأخلاق/ص 301) قال الصادق (عليه السلام) {فَضْلُ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَى الْأَخِيرِ كَفَضْلِ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا} فرمودند: برتری نماز اول وقت بر نماز آخر وقت مثل برتری آخرت بر دنیا است

4- سعی کنیم نماهایمان را با تدبر و دقت بیشتری بخوانیم

ص: 19

(مکارم الأخلاق/ص 300) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) { رَكَعَتَانِ خَفِيفَتَانِ فِي تَدَبُّرٍ خَيْرٌ مِنْ قِيَامٍ لَيْلَةٍ } فرمود: دو رکعت مختصر با تدبّر بهتر است از یک شب تا صبح نماز خواندن با غفلت بی حضور قلب

5- اگر نمازهایمان را با حضور قلب و توجه کامل بخوانیم خطاب به مامیشود که آمرزیده شده ای.

(مکارم الأخلاق/ص 300) قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام) { مَنْ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ يَعْلَمُ مَا يَقُولُ فِيهِمَا انْصَرَفَ وَ لَيْسَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ذَنْبٌ إِلَّا غَفَرَ لَهُ } فرمود: هر که دو رکعت نماز گزارد و در نماز حضور قلب داشته باشد و متوجه باشد که چه می گوید، از نماز که فارغ شود برای او گناهی نیامرزیده نماند

6- اگر نماز اول وقت و با توجه بخوانیم از زمین و آسمان ندامیرسد که اگر بدانی با چه کسی مناجات میکنی هرگز گناه نخواهی کرد: (مکارم الأخلاق/ص 300) قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام) { قَالَ لِلْمُصَلِّي ثَلَاثُ خِصَالٍ إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ يَتَنَاثَرُ الْبُرُّ عَلَيْهِ مِنْ أَعْنَانِ السَّمَاءِ إِلَى مَفْرَقِ رَأْسِهِ وَ تَحُفُّ بِهِ الْمَلَائِكَةُ مِنْ تَحْتِ قَدَمَيْهِ إِلَى أَعْنَانِ السَّمَاءِ وَ مَلَكٌ يُنَادِي أَيُّهَا الْمُصَلِّي لَوْ تَعْلَمُ مَنْ تُنَاجِي مَا انْفَتَلَتْ } فرمود: برای نماز گزار سه چیز است: چون به نماز ایستد خویبها از اطراف آسمان بر سرش فرود آید، و ملائکه از زمین تا فراز آسمانها پر میشوند و ملکی فریاد میکند: ای نماز گزار اگر بدانی که با چه کسی مناجات میکنی هرگز غفلت نخواهی کرد .

7- هنگامی که بنده مؤمن برای انجام نماز بپا می خیزد، خداوند به سوی او نظر رحمت می کند (فلاح السائل و نجاح المسائل/ص 160) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) { إِذَا قَامَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ إِلَى صَلَاتِهِ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ أَوْ قَالَ أَقْبَلَ اللَّهُ إِلَيْهِ حَتَّى يَنْصَرِفَ وَأَظْلَمَتِ الرَّحْمَةُ مِنْ فَوْقِ رَأْسِهِ إِلَى أَفْقِ السَّمَاءِ وَالْمَلَائِكَةُ تَحُفُّهُ مِنْ حَوْلِهِ إِلَى أَفْقِ السَّمَاءِ وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا قَائِمًا عَلَى رَأْسِهِ يَقُولُ أَيُّهَا الْمُصَدِّقُ لَوْ تَعَلَّمُ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ وَمَنْ تَتَّحَى مَا التَفَّتْ وَلَا زِلَّتْ مِنْ مَوْضِعٍ عِكَ أَبَدًا } رسول خدا (صلى الله عليه و آله) فرمود: هنگامی که بنده مؤمن برای انجام نماز بپا می خیزد، خداوند به سوی او نظر رحمت می کند (یا خداوند به او توجه می نماید) تا اینکه نماز را به پایان ببرد، و رحمت از بالای سرش تا کرانه آسمان بر او سایه می افکند، و فرشتگان از گرداگرد یا از بالای سر او تا کرانه آسمان او را در بر می گیرند و خداوند فرشته ای را بر او می گمارد که روی سرش بایستاد و بگوید: ای نمازگزار، اگر می دانستی که چه کسی به تو می نگرد و با چه کسی مناجات می کنی، هرگز روی خود را بر نمی گرداندی، و هیچ گاه از جای تکان نمی خوردی .

8- چون نماز را خواندی چهره خویش روی خاک یا روی زمین قرار بده (کافی/ج 2/ص 123) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيَّ

مُوسَى ع أَنْ يَا مُوسَى أَتَدْرِي لِمَ اصَّ طَفَيْتُكَ بِكَلَامِي دُونَ خَلْقِي قَالَ يَا رَبِّ وَلِمَ ذَاكَ قَالَ فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَيْهِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي قَلَّبْتُ

عِبَادِي ظَهَرًا لِبَطْنٍ فَلَمْ أَحِدْ فِيهِمْ أَحَدًا أَذَلَّ لِي نَفْسًا مِنْكَ يَا مُوسَى إِنَّكَ إِذَا صَدَّ لَيْتٌ وَصَدَّ مَعَتَّ خَدَّكَ عَلَى التُّرَابِ أَوْ قَالَ عَلَى الْأَرْضِ {امام صادق (علیه السلام) فرمود: خدای عز و جل بموسی (علیه السلام) وحی فرمود که: ای موسی! آیا میدانی چرا از میان همه مخلوقم ترا برای سخن گفتن با خود برگزیدم؟ عرض کردم: پروردگارا برای چه بود؟ خدای تبارک و تعالی با وحی کرد که: ای موسی من بندگانم را زیر و رو کردم (بررسی کامل نمودم) در میان آنها کسی را از تو فروتن در برابر خود ندیدم. ای موسی! تو چون نماز میگزاری چهره خویش روی خاک یا روی زمین مینهی!.

9- بعد از هر نماز صبحی که خواندی 7 مرتبه این ذکر را تکرار کن. تا 70 بلا از تو دور گردد (أصول کافی/ج 4/ص 304) حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: چون نماز صبح و مغرب را خواندی هفت بار بگو: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: لا- حول و لا- قوه الا- بالله العلی العظیم) زیرا همانا هر کس آن را بگوید دیوانگی و خوره و پستی و هفتاد نوع (دیگر) از انواع بلا باو نرسد.

چون نماز مغرب و نماز صبح را خواندی با کسی سخن مگو و صد بار بگو: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم) تا 100 نوع بلا را خداوند از تو دور نماید: (کافی/ج 2/ص 531) قَالَ أَبُو الْحَسَنِ (علیه السلام) { إِذَا صَدَّ لَيْتٌ الْمَغْرِبَ فَلَا تَبْسُطُ رِجْلَكَ وَ لَا تُكَلِّمُ أَحَدًا حَتَّى تَقُولَ مِائَةَ مَرَّةٍ }

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ مِائَةَ مَرَّةٍ فِي الْغَدَاةِ { حضرت ابو الحسن (علیه السلام) حضرت کاظم یا حضرت رضا علیهما السلام) فرمود: چون نماز مغرب و نماز صبح را خواندی پایت را نکش و با کسی سخن مگو تا صد بار بگوئی: بسم الله الرحمن الرحيم، لا- حول و لا- قوه الا- بالله العلی العظیم) پس هر که آن را گوید خداوند از او صد نوع از انواع بلا دفع کند که از آن انواع است: پستی و خوره و (بلائی که از) شیطان و سلطان (رسد).

10- بعد از نماز مغرب دست بر صورت و پیشانی خود بکش و این دعا را سه مرتبه بخوان

(کافی/ج 2/ص 549) عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) { إِذَا صَلَّيْتَ الْمَغْرِبَ فَأَمِّرْ يَدَكَ عَلَى جَبْهَتِكَ وَقُلْ (بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ . الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ أَذْهَبْ عَنِّي الْهَمَّ وَالْغَمَّ وَالْحَزْنَ) ثَلَاثَ مَرَّاتٍ { امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر گاه نماز مغرب را خواندی، دست بر پیشانی خود بکش و سه بار این ذکر را بگوید

چون نماز مغرب را خواندی بنشین بر سجاده ات و با کسی سخن مگو تا صد بار این ذکر را بگوئی (عده الداعی و نجاح الساعی/277/ص 277) سَعِيدُ بْنُ زَيْدٍ قَالَ قَالَ أَبُو

الْحَسَنِ (عليه السلام) { إِذَا صَلَّيْتَ الْمَغْرِبَ فَلَا تَبْسُطْ رِجْلَكَ وَلَا تُكَلِّمْ أَحَدًا حَتَّى تَقُولَ مِائَةَ مَرَّةٍ - (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ

الْعَظِيمِ) مِائَةٌ مَرَّةً فِي الْمَغْرِبِ وَ مِائَةٌ مَرَّةً فِي الْعَدَاةِ فَمَنْ قَالَهَا دَفِعَ عَنْهُ مِائَةٌ مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ ۚ أَدْنَى نَوْعٍ مِنْهَا الْبَرَصُ وَالْجُدَامُ وَالشَّيْطَانُ وَالشُّلْطَانُ { حضرت علی (علیه السلام) یا حضرت کاظم (علیه السلام) یا حضرت رضا (علیه السلام) فرمود: چون نماز مغرب را خواندی بنشین بر سجاده ات و با کسی سخن مگو تا صد بار بگوئی (بسم الله الرحمن الرحيم، لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم) و صد بار هم پس از نماز صبح بگو، پس هر که آن را گوید خداوند از او صد نوع از انواع بلا دفع کند که از آن انواع است: پیسی و خوره و (بلائی که از شیطان و سلطان (رسد)).

نماز مغرب را خواندی 8 رکعت نماز بخوان و بعد از هر دو رکعت نمازی تسبیحات حضرت زهرا (علیها السلام) را بگو و بعد از هر دو رکعت نماز بعد از تسبیحات حضرت زهرا (علیها السلام) این دعا را بخوان (بحار ج 94/359) فَمِنْهَا فِي تَهْدِيْبِ الْأَحْكَامِ وَغَيْرِهِ عَنِ الصَّادِقِ (علیه السلام) { إِذَا صَلَّيْتَ الْمَغْرِبَ وَ نَوَّافِلَهَا فَصَلِّ الثَّمَانِي رَكَعَاتِ الَّتِي بَعْدَ الْمَغْرِبِ فَإِذَا صَلَّيْتَ رَكَعَتَيْنِ فَسَبِّحْ تَسْبِيحَ الزُّهْرَاءِ ع بَعْدَ كُلِّ رَكَعَتَيْنِ وَقُلِ (اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ ۚ وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ ۚ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ ۚ وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ ۚ وَأَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَدْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتِ فِيهِ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ أَخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتِ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ } زمانی که نماز مغرب را خواندی 8 رکعت نماز بخوان و بعد از هر دو رکعت نمازی تسبیحات حضرت زهرا (علیها السلام) را بگو و بعد از هر دو رکعت نماز تسبیحات حضرت زهرا (علیها السلام) این دعا را بخوان .

نماز مغرب را که خواندی دستهایت را بلند کن و این دعا را بخوان و

سپس 100 مرتبه بگو (توب الی الله وانت ساجد) و سپس حاجتت را بخواه که مستجاب میشود: (کافی/ج 4/ص 167) قال الصادق(علیه السلام) { وَإِذَا صَلَّيْتَ الثَّلَاثَ الْمَغْرِبِ فَارْفَعْ يَدَيْكَ وَقُلْ (يَا ذَا الْمَنِّ يَا ذَا الطَّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ يَا مُصْطَفِيًّا مُحَمَّدًا وَ نَاصِرَهُ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ أَحْصَيْتُهُ عَلَيَّ وَ نَسَيْتُهُ وَ هُوَ عِنْدَكَ فِي كِتَابِكَ وَ تَحْرُسُ سَاجِدًا) وَ أَنْتَ إِلَى اللَّهِ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ } وَ تَسْأَلُ حَوَائِجَكَ { امام صادق(علیه السلام) فرمودند: هرگاه نماز مغرب را خواندی دستانت را بلند کن و بگو (یا ذَا الْمَنِّ يَا ذَا الطَّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ يَا مُصْطَفِيًّا مُحَمَّدًا وَ نَاصِرَهُ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ أَحْصَيْتُهُ عَلَيَّ وَ نَسَيْتُهُ وَ هُوَ عِنْدَكَ فِي كِتَابِكَ وَ تَحْرُسُ سَاجِدًا) و 100 مرتبه بگو (أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ) و سپس حوائجت را بخواه.

11- اگر جایی از بدنت درد میکند بعد از نماز یک دست بر مهرنمازت و دست دیگر را بر محل درد بگذار و این ذکر را بخوان (کافی/ج 2/ص 567) عَنْ حُسَيْنِ الْخُرَّاسَانِيِّ وَ كَانَ خَبَّازًا قَالَ: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ جَعَأَ بِي فَقَالَ إِذَا صَلَّيْتَ فَضَعْ يَدَكَ مَوْضِعَ سُجُودِكَ ثُمَّ قُلْ { بِسْمِ اللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) اَشْفِنِي يَا شَافِي لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ شِفَاءً لَا يُعَادِرُ سُقْمًا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ }

حسین خراسانی نانوا گوید: از دردی که داشتم بحضرت صادق (علیه السلام) شکایت کردم، فرمود: چون نماز خواندی پس بجای سجده ات دست بگذار

اگر بدرد چشم مبتلا هستی بعد از نماز صبح و مغرب این دعا را بخوان: (کافی/ج 2/ص 549) عَنْ مُحَمَّدِ الْجُعْفِيِّ عَنِ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: { كُنْتُ كَثِيرًا مَا أَشْتَكِي عَيْنِي فَشَكَوْتُ ذَلِكَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَقَالَ أَلَا أَعْلَمُكَ دُعَاءً لِدُنْيَاكَ وَ آخِرَتِكَ وَ بَلَاغًا لِيُوجِعَ عَيْنَيْكَ قُلْتُ بَلَى قَالَ تَقُولُ فِي دُبْرِ الْفَجْرِ وَ دُبْرِ الْمَغْرِبِ (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلِ النُّورَ فِي بَصَرِي وَ الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَ الْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَ السَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَ السَّعَةَ فِي رِزْقِي وَ الشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي } محمد جُعْفِي از پدرش حدیث کند که گفت: من بسیار بدرد چشم مبتلا میشدم پس از این درد بحضرت صادق (عليه السلام) شکایت کردم فرمود: آیا دعائی بتو نیاموزم که برای دنیا و آخرت (سودمند باشد) و درد چشم تو را کفایت کند؟ عرض کردم: چرا: فرمود: پس از نماز صبح و نماز مغرب این ذکر را بگو.

اگر بیماری سخت و طاقت فرسایی داری بعد از هر نماز واجبی دستهایت را بلند کن و این دعا را بخوان و بعد از خواندن این دعا با دست راست بر سر خود بکش و این دعا را بخوان: (طب الأئمه/74) قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام) { إِذَا صَدَّ لَيْتُ الْفَرِيضَةَ فَأَبْسُطْ يَدَيْكَ جَمِيعًا إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ قُلْ بِخُشُوعٍ وَ اسْتِكَانَةٍ أَعُوذُ بِجَلَالِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ بَهَائِكَ وَ سُلْطَانِكَ مِمَّا أَحْدُ يَا

عَوْثِي يَا اللَّهُ يَا عَوْثِي يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا عَوْثِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا عَوْثِي يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ أَغْنِنِي أَغْنِنِي ثُمَّ امْسَحْ بِيَدِكَ الْيُمْنَى عَلَى هَامَتِكَ وَ تَقُولُ يَا مَنْ سَكَنَ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ سَكَّنْ مَا بِي بِقُوَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَكَّنْ مَا بِي } مفضل بن عمر نقل کرد،

شخصی از برادرانمان نزد امام صادق (علیه السلام) آمد و شکایت همسرش از نگاه و چشم و شکم و ناف و درد سر و شقیقه به خدمت حضرت آورد و گفت: ای فرزند رسول خدا، شب‌ها تا به صبح بیدار است و تمام شب را از درد فریاد می‌زند و ما از گریه و فریاد او خسته شدیم، پس با دعایی بر ما و او منت نهید.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر گاه نماز واجب را خواندی دستانت را رو به آسمان بگشای و با خشوع و خواری بگو پناه می‌برم به جلال و جمال و قدرت و نور و پادشاهی ات از دردی که دارم ای فریادرس من ای خدا ای فریادرس من ای رسول خدا ای فریادرس من ای امیر مؤمنان ای فریادرس من ای فاطمه دختر رسول خدا به فریاد من برس به فریاد من برس سپس با دست راست بر سر خود بکش و بگو ای کسی که آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان آنهاست به تو آرام گرفتند، به قدرت و نیروی خود درد مرا آرام کن بر محمد و خاندان وی درود فرست و درد مرا آرام کن.

اگر بیماری داری بعد از نماز ظهر 10 مرتبه بگو یا الله (طب الأئمه/121/ فی النظره و العین و البطن) مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (علیه السلام) { أَنَّهُ أَشَدُّ تَكْوِيْنًا بَعْضُ وُلْدِهِ فَدَنَا مِنْهُ فَقَبَّلَهُ ثُمَّ قَالَ يَا بَنِيَّ كَيْفَ تَجِدُكَ، قَالَ أَجِدُنِي وَجِعًا قَالَ قُلْ إِذَا صَدَّ لَمَيْتَ الظُّهْرِ (يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ) عَشْرَ مَرَّاتٍ. فَإِنَّهُ لَا يَقُولُهَا مَكْرُوبٌ إِلَّا قَالَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَبَّيْكَ عَبْدِي مَا حَاجْتُكَ؟ روایت است:

زمانی که یکی از فرزندان محمد بن علی علیهما السلام از دردمی نالید، ایشان به او نزدیک شدند و او را بوسیدند، سپس فرمودند: ای فرزندم،

حالت چطور است؟ جواب داد: درد دارم. امام (علیه السلام) فرمودند: بعد از نماز ظهر ده بار بگو: یا الله یا الله، به درستی که هر گرفتاری چنین کند، خداوند بلندمرتبه می فرماید: اجابت کردم ای بنده من، حاجت چیست؟ 12- برای دفع شر دشمن و رها شدن مال از بلوکه شدن بعد از نمازهای در حال سجده این ذکر را یک نفس بگو: (کافی/ج 3/ص 328) عَنْ زِيَادِ الْقَدِيدِيِّ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ (علیه السلام) عَلَّمَنِي دُعَاءً فَإِنِّي قَدْ بُلِّيتُ بِشَيْءٍ وَكَانَ قَدْ حُسِسَ بِبَغْدَادَ حَيْثُ اتَّهَمُ بِأَمْوَالِهِمْ فَكَتَبَ إِلَيْهِ إِذَا صَلَّيْتَ فَأَطِلِ السُّجُودَ. ثُمَّ قُلْ { يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ } حَتَّى تَنْقَطِعَ النَّفْسُ ثُمَّ قُلْ { يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا جُوداً وَكِرْماً } حَتَّى تَنْقَطِعَ نَفْسُكَ ثُمَّ قُلْ { يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ أَنْتَ أَنْتَ الَّذِي انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمٌ } قَالَ زِيَادٌ فَدَعَوْتُ بِهِ فَفَرَّجَ اللَّهُ عَنِّي وَخَلَّى سَبِيلِي { زیادقندی میگوید نامه ای نوشتم به حضرت کاظم (علیه السلام) که مولای من به من تعلیم دهید دعایی را . زیرا مبتلا شده ام به یک گرفتاری بزرگی محبوس کرده اند اموال مرا در بغدا بخاطر تهمتی که به من زده شده است . حضرت کاظم (علیه السلام) در جواب نامه نوشتند هرگار نماز خواندی سجدهایت را طولانی کن و در حال سجده این ذکر را تا قطع نفس بگو (یا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ) (یعنی

جدایی نیفتد بین گفتن این ذکر. پشت سرهم یک نفس بگو) بعد از این ذکر دوباره تا قطع نفس این ذکر بگو (یا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا جُوداً وَكِرْماً) بعد از این ذکر دوباره تا قطع نفس این ذکر بگو (یا رَبَّ الْأَرْبَابِ أَنْتَ أَنْتَ الَّذِي انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمٌ) زیادقندی میگوید من طبق فرمایش و دستور امام کاظم (علیه السلام) عمل کردم

13- بعد از نماز عصرت 77 مرتبه استغفار کن تا خدا 77 گناهات را بیامزد (امالی اطوسی ص 507) حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ فُضَيْلٍ الصَّيْرَفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِي مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)، قَالَ: قَالَ رَجُلٌ لِلنَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله): يَا رَسُولَ اللَّهِ، عَلَّمَنِي عَمَلًا لَا يُحَالُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ. قَالَ (صلى الله عليه وآله) لَا تَغْضَبْ، وَلَا تَسْأَلِ النَّاسَ شَيْئًا وَارْضَ لِلنَّاسِ مَا تَرْضَى لِنَفْسِكَ. فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، زِدْنِي. قَالَ (صلى الله عليه وآله) إِذَا صَلَّيْتَ الْعَصْرَ (فَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ) سَبْعًا وَ سَبْعِينَ مَرَّةً يَحُطُّ عَنْكَ عَمَلٌ سَبْعٍ وَ سَبْعِينَ سَنَةً. قَالَ: مَا لِي سَبْعٌ وَسَبْعُونَ سَنَةً فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فَاجْعَلْهَا لَكَ وَ لِأَيِّكَ وَ لِأُمَّكَ وَ لِقَرَابَتِكَ {از حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) روایت شده که

مردی به پیامبر (صلى الله عليه وآله) عرض کرد که ای رسول خدا بمن کردار شایسته ای بیاموز که میان آن کردار و بهشت فاصله ای نباشد. فرمود: 1- خشم مکن 2- و چیزی از کسی نخواه 3- هر چه را برای خود می پسندی برای مردم همان را بپسند. عرض کرد: ای رسول خدا بیشتر

بفرما فرمود: هرگاه نماز عصر را خواندی 77 مرتبه طلب آمرزش از خدا کن که 77 گناه از تو بریزد

عرضکرد: من هفتاد و هفت گناه ندارم . فرمود قرار ده آن را برای خود و پدرت عرضکرد برای من و پدرم هفتاد و هفت گناه نیست. فرمود: برای خود و پدر و مادرت قرار ده عرضکرد برای من و پدر و مادرم این قدر گناه نیست فرمود: برای خودت و آنها و فامیلت قرار ده.

جلسه دوم (26/01/1400)

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي نَوَّرَ قُلُوبَنَا بِشُعَاعِ أَنْوَارِ الْمَحَبَّةِ الْعَلَوِيَّةِ وَ جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِالْوَلَايَةِ الْمُرتَضَوِيَّةِ الَّتِي فَرَضَ اللَّهُ مَوَدَّتَهُ عَلَى الْعَرَبِيَّةِ وَالْعَجَمِيَّةِ وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَى مُبَلِّغِ الرِّسَالَةِ الْإِلَهِيَّةِ سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا وَ حَبِيبِ قُلُوبِنَا وَ طَبِيبِ نَفُوسِنَا وَ شَفِيعِ ذُنُوبِنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ الْقَرَشِيِّهِ وَ اللَّعْنُ الْمُؤَبَّدُ عَلَى مُخَالِفِيهِمْ وَ مُنْكَرِي فَضَائِلِهِمْ وَ مَنَاقِبِهِمْ وَ غَاصِبِي حُقُوقِهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا وَ سَنَدِنَا وَ صَاحِبِنَا بِالْحَقِّ بَقِيَةِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ وَ سَهَّلَ مَخْرَجَهُ وَ جَعَلْنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنْ أَحْسَنِ أَصْحَابِهِ وَ أَنْصَارِهِ وَ الرَّاظِينَ بِفِعْلِهِ وَ قَوْلِهِ وَ الْمُؤْتَمِرِينَ بِأَمْرِهِ وَ أَظْهَرَ بِهِ الْحَقَّ وَ أَمَتَ بِهِ الْجَوْرَ وَ اسْتَقْبَدَ بِهِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الذُّلِّ وَ انْعَشَ بِهِ الْبِلَادَ وَ أَقْتَلَ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرَةِ وَ زُنُوسَ الضَّلَالَةِ وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الْمَعْصُومِينَ وَ عَلَى أُمَّه نَرْجِسَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

بسم الله الرحمن الرحيم اللَّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَوَاتِكَ

ص: 30

عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّىٰ تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

مقدمه :

بعد از مطالعه دقیق و آشنایی با این احادیث زیبا در مورد آداب و اذکار بعد از نماز های واجب

به آیات و روایات و احادیثی میپردازیم که در مورد آثار و آداب و فوائد استغفار میباشد تا انشاء الله مانیز با عمل به این دستور بسیار مهم الهی جزء مستفخرین باشیم.

فوائد و آثار استغفار در قرآن کریم

(نوح/10) {فَقُلْتُ إِنَّهُ تَغْفِرُوا رَبِّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا - يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا - وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا} پس به آنها گفتم از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است* تا باران های پربرکت آسمان را پی در پی بر شما بفرستد و خدای متعال شما را با اموال و فرزندان فراوان امداد کند و باغ های سرسبز و نهلهای جاری در اختیارتان قرار دهد

آثار استغفار در آیه شریفه (نوح/10):

1- آمرزش گناهان 2- نزول باران و اشک چشم 3- پربرکت و ازدیاد اموال 4- ازدیاد و برکت اولاد 5- برکت باغات و آبادانی و پرآبی و شادابی شهر و کشور

اهمیت استغفار

ص: 31

دوچیز عالمِ ملکی را نگاه داشته و میدارد 1- وجود ولی خدا (صلی الله علیه و آله) 2- استغفار: (أنفال/33) {وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ}

خدا بر آن نیست که آنان را در حالی که تو در میان آنان به سر می بری، عذاب کند و تا ایشان طلب آمرزش می کنند، خدا عذاب کننده آنان نخواهد بود

بهترین ساعت استغفار: (بین الطلوعین) صبحگاهان و قبل از غروب و سحراست

(ذاریات/18) {وَبِالْأَشْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ} و سحرگاهان از خدا درخواست آمرزش می کردند

بهترین روش استغفار: تضرع بصورت مخفیانه است (اعراف/205) {وَ اذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَ خِيفَةً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَ الْآهِصَالِ وَ لَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ} و پروردگارت را در دل خود بامدادان و شامگاهان از روی فروتنی و زاری و بیم و ترس به صدایی آرام و آهسته یاد کن و نسبت به ذکر خدا از بی خبران مباش

1- مقربین هم استغفار می کنند

استغفار حضرت آدم (علیه السلام) (اعراف/23) {قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَ إِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَ تَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ}

استغفار حضرت نوح (علیه السلام)

(نوح/28) {قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنُ مِنَ الْخَاسِرِينَ} (هود/47) {رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِيُوالِدِي وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ }

استغفار حضرت ابراهيم (عليه السلام) (ابراهيم/41) {رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَ لِيُوالِدِي وَ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ }

استغفار حضرت موسى (عليه السلام) (اعراف/151) {قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِأَخِي }

فرمان خدا به رسول الله (صلى الله عليه و آله) (مومنون/118) {وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ} (نساء/106) {وَ اسْتَغْفِرِ اللّٰهَ إِنّ اللّٰهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا }

(نصر/3) {فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ اسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا }

(محمد/19) {فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللّٰهُ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ }

استغفار حضرت رسول اكرم (صلى الله عليه و آله) (كافى/ج2/ص504) - (وسائل الشيعه/ج7/ص180)

قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ (صلى الله عليه و آله) يَسْتَعْفِرُ اللّٰهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً وَ يَتُوبُ إِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ سَبْعِينَ مَرَّةً أَنَّهُ كَانَ يَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَ يَتُوبُ إِلَيْهِ مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ }

استغفار انبيا و مؤمنين: (آل عمران/146-147) {وَ كَأَيُّنَ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرًا فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَ مَا ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكَانُوا وَ اللّٰهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ وَ مَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا }

ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبَّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ {

2- سختی و بلا به خاطر استغفار کردن (بحار/ج 64/ص 229) قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) { إِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَأَذْنَبَ ذَنْبًا أَتْبَعَهُ بِنِقْمِهِ وَيَذْكُرُهُ إِلَّا سَدَّ تَغْفَارًا وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِعَبْدٍ شَرًّا فَأَذْنَبَ ذَنْبًا أَتْبَعَهُ بِنِعْمِهِ فَيَنْسِيهِ الْإِسْتِغْفَارَ وَيَتِمَادَى بِهِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (اعراف/182) { سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ } { بِالنِّعَمِ عِنْدَ الْمَعَاصِي }

3- فراموشی استغفار، نشانه شقاوت است (بحار/ج 6/ص 34) قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) { إِنَّ الْكَافِرَ لَيَسِي ذَنْبُهُ لَيْلًا يَسِي تَغْفِرَ اللَّهُ } (بحار/ج 64/ص 229) قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) { إِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَأَذْنَبَ ذَنْبًا أَتْبَعَهُ بِنِقْمِهِ وَيَذْكُرُهُ إِلَّا سَدَّ تَغْفَارًا وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِعَبْدٍ شَرًّا فَأَذْنَبَ ذَنْبًا أَتْبَعَهُ بِنِعْمِهِ فَيَنْسِيهِ الْإِسْتِغْفَارَ وَيَتِمَادَى بِهِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (اعراف/182) { سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ } { بِالنِّعَمِ عِنْدَ الْمَعَاصِي }

4- فقط برای مؤمنین استغفار کن (بحار/ج 71/ص 67) قَالَ الْكَاسِمُ (عليه السلام) { قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ مُسْلِمٍ وَابْوَاهُ كَافِرَانِ هَلْ يَصْلُحُ لَهُ أَنْ يَسِي تَغْفِرَ لَهُمَا فِي الصَّلَاةِ قَالَ إِنْ كَانَ فَارَقَهُمَا صَدِّغِيًّا لَا يَدْرِي أَسَدَّ لِمَا أَمْ لَا فَلَا بَأْسَ وَإِنْ عَرَفَ كُفْرَهُمَا فَلَا يَسْتَغْفِرُ لَهُمَا وَإِنْ لَمْ يَعْرِفْ فَلْيَدْعُ لَهُمَا } (از امام کاظم (عليه السلام) سؤال شد که آیا برای پدر و مادر کافر می شود استغفار کرد؟ حضرت فرمود: اگر زمانی که بچه بودی والدینت فوت شدند و

نمیدانی که مسلمان بوده اند یا کافر. استغفار برای آنان مانعی ندارد ولی اگر یقین داری و می دانی کافر بوده اند (فَلَا يَسْتَغْفِر لَهُمَا...)

5- بهترین چیزها برای انسان : (بحار/ج6/ص294) قال رسول الله (صلى الله عليه و آله) { خَيْرُ مَا يُخَلِّفُهُ الرَّجُلُ بَعْدَهُ ثَلَاثَةٌ وَلَدٌ بَارٌّ يَسْتَغْفِرُ لَهُ وَ سُنَّةٌ خَيْرٌ يَتَّبِعُ فِيهَا وَ صَدَقَةٌ تَجْرِي مِنْ بَعْدِهِ } خداوند خیر هرکسی را بخواهد بعد از مرگش سه چیز را صدقه جاریه بر او قرار می دهد
1- فرزند صالح و ابرومندی که برای او استغفار کند-2 سنت حسنه ای که بیادگار گذاشته است 3- و صدقه ای که بعد از مرگش نیز جاری و
واصل باشد

6- دعای ملائکه برای استغفار کنندگان است: (غافر/70) { الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَوْمَئِذٍ بِهِمْ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يَسْتَعْفِفُونَ لِذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَ اتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ } فرشتگانی که عرش را حمل می کنند و آنان که پیرامون آن هستند، همراه سپاس و ستایش، پروردگارش را تسبیح می گویند و به او ایمان دارند و برای اهل ایمان آموزش می طلبند، و می گویند: پروردگارا! از روی رحمت و دانش همه چیز را فرا گرفته ای، پس آنان را که توبه کرده اند و راه تورا پیروی نموده اند ببامرز، و آنان را از عذاب دوزخ ننگه دار

ص: 35

1- دواى گناهان استغفار است (مستدرک الوسائل/ج 11/ص 333) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) { لِكُلِّ شَيْءٍ دَوَاءٌ وَدَوَاءُ الذُّنُوبِ الْإِسْتِغْفَارُ } { كافي/ج 2/ص 439} قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) { أَلَا أُبَيِّنُكُمْ بِدَائِكُمْ مِنْ دَوَائِكُمْ ذَاوَكُمُ الذُّنُوبُ وَدَوَاوَكُمُ الْإِسْتِغْفَارُ }

2- جامع ترین دعاها استغفار است قال أبو عبد الله (عليه السلام) { إِنَّ مِنْ أَجْمَعِ الدُّعَاءِ الْإِسْتِغْفَارُ } { بحار/ج 90/ص 283} 3

- وسیله نجات استغفار است قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) { عَلَيْكَ بِالْإِسْتِغْفَارِ فَإِنَّهُ الْمُنْجَاهُ } { بحار/ج 66/ص 403}

قال امير المومنين (عليه السلام) { لَا شَفِيعَ أَنْجَحَ مِنْ الْإِسْتِغْفَارِ } { غررالحکم/ص 195}

4- هیچ عطر و بوی خوشی همانند استغفار نیست (أمالی طوسی/ص 372) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) { عَطَّرُوا بِالْإِسْتِغْفَارِ لَا تَقْضَحُكُمْ رَوَائِحُ الذُّنُوبِ }

5- اسلحه گناه کار استغفار است (غررالحکم/ص 195) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) { سِلَاحُ الْمُذْنِبِ الْإِسْتِغْفَارُ }

6- صدایی که خدا دوست دارد نوای استغفار است (مستدرک الوسائل/ج 12/ص 146) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) { إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ ثَلَاثَةَ أَصْوَاتٍ صَوْتِ الدِّيَكِ وَصَوْتِ قَارِي الْقُرْآنِ وَصَوْتِ الَّذِينَ يَسْتَغْفِرُونَ بِالْأَسْحَارِ }

7- یکی از الطاف خدا تعلیم استغفار به انسان بود

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) { أَكْثِرُوا الْإِسْتِغْفَارَ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُعَلِّمَكُمْ الْإِسْتِغْفَارَ إِلَّا وَهُوَ يُرِيدُ أَنْ يَغْفِرَ لَكُمْ }

(تحف العقول/41) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) { مَنْ أُعْطِيَ أَرْبَعًا لَمْ يُحْرَمَ أَرْبَعًا مَنْ أُعْطِيَ الْإِسْتِغْفَارَ لَمْ يُحْرَمِ الْمَغْفِرَةَ وَ مَنْ أُعْطِيَ الشُّكْرَ لَمْ يُحْرَمِ الزِّيَادَةَ وَ مَنْ أُعْطِيَ التَّوْبَةَ لَمْ يُحْرَمِ الْقَبُولَ وَ مَنْ أُعْطِيَ الدُّعَاءَ لَمْ يُحْرَمِ الْإِجَابَةَ } به هر کس چهار چیز دادند از چهار چیز دیگر محروم نشااختند:

به کسی که آمرزش جویی داده شد از مغفرت الهی بی بهره نماند، به هر که توفیق شکرگزاری داده شد از فزونی نعمت دریغ نشود، به هر که راه توبه را نشان دادند از پذیرش توبه اش کوتاهی نشود و به هر که اجازه دعا داده شد از اجابت آن دریغ نگرود (کافی/ج 2/ص 437) قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) { إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَذْكُرُ ذَنْبَهُ بَعْدَ عَشْرِينَ سَنَةً حَتَّى يَسْتَغْفِرَ رَبَّهُ فَيَغْفِرَ لَهُ وَإِنَّ الْكَافِرَ لَيَسْأَهُ مِنْ سَاعَتِهِ } مومن اگر بعد از 20 سال بیاد گناهش بیفتد استغفار میکند و خدا میامرزد ولی کافر فراموش میکند گناهش را بعد از ساعتی که گذشت

8- صدر نشینان بهشت مستغفرین: قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام) { الْإِسْتِغْفَارُ دَرَجَةُ الْعَالِيَيْنِ } (نهج/حکمت 41)

9- از صفات متقین استغفار کردن است (ذاریات/18-15) { إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ }

كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ { آنچه را پروردگارشان به آنان عطا کرده دریافت می کنند؛ زیرا که آنان پیش از این همواره نیکوکار بودند. آنان اندکی از شب را می خوابیدند بیشتر آن را به عبادت و بندگی می گذراندند و سحرگاهان از خدا درخواست آمرزش می کردند.

10- بهترین وسیله استغفار است قَالَ عَلِي (عليه السلام) { نِعْمَ الْوَسِيلَةُ الْإِسْتِغْفَارُ } (غررالحکم/ص 195)

11- بهترین دعا استغفار است قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) { خَيْرُ الدُّعَاءِ الْإِسْتِغْفَارُ } (کافی/ج 2/ص 504)

12- بهترین عبادت استغفار است قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) { خَيْرُ الْعِبَادَةِ الْإِسْتِغْفَارُ } (کافی/ج 2/ص 517)

اشاره

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم و لا حول و لا قوه الا بالله العليّ العظيم حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير ربّ اشرح لى صدرى و يسّر لى أمرى و احلل عقده من لسانى يفقهوا قولى الحمد لله الذى علا فى توحده و دنا فى تقرده و جلّ فى سلطانه و عظم فى اركانه و أحاط بكلّ شىء علماً و هو فى مكانه و خير الصلاه و السلام على سيدنا سيد الانبياء و المرسلين حبيب إله العالمين أبى القاسم محمد صلى الله عليه و على أهل بيته المعصومين المكرّمين و اللعن الدائم على أعدائهم اجمعين من الآن إلى يوم الدين. بسم الله الرحمن الرحيم اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّهَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ و عَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ و فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا و حَافِظًا و قَائِدًا و نَاصِرًا و دَلِيلًا و عَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا و تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

بجهت سلامتی امام زمان ارواحناله الفداء صلوات

درجلسات قبل اشاره کردیم به عظمت و فوائد و آثار استغفار و معرفی اسامی گناه و اشاره به لیست گناهان کبیره ای که مادر و مصدر گناهان

ص: 39

بسیاری هستند .

امشب با این مقدمه بحث را ادامه می‌دهیم

در روایات اهل بیت و از 10 اساتید اخلاق در مورد شرح و عظمت استغفار چندین مثال را میتوان اشاره داشت تا بهتر به این مقوله مهم رسید و اصل بحث را انطور که شاید و باید است درک کرد.

استغفار فقط یک دعا نیست. بلکه یک حرکت مقدس است که میتوان در موضوع هجرت هم به آن اشاره کرد.

در الفاظی که به معنای جابجایی و سفر است چند لغت وجود دارد که خیلی ها فکر میکنند از نظر معنا تفاوتی ندارند در حالیکه میتوان به جرات گفت در ادبیات عرب اصلا ما مترادف نداریم . اگر برخی از محققین به این نتیجه رسیده اند که دو لغت و واژه هم معنا هستند اشتباه کرده است چون دسترسی به مردم کوچهبازار عرب و دهات نشین ها و به اصلاح خودشان عرب بدورا دسترسی نداشته اند تا از آنان تحقیق کامل کنند که چرا بریا یک معنادو لفظ آمده است.؟ انوقت عربهای سالخورده قدیمی آگاه توضیح خواهند داد که این دو لفظ به ظاهر مترادفند ولی دو واقع فرقه‌های کوچکی بینشان وجود دارد که بسیاری ان تفاوت معنایی را خبر ندارند. مثلا هم و غم. همه یک معنا میکنند. در حالی که هَمّ به غصه ای گفته میشود که در دل ادمی است ولی نمیتواند برای کسی بگوید ولی غَمّ به غصه ای گفته میشود که در دل نهان است ولی صاحب غصه‌اگر کسی مطمئنا بیابد برای او درد و دل خواهد کرد و بایان غصه کمی به خود آرامش خواهد داد.

در مورد حرکت و جابجایی هم همینطور است

ص: 40

(سفر) به مسافرتی گفته میشود که طرف فقط قصد کار و شغلی را دارد

(سیر) به مسافرتی که به نیت تفریح می‌رود

(رحل و راحل) به مسافری گفته میشود که قصد برگشت ندارد. از وطنش کوچ میکند برای همیشه

(هجرت) به یک سفر معنوی مقدس در مسیر مشخص شده توسط پروردگار عالم بجهت رشد و ترقی و تعالی خود و جامعه میباشد. اگر قرآن تاکید به هجرت و جهاد میکند. بیشتر هدفش جهاد با نفس و هجرت از بدی‌ها به خوبی‌هاست (بقره/218) {إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ}

(أنفال/72) {إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوُوا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ} مسلماً کسانی که ایمان آوردند، و هجرت کردند، و با اموال و جان‌هایشان در راه خدا جهاد نمودند، و کسانی که مهاجران را پناه و جا دادند و یاری کردند، اینانند که یار و دوست یکدیگرند. و کسانی که ایمان آوردند و هجرت نکردند شما را از دوستی آنان هیچ سودی نیست تا زمانی که هجرت کنند؛ و اگر در امور دین از شما یاری طلبند، بر شماست که آنان را یاری دهید مگر آنکه یاری دادن شما به زیان گروهی باشد که

میان شما و آنان پیمان ترک جنگ برقرار است؛ و خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست

استغفار یک قلعه امن است.

اگر کسی در بیابانی تنها گرفتارگرگ شود و بجای اینکه سریعاً خودش را به قلعه امن برساند بایستد و فقط بلند بلند نام قلعه را صدا بزند و مداوم بگوید: قلعه امن. قلعه امن. قلعه امن. قلعه امن. آیا از شرّ گرگ در امان خواهند ماند؟ هرگز! استغفار همانند قلعه ای امنی میماند که سریعاً باید به آن پناهند شد. پس استغفار یک حرکت است. نه سکون. یک عمل است نه فقط یک دعا.

استغفار همچون آبی گواراست

آب اگر بر روی آتش ریخته شود خاموش کننده است. کاری که آب بر روی آتش میکند استغفار هم با گناهان ما چنین خواهد کرد. (مستدرک الوسائل/ج 12/124)

وَ عَنْهُ الرضا (عليه السلام) { طُوبَى لِلْعَبْدِ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ ذَنْبٍ لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ غَيْرُهُ فَإِنَّمَا مَثَلُ الْإِسْتِغْفَارِ عَقِيبَ الذَّنْبِ مَثَلُ الْمَاءِ يُصَبُّ عَلَى النَّارِ فَيُطْفِئُهَا } خوشا بحال آن بنده ای که استغفار میکند از گناهایی که هیچ

کس جز خدا و خودش از آن خبر ندارد. پس بدرستی که استغفار پشت سر گناه مثل آبی میماند که بر آتش ریخته شود و با اصابت بر آتش خاموش گردد.

استغفار به مثال ریزش برگ خشک درخت در فصل پاییز است

انسان در طول تاریخ تکلیف عمر خود چند فصل را باید پشت سر بگذراند.

فصل بهار که همان جوانی است

فصل تابستان که ایام کاملی است

فصل پاییز که قبل از کهنسالی است

فصل زمستان که همان ایام پیری و کهولت است.

اگر انسان در مسیر خدا باشد دقیقاً در فصل بهار معنوی زندگی میکند. ولی وقتی دچار خطا و اشتباه و گناه و عصیان و نسیان میگردد. فصل پاییزش شروع میشود. برای اسنکه دوباره همچون بهار برگ و بو و میوه و زیبایی و ثمر بدهد باید با استغفار برگ های خشک شده از معصیت را از خود جدا سازد. و هیچ چیزی همچون استغفار نمیتواند آدمی را چنین از گناهان جدا سازد و پاک نماید

(کافی/ج 2/504) عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يَاسِرٍ عَنِ الرَّضَاعِ قَالَ: {مَثَلُ الْإِسْتِغْفَارِ مَثَلُ وَرَقٍ عَلَى شَجَرَةٍ تَحْرُكُ فَيَتَنَاثَرُ وَالْمُسْتِغْفِرُ مِنْ ذَنْبٍ وَيَعْلَهُ كَالْمُسْتَهْزِي بِرَبِّهِ} حضرت رضا (علیه السلام) فرمود: مثل استغفار و ریختن گناهان بسبب آن چون برگی است بر درختی که (در فصل پاییز آن درخت) بجنبند و آن برگ بریزد، و کسی که از گناهی استغفار کند و باز آن را انجام دهد مانند کسی است که پروردگار خود را مسخره کن.

آثار استغفار

الف : آثار دنیوی

1- حل مشکلات

ص: 43

(بحار/ج90/ص283) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الرَّيَّانِ قَالَ كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ عَ أَسْأَلُهُ أَنْ يُعَلِّمَنِي دُعَاءَ لِلسُّدَايِدِ وَ النَّوَزِلِ وَ الْمُهِمَّاتِ وَ قَضَاءِ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ وَ أَنْ يُحْصِنِي كَمَا حَصَّ أَبَاؤُهُ مَوَالِيَهُمْ فَكَتَبَ إِلَيَّ الزَّمِ الْإِسْتِغْفَارَ {

عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ صَبِيحٍ أَنَّ رَجُلًا أَتَى الْحَسَنَ (عليه السلام) فَشَكَا إِلَيْهِ الْجُدُوبَةَ فَقَالَ لَهُ الْحَسَنُ: (وسايل الشيعة/ج7/ص177) {اسْتَغْفِرِ اللَّهَ وَ أَتَاهُ آخَرُ فَشَكَا إِلَيْهِ الْفَقْرَ فَقَالَ لَهُ اسْتَغْفِرِ اللَّهَ وَ أَتَاهُ آخَرُ فَقَالَ لَهُ ادْعُ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَنِي ابْنًا فَقَالَ اسْتَغْفِرِ اللَّهَ فَقُلْنَا لَهُ أَتَاكَ رَجُلٌ يَشْكُونَ أَبْوَابًا وَ يَسْأَلُونَ أَنْوَاعًا فَأَمَرْتَهُمْ كُلَّهُمْ بِالْإِسْتِغْفَارِ فَقَالَ مَا قُلْتُ ذَلِكَ مِنْ ذَاتِ نَفْسِي إِنَّمَا اعْتَبَرْتُ فِيهِ قَوْلَ اللَّهِ (نوح/12-10) (اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَيْنَ وَ بَيْنَ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا)

2- تواضع (مستدرک الوسائل/ج5/ص402) قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليه السلام)

{ مَنْ قَالَ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ فَلَيْسَ بِمُسْتَكْبِرٍ وَ لَا جَبَّارٍ }

3- جلا دهنده قلب قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) { إِنَّ لِلْقُلُوبِ صَدَأً كَصَدَأِ النُّحَاسِ فَاجْلُوهَا بِالْإِسْتِغْفَارِ } (بحار/ج90/ص284)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) { لِيَعَانُ عَلَى قَلْبِي حَتَّى اسْتَغْفِرَ اللَّهَ فِي الْيَوْمِ سَبْعِينَ مَرَّةً } (بحار/ج90/ص282)

4- علاج تنگ دستی (بحار/ج74/ص271) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) { إِذَا أَبْطَأَتِ الْأَرْزَاقُ عَلَيْكَ فَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَوْسَعُ عَلَيْكَ فِيهَا } و هر گاه روزیت دیر رسید از خداوند طلب مغفرت کن تا در آن گشایش دهد.

(بحار/ج90/ص190) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) { مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ نِعْمَةً فَلْيُحْمَدِ اللَّهَ - وَ مَنْ اسْتَبْطَأَ الرِّزْقَ فَلْيَسْتَغْفِرِ اللَّهَ - وَ مَنْ حَزَنَهُ أَمْرٌ فَلْيُقِلْ لَاحَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ } هر کس که خدا به او نعمتی داده باید سپاسگزاری کند و هر کس روزی او کم شود باید استغفار کند. و هر کس از حادثه ای اندوهگین شود، باید بگوید لا حول و لا قوة الا بالله (نهج البلاغه/خطبه143) قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام) { قَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْإِسْتِغْفَارَ سَبَبًا لِدُرُورِ الرِّزْقِ وَ رَحْمَةً الْخَلْقِ } خدای متعال استغفار را سبب فراوانی روزی و جلب محبت و مهربانی مردم قرار داده است

5- امیدوار به رحمت خدا (کافی/ج2/ص434) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ { يَا مُحَمَّدَ بْنَ مُسْلِمٍ ذُنُوبُ الْمُؤْمِنِ إِذَا تَابَ مِنْهَا مَغْفُورَةٌ لَهُ فَلْيَعْمَلِ الْمُؤْمِنُ لِمَا يَسَّ تَأْتِيهِ بَعْدَ التَّوْبَةِ وَ الْمَغْفِرَةَ أَمَا وَ اللَّهُ إِنَّهَا لَيْسَتْ إِلَّا لِأَهْلِ الْإِيمَانِ قُلْتُ فَإِنْ عَادَ بَعْدَ التَّوْبَةِ وَ الْإِسْتِغْفَارِ مِنَ الذُّنُوبِ وَ عَادَ فِي التَّوْبَةِ فَقَالَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ مُسْلِمٍ أَتَرَى الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ يَنْدُمُ عَلَى ذَنْبِهِ وَ يَسْتَغْفِرُ مِنْهُ وَ يَتُوبُ ثُمَّ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ تَوْبَتَهُ قُلْتُ فَإِنَّهُ فَعَلَ ذَلِكَ مَرَارًا يُذْنِبُ ثُمَّ يَتُوبُ وَ يَسْتَغْفِرُ اللَّهُ فَقَالَ كُلَّمَا

عَادَ الْمُؤْمِنُ بِالْإِسْتِغْفَارِ وَالتَّوْبَةِ عَادَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِالْمَغْفِرَةِ وَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ... وَيَعْفُوا عَنِ السَّيِّئَاتِ فَإِيَّاكَ أَنْ تَقْنَطَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ {امام باقر (علیه السلام) فرمود: گناه مؤمن بعد از توبه و ندامت بخشودنی است. بعد از توبه و مغفرت، مؤمن باید عمل نیک خود را از سر بگیرد. این را بدان که توبه و مغفرت ویژه اهل ایمان است. من گفتم: اگر توبه خود را بشکند و مرتکب خطاب شود و باز پشیمان شود و تائب گردد، توبه جدید او قابل پذیرش هست؟ ابو جعفر باقر گفت: تصور می کنی که بنده مؤمن از خطای خود پشیمانی گیرد و با طلب مغفرت و پوزش راه آشتی بجوید و خداوند توبه او را نپذیرد؟ من گفتم: اگر بارها و بارها توبه خود را بشکند و باز توبه کند، چه صورت خواهد داشت؟ ابو جعفر گفت: هر بار که بنده مؤمن توبه کند و طلب مغفرت نماید، خداوند هم توبه او را می پذیرد و او را می بخشاید. همانا که خداوند بخشایشگری مهربان است. توبه را می پذیرد و از گناهان کوچک درمی گذرد. مبادا که مردم را از رحمت و مهر الهی مأیوس کنی!!

6- برطرف شدن غم ها (کافی/ج 8/ص 93)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) { مَنْ ظَهَرَ عَلَيْهِ النِّعْمَةُ فَلْيَكْثِرْ ذِكْرَ الْحَمْدِ لِلَّهِ وَ مَنْ كَثُرَتْ هُمُومُهُ فَعَلَيْهِ بِالْإِسْتِغْفَارِ }

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) { مَنْ أَكْثَرَ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرَجًا } (بحار/ج 90/ص 284)

7- غلبه بر شیطان (وسائل الشیعه/ج 16/ص 81) مُحَمَّدٌ الدَّيْلَمِيُّ فِي الْإِزْشَادِ قَالَ { كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَسْتَتَغْفِرُ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً يَقُولُ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ وَ كَذَلِكَ أَهْلُ بَيْتِهِ (علیه السلام) وَ صَالِحُ أَصْحَابِهِ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى (هود/90)

ص: 46

(وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ) قَالَ وَقَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أَدْنِبُ فَمَا أَقُولُ إِذَا تَبْتُ؟ قَالَ (اسْتَغْفِرِ اللَّهَ) فَقَالَ إِنِّي أَتُوبُ ثُمَّ أَعُودُ فَقَالَ كَلَّمَا أَذْنَبْتُ اسْتَغْفِرِ اللَّهَ فَقَالَ: إِذَنْ تَكْتُرُ ذُنُوبِي. فَقَالَ عَفُوُ اللَّهِ أَكْثَرُ فَلَا تَزَالُ تَتُوبُ حَتَّى يَكُونَ الشَّيْطَانُ هُوَ الْمَدْحُورُ} روایت شده که: رسول خدا در روز هفتاد بار استغفار می کرد و می گفت: استغفر الله ربی و اتوب الیه مردی به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عرض کرد: من از گناه چگونه توبه کنم؟ فرمود: بگو استغفر الله

گفت: من توبه می کنم باز (به گناه) بر می گردم. فرمود: هر بار که گناه کردی بگو: استغفر الله گفت: در این صورت گناهم زیاد شود؟ فرمود: گذشت خدا زیادتر است، تو همواره توبه کن تا شیطان طرد شود

8-سپر قحطی

(أمالی اصدوق/ص 170) عن أبي وائل عن وهب قال { قال ذو القرنين (عالم من أمم موسى) (فَمَا بِالْكُم لَا تُقْحَطُونَ قَالُوا مِنْ قَبْلِ أَنَا لَا نَغْفَلُ عَنْ

الِاسْتِغْفَارِ} یکی از علمای امت موسی جناب ذوالقرنین است . به قوم موسی میگفت : تعجب میکنم که شما با این کردار و رفتارتان به قحطی چرا دچار نمیشوید؟ قوم موسی گفتند : چون ما هرگز استغفار را فراموش نکردیم و نمیکنیم

9- نجات از تنگناها

(بحار/ج 90/ص 281) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) {مَنْ أَكْثَرَ الْإِسْمَ تَعْفَارَ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرَجًا وَ مِنْ كُلِّ ضَيْقٍ مَخْرَجًا} شخصی به امام باقر (علیه السلام) نامه ای

نوشت که من گرفتار قرض سختی هستم. حضرت فرمودند: زیاد استغفار کن و سوره قدر را قرائت کن.

(کافی/ج 5/ص 316) عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ سَهْلٍ قَالَ كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) { إِنِّي قَدْ لَزِمَنِي دَيْنٌ فَادِحٌ فَكَتَبْتُ أَكْثَرَ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ وَرَطَّبْتُ لِسَانَكَ بِقِرَاءَةِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ }

10- زیاد شدن روزی

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) { الْإِسْتِغْفَارُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ } (بحار/ج 90/ص 277)

قال اميرالمومنين (عليه السلام) { أكثروا الاستغفار تجلبوا الرزق } (بحار/ج 10/ص 94)

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) { اسْتَغْفِرْ تُرْزَقْ } (غررالحكم/ص 195)

11- رزق بی حساب

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) { مَنْ أَكْثَرَ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرْجاً وَ مِنْ كُلِّ ضَيْقٍ مَخْرَجاً وَ رِزْقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ } (وسائل الشيعة/ج 7/ص 177)

12- فراهم شدن اسباب زندگی

(نوح/12-10) { اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَيَمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيُنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَاراً } (بحار/ج 88/ص 291) { لما طال دعوتهم و تمادی إصرارهم حبس الله عنهم القطر أربعين سنه و أعقم أرحام نسائهم فوعدهم بذلك على الاستغفار عما كانوا عليه { زمانی که حضرت نوح نبی (عليه السلام) دعوتش از مردم برای خداپرستی طول کشید و مردم اصرار داشتند که به کفر و گناهانشان ادامه بدهند خداوند 40 سال باران را از آنها قطع و محروم ساخت و زنهایشان را عقیم کرد تا بچه دار نشوند. حضرت نوح مردم را وعده داد که اگر استغفار کنید از آنچه خداوند بر شما مقدر فرموده صرف

ص: 48

نظر میکند. و باران را بر شما نازل میگرداند و زنانتان را از عقیم بودن خارج میسازد

(هود/52) {اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ }

13- امنیت و دفع بلا

(انفال/33) { مَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ } عذاب نمیکند خداوند کسانی را که استغفار میکنند.

(مستدرک/ج5/ص318) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) { ادْفَعُوا أَبْوَابَ الْبَلَاءِ بِالِاسْتِغْفَارِ } ببندید درب های بلا را با استغفار

14- رفع عذاب عمومی (من لایحضره الفقیه/ج1/ص473) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) { إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِذَا أَرَادَ أَنْ يُصِيبَ أَهْلَ الْأَرْضِ بِعَذَابٍ قَالَ لَوْ لَا الَّذِينَ يَتَحَابُّونَ بِجَلَالِي وَ يَعْمُرُونَ مَسَاجِدِي وَيَسْتَغْفِرُونَ بِالْأَسْحَارِ لَوْ لَا هُمْ لَأَنْزَلْتُ عَذَابِي } خداوند متعال هنگامی که بخواهد اهل زمین را به عذابی مبتلا نماید می فرماید:

اگر نبودند آنان که مشتاق جلال من بوده و مساجد مرا آباد کرده و در بامدادان استغفار می کنند البته عذابم را فرو می فرستادم

15- ایمنی از مکر شیطان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) { ثَلَاثَةٌ مَعْصُومُونَ مِنْ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ الذَّاكِرُونَ لِلَّهِ وَ الْبَاكُونَ مِنْ حَسْبِهِ اللَّهُ وَ الْمُسْتَغْفِرُونَ بِالْأَسْحَارِ } (مستدرک الوسائل/ج12/ص146)

ص: 49

اعوذ باللہ من الشیطان الرجیم، بسم اللہ الرحمن الرحیم و لا حول و لا قوہ الا باللہ العلیّ العظیم حسبنا اللہ و نعم الوکیل نعم المولی و نعم

ص: 50

النصير ربّ اشرح لي صدرى ويسر لي امرى واحلل عقده من لساني يفقهوا قولى الحمد لله الذى علا فى توحده و دنا فى تفرده و جلّ فى سلطانه و عظم فى اركانه و احاط بكلّ شىء علماً و هو فى مكانه و خير الصلاه و السلام على سيدنا سيد الانبياء و المرسلين حبيب إله العالمين أبى القاسم محمد صلى الله عليه و على أهل بيته المعصومين المكرّمين و اللعن الدائم على أعدائهم اجمعين من الآن إلى يوم الدين.

بسم الله الرحمن الرحيم اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ و عَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ و فِي كُلِّ سَاعَةٍ و لِيّاً و حَافِظاً و قَائِداً و ناصِراً و دليلاً و عَيْناً حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً و تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً. بجهت سلامتی امام زمان ارواحنا له الفداه صلوات در جلسات قبل اشاره کردیم به عظمت و فوائد و آثار استغفار . در توضیح آثار استغفار عرض کردیم آثار و برات استغفار را میتوانم به چند بخش تقسیم نمود

1- آثار و برکات استغفار در دنیا و زندگی که به 15 اثر ان اشاره شد

2- آثار و برکات استغفار در آخرت که انشاء الله امشب در توضیح این مطلب در خدمتتان خواهم بود.

انشاء الله خداوند مهربان تمام برکات و آثار آشتی و استغفار را برای همه ما مقرر بدارد صلوات جلی ختم بفرمائید .

ب : آثار اخروی استغفار

1- خوشنودی خداوند: (بحار/ج75/ص81) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام)

{ التَّوْبَةُ عَلَى أَرْبَعَةٍ دَعَائِمٍ نَدَمٌ بِالْقَلْبِ وَ اسْتِغْفَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْجَوَارِحِ

ص: 51

وَعَزْمٌ أَنْ لَا يَعُودَ وَثَلَاثٌ مِنْ عَمَلِ الْأَبْرَارِ إِقَامَةُ الْفَرَائِضِ وَاجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ وَاحْتِرَاسٌ مِنَ الْغَفْلَةِ فِي الدِّينِ وَثَلَاثٌ يُبَلِّغُنَ بِالْعَبْدِ رِضْوَانَ اللَّهِ كَثْرَةُ الْإِسْتِغْفَارِ وَخَفْضُ الْجَانِبِ وَكَثْرَةُ الصَّدَقَةِ وَزَيْعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ اسْتِكْمَالُ الْإِيمَانِ مَنْ أَعْطَى لِلَّهِ وَمَنْعَ فِي اللَّهِ وَ أَحَبَّ لِلَّهِ وَ أَبْغَضَ فِيهِ وَ ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ لَمْ يَنْدَمْ تَرَكَ الْعَجَلَةَ وَ الْمَشُورَةَ وَ التَّوَكُّلَ عِنْدَ الْعَزْمِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ { فرمود: توبه دارای چهار پایه است:

1- پشیمانی دل. 2- استغفار به زبان 3- عمل بوسیله اعضا. 4- تصمیم به ترک

تکرار سه کار از ابرار و نیکان است:

1- پیاداشتن واجبات 2- اجتناب از محرمات، 3- پرهیز از غفلت در دین.

سه چیز بنده را برضوان خدا میرساند.

1- استغفار زیاد. 2- نرمی و خوش اخلاقی 3- و صدقه زیاد.

چهار چیز در هر کس باشد ایمانش کامل است

1- هر کس عطا کند برای خدا 2- و جلوگیری کند در راه خدا 3- و دوست بدارد برای خدا 4- دشمنی نماید در راه خدا.

سه چیز است که در هر کس باشد پشیمان نمیشود.

1- ترک عجله 2- مشورت کردن 3- توکل بر خدا هنگام تصمیم

2- رحمت الهی

(نحل/46) {لَوْ لَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ} چرا از خداوند طلب امرزش نمیکنید تا شامل رحمت الهی شوید

ص: 52

(بحار/ج 90/ص 280) عن النبي (صلى الله عليه وآله) { طُوبَى لِمَنْ وَجَدَ فِي صَحِيفَةِ عَمَلِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَحْتَ كُلِّ ذَنْبٍ أَسَدٌ تَغْفِرُ اللَّهُ } خوشا بحال کسی که در قیامت در نامه عملش از زیر هر گناهی استغفاری باشد عن النبي (صلى الله عليه وآله) کسی که دوستدار روز قیامت با دیدن پرونده اعمالش شاد و خوشحال گردد زیاد استغفار بگوید

4- مایوس کننده شیطان

(من لا يحضره الفقيه/ج 2/ص 75) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) { أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ فَعَلْتُمُوهُ تَبَاعَدَ الشَّيْطَانُ عَنْكُمْ كَمَا تَبَاعَدَ الْمَشْرِقُ مِنَ الْمَغْرِبِ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الصَّوْمُ يَسْوَدُ وَجْهَهُ وَ الصَّدَقَةُ تَكْسِرُ ظَهْرَهُ وَ الْحُبُّ فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمُوَازَرَةُ عَلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ يَقْطَعُ دَابِرَهُ وَ الْإِسْتِغْفَارُ يَقْطَعُ وَتِينَهُ (رگ دل - قطع امید) وَ لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْأَبْدَانِ الصِّيَامُ } و رسول خدا (صلى الله عليه وآله) به اصحاب خود فرمود: آیا چیزی را به شما باز نگویم که اگر آن را بجا آورید، شیطان چنان از شما دور شود که مشرق از مغرب دور شده است؟ گفتند: بلی یا رسول الله، فرمود: روزه روی شیطان را سیاه میکند، و صدقه پشتش را میشکند، و دوستی در راه خدا و تعاون بر انجام عمل صالح او را ریشه کن میسازد، و استغفار رگ قلبش را قطع

میکند. و هر چیزی را زکاتی است، و زکات بدنها روزه است

5- نورانی شدن پرونده

(کافی/ج 2/ص 504) قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) { إِذَا أَكْثَرَ الْعَبْدُ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ رُفِعَتْ صَحِيفَتُهُ وَ هِيَ تَتَلَأَلُ }

فرمود: هر گاه بنده بسیار استغفار کند (و از خداوند آمرزش خواهد) نامه عملش بالا رود در حالی که میدرخشد

6- کفاره غیبت (کافی/ج2/ص357) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ سُئِلَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) { مَا كَفَّارَةُ الْإِغْتِيَابِ قَالَ تَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِمَنْ اغْتَيْبْتَهُ كُلَّمَا ذَكَرْتَهُ } از پیغمبر (صلى الله عليه وآله) پرسیدند: کفاره غیبت چیست؟ فرمود: از خداوند طلب آمرزش کنی برای آنکه غیبتش کردی هر زمان بیادش افتادی

7- گناه نوشته نمی شود (کافی/ج2/ص437) قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) { إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا أَذْنَبَ ذَنْبًا أُجِّلَ مِنْ عُذْوِهِ إِلَى اللَّيْلِ فَإِنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ لَمْ يَكْتَبْ عَلَيْهِ } زراره گوید: شنیدم از حضرت صادق (عليه السلام) که میفرمود: بنده چون گناهی کند از بامداد تا شب مهلت دارد، پس اگر آمرزش خواست (آن گناه) بر او نوشته نشود

8- محو کننده گناهان (بحار/ج6/ص21) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) { الْعَجَبُ مِمَّنْ يَقْدِرُ وَمَعَهُ الْمِمْحَاهُ قِيلَ وَمَا الْمِمْحَاهُ قَالَ الْإِسْتِغْفَارُ } تعجب می کنم از کسی که ناامید شود (از مغفرت) با اینکه محو کننده ای همراه دارد! گفته شد: محو کننده چیست؟ فرمود: استغفار

(غررالحکم/ص195) قال علی (عليه السلام) { الاستغفار لاستغفار يمحوا الأوزار } استغفار محو میکند گناهان و لغزشها را .

(کافی/ج2/ص439) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) { لِكُلِّ شَيْءٍ دَوَاءٌ وَدَوَاءُ الذُّنُوبِ الْإِسْتِغْفَارُ }

(مستدرک/ج 11/ص 333) قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) {أَلَا أُنبِّئُكُمْ بِدَائِكُمْ مِنْ دَوَائِكُمْ دَاوُكُمُ الذَّنُوبُ وَ دَوَاوُكُمُ الْإِسْتِغْفَارُ}

9- قرار گرفتن در نور اعظم الهی (من لایحضره الفقیه/ج 1/ص 175) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) {أَزِيعٌ مَنْ كَنَّ فِيهِ كَانَ فِي نُورِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الْأَعْظَمِ مَنْ كَانَ عَصَمَهُ أَمْرُهُ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ وَ مَنْ إِذَا أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ قَالَ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ وَ مَنْ إِذَا أَصَابَ خَيْرًا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ مَنْ إِذَا أَصَابَ خَطِيئَةً قَالَ أَسَدُ تَغْفِرُ اللَّهُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ} چهار چیز است که در هر کس موجود باشد او مستغرق در نور اعظم خداوند عزّ و جلّ خواهد بود: اول آنکه نگهبان و دستگیر او در کارهایش و بازدارنده او از گناهان، شهادت و گواهی بر وجود باری تعالی و یگانگی او من جمیع الجهات باشد و نیز گواهی بر اینکه من (پیامبر اکرم «ص» مروی عنه) فرستاده و رسول خدا هستم. یعنی بگوید: اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله و باور دارد. و دیگر اینکه هر گاه باو مصیبتی رسد گوید: «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ» یعنی: ما همگی مملوک و بنده خداوندیم و بدرستی که بازگشت ما بسوی او خواهد بود، و نیز آن کسی که چون نعمت و خیری به او رسد گوید: «الحمد لله ربّ

العالمین» جمیع ستایشها و همه حمدها مخصوص خداوند است. که پروردگار جهانیان است، و دیگر آن کسی که چون خطا و کار ناروائی از او سرزند منفعل گشته و بلافاصله گوید: «استغفر الله و اتوب اليه

پ: آثار دنیوی و اخروی (با اهل بیت (علیه السلام) بودن در دنیا و آخرت) (بحار/ج 90/ص 284) عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ سَهْلٍ قَالَ كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي (علیه السلام) {عَلَّمَنِي شَيْئاً إِذَا أَنَا قُلْتُهُ كُنْتُ مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَقَالَ فَكَتَبَ بِحَطِّهِ أَكْثَرَ مِنْ تِلَاوَةِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ وَرَطَّبَ شَفَتَيْكَ بِالْإِسْمِ تَغْفَارٍ} اسماعیل بن سهل گوید: به امام جواد (علیه السلام) نوشتم که مرا چیزی آموز که چون آن را گویم در دنیا و آخرت با شما باشم؛ پس امام (علیه السلام) با خط خویش که آن را می شناختم نوشت: سوره (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ) را بسیار تلاوت کن و لبانت را با آمرزش طلبی تر بگردان

4- کیفیت استغفار: (تعداد استغفار)

1- هر روز هفتاد بار: (کافی/ج 2/ص 504) قَالَ الصَّادِقُ (علیه السلام) {كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً وَيَتُوبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَبْعِينَ مَرَّةً} رسول خدا (صلى الله عليه وآله) در هر روز هفتاد بار از خدا عز و جل آمرزش می جست و به درگاه خدا عز و جل هفتاد بار توبه می کرد (راوی) گوید: گفتم: او می فرمود: استغفر الله ربی و اتوب اليه؟ در پاسخ فرمود: هفتاد بار می فرمود: استغفر الله، أستغفر الله، و هفتاد بار می فرمود: اتوب الى الله، اتوب الى الله

2- بعد از هر مجلس 25 بار (سیره پیامبر (صلى الله عليه وآله) (کافی/ج 2/ص 504) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) {أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) كَانَ لَا يَقُومُ مِنْ مَجْلِسٍ وَإِنْ خَفَّ حَتَّى يَسْتَغْفِرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَمْسًا وَعِشْرِينَ مَرَّةً} امام صادق (علیه السلام) فرمودند که رسول خدا (صلى الله عليه وآله) را شیوه چنان بود که از هیچ مجلسی بر نمیخواست و گرچه (مدت توقفش در آن) کوتاه بود، تا اینکه بیست و پنج بار بدرگاه خدای عز و جل استغفار میکرد.

3- سی هزاربار برای حل مشکلات (مستدرک/ج12/ص143) قال النبی (صلی الله علیه و آله) { مَنْ لَحِقَتْهُ شِدَّةٌ أَوْ نَكْبَةٌ أَوْ ضَيْقٌ فَقَالَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ مَرَّةٍ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ إِلَّا وَقَدْ فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ }

2- حدّ استغفار (بحار/ج6/ص27) - (تحف العقول/ص197) وَقَالَ الْكَمِيلُ بْنُ زِيَادٍ نَحَعِي: قُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ الْعَبْدُ يُصِيبُ الذَّنْبَ فَيَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْهُ فَمَا حَدَّ الْإِسْتِغْفَارِ قَالَ يَا ابْنَ زِيَادٍ التَّوْبَةُ قُلْتُ بَسْ قَالَ لَا قُلْتُ فَكَيْفَ قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا أَصَابَ ذَنْبًا يَقُولُ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ بِالتَّحْرِيكِ قُلْتُ وَمَا التَّحْرِيكُ قَالَ الشَّفَتَانِ وَاللِّسَانُ يُرِيدُ أَنْ يَنْبَعَّ ذَلِكَ بِالْحَقِيقَةِ قُلْتُ وَمَا الْحَقِيقَةُ قَالَ تَصَدَّقْ فِي الْقَلْبِ وَاصْبِرْ مَا أَنْ لَا يَعُودَ إِلَى الذَّنْبِ الَّذِي اسْتَغْفَرَ مِنْهُ قَالَ كَمِيلٌ فَإِذَا فَعَلْتُ ذَلِكَ فَأَنَا مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ قَالَ لَا قَالَ كَمِيلٌ فَكَيْفَ ذَاكَ قَالَ لِأَنَّكَ لَمْ تَبْلُغْ إِلَى الْأَصْلِ بَعْدُ قَالَ كَمِيلٌ فَأَصْلُ الْإِسْتِغْفَارِ مَا هُوَ قَالَ الرَّجُوعُ إِلَى التَّوْبَةِ مِنَ الذَّنْبِ الَّذِي اسْتَغْفَرْتَ مِنْهُ وَهِيَ أَوَّلُ دَرَجَةِ الْعَابِدِينَ وَتَرْكُ الذَّنْبِ وَالْإِسْتِغْفَارُ اسْمٌ وَافِعٌ لِمَعَانٍ سِتٍّ أَوَّلُهَا النَّدَمُ عَلَى مَا مَضَى وَالثَّانِي الْعَزْمُ عَلَى تَرْكِ الْعُودِ أَبَدًا وَالثَّلَاثُ أَنْ تُؤَدِّيَ حُقُوقَ الْمَخْلُوقِينَ الَّتِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُمْ وَالرَّابِعُ أَنْ تُؤَدِّيَ حَقَّ اللَّهِ فِي كُلِّ فَرَضٍ وَالْخَامِسُ أَنْ تُذِيبَ

اللَّحْمَ الَّذِي نَبَتَ عَلَى السُّحْتِ وَالْحَرَامِ حَتَّى يَرْجِعَ الْجِلْدُ إِلَى عَظْمِهِ ثُمَّ تُنْشِئُ فِيهِمَا بَيْنَهُمَا لَحْمًا جَدِيدًا وَالسَّادِسُ أَنْ تُذِيقَ الْبَدَنَ أَلَمَ الطَّاعَاتِ كَمَا أَذَقْتَهُ لَذَاتِ الْمَعَاصِي }

گفتم: یا امیر المؤمنین، بنده ای گناه می کند و استغفار می نماید حد استغفار چیست؟

فرمود: پسر زیاد، (حد آن) توبه است، گفتم: همین؟ فرمود: نه! گفتم: پس چطور؟، فرمود: بنده چون گناه کند گوید: استغفر الله با تحریک، گفتم: تحریک یعنی چه؟ فرمود: یعنی با حرکت لب و زبان، و می خواهد بدنبال این گفتار حقیقت آورد،

گفتم: حقیقت چیست؟ فرمود: تصدیق قلبی (یعنی از صمیم قلب آمرزش خواهد، نه از سر زبان) و تصمیم بر عدم تکرار گناهی که از آن استغفار کرده. گفتم: اگر این کار را کردم جزء استغفارکنندگان محسوب شوم؟ فرمود: نه، گفتم: چطور؟ فرمود: برای اینکه هنوز به ریشه (استغفار) برنخورده ای، گفتم: ریشه استغفار چیست؟ فرمود: اولین قدم برای عبادت کاران :

1- برگشت از گناه است 2- تصمیم ترک هر گناه در آینده استغفار کلمه ای است که بر شش معنی اطلاق می شود: 1- پشیمانی از گذشته 2- تصمیم بر ترک در آینده 3- پرداخت حقوق مردم 4- ادای حق خدا در هر کار واجب 5- آب کردن گوشتهایی که از حرام روئیده بطوری که پوست به استخوان بچسبد، و سپس گوشت تازه آورد

6- چشاندن رنج طاعت به بدن چنان که لذت معصیت را چشیده

3- اصرار در استغفار (بحار/ج90/ص282) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) {مَا أَصَدَّرَ مِنْ اسْتِغْفَرَ اللَّهَ وَإِنْ عَادَ فِي الْيَوْمِ سَبْعِينَ مَرَّةً} مصرّ نباشد بر گناه بلکه پشیمان شود و آمرزش بخواهد اگر چه روزی هفتاد بار از سر بگیرد گناهِش را (همین توبه و

استغفار و پشیمانی دلیل بر عدم اصرار و لجبازی بر گناهش میباشد)

4- زبان عادت کند با استغفار گفتن : (بحار/ج 90/ص 283) قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) {عَوِّدُوا أَلْسِنَتَكُمْ الْإِسْتِغْفَارَ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يُعَلِّمَكُمْ الْإِسْتِغْفَارَ إِلَّا وَهُوَ يُرِيدُ أَنْ يَغْفِرَ لَكُمْ}

5- هم گامی قلب با زبان (بحار/ج 75/ص 365) قَالَ الرضا(عليه السلام) {سَبَعَهُ أَشْيَاءَ مِنَ الْإِسْتِهْزَاءِ مَنْ اسْتَغْفَرَ بِلسَانِهِ وَ لَمْ يَنْدَمْ بِقَلْبِهِ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ وَ مَنْ سَأَلَ اللَّهَ التَّوْفِيقَ وَ لَمْ يَجْتَهِدْ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ وَ مَنْ سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى الشَّدَائِدِ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ وَ مَنْ تَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَ لَمْ يَتْرِكِ الشَّهَوَاتِ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ وَ مَنْ ذَكَرَ الْمَوْتَ وَ لَمْ يَسْتَعِدَّ لَهُ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ وَ مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ تَعَالَى خَالِياً وَ لَمْ يَسْتَقْ إِلَى لِقَائِهِ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ} هفت چیز بدون هفت چیز استهزاء و سخریه کردن بنفس است

1- کسی که بزبان استغفار کند و در دل پشیمان نشود پس خود را مسخره کرده است

2- کسی که از خدا توفیق کارهای خوب خواهد و لکن جدّ و جهد نکند

3- کسی که در پی احتیاط و نگاهداری خود باشد و لکن حذر نکند

4- کسی که از خدا بهشت طلبد و لکن در شدائد و سختیها صبر نکند

5- کسی که از آتش جهنم بخدا پناه برد و لکن ترک شهوتهای دنیوی نکند

6- کسی که مرگ را یاد کند و لکن مهیای مرگ نشود

7- کسی که ذکر خدا کند و لکن مشتاق ملاقات خدا نباشد در دنیا هر یک از اینها را فرموده که بخود استهزاء نموده.

6- هم گامی زبان با عمل (کافی/ج2/ص504) قَالَ الرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) { مَثَلُ الْإِسْمَةِ تَغْفَارٍ مَثَلُ وَرَقٍ عَلَى شَجَرَةٍ تَحْرُكُ فَيَتَنَاثَرُ وَ الْمُسْتَغْفِرُ مِنْ ذَنْبٍ وَ يَفْعَلُهُ كَالْمُسْتَهْزِئِ بِرَبِّهِ } امام رضا (علیه السلام) فرمود: مثل استغفار چون برگی است بر درختی که بجنبد و پیایی فروریزد و آنکه از گناهش آمرزش جوید و باز گناه کند چون مسخره کننده پروردگار خود باشد. (کافی/ج2/ص435) قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) { الْمُقِيمُ عَلَى الذَّنْبِ وَ هُوَ مُسْتَغْفِرٌ مِنْهُ كَالْمُسْتَهْزِئِ } کسی که پافشاری بر گناه دارد و استغفار هم میکند مثل کسی است که دین را مسخره میکند (یعنی کسی که استغفار کند و آمرزش خواهد ولی با این حال از گناه نیز دست نکشد مانند مسخره چی است که خود را یا احکام دین را یا پروردگار را مسخره کند، مجلسی (ره) گوید: زیرا او اظهار پشیمانی کند ولی در حقیقت پشیمان نیست زیرا پشیمانی حقیقی دنبالش دست کشیدن از گناه است، و اگر در حقیقت مسخره کند بخدای بزرگ کافر شود.

7- هم گامی توبه با استغفار: (هود/3) { اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ }

جلسه پنجم (29/01/1400)

اشاره

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم و لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير رب اشرح لي صدري و يسر لي أمري و احلل عقده من لساني

ص: 60

يفقهوا قولی الحمد لله الذی علا فی توحده و دنا فی تقرده و جلّ فی سلطانه و عظم فی ارکانه و أحاط بكلّ شیء علماً و هو فی مکانه و خیر الصلاه و السلام علی سیدنا سید الانبیاء و المرسلین حبیب إله العالمین أبی القاسم محمد صلی الله علیه و علی أهل بیته المعصومین المکرّمین و اللعن الدائم علی أعدائهم اجمعین من الآن إلی یوم الدین.

بسم الله الرحمن الرحیم اللّهُمَّ کُنْ لِوَلِیکَ الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ و عَلَی آبائِهِ فی هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فی کُلِّ سَاعَةٍ وَلِیّاً وَ حَافِظاً وَ قَائِداً وَ نَاصِراً وَ دَلِیلاً وَ عَیْناً حَتّی تُسَکِنَهُ أَرْضَکَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فیها طَویلاً. بجهت سلامتی امام زمان ارواحنا له الفداء صلوات در جلسات قبل اشاره کردیم به عظمت و فوائد و آثار استغفار . در توضیح آثار استغفار عرض کردیم آثار و برات استغفار را میتوانم به چند بخش تقسیم نمود

1- آثار و برکات استغفار در دنیا و زندگی که به 15 اثر ان اشاره شد

2- آثار و برکات استغفار در آخرت که انشاء الله امشب در توضیح این مطلب در خدمتان خواهم بود. انشاء الله خداوند مهربان تمام برکات و آثار آشتی و استغفار را برای همه ما مقرر بدارد صلوات جلی ختم بفرمائید .

5- شرایط استغفار

1- پشیمانی از گناه

(نهج البلاغه/ حکمت 417) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) {أَتَدْرِي مَا الْإِسْتِغْفَارُ الْإِسْتِغْفَارُ دَرَجَةُ الْعَلِيِّينَ وَ هُوَ اسْمٌ وَقَعَ عَلَى سِتِّهِ مَعَانٍ أَوْلُهَا النَّدْمُ عَلَى مَا مَضَى} آیا میدانی استغفار چیست؟ استغفار بالاترین درجه علیین در

ص: 61

بهشت است واستغفار اسمی است که واقع بر 6 معنا است. اولین معنای آن پشیمانی برگناهان گذشته است

2- تصمیم بر ترک: { الثَّانِي الْعَزْمُ عَلَى تَرْكِ الْعُودِ إِلَيْهِ أَبَدًا }

3- ادای حقوق مردم: { الثَّالِثُ أَنْ تُودِيَ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ حُقُوقَهُمْ حَتَّى تَلْقَى اللَّهَ أَمْلَسَ لَيْسَ عَلَيْكَ تَبِعَهُ }

4- محو آثار جرم: { الرَّابِعُ مَعَانُ أَنْ تَعْمِدَ إِلَى كُلِّ فَرِيضَةٍ عَلَيْكَ ضَيَعْتَهَا فَتُودَى حَقَّهَا }

5- ادای حقوق خدا: { الْخَامِسُ أَنْ تَعْمِدَ إِلَى اللَّحْمِ الَّذِي نَبَتَ عَلَى السُّحْتِ فَتُذَيِّبُهُ بِالْأَحْزَانِ حَتَّى تُلْصِقَ الْجِلْدَ بِالْعَظْمِ وَيُنْشَأَ بَيْنَهُمَا لَحْمٌ جَدِيدٌ }

6- تلخ کردن کام نفس: { السَّادِسُ أَنْ تُذَيِّقَ الْجِسْمَ أَلْمَ الطَّاعَةِ كَمَا أَذَقْتَهُ حَلَاوَةَ الْمَعْصِيَةِ فَعِنْدَ ذَلِكَ تَقُولُ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ }

7- اخلاص در نیت: در روایت است: شخصی خدمت امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمد و عرض کرد: هر چه استغفار کردم، فایده ای نبخشید. حضرت فرمود: حتما نیکو استغفار نکرده ای،

{ صحیفه سجادیه/ص 66 } { الَّذِي عَظُمَتْ ذُنُوبُهُ فِجَلَتْ، وَ أَذْبَرَتْ أَيَّامُهُ فَوَلَّتْ حَتَّى إِذَا رَأَى مُدَّةَ الْعَمَلِ قَدْ انْقَضَتْ وَ غَايَةَ الْعُمُرِ قَدْ انْتَهَتْ، وَ أَيَقَنَ أَنَّهُ لَا مَحِيصَ لَهُ مِنْكَ، وَ لَا مَهْرَبَ لَهُ عِنْدَكَ، تَلَقَّاكَ بِالْإِنَابَةِ، وَ أَخْلَصَ لَكَ التَّوْبَةَ، فَقَامَ إِلَيْكَ بِقَلْبٍ طَاهِرٍ تَقِيٍّ، ثُمَّ دَعَاكَ بِصَوْتٍ حَائِلٍ خَفِيٍّ. قَدْ تَطَاطَأَ لَكَ فَأَنْحَنِي، وَ نَكَسَ رَأْسَهُ فَأَنْثَنِي، قَدْ أَرَعَشْتَ خَشِيئَتُهُ رِجْلِيهِ، وَ عَرَقَتْ دُمُوعُهُ خَدَّيْهِ، يَدْعُوكَ: يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ } بنده ای که گناهانش بزرگ و رو بفزونی است و روزگارش باو پشت کرده و برگشته تا چون ببیند که زمان کار گذشته و عمر پایان رسیده و باور نماید که پناه و گریزگاهی از (کیفر) تو برایش نیست، بوسیله توبه بتورو آورد، و توبه را برای تو خالص گرداند (شرائط آن از قبیل پشیمانی از گذشته و تصمیم بر دوباره نکردن آن را

بجا آورد) پس با دلی پاک و پاکیزه بسوی تو برخیزد و با صدائی تغییر یافته (زمزمه وار) آهسته تو را بخواند در حالیکه برای تو فروتنی کرده و خم گشته، و سر بزیر افکنده و کج شده، و ترس پاهایش را بلرزه انداخته، و بسیاری اشک گونه هایش را غرق نموده، ترا میخواند: ای بخشنده ترین بخشنندگان،

6- اوقات استغفار

1- استغفار بعد از نماز عصر :

(فلاح السائل ونجاح المسائل/ص 198) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: { مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ فِي أَثْرِ الْعَصْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَ خَمْسِينَ عَاماً فَإِنْ لَمْ يَكُنْ غَفَرَ لَوَالِدَيْهِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ فَلِقَرَابَتِهِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ فَلِحَيْرَانِهِ. } هر کس در تعقیب نماز عصر هفتاد بار از خداوند طلب آمرزش نماید، خداوند گناهان پنجاه سال او را می آمرزد، و اگر این اندازه گناه نداشت، گناهان پدر و مادرش را می آمرزد، و اگر آنها نداشتند بستگان او را می آمرزد، و اگر آنها نیز نداشتند همسایگانش را می آمرزد

(فلاح السائل ونجاح المسائل/ص 198) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: { مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ تَعَالَى بَعْدَ صَلَاةِ الْعَصْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً غَفَرَ اللَّهُ لَهُ سَبْعِمِائَةَ ذَنْبٍ } هر کس بعد از نماز عصر هفتاد بار از خداوند متعال طلب آمرزش نماید، خداوند هفتصد گناه او را می آمرزد

(فلاح السائل ونجاح المسائل/ص 198) قَالَ الْجَوَادُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) { مَنْ قَرَأَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ

ص: 63

فِي لَيْلِهِ الْقَدْرِ بَعْدَ صَلَاةِ الْعَصْرِ عَشْرَ مَرَّاتٍ لَهُ عَلَيَّ مِثْلُ أَعْمَالِ الْخَلَائِقِ {فَرَمُود: هِرْكَس بَعْدَ اَزْ نَمَازِ عَصْرِدِه بَارِ سُوْرَه { اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلِهِ الْقَدْرِ
را قرائت کند، مانند اعمال همه خلایق برای او محسوب خواهد شد

در مورد قرآن کریم و ثواب نوشتن و خواندن و قرائت قرآن به (بحار/89) مراجعه فرمائید

ثواب تلاوت سوره قدر

1- امالی شیخ صدوق از موسی بن جعفر (علیه السلام) نقل میکند که خدا در هر جمعه ای هزار نفحه و نفحه دارد و هرکس بعد از ظهر جمعه سوره انا انزلناه فی لیلہ القدر را بخواند 100 مرتبه بخواند هزار نفحه و نفحه خداوند براو میرسد

2- موسی بن جعفر (علیه السلام) میفرماید: سوره قدر را برای اجدادشان میخواندند. میفرمودند هرکس بخواند ندا میرسد راست گفتی و امرزیده شدی سپس فرمودند هرکس سوره قدر را در نماز بخواند بعد از نماز به او میگویند اعمال را از سر بگیر و تمام اعمال بخشیده شد.

در کتاب ثواب الاعمال آمده است

امام باقر (علیه السلام) میفرماید: هرکس یکبار سوره قدر را بلند بخواند کانه در کنار پیامبر دارد شمشیر میزند و اگر ده بار بخواند در خون خودش میغلطد. و اگر 100 بار بخواند تمام

گناهانش را میبخشند.

علامه مجلسی در (بحار/89) از کتاب ثواب الاعمال میگوید: امام باقر (علیه السلام) فرمود: کسی به امام نامه نوشت و گفت دوست دارم در دنیا و آخرت با شما باشم. چه کاری بکنم؟ حضرت در جواب نامه اش نوشتند سوره قدر را زیاد بخوان و با استغفار لبانت را متبرک کن. امام باقر فرمودند: یک کوزه آب نویی رابخرید و ابش کنید و 30 مرتبه

ص: 64

سوره قدر را بران اب بخوانید و با ان اب وضو بگیرید و ابش را هم میل کنید و اگر تمام شد باز چنین کنید . بیماریهای شما را نیز درمان میکند و در شفای بیماریهایتان اثر بخش است .

(کافی/ج5/316) کسی از بصره بامام باقر نامه نوشت که اقا من بسیار گرفتارم چه کار کنم؟ حضرت در جواب نامه مرقوم فرمودند: سوره قدر را زیاد بخوان. و من خواندم. چیزی نگذشت که کار بسیار خوبی برایم فراهم شد و به من مال زیادی رسید و بسیار عالی گذشت تا امام باقر (علیه السلام) بشهادت رسید و نوبت به امامت امام صادق (علیه السلام) رسید: توسط علی بن مهزیار نامه نوشتم و به او دادم و برای امام صادق (علیه السلام) فرستادم. و داستان خودم را در نامه برای امام صادق (علیه السلام) نوشتم: که من بدبخت بودم و برای پدرتان نامه نوشتم و سوره قدر را طبق دستور پرتان خواندم بسیار وضع مالیم خوب شد. ولی باز مشکلی پیش آمد. مجددا دچار مشکل شدم. حالا چه کنم؟ حضرت در جواب نوشتند: مداومت کن بر سوره قدر. گفتم مداومت در سوره قدر چقدر است. حضرت فرمودند روزی 100 مرتبه

در (کتاب عده الداعی): امام صادق (علیه السلام) فرمودند: سوره قدر حرز است و امنیت میآورد. روز قیامت که نوری بر پیشانی مومنین و مسلمانان است از نور خواندن سوره قدر است اگر سوره قدر را در نمازت بخوانی قبول است و اگر قبل از دعا بخوانی دعایت مستجاب میشود. و اگر از کسی پول میخواهی و بهت نمیده قبل از درخواست از او سوره

قدر را بخوانی دلش نرم خواهد شد. .

واگر پیش قاضی یا سلطان جوری بری و میترسی به تو ضرر برساند سوره قدر بخوان و برو ضررش به تو نمیرسد

اگر میخواهی مردم تو را دوست بدارند و محبوب مردم شوی سوره قدر زیاد بخوان.

تذکر: قبل از منبر رفتن سوره قدر بخوان. قبل از باز کردن درب مغازه سوره قدر بخوان قبل از روشن کردن ماشینت سوره قدر بخوان.

در روایت دیگری است راوی میگوید: نامه نوشتیم به امام باقر (علیه السلام) که قرض کمرم را شکست چه کنم؟

فرمود: سوره قدر را مداومت کن و زیاد استغفار کن.

در روایت داریم: هر وقت حضرت امیر از شیعیانشان را میدیدند

میفرمود: خدا رحمت کند کسی را که سوره قدر را بخواند. .

حضرت فرمود برای هر چیزی میوه ای است و میوه قرآن سوره قدر است.

برای هر چیزی گنجی است گنج قرآن سوره قدر است

و برای هر کسی یاوری است و یاور ضعفا سوره قدر است .

برای هر چیز سختی آسانی است و آسانی سختی دیده ها سوره قدر است. .

برای هر چیزی حافظی است و حافظ مومنین از گناه سوره قدر است. .

برای هر چیزی هدایتی است و هداست صالحان سوره قدر است .

برای هر چیزی اوایی است و اوای قرآن سوره قدر است.

و برای هر چیزی حجتی است و حجت قرآن سوره قدر است

و هر کس سوره قدر را بخواند تا 7 روز ملائکه بر شما درود و سلام میفرستند.

2- بلافاصله بعد از خطا و اشتباه: (کافی/ج2/ص240). عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ سَأَلَ النَّبِيَّ (صلى الله عليه وآله) عَنْ خِيَارِ الْعِبَادِ، فَقَالَ: الَّذِينَ إِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبَشَرُوا وَإِذَا أَسَاءُوا اسْتَغْفَرُوا وَإِذَا أُعْطُوا شَكَرُوا وَإِذَا ابْتُلُوا صَبَرُوا وَإِذَا غَضِبُوا عَفَرُوا {

(کافی/ج2/ص95). قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): {ثَلَاثٌ لَا يَضُرُّ مَعَهُنَّ شَيْءٌ الدُّعَاءُ عِنْدَ الْكُرْبِ وَالِاسْتِغْفَارُ عِنْدَ الذَّنْبِ وَالشُّكْرُ عِنْدَ النِّعَمِ {

3- هنگام غم: (کافی/ج8/ص93) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) {مَنْ كَثُرَتْ هُمُومُهُ فَعَلِيهِ بِالِاسْتِغْفَارِ {

4- هنگام خوشحالی و پیرزوی: (نصر/3) {إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا {

5- موقع ستایش دیگری: (کافی/ج2/ص112) عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) { قَالَ الْمُؤْمِنُ يَصْمُتُ لِيَسْلَمَ وَيَنْطِقُ لِيُغْنِمَ لَا يُحَدِّثُ أَمَانَتَهُ الْأَصْدِقَاءَ وَلَا يَكْتُمُ شَهَادَتَهُ مِنَ الْبُعْدَاءِ وَلَا يَعْمَلُ شَيْئًا مِنَ الْخَيْرِ رِيَاءً وَلَا يَتْرُكُهُ حِيَاءً إِنْ زُكِيَ خَافَ مِمَّا يَقُولُونَ وَيَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِمَّا لَا يَعْلَمُونَ لَا يَغْرَهُ قَوْلَ مَنْ جَهَلَهُ وَيَخَافُ إِحْصَاءَ مَا عَمِلَهُ { فرمود: مؤمن سکوت میکند تا سالم ماند، و سخن میگوید تا سود برد، راز خود را بدوستانش نمیگوید (تا چه رسد بدشمنان) و گواهی بحق را از بیگانگان دریغ ندارد (تا چه رسد باشنایان)، هیچ کار خیری را از روی ریا نکند و از روی شرم و حیا ترک ننماید

اگر او را بستایند از گفته آنها هراس کند (که مبادا نزد خدا چنان نباشد) و از آنچه ستاینندگان ندانند (از عیبهای نهانش) از خدا آمرزش خواهد،

سخن کسی که او را نشناخته (میستاید) فریش ندهد و از شمردن گناهی که مرتکب شده (و نزد خدا محفوظست) بترسد

6- هنگام جدا شدن از دیگران: (کافی/ج2/ص181) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) { إِذَا التَّقِيْتُمْ فَتَلَاَفُوا بِالتَّسْلِيمِ وَالتَّصَافُحِ وَإِذَا تَفَرَّقْتُمْ فَتَفَرَّقُوا بِالْإِسْتِغْفَارِ } چون بیکدیگر برخوردید با سلام کردن و مصافحه برخوردید، و چون از یک دیگر جدا شوید با آمرزش خواهی جدا شوید.

7- موقع خواب: (بحار/ج73/ص201) قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) { مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ مِائَةَ مَرَّةٍ حِينَ يَنَامُ بَاتَ وَقَدْ تَحَاتَّ عَنْهُ الذُّنُوبُ كُلُّهَا كَمَا يَتَحَاتُّ الْوَرْقُ مِنَ الشَّجَرِ وَيُصْبِحُ وَلَيْسَ عَلَيْهِ ذَنْبٌ } {

8- وقت سحر: (ذاریات/18) { وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ } (مستدرک الوسائل/ج12/ص146) { فِي وَصَايَا لُقْمَانَ لِابْنِهِ يَا بَنِي لَا يَكُونُ الدِّيكَ أَكَيْسَ مِمَّنْكَ يَقُومُ فِي وَقْتِ السَّحْرِ وَيَسْتَغْفِرُ وَأَنْتَ نَائِمٌ } (کافی/ج2/ص477) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) { خَيْرٌ وَقْتٍ دَعَوْتُمْ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ الْأَسْحَارُ وَتَلَا هَذِهِ الْآيَةَ فِي قَوْلِ يَعْقُوبَ (عليه السلام) (يوسف/98) { سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي } وَقَالَ آخِرُهُمْ إِلَى السَّحْرِ }

9- نماز وتر: (من لا يحضره الفقيه/ج1/ص489) قَالَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) { اسْتَغْفِرِ اللَّهَ فِي الْوَتْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً } (کافی/ج3/ص450) قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) { كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي الْوَتْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً }

10- سحر شب جمعه: (بحار/ج12/ص318) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) { فِي قَوْلِ يَعْقُوبَ لِبَنِيهِ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي قَالَ آخِرُهُمْ إِلَى السَّحْرِ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ }

11- عصر جمعه: (بحار/ج87/ص91) قَالَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) { مَنْ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ تَعَالَى يَوْمَ الْجُمُعَةِ بَعْدَ الْعَصْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً يَقُولُ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَآتُوبُ إِلَيْهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذَنْبُهُ فِيمَا سَلَفَ وَعَصَمَهُ فِيمَا بَقِيَ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ ذَنْبٌ غَفَرَ لَهُ }

12- بعد از هر نماز واجب: (كافي/ج2/ص521) قَالَ الْبَاقِرُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): {مَنْ قَالَ فِي ذُبُرِ صَدِّ لَاهِ الْفَرِيضَةِ قَبْلَ أَنْ يَتْنِي رَجُلِيهِ اسْتَغْفَرَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَاتُّوبُ إِلَيْهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ غَفَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ ذُنُوبَهُ وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ (كف دريا)

13- ماه رجب: (بحار/ج94/ص38) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) {رَجَبٌ شَهْرُ الْإِسْمَةِ تَغْفَارِ لِأُمَّتِي أَكْثَرُوا فِيهِ مِنَ الْإِسْمَةِ تَغْفَارِ فَإِنَّهُ عَفُورٌ رَجِيمٌ {

(وسائل الشيعة/ج10/ص484) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) {مَنْ اسْتَعْفَرَ اللَّهَ فِي رَجَبٍ وَ سَأَلَهُ التَّوْبَةَ سَبْعِينَ مَرَّةً بِالْغَدَاةِ وَ سَبْعِينَ مَرَّةً بِالْعَشِيِّ يَقُولُ اللَّهُ تَغْفِرُ اللَّهُ وَ اتُّوبُ إِلَيْهِ فَإِذَا بَلَغَ تَمَامَ سَبْعِينَ مَرَّةً رَفَعَ يَدَيْهِ وَقَالَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ تُبَّ عَلَيَّ فَإِنْ مَاتَ فِي رَجَبٍ مَاتَ مَرَضِيًّا عَنْهُ وَ لَا تَمَسُّهُ النَّارُ بِبِرْكِهِ رَجَبٍ {

14- ماه شعبان: (بحار/ج94/ص91) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) {صَوْمُ شَعْبَانَ كَفَّارَةُ الذُّنُوبِ الْعِظَامِ إِلَى أَنْ قَالَ قُلْتُ لَهُ فَمَا أَفْضَلُ الدُّعَاءِ فِي هَذَا الشَّهْرِ فَقَالَ الْإِسْمَةُ تَغْفَارُ إِنَّ مِنْ اسْتَعْفَرَ فِي شَعْبَانَ كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً كَانَ كَمَنْ اسْتَغْفَرَ فِي غَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَرَّةً قُلْتُ كَيْفَ أَقُولُ قَالَ قُلْ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ {

(بحار/ج94/ص72) قَالَ الرِّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) {مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ شَعْبَانَ سَبْعِينَ مَرَّةً حُسْرَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي زُمْرَةِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَ وَجِبَتْ لَهُ مِنَ اللَّهِ الْكِرَامَةُ {

7- آداب استغفار

1- اعتراف به خطا (اعراف/155) { قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي {

2- اقرار به ایمان (ال عمران/16) {والله بصيرٌ بالعباد الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا}

3- توجه به ولایت خدا (اعراف/155) {انت ولینا فاغفر لنا وارحمنا}

4- توسل به انبیاء و اولیای الهی

الف) (نساء/64) {ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤوک فاستغفروا لله واستغفر لهم الرسول}

ب) (یوسف/97/98) {قالوا یا ابانا استغفر لنا ذنوبنا انا كنا خاطئين قال سوف استغفر لکم ربی انه هو الغفور الرحیم}

8- استغفار بی فایده

- 1- استغفار برای عیب جو و مسخره کننده (توبه/79 تا 80) {الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ} 2-
- استغفار برای منافقین: (منافقین/6) {سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ} 3-
- استغفار برای مشرکین (نساء/48) {إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا}

4- استغفار برای ظلم کننده به مردم (بحار/ج6/ص30) قال رسول اکرم (صلی الله علیه و آله): {واما الذنوب الذی لا یغفر فظلم العباد بعضهم لبعض}

جلسه ششم (30/01/1400)

اشاره

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و لا حول و لا قوه الا بالله العلیّ العظیم حسبن الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر ربّ اشرح لی صدری و یسر لی امری و احلل عقده من لسانی

ص: 70

يفقهوا قولي الحمد لله الذي علا في توحده و دنا في تقرده و جلّ في سلطانه و عظم في اركانه و أحاط بكلّ شيء علماً و هو في مكانه و خير الصلاة و السلام على سيدنا سيد الانبياء و المرسلين حبيب إله العالمين أبي القاسم محمد صلى الله عليه و على أهل بيته المعصومين المكرّمين و اللعن الدائم على أعدائهم اجمعين من الآن إلى يوم الدين.

بسم الله الرحمن الرحيم اللَّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحُجْبَةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ و عَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ و فِي كُلِّ سَاعَةٍ و لِيّاً و حَافِظاً و قَائِداً و ناصِراً و دليلاً و عَيْناً حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً و تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

بجهد سلامتی امام زمان ارواحناله الفداء صلوات

در جلسات قبل اشاره کردیم به عظمت و فوائد و آثار استغفار . در توضیح آثار استغفار عرض کردیم آثار و برات استغفار را میتوانم به چند بخش تقسیم نمود

1- آثار و برکات استغفار در دنیا و زندگی که به 15 اثر ان اشاره شد

2- آثار و برکات استغفار در آخرت را نیز بیان کردیم

انشاء الله خداوند مهربان تمام برکات و آثار آشتی و استغفار را برای همه ما مقرر بدارد صلوات جلی ختم بفرمائید. بعد از تصمیم به آشتی و گفتن ذکر استغفار برای بهتر طی طریق کردن و به بیراهه نرفتن داستان آشتی با خدای مهربان را دقیق مهندسی کرد و طبق برنامه به پیش رفت والا باز دوروزه توبه ها شکسته میوشد و قدمها سست میگردد و امیال نفسانی هوس گناه و تکرار معاصی قبل را خواهند

ص: 71

مهندسی آشتی با خداوند:

قدم اول: شناسایی آثار سوء و مضر گناه است برای درک بهتر موضوع به آیات و روایات رجوع میکنیم تا با فهم معنی اسامی گناه به آثار معصیت و نکبت های آن بیشتر واقف گردیم و مسئله را جدی تر بگیریم.

اسامی و آثار گناه:

1- اثم: چون گناه باعث کندی و به تاخیر افتادن خیر به انسان میگردد (بقره/283) { اِثْمٌ قَلْبُهُ } برای اتصال حق قلبشان به کندی کار میکند

2- جرم: بزرگترین عامل برای بریده شدن از اتصال و رحمت الهی است ((هود/22) { لا-جَرَمَ اَنَّهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ هُمْ الْاٰخِسَةُ رُونَ } یقینی است که اینانند که در آخرت از همه زیانکارترند

3- ثقل: گناه بارانسان را سنگین میکند(عنکبوت/13) { وَلَيَحْمِلُنَّ اَثْقَالَهُمْ }

4- بغی: یاغی شدن در برابر اوامر الهی به سبب مال و قدرت: (اعراف/33) { قُلْ اِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ الْاِثْمَ وَ الْبُغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ اَنْ تُشْرِكُوا بِاللّٰهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطٰنًا وَ اَنْ تَقُولُوا عَلٰی اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ }

بگو: پروردگارم فقط کارهای زشت را چه آشکارش باشد و چه پنهانش، و گناه و ستم ناحق را، و اینکه چیزی را که خدا بر حقانیت آن دلیلی نازل نکرده شریک او قرار دهید، و اینکه اموری را از روی نادانی و جهالت به خدا نسبت دهید، حرام کرده است

5- ذَنْبٌ : به معنای دم و دنباله داشتن. چون هرگناهی به گناه دیگری وصل است

{فَتْح/21} {لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُنِمْ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا}

تا خداوند از گناه گذشته و آینده تو درگذرد و نعمت خود را بر تو تمام گرداند و تو را به راهی راست هدایت کند.

6- زَيْغٌ : انحراف دل و برگشتن دل از حق و حقیقت. (مرکز آن هم چشم است (صف/5) {وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ}

با اینکه می دانید من فرستاده خدا به سوی شما هستم؟! هنگامی که آنها از حق منحرف شدند، خداوند قلوبشان را منحرف ساخت

7- سَخَتْ : یعنی خبیث و ناگوار و مکروه که در نزد عرف و مردم نامیمون است (طه/61) {قَالَ لَهُمْ مُوسَى وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَيَّ كَذِبًا فَيَسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى}

موسی به ساحران گفت: وای بر شما، به خدا دروغ مبندید که شما را به عذابی . و ناگوار هلاک می کند، و هر که دروغ بزند سخت نومید می گردد (مائده/62)

{وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ}

می بینی بسیاری از ایشان را که به گناه و تجاوز و حرامخوارگی می شتابند. چه بد کارهایی می کردند

8- سَرَفٌ : به معنای تجاوز از حد و حدود

ص: 73

(دخان/31) { مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِنَ الْمُسْرِفِينَ } ازدست فرعون که جنایت را از حد گذرانده بود

9- سُوء: به معنای قُبْح میباشد. دور از انتظار (نساء/110)

{ وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا }

و هر کس کار زشتی کند یا بر خود ستم ورزد، سپس از خدا آمرزش بخواهد، خدا را بسیار آمرزنده و مهربان خواهد یافت.

10- عَصِيَان: جداشده از حق و حقیقت. مثل بچه گوسفندی که از مادرش جدا میشود (قاموس قرآن/ج 5/ص 12) { عَصَى عَصِيَانًا إِذَا خَرَجَ عَنِ الطَّاعَةِ } اصل آن از تمناع بوسیله عصی است.

(حجرات/7) { وَ كَرِهَ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ } و کفر و بدکاری و نافرمانی را ناخوشایند شما ساخت،

11- معصیت نیز بمعنی عصیان است: (مجادله/8) { وَ يَتَنَجَّجُونَ بِالْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ مَعْصِيَةِ الرَّسُولِ }

با یکدیگر از روی گناه و دشمنی و سرپیچی از پیامبر، محرمانه گفتگو می کنند

(مزمّل/16) { فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيًّا }

ولی فرعون به مخالفت و نافرمانی آن رسول برخاست، و ما او را سخت مجازات کردیم!

12- فُحْش: عمل زشت اشکار (فحاشی های خیابانی) (کتاب

العین/ج 3/ص 96) (کل أمر لم یوافق الحق فهو فاحشه

(انعام/151){وَلَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ} نزدیک کارهای زشت نروید چه آشکار باشد چه پنهان!

13- لَمَم: گناهایی که کوچک است و به ان غالباً عادت ندارد (گناهان صغیره) (نجم/32) {الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ ..}

کسانی که از گناهان بزرگ و زشتیها اجتناب می کنند جز آنکه گناهی کوچک از آنها سرزند

14- نُكْر: عقل سالم به بدی و زشتی ان معترف است (اب دهن در کوچه انداختن) (کهف/74) {أَقْتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا} موسی گفت: آیا شخص بی گناهی را بدون آنکه کسی را کشته باشد، کُشتی؟ به راستی که کاری بسیار ناپسند مرتکب شدی!

15- وِزْر: به معنای بار سنگین است مثل بار سنگین مسئولیت (انشرح/2){الْم نَشْرَح لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ} و بار گرانت را از پشت برداشتیم؟

ولی اگر وزر و وبال باهم بیاید به معنای گناه سنگینی است که بر گردن انسان اوینخته میشود. مثل تابلوی تشخیص هویت که برگردن زندانی انداخته میشود و با ان عکس میاندازند و در پرونده او ثبت و بایگانی میشود (انعام/164){وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى} و هیچ سنگین باری بار گناه دیگری را بر نمی دارد؛

ص: 75

16- فسق: خروج از قوانین اجتماعی و دینی و عقلی. در ملا عام (مائده/3) {وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فَسُقٌ} و آنچه به وسیله تیرهای قمار سهم بندی می کنید بر شما حرام گشته است. همه این امور فسق و نافرمانی از احکام خداست

17- عدو: تجاوز به حقوق دیگران: (یونس/90) {وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا} ما بنی اسرائیل را از دریا گذرانیدیم. فرعون و لشکریانش به قصد ستم و تعدی به تعقیبشان پرداختند.

18- عیث و عثی: عیث گناهی که محسوس است (مثل روزه خوردی در ملاء عام) عثی. گناهی که معنوی و غیر محسوس است (مثل اثر و ترویج روزه خوری در جامعه) (اعراف/74) {فَادْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ} نعمتهای خدا را یاد کنید و بر زمین فساد نکنید.

19- زور: سخن وارونه (مثل شهادت ناحق دادن با وجودیکه میدانند حق نیست)

(مجادله/2) {وَأِنْهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا} سخنی زشت و دروغ و

ناپسندمی گویند

20- خوض: فرو رفتن در فساد. مثل اعتیاد که گرفتار میکند آدمی را تا غرق گردد.

(مدثر/45) {وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ} و پیوسته با اهل باطل همنشین و همصدا بودیم،

ص: 76

21- خیانت : عمل قول نیت برخلاف تعهد. (انفال/58) { إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ }

22- کبیره : گناه همیشه بزرگ بوده و هست (نجم/32) { الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّامَةَ }

کسانی که از گناهان بزرگ و زشتیها اجتناب می کنند جز آنکه گناهی کوچک از آنها سرزند.

23- عقوبت : چون ختم به شر میشود گناه . و موجب انتقام الهی میشود

(روم/10) { ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُا السُّوْاِ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ }

آن گاه بدترین سرانجام، سرانجام کسانی بود که مرتکب زشتی شدند به سبب اینکه آیات خدا را تکذیب کردند و همواره آنها را به مسخره می گرفتند

(آل عمران/137) { قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ }

(اعراف/84) { وَ أَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطْرًا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ }

(اعراف/86) { وَ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ }

(یونس/39) { ...فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ }

(نمل/51) { فَاَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مُكْرِمِهِمْ اَنَا دَمَرْنَاَهُمْ وَ قَوْمَهُمْ اَجْمَعِينَ }

(روم/42) { قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ }

{محمد/10} {أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا} آیا در زمین گردش نکردند تا با تأمل بنگرند که سرانجام کسانی که پیش از آنان بودند، چگونه بود؟ خدا آنان را درهم کوبید و نابود کرد و نیز برای این کافران همانند آن عذاب ها قطعی و ثابت است

{طلاق/9} {فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا}

آنان کیفر سنگین کفر و کبرشان را چشیدند و سرانجام کارشان خسارت بود.

{غافر/82} {أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ} آیا در زمین گردش نکردند تا با تأمل بنگرند که سرانجام کسانی که پیش از آنان بودند [و سرکشی و تکبر می کردند] چگونه بود؟ همانان که نفرتشان از اینان بیشتر و از ایشان نیرومندتر بودند، و در زمین آثاری پایدارتر [چون قلعه ها و خانه های استوار و کاخ های بسیار محکم] داشتند، ولی نفرت و قدرت و آثاری که همواره به دست می آوردند [چیزی از عذاب خدا را] از آنان دفع نکرد.

خوب: بحمد الله توانستیم در یک جلسه با محدودیت زمانی که داریم حداقل با توضیحات مختصری با اسامی و آثار گناه آشنا تر شویم. انشاء الله بقید حیات در جلسه بعدی به معرفی گناهان کبیره در قرآن کریم خواهیم پرداخت تا با شناخت آن بتوانیم بهتر زندگی خود را مدیریت کنیم.

اشاره

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم و لا حول و لا قوه الا بالله العليّ العظيم حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير ربّ اشرح لى صدرى و يسّر لى أمرى و احلل عقده من لسانى يفقهوا قولى الحمد لله الذى علا فى توحده و دنا فى تقرده و جلّ فى سلطانه و عظم فى اركانه و أحاط بكلّ شىء علماً و هو فى مكانه و خير الصلاه و السلام على سيدنا سيد الانبياء و المرسلين حبيب إله العالمين أبى القاسم محمد صلى الله عليه و على أهل بيته المعصومين المكرّمين و اللعن الدائم على أعدائهم اجمعين من الآن إلى يوم الدين. بسم الله الرحمن الرحيم اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّهَ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ و عَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ و فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا

وَ ناصِراً وَ دَلِيلاً وَ عَيْناً حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً بجهت سلامتى امام زمان ارواحناله الفداه صلوات

درجلسات قبل اشاره كرديم به عظمت و فوائد و آثار استغفار و معرفى اسامى گناه اشاره كرديم

انشاء الله امشب به معرفی گناهان کبیره میپردازیم تا با شناخت به آن بهتر بتوانیم بندگی خدا کنیم . مقدمه بحث امشب :

برخی از بزرگان اساتید اخلاق معتقدند اصلاً گناه صغیره نداریم . هرچه هست گناه کبیره است.

گناهان کبیره در قرآن کریم:

الف: گناهان کبیره فردی

1- شرک به خداوند (مائده/72) { إِنَّهُ مَنْ يَشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ }

هر کس به خدا شرک آرد خدا بهشت را بر او حرام گرداند

2- ناامیدی از رحمت خداوند: (یوسف/87) { إِنَّهُ لَا يَأْسُ مِنَ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ }

از رحمت خدا مأیوس نباشید؛ زیرا جز مردم کافر از رحمت خدا مأیوس نمی شوند.

3- تفکر ایمنی از مکر (عذاب و مهلت) خداوند: (اعراف/99) { فَلَا يَأْمُرُ مَكَرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ }

در حالی که جز زیانکاران، خود را از مکر (و مجازات) خدا ایمن نمی دانند!

4- سوگند دروغ برای گناه: (ال عمران/77) { إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ }

آنان که عهد خدا و سوگند خدا را به بهایی اندک بفروشد اینان را در آخرت بهره ای نیست.

5- پیمان شکنی (بقره/27) { الَّذِينَ يُتَّقُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ }

ص: 80

کسانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می شکنند و آنچه را که خدا به پیوستن آن فرمان داده می گسلند و در زمین فساد می کنند، زیانکارانند

6- شرایخواری: (مائده/90) {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ}

گناهان کبیره اجتماعی

1- نپرداختن زکات واجب و محروم ترماندن فقرا و بیچارگان:

(توبه/35) {يَوْمَ يَحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كُنْتُمْ لَا تُفْسِدُونَ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ}

روزی که در آتش جهنم گداخته شود و پیشانی و پهلو و پشتشان را با آن داغ کنند. این است آن چیزی که برای خود اندوخته بودید. حال طعم اندوخته خویش را بچشید

2- گواهی به دروغ و کتمان گواهی به حق (بقره/283) {وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آتِمٌ قَلْبُهُ}

شهادت را پنهان نکنید و هر که آن را پنهان کند، یقیناً دلش گناهکار است

3- خیانت: ([آل عمران/161]) {وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا عَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ}

هر کس خیانت ورزد، روز قیامت با آنچه در آن خیانت کرده بیاید؛

4- قطع رحم (رعد/25) {وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ}

پیوندهایی را که خدا به برقراری آن فرمان داده می گسلند، و در زمین فساد می کنند، لعنت و فرجام بد و دشوار آن سرای برای آنان است

5- عقوق والدین زیرا خداوند عاق والدین را جبار شقی قرار داده است (مریم/32) { وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا }

و مرا نسبت به مادرم نیکوکار کرده و زورگو و نافرمانم نگردانیده است،

6- کشتن انسان مؤمن: (نساء/93) { وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا }

و هر کس مؤمنی را به عمد بکشد مجازات او جهنم است، که در آن جاوید خواهد بود

7- نسبت ناروا به زن پاکدامن: (نور/23) { إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ }

بی تردید کسانی که زنان عفیفه پاکدامن با ایمان را که از شدت ایمان از بی عفتی و گناه بی خبرند متهم به زنا کنند، در دنیا و آخرت لعنت می شوند، و برای آنان عذابی برزگ است

8- خوردن مال یتیم (نساء/10) { إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا }

آنان که اموال یتیمان را به ستمگری می خورند، در حقیقت آنها در شکم خود آتش جهنم فرو می برند و به زودی در آتش فروزان خواهند افتاد

9- فرار از جبهه جهاد (انفال/16) { وَمَنْ يُولَّهُمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ

مُتَحَيِّرًا إِلَىٰ فِيئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَ مَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَ نِسْ الْمَصِيرُ }

و هر که در روز جنگ به آنها پشت نماید و فرار کند به طرف غضب و خشم خدا روی آورده و جایگاهش دوزخ که بدترین منزل است خواهد بود مگر آنکه از میمنه به میسره و یا از قلب به جناح برای مصالح جنگی رود یا از فرقه ای به یاری فرقه ای دیگر شتابد.

10- رباخواری (بقره/275) { الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ }

آنان که ربا می خورند، در قیامت چون کسانی

11- جادو و سحر (بقره/102) {وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَ مَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَائِكِينَ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَ مَارُوتَ وَ مَا يَعْلَمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا- إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ وَ مَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ يَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَ لَا يَنْفَعُهُمْ وَ لَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ وَ لَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ} او یهودیان از آنچه شیاطین در زمان پادشاهی سلیمان از علم سحر بر مردم می خواندند پیروی کردند. و سلیمان دست به سحر نیالود تا کافر شود، بنابراین سلیمان کافر نشد، ولی شیاطین که به مردم سحر می آموختند، کافر شدند. و نیز یهودیان از آنچه بر دو فرشته هاروت و ماروت در شهر بابل نازل شد پیروی کردند، و حال آنکه آن دو فرشته به هیچ کس نمی آموختند مگر آنکه می گفتند: ما فقط مایه آزمایشیم و علم سحر را برای مبارزه با ساحران و باطل کردن سحرشان به تو تعلیم می دهیم، پس با به کار گرفتن آن در مواردی که ممنوع و حرام است کافر مشو. اما آنان از آن دو فرشته مطالبی از سحر می آموختند که با آن میان مرد و همسرش جدایی می انداختند؛ در حالی که آنان به وسیله آن سحر

جز به اذن خدا قدرت آسیب رساندن به کسی را نداشتند؛ و همواره چیزی را می آموختند که به آنان آسیب می رسانید و سودی نمی بخشید؛ و یقیناً می دانستند که هر کس خریدار سحر باشد، در آخرت هیچ بهره ای ندارد. و همانا بد چیزی است آنچه خود را به آن فروختند اگر معرفت می داشتند

12- زنا (فرقان/68/69) {وَلَا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا} و آنان که معبود دیگری

را با خدا نمی پرستند، و کسی را که خدا خورش را حرام کرده است، جز به حق نمی کشند، و زنا نمی کنند؛ و کسی که این اعمال را مرتکب شود به کیفر سختی برسد

عذابش در قیامت مضاعف شود و با ذلّت و خواری به دوزخ مخلد گردد.

آثار گناه نمونه ای از آثار و پیامدهایی گناه و معصیت از نظر قرآن

1- سختی و تنگدستی در زندگی: (طه/124) {وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا}

و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ و سختی خواهد داشت

2- فساد در جامعه (روم/41) {ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ}

فساد و پریشانی به کرده بد خود مردم در همه برّ و بحر زمین پدید آمد

3- زنگار قلب (مطففین/14) {كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ} این چنین نیست که می گویند، بلکه گناهای که همواره مرتکب

شده اند بر دل هایشان چرک و زنگار بسته است

بسته شدن مراکز ادراک 4-

(نحل/108) {أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ سَمِعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ}

اینان کسانی هستند که خدا بر دل و گوش و چشمشان مهر شقاوت زده، و اینان بی خبران واقعی اند 5- ذلّت و بیچارگی: (بقره/61) {وَ

ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَ الْمَسْكَنَةُ وَ بَاوِعُضَبِ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ

كَانُوا يَعْتَدُونَ} بر آن ها ذلّت و خواری مقدر گردید، و چون دست از ستمکاری و عصیان برداشته و به آیات خدا کافر

می گشتند و انبیا را به ناحق کشتند دیگر بار به خشم و قهر خدا گرفتار شدند.

7- گرفتاری و رنج: (شوری/30) {وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ} و آنچه از رنج و مصائب به شما می رسد همه از دست اعمال زشت خود شماست در صورتی که خدا بسیاری از اعمال بد را عفو می کند.

7- تغییر نعمت های الهی: (انفال/53) {ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكْ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ} این عذاب از آن جهت است که خدا بر آن نیست که نعمتی را که به قومی عطا کرد تغییر دهد تا وقتی که آن قوم حال خود را تغییر دهند، و خدا شنوا و داناست 8- تغییر سرنوشت انسان: (رعد/11) {إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ}

خدا حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند

9- عذاب آسمانی: (بقره/59) {فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ}

ما بر آن ستمکاران به کیفر بدکاری و نافرمانی آنها عذابی سخت از آسمان نازل کردیم.

{ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ } پس آنان را به کیفر گناهانشان هلاک کردیم 10- هلاکت و نابودی: (انعام/6)

11- غرق شدن: (نوح/25) {مِمَّا خَطَبْتَهُمْ أُغْرِقُوا} آن قوم از کثرت کفر و گناه عاقبت به آب دریا غرق شدند

12- دوری از رحمت الهی (نور/23) {إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ}

الْمُؤْمِنَاتِ لِعُنُوتِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ { کسانی که به زنان با ایمان عقیقه بی خبر از کار بد تهمت زنند محققا در دنیا و آخرت ملعون و محروم از رحمت حق هستند و هم آنان به عذابی بزرگ معذب خواهند شد

13- عذاب الهی در آخرت: (نمل/90) { وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكَبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا أَنْتُمْ تَعْمَلُونَ } و آنان که کارهای بد و زشت بیاورند به رو در آتش افکنده می شوند؛ و به آنان گویند: آیا جز آنچه انجام دادید پاداشتان داده اند؟

(جن/23)

{ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا }

و آنان که نافرمانی خدا و رسول او کنند البته کیفرشان آتش دوزخ است که در آن تا ابد مخلد باشند.

پیامبر اکرم فرمودند: اجتناب کنید از گناه هان ریز.

انواع حق الناسی که باید بخاطر ان استغفار کند 1- آبرویی

و اعتباری 2- جانی

3- مالی

4- ناموسی 5- اضلالی 1- اضلال دینی: انتشار و تبلیغ فرق ضاله

(احزاب/67) { وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكِبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا } 2- اضلال سیاسی: ترویج نا امید و ضدانقلابی

3- اضلال رفتاری: شرابخوری-رباخوری-گرانفروشی- زیرمیزی-گران فروشی وسوء ظن- بدرفتاری .. 4- اضلال علمی: باعث شود ترک تحصیل کند 5- اضلال جنسی. تحریک شهوات: (حج/41) { الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ }

دو مرحله محاسبه اعمال صورت میگیرد 1- برزخ: محاسبه عمری که در دنیا داشته ایم.

ص: 86

2- قیامت : محاسبه تاثیرات اعمال و گفتار و رفتار تودر جامعه در طول حیات و پس از مرگ مثلاً : کسی بدعتی را در جامعه انتشار داده باشد تا ساعت قیامت ان بدعت باقی بماند در گناه ان بدعت شریک و سهیم خواهد بود مثلاً : کسی مال غیری را عدوانا تصرف کرده باشد تا از ان مال ظالمانه استفاده میشود در گناهان ظلم سهیم شیک خواهد بود مثلاً: گناهی را به کسی یاد بدهد یا کسی را برای گناه با کسی آشنا سازد و واسطه معصیت بشود گناه مانند میکرب می ماند : و میکرب با چشم غیر مسلح دیده نمی شود ولی می تواند و قدرت دارد یک انسان غول پیکر را مانند کاه در بستر مرگ بیندازد

جلسه هشتم (31/01/1400)

اشاره

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و لا حول و لا قوه الا بالله العلیّ العظیم حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر ربّ اشرح لی صدري و یسر لی امری و احلل عقده من لسانی یفقهوا قولی الحمد لله الذی علا فی توحده و دنا فی تقدّده و جلّ فی سلطانه و عظم فی ارکانه و احاط بکلّ شیء علماً و هو فی مکانه و خیر

ص: 87

الصلاه والسلام على سيدنا سيد الانبياء والمرسلين حبيب إله العالمين أبي القاسم محمد صلى الله عليه وعلى أهل بيته المعصومين
المكرمين واللعن الدائم على أعدائهم اجمعين من الآن إلى يوم الدين. بسم الله الرحمن الرحيم اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّهَ بْنِ الْحَسَنِ
صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا
طَوِيلًا بَجَهتِ سَلَامَتِي إِمَامِ زَمَانِ أَرْوَاحِنَا الْفِدَاءِ صَلَوَاتِ

مقدمه :

بحمدالله در توضیح قدم اول در موضوع مهندسی اشتی با خداوند به اثار شوم گناهان و ترجمه اسامی گناه مفصلاً پرداختیم .

امشب در تکمیل مباحث قبل به این موضوع خواهیم پرداخت که :

تفاوت حالات امراض جسمی و روحی :

1- کسی که مریض جسمی است آرام است ولی مریض روحی نارام است .

2- کسی که مریض جسمی است مطیع است ولی مریض روحی یاغیست .

3- کسی که مریض جسمی است به طبیب رجوع میکند ولی مریض روحی از طبیب بیزار است .

4- کسی که مریض جسمی است به نسخه طبیب عمل می کند ولی

مریض روحی با نسخه طبیب لجبازی می کند.

5- کسی که مریض جسمی است سعی میکند مریضی خویش را به کسی انتقال ندهد ولی مریض روحی مسراست دیگران را نیز مبتلا کند

6- کسی که مریض جسمی است مقرر به ناخوشی خویش است ولی مریض روحی منکر مریضی خود می باشد

7- کسی که مریض جسمی است به مریض شدنش ابراز ناراحتی میکند ولی مریض روحی به شادی زودگذر خود مشغول است .

8- کسی که مریض جسمی است امید به بهبودی دارد ولی مریض روحی امید به رشد بیماری خویش دارد.

9- کسی که مریض جسمی است اگر کسی به او بگوید بیمار هستی تصدیق می کند و توضیح می دهد ولی مریض روحی منکر میشود.

10- کسی که مریض جسمی است به دوستان خویش التماس دعا می گوید تا به بهبودی برسد ولی مریض روحی برای دیگران دعا می کند تا همانند او شوند.

11- کسی که مریض جسمی است با این و آن برای شناخت دکتری بهتر و حاذق تر مشورت می کند ولی مریض روحی از هرچه طبیب است بیزار است و همه را منکر می گردد.

12- کسی که مریض جسمی است از آنچه مریضی او را بدتر و تحریک می کند دوری می نماید ولی مریض روحی به آنچه برایش ضرر مطلق است استفاده می کند . آثار امراض قلبی در رفتار و کردار آدمی :

1- بدلیل مرض قلبی حق و حقیقت را انکار می کند:

(توبه/125) { وَ أَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَ مَاتُوا وَ هُمْ كَافِرُونَ }

2- بدلیل مریضی قلبشان فکر میکنند خدا وانبیاء بر آنان خائن و ظالم خواهند بود: (نور/50) { أَلَمْ يَكْفُرُوا أَنَّهُمْ يُخَافُونَ اللَّهَ عَالِمِ السَّمْعِ وَ الْأَبْصَارِ }
يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ

رَسُولُهُ بَلْ أَوْلِيكَ هُمُ الظَّالِمُونَ {

3- سخنان خدا و انبیاء را فریب و خدعه می پندارند : (احزاب/12) {وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا}

4- بدلیل مرض قلبی فقط دروغ می گوید واز گفتن حق بیزار است : (بقره/10)

{ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ }

5- بدلیل مریضی قلبشان دمدمی مزاجند و لذا نه پیش کافرین آبرو دارند و نه در نزد مومنین :

(مائده/12) { فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُضْبِحُوا عَلَى مَا أَسْرَوْا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ }

6- بدلیل مریض بودنشان دائما در حال پخش شایعات بر علیه مومنین و دین خدا هستند: (احزاب/60) { لَنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ }

فِي الْمَدِينَةِ لَنْتَغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا }

7- هر چه میگویند شیطانست واز ناحیه ابلیس است : (حج/53) { لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ }

8- بدلیل مریضی قلبشان کینه خدا بدل دارند

(محمد/29) { أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ }

9- بدلیل مریضی قلبشان چشم چران هستند: (أحزاب/32) { يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَحْضَنْ عَنِّ الْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا } مجموعه روایات در موضوع آثار گناه در زندگی فردی و اجتماعی انسان را بررسی میکنیم (بحار/ج 2 ص 641)

آثار گناهان در دنیا امام صادق ع فرمودند: آنها که بوسیله گناه از دنیا می روند بیش از کسانی هستند که به مرگ طبیعی می میرند

1- طلحه بن زید گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: پدرم میفرمودند: هیچ چیز مانند گناه قلب را فاسد نمیکند، قلب با گناه مبارزه میکند ولی گناه براوغلبه پیدا مینماید تا جایی که دل را بالا و پائین میبرد و آن را وارونه میسازد

2- هشام بن سالم گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند هررگی در انسان حرکت طبیعی خود را از دست بدهد، و یا گرفتاری و پریشانی

برای آدمی بیاید و یا سردرد و بیماری نصیب انسان گردد همه به خاطر گناه میباشد

(شوری/30) { وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ }، هر مصیبتی که به شما برسد برای آن است که خود مقدمات آن را فراهم کرده اید و خداوند از گناهان زیادی در میگذرد

ص: 91

3- محمد بن مسلم گوید: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: بنده ای از خداوند حاجت میخواهد، و آن حاجت هم قابل روا شدن میباشد ولی صاحب حاجت گناهی مرتکب میگردد و خداوند به فرشته امر میکند حاجت او را ندهد، زیرا او مرتکب گناه شده و از آن خواسته محروم شده است

4- ابوبصیر گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر گاه مردی مرتکب گناهی بشود نقطه سیاهی در دل او پیدا میگردد، هر گاه توبه کند آن گناه پاک می شود اما اگر بر گناه اصرار کرد زیاد میگردد و او را هلاک میکند

5- فضیل از امام باقر (علیه السلام) روایت میکند که فرمودند: کسی که گناه میکند روزیش از او گرفته می شود، و بعد این آیه را تلاوت کردند: { قلم/ 17/18/19 } { إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ وَلَا يَسْتَثْنُونَ فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ } بی تردید ما آنان را [که

در مکه بودند] آزمودیم همان گونه که صاحبان آن باغ را [در منطقه یمن] آزمودیم، هنگامی که سوگند خوردند که صبحگاهان حتماً میوه های باغ را بچینند و چیزی از آن را [برای تهیدستان و نیازمندان] استثنا نکردند پس در حالی که صاحبان باغ در خواب بودند، بلایی فراگیر از سوی پروردگارت آن باغ را فرا گرفت.

6- ابن بکیر روایت میکند: از امام صادق (علیه السلام) مردی گناه میکند و از نماز شب محروم می شود، کار بد بیشتر به صاحب خود صدمه میزند تا چاقوی تیزی به گوشت

7- مردی از ابو الحسن (علیه السلام) روایت میکند که فرمودند خداوند لازم کرده است در خانه ای که زیاد معصیت می شود آن را خراب کند و در معرض آفتاب (داغی مصیبت) قرار دهد تا پاک گردد

8- ابو حمزه گوید: از امام باقر (علیه السلام) شنیدم فرمودند: این طور نیست که سالی باران کمتر از سالی دیگر بیاید، خداوند خود بارانها را هر طور مصلحت بداند نازل می کند و به هر جا اراده کند میفرستد هر گاه قومی مرتکب گناه شوند خداوند باران را از آنها بر میگرداند اگر چه باران برای آنها مقدر شده باشد خدا آن باران را برای گروهی دیگر میفرستد، و در بیابانها و دریاها و کوه ها فرو میریزد خداوند خزندگان را هم در سوراخ ها معذب میکند، و باران را از سرزمین هائی که مردمان آنجا معصیت میکنند

منع میگرداند و باران را در جاهای دیگر میریزد و بعد از آن امام (علیه السلام) فرمودند ای اهل بصیرت از اینها پند گیرید

9- زراره از امام باقر (علیه السلام) روایت میکند که فرمود: هر بنده ای که در دل خود یک نقطه سفید دارد، هر گاه مرتکب گناهی شود جای سیاهی در آن پدید می آید، اگر توبه کرد آن سیاهی از بین می رود اما اگر در گناه خود اصرار ورزید و به آن ادامه داد آن سیاهی زیاد می گردد تا سفیدیها را میپوشاند، هنگامی که سیاهی همه را فرا گرفت دیگر امید خیری در صاحب آن نمیشد

و همان است که خداوند میفرماید: (مطففین/14) { كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ } این چنین نیست که می گویند، بلکه گناهانی

که همواره مرتکب شده اند بر دل هایشان چرک و زنگار بسته است [که حقایق را افسانه می پندارند

10- ابو عمرو و مدائنی از امام صادق (علیه السلام) روایت میکنند که آن حضرت فرمود خداوند هر کاری که میکند روی حساب میباشد و به هر بنده ای که نعمتی داد آن را از وی نمیگیرد مگر اینکه آن بنده گناهی بکند که در آن صورت از او گرفته میشود.

11- سلیمان جعفری از امام رضا (علیه السلام) روایت میکند که خداوند متعال به یکی از پیامبران وحی کردند، هر گاه مردم مرا اطاعت کردند از آنها راضی میگردم، و هر گاه راضی شدم به آنها برکت میدهم، و برکت من پایان ندارد، ولی هر گاه مردم مرا معصیت کردند من هم ناراحت میگردم و هر گاه ناراحت شدم آنها را لعنت میکنم و لعنت من فرزندان آنها را هم فرا میگیرد

12- عباس بن هلال شامی که یکی از موالیان ابو الحسن موسی (علیه السلام) بود گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم فرمودند: هر چه مردم ندانسته بر گناهان خود افزوده کنند خداوند آنها را به گرفتاریهایی که نمیدانستند مبتلا خواهد کرد

13- یونس از امیرالمومنین روایت میکند که فرمودند: دردی بالاتر از گناه برای قلب نیست، و ترسی ناگوارتر از مرگ نمیباشد، از گذشته ها عبرت بگیرید و از مرگ پند فرا گیرید

14- امام صادق (علیه السلام) فرمودند: اگر خداوند عقوبت میکند پس چرا باید خدا را معصیت کرد .

15- سدیر گوید: مردی از امام صادق (علیه السلام) پرسید تفسیر آیه شریفه

(سبأ/19) { فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَا لَهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَقٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ } پس این مغرورشدگان به رفاه و خوشی و ناسپاسان در برابر نعمت گفتند: پروردگارا! میان سفرهای ما را دوری و فاصله انداز. [این را درخواست کردند تا تهیدستان و پابرهنگان نتوانند در کنار آنان سفر کنند، و [این گونه آنان بر خودشان ستم کردند، پس ما آنان را داستان هایی [برای عبرت آیندگان] قرار دادیم و جمعشان را به شدت متلاشی و تار و مار کردیم، همانا

در این [سرگذشت ها] برای هر صبرکننده سپاس گزاری عبرت هاست

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: آنها جماعتی بودند که آبادی های متصل به هم داشتند در آن آبادیها نهرها و رودخانه ها جاری بود و مال های زیادی هم داشتند که از آنها استفاده میکردند، آن جماعت به نعمتهای خداوند کافر شدند، و از متابعت خداوند دست کشیدند و اخلاق خود را تغییر دادند خداوند متعال هم زندگی آنها را تغییر داد و بر آنها غضب نمود و خداوند اوضاع و احوال هیچ ملت و قومی را تغییر نمیدهد مگر اینکه خود موجبات تغییر نعمت ها را فراهم کنند و مورد عذاب قرار گیرند بنا بر این خداوند سیل بنیان کنی برای آن قوم فرستاد آبادیهای آنها را نابود کرد و خانه های آنها را خراب نمود، اموال و هستی آنان را با خود برد، و به جای آن دو باغ پر از میوه های گوناگون دو باغ دیگر به آنها داد که از درختان آن هیچ سودی نبردند و میوه هائی که بتوان استفاده کرد وجود نداشت .

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم . صلى الله عليك يا رسول الله وعلى آل بيتك المظلومين المعصومين الهداه المهديين الحجج الميامين و لعنه الله على اعدائهم ابا الابدین و دهر الداهرين . دعای فرج را همه باهم بخوانیم . اللهم کن لولیک الحجج بن الحسن . صلواتک علیه و علی آبائه فی هذه الساعه و فی کل ساعه ولیا و حافظا و قائدا و ناصرا و دلیلا و عیناه حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا .

مقدمه :

همانطور که دیشب تذکر دادم که امشب مصادف است با شب وفات بی بی عالم حضرت ام المومنین خدیجه کبری (علیها السلام) مادر بزرگ تمام مومنین و شیعیان عالم . بر خود لازم و واجب میدانم امشب را اختصاص دهم به معرفی این بانوی بزرگ اسلام که بی بدیل و بی نظیر است و تمام بانوان بزرگ تاریخ شاگردان این بانوی مکرمه میباشند. لذا با اجازه شما مستمعین عزیز و بزرگوار ادامه بحث استغفار و آشتی با خدای مهربان را به شبهای بعد موکول میکنیم . و با احترام مادر بزرگ عزیزمان حضرت ام المومنین خدیجه کبری سلام الله علیها . امشب و فرداشب را به بررسی شخصیت والای این بانوی بزرگ عالم اختصاص

میدهیم . باشد که دعای خیر این بزرگوار شامل حال همه ما گردد. انشاء الله . هدیه روح پر فتوح مادر بزرگ عزیزمان حضرت ام المومنین خدیجه کبری سلام الله علیها صلوات جلی ختم بفرماید .

1- نگاه ارزشی حضرت خدیجه (علیها السلام)

****** ایشان با انتخاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) حاضر شد تمام شخصیت و دارایی خود را فدای پیامبر (صلی الله علیه و آله) کند.

****** تمام قالب های جاهل را شکستند و برای سنت شکنی جاهلی بهای سنگینی هم دادند قطع رابطه زنان با ایشان تا سال 5 بعثت که تولد بی بی حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) بود هیچ زنی به کمک حضرت ام المومنین خدیجه کبری (علیها السلام) نیامد لذا خداوند برای او بهترین زنان عالم را فرستاد تا در امر زایمان کمک بی بی کنند.

****** بی بی حضرت خدیجه (علیها السلام) به حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) عرضه میداشت :

ای پسر عمو . من بخاطر خویشاوندی و شرافت تو در بین مردم . امانت داری شما و خوش خلقی و صداقت و راستگوییان به شما متمایل شدم

****** حضرت خدیجه (علیها السلام) در برابر هجمه اعتراضات زنان قریش فرمودند :

ای زنان قریش !! شنیده ام شما وشوهرانتان در مورد ازدواج من با محمد (صلی الله علیه و آله) خرده گرفته و عیب جویی میکنید؟! آیا در میان شما شخصیتی مثل حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) وجود دارد؟ آیا در ستره مکه و اطراف ان شخصیتی در فضاؤل و مناقب حضرت محمد و اعتبار و اخلاق نیکو و صداقت و امانت داری او سراغ دارید؟

ایا نمیدانید من بخاطر این ویژگیها با ایشان ازدواج کرده ام؟

زنان قریش در برابر این استدلال قوی همگی لال شده و با قهر بی بی را ترک کردند و دیگر برنگشتند

نکته تربیتی:

1- قابل توجه خیلی از جوانان امروزی که اولویت با زیبایی و تیپ و قیافه نیست.

بی بی به صفات ریشه ای و اصیل یک مرد زندگی اشاره میکنند تا درسی باشد برای همه دختران عالم تا در انتخاب همسر شیفته چشم و ابرو و قد و قیافه خواستگار نشوند و بقیه صفات و معیار های اصیل زندگی را فراوش نمایند.

2- اگر هرکسی برای انتخابی که دارد استدلال محکمه پسند و عقلانی داشته باشد هم کمتر اشتباه میکند و هم کمتر آسیب میبیند.

3- اطرافیان و خانواده و دوستان نیز نباید همانند زنان کفار قریش دنیا پرست و مادی نگر باشند.

ما از زنان قریش هیچ توقعی نداریم و نداتیم که بی بی را تشویق کنند و همراهیش کنند. ولی از خانواده ها و اطرافیان مسلمان امروز متوقع هستیم که اگر جوانی بدلیل ناپختگی و خامی معیارهای ازدواجش بر مبنای تعقل نبود اطرافیان او را هدایت کنند.

4- پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمودند امان از والدین اخر الزمان . گفتند چرا؟ فرمود: فرزندانشان میخواهند تقوی را رعایت کنند ولی والدین ممانعت میکنند از این که فرزندان خدا را پرستد و در راه مستقیم قدم بردارد.

5- اگر معیار خدا پسندانه باشد و دارای استدلال قوی و عقلانی . هیچ غصه نباید خورد که کسی همراهی نمیکند . برای کمک و استعانت خداوند مهربانم کافیت. از راه های بی گمان تمام مشکلاتمان را حل خواهد کرد.

(ان الله يدافع عن الذين امنوا)

2- احترام ویژه به شان و شخصیت پیامبر عزیز اسلام .

****بی بی حضرت خدیجه (علیها السلام) به رغم داشتن اموال فراوان و موقعیت والای اجتماعی و ده ها کنیز و غلام همیشه سعی میکردند در برخوردشان با رسول خدا(صلی الله علیه و آله) حرمت ایشان را نگه بدارند و لذا برخورد بی بی در مکه زبان زد عام و خاص بود.**

****روزی که عقد بسته شد و با هم محرم شدند . پیامبر اجازه گرفتند که به خانه عمویشان جناب ابوطالب برگردند . حضرت خدیجه (علیها السلام) در مقابل درب خانه ایستادند و با تمام تواضع فرمودند : البیت بیتک و انا جاریتک خانه شماس است و به خانه خودتان خوش امید و منم یکی از کنیزان این خانه شما هستم**

نکته تربیتی:

1- مبادا زن و مرد بخاطر دارایی و موقعیت اجتماعی خود یا خانواده شان فخر فروشی کرده و به هم تفاخر نمایند.

2- سرمایه اصلی و ماندگار مهر و محبت و صداقت و اخلاق و تفاهمی است که زن و شوهر باید داشته باشند.

3- سرمایه ها چه بسا گم میشوند. یا ربوده میشوند. یا خورده میشوند و یا نابود میگردد. ولی روابط حسنه و تعامل و تفاهم اگر بین زن و شوهر باشد میتوانند از نوسازند و شروع کنند. اگر سرمایه مادی باشد ولی اخلاق و تفاهم نباشد هرگز به طعم شیرین از دارایی های موجود لذت نخواهند برد.

4- تفاخر و تکبر و از بالا نگاه کردن و نگاه ارباب رعیتی مهر و صفا را

نابود میکند و در قلب آدمی بذر تنفر و کینه و تلافی و ناامیدی و افسردگی میپوراند.

5- نباید تعجب کنیم که در جریان درخواست ملاقات عمرو ابوبکر لعین از فاطمه (علیها السلام) حضرت امیر فرمودند باید بی بی اجازه بدهند. وقتی مولا- با خجالت تمام موضوع را مطرح فرمودند. بی بی فرمود: علی جان. پسرعمو. البیت بیتک وانا امتک. چون دختر از مادر ارث میبرد.

6- بخشی از نگرانی های مردم از جوانان و فرزندانشان برمیگردد به عملکرد و رفتارهای خودشان.

(فرزند آینه رفتار والدین است)

3- تلاش بی بی برای جلب رضایت صد در صدی رسول خدا(صلی الله علیه و آله)

** تمام تلاش بی بی این بود که با تمام قوی و توان امور منزل را مطابق میل و علاقه حضرت اداره کند. چون بی بی بخوبی میدانستند و میشناختند حضرت را که ایشان علاقه زیادی به عبادت و تفکر در خلائق عالم دارد. لذا چنان رفتار میکردند که پیامبر(صلی الله علیه و آله) بدون هیچ نگرانی به عبادت پردازند و مانع عبادت ایشان نباشند.

** بی بی خدیجه(علیها السلام) خبر داشتند که حضرت رسول اکرم(صلی الله علیه و آله) قبل از بعثت در هر ماهی چند بار و نیز هر سال یکماه مبارک رخصانی را در غار حرا به تنهایی عبادت میکند. و این برنامه با رفتار حضرت خدیجه(علیها السلام) ادامه پیدا کرد.

امام هادی(علیه السلام) فرمودند: با وجودیکه حضرت رسول اکرم(صلی الله علیه و آله) با سرمایه بی بی حضرت خدیجه(علیها السلام) تجارت میکردند ولی درآمدشان را بین فقرا

تقسیم مینمود و هر روز صبح بر فرار کوه حرا میرفت و به تماشای شگفتی های خلقت مشغول میشد. و تحت تاثیر عظمت خداوند قرار میگرفت و آنچه که شایسته خدا بود عبادت میکرد. و حضرت خدیجه(علیها السلام) هرگز برای پیامبر(صلی الله علیه و آله) مزاحمتی و مخالفتی و ممانعتی ایجاد نکرد.

**

گاهی از اعتکاف های پیامبر(صلی الله علیه و آله) 40 روز طول میکشید و درغار حرا میماندند. و خدیجه کبری(علیها السلام) درخانه تنها بود و هرگز اعتراضی نکرد.

**

پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) مولا علی(علیه السلام) و گاهی عمار یاسر را میفرستاد و به خدیجه کبری(علیها السلام) پیام میداد که: ای خدیجه! همسر باوفا و مهربانم. کمان نکنی کناره گیری از من به خاطر بی اعتمادی یا بی اعتنایی به توست. بلکه پروردگرم چنین فرموده است تا امر خود را اجرا کند. جز خیر و سعادت به چیز دیگری فکر نکن. خداوند به خاطر تو هر روز چندین بار به فرشتگان بزرگ خویش مباحثات میکند. پس وقتی شب شد درب منزل را ببند و در بستر خویش استراحت کن.

**

حضرت خدیجه(علیها السلام) انقدر به فکر جلب رضایت رسول خدا بود که هنگام وصیت خویش خجالت کشیدند مستقیماً به حضرت چیزی درخواست کنند.

لذا به دختر 4 ساله خود فرمود:

مادر. دختر عزیزم. از پدرت بخواه اگر مرا صلاح و قابل میدانند. پیراهنی که موقع وحی بر تن تان بوده روی کفن من بیندازد که فشار قبر نداشته باشم. چون از فشار قبر و تاریکی قبر و سوال و جواب در قبر میترسم.

ص: 101

در زمان ارتحالشان هم به رسول خدا(صلی الله علیه و آله) عرض کردن . من فقط یک درخواست از شما دارم . اگر در حق شما کوتاهی کردم مرا عفو بفرمائید . پیامبر اشک میریخت میفرمود . عزیز دلم . همسر با وفایم . همسر خوبم . هرگز از تو تقصیری ندیدم و تونهایت تلاشت را کردی تا من به عبادات و کارهای رسالتم برسیم . بسیار تنهایی کشیدی و در منزل من بسیار خسته شدی و تمام اموالت را به خدا و دین خدا بخشیدی . هرگز منتهی بر من نگذاشتی . و الان نیز از شدت گرسنگی و تشنگی از این دنیا میروی .

نکات تربیتی:

1- درک متقابل بین زن و مرد عامل مهم تداوم زندگی شیرین و عزت مدارانه است

2- افراط و تفریط همیشه در دسر ساز بوده و هست.

3- بعضی از مشاغل گرفتاریهای ویژه و دوری های فراوان از خانواده دارد . و خانواده باید موقعیت شغلی همدیگر را درک کنند و با هم تعامل و تعادل داشته باشند مثل . امنیتی ها و نظامی ها (سپاهیان - مرزبانان - نیروی دریایی - گروه های جهادی و بسیجی) دیپلمات ها - مبلغین دینی - پزشکان - تاجران - کارگران معادن - رانندگان بیابانی 4- از صبوری خانواده ها نباید سوء استفاده کرد. بعضی ها از هیاتی شدن . بیشتر دنبال پاتوق هیات هستند. باید کاری نکنیم که خانواده هایمان بخاطر نبودن ما به نام هیات و مذهب متنفر از دین بشوند.

5- خستگی کار و تلاش را نباید به خانواده انتقال داد. چون هر فردی کارهای شخصی و تکالیفی بر عهده دارد. از زیر بار کارهای شخصی در خانه در رفتن به بهانه خسته گی کار بی اخلاقی ست

6- اگر در مسافرت مجبور هستید باشید . یک امینی را پیدا کنید که

هرچند روزی به خاواده شما سری بزند و احوالی پرسد. اگر فرزند محصلی دارید به مدرسه اش برود و از وضع تحصیل و رفتار او پرس و جویی داشته باشد. 7- در این زمانه که تلفن تصویری وجود دارد کمبودهای محبتی را کاهش بدید.

8- زن و شوهر انقد رباید عاشق و شیفته و فدایی هم باشند که از درخواست کردن از یکدیگر شرم و خجالت بکشند. تا مبادا یکدیگر را به زحمت بیندازند.

9- گاهی بهترین واسطه بین زن و شوهر . فرزند است . بخصوص اگر دختر باشد.

10- احترام به رسالت و شغل و هدف مقدس همسر جزئی از ایمان و فهم ادمی است. از پیامبر درخواست پیراهنی را میکند که پیامبر(صلی الله علیه و آله) در زمان نزول وحی پوشیده بوده است

11- حلالیت گرفتن از یکدیگر محبت میآورد. خاطرات تلخ و شیرین را زنده میکند. چه بسا با گذر زمان همسرمان احساس کند ما زحمات گذشته او را فراموش کرده ایم. هرچند صباحی به بهانه ای از گذشته ها یادی کنید و به همسرتان ابراز کنید که من هرگز زحمات شما را فراموش نمیکنم. این بهترین شیوه تشکر از همسر زحمت کش است.

12- با وجودیکه حضرت خدیجه ذره ای در خدمت به پیامبر(صلی الله علیه و آله) کوتاهی نکرده ولی باز خودش را مقصر میدانند و دوست دارد حلالیت بطلبد تا از دو لب پیامبر بشنود که از ایشان راضی است .

13- متقابلا در برابر حلالیت گرفتن همسر باید همسر نیز با تمام عشق و تواضع و خلوص بگوید تو اگر نبودی من هرگز به اینجا نمیرسیدم.

و

تمامموفقیت خودش را مدیون و مرهون زحمات همسرش اعلان کند

14- گاهی سختی و غم دوری از خانواده را میتوان با یک نامه و پیام کمتر التیام بخشید

نمونه ای از رفتار مرحوم امام (فروردین 1312 - بیروت لبنان)

در زمان تبعید شدنشان به لبنان برای همسرشان نامه ای نوشته اند .

تصدقت شوم؛ الهی قربانت بروم، در این مدت که مبتلای به جدایی از آن نور چشم عزیز و قوت قلبم گردیدم متذکر شما هستم و صورت زیبایت در آئینه قلبم منقوش است. عزیزم امیدوارم خداوند شما را بسلامت و خوش در پناه خودش حفظ کند . حال من با هر شدتی باشد می گذرد ولی بحمدالله تاکنون هر چه پیش آمد خوش بوده و الآن در شهر زیبای بیروت هستم؛ حقیقتاً جای شما خالی است فقط برای تماشای شهر و دریا خیلی منظره خوش دارد صد حیف که محبوب عزیزم همراه نیست که این منظره عالی به دل بچسبد

در هر حال امشب شب دوم است که منتظر کشتی هستیم، از قرار معلوم و معروف یک کشتی فردا حرکت می کند ولی ماهاکه قدری دیر رسیدیم، باید منتظر کشتی دیگر باشیم.

عجالتاً تکلیف معلوم نیست امید است خداوند به عزت اجداد طاهرینم که همه حجاج را موفق کند به اتمام عمل، از این حیث قدری نگران هستیم ولی از حیث مزاج بحمدالله به سلامت، بلکه مزاجم بحمدالله مستقیم تر و بهتر است. خیلی سفر خوبی است جای شما خیلی خیلی خالیست

ص: 104

4- تصدیق و تایید پیامبر(صلی الله علیه و آله) در تمام لحظات

در زمانی که خدیجه کبری(علیها السلام) پیامبر(صلی الله علیه و آله) را تصدیق کرد حتی بسیار ای ا

اقوام و نزدیکان پیامبر(صلی الله علیه و آله) ایشان را تکفیر و تکذیب میکردند. و حتی کمر به قتل حضرت بسته بودند.

**پیامبر(صلی الله علیه و آله) بارها میفرمود (این مثل خدیجه؟)

**پیامبراکرم(صلی الله علیه و آله) وقتی هاله خواهر حضرت خدیجه(علیها السلام) را میدیدند بسیار میگریستند و از خدیجه(علیها السلام) یاد میکردند.

**

عایشه (ل) بارها اعتراض کرد. که چرا به خاطر پیرزنی چنین گریه میکنید؟

حضرت به او میفرمود: بهتر از خدیجه(علیها السلام) هیچگاه نصیبم نشد او هنگامی به من ایمان آورد که تمام مردم مرا تکذیب میکردند. او تمام اموالش را در راه خدا بذل نمود.

نکات تربیتی:

1- همسر باید همیشه و همه جا مدافع همسر مومنش باشد.

2- دل بستن به اقوام و اطرافیان در حد افراطی و غیر معمولش بی خردی و ناپختگی است.

3- در طول زندگی از مون های بسیاری رداشته و داریم که رفتارهایی از نزدیک ترین افراد به ما مبینیم که تعجب کرده و شاید این نوع رفتارهای زشت را از غریبه ها نبینیم.

ص: 105

4- گاهی دشمنی ها از اقوام شروع میشود

5- احترام به همسر سر جای خودش ولی تکریم خانواده همسر و اقوام او نیز احترام ویژه به همسر ادمی است.

6- بی توجهی و بی ادبی نسبت به اقوام همسر مستقیماً توهین به همسر است .

7- مرگ همسر ولو سالها طول بکشد نباید خاطرات و زحمات همسر از یاد ها برود.

8- اگر همسرتان از دنیا رفته است . در مقابل اقوام او حتما با حسرت و اندوه از همسرتان یاد کنید. و این فهم و وفادای خودتان را نشان بدهید.

9- اگر همسر دومی اختیار کردید مبادا نسبت به همسر اولتان بی اعتنائی نشان دهید.

10- به همسر دوم نباید اجازه داد به همسر اول تان جسارت و توهین کند. و ختما اگر ب یادبی کرد تذکر دهید . و اگر توجه نکرد با برخورد خود دقیق و موثر تان او را متنبه سازید.

11- هرگز وفاداریهای همسر اولتان را فراموش نکنید بویژه در مقابل دشمنان او و خسودان او بزبان بیاورید تا بدانند. مرگ او . باعث فراموشی او نشده است.

12- همسر باید در حیات و ممات در هر جا مدافع همسرش باشد.

14- اگر همسر دومتان توهین یا جسارت به همسر اولتان کرد با توهین جوابش را ندهید. با اشاره به زحمات همسر اولتان دهنش را ببندید و ساکتش کنید.

15- هرگز همسر اولتان را به همسر های دیگر مساوی ندانید . چون همسر های بعدی سر سفره آماده نشسته اند. زحمات اصلی را همسر اول کشیده است.

آری مادر بزرگ عزیزمان در طول زندگی مشترکشان با حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) هیچ درخواستی نفرمودند.

همان طور که عرض کردم . فقط لحظه آخر عمر شریفشان در شعب ایطالب (علیه السلام) به دختر معصومه شان فرمودند . فاطمه جانم من خجالت میکشم از پدرتان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) چیزی درخواست کنم. اگر میشود شما از ایشان بخواهید . یکی از پیراهن هایشان را که زمان نزول وحی به تن داشتن را به من هدیه کنند تا روی کفنم قرار بگیرد تا به برکت آن پیرهن از فشار قبرم کاسته شود . چون من از شب اول قبر بسیار میترسم .

آنقدر حضرت زهرا (علیها السلام) و پیامبر عزیز اسلام گریه کردند. خانمی که هرچه داشت تقدیم اسلام نمود . الان با حال گرسنگی و جگری پخته از تشنگی . روی خاک های شعب در حال جان دادن است . هیچ تعرضی که نداشته . حتی از بیان حاجتی هم شرم دارد . واقعا مادر گیتی همچون خدیجه نخواهد زائید و نخواهد دید .

آری . چنین مادری باید چنین دختری را دارا باشد. او نیز در طول زندگی کوتاهشان با همسر مظلومشان علی (علیه السلام) هرگز درخواستی نداشتند و همیشه میفرمود البیت بیتک و انا امتک .

و چنین زهرایی باید دختری همچون زینب کبری سلام الله علیها داشته باشد که عالم را از صبر و شکیباییش متحیر نماید.

چرا که وقتی از او با طعنه سوال کردن کربلا را چگونه دیدی ؟ فرمود و مارایت الا جمیلا .

چه ها دیده بود زینب کبری (علیها السلام)

بمیرم سرهای بریده بر نیزه های غریبی!

بدن های پاره پاره در صحرای کربلا!

و بدن اربا اربا و غرقه بخون برادرش در گودال قتلگاه . علی لعنه الله علی القوم الظالمین .

آنقدر حضرت خدیجه (علیها السلام) به فکر جلب رضایت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود

جلسه دهم (03/02/1400)

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم . صلی الله علیک یا رسول الله وعلی آل بیتک المظلومین المعصومین الهداه المهدیین الحجج المیامین و لعنه
الله علی

ص: 108

اعداءهم ابدا الابدین ودهر الداهرین الی یوم الدین

بجهت سلامتی امام زمان ارواحناله الفداه صلوات

مقدمه :

همانطور که دیشب عرض کردم این دوشب مصادف است با شب و شام وفات بی بی عالم حضرت ام المومنین خدیجه کبری (علیها السلام) مادر بزرگ تمام مومنین و شیعیان عالم . بر خود لازم و واجب میدانم امشب را هم اختصاص دهم به معرفی این بانوی بزرگ اسلام که بی بدیل و بی نظیر است و تمام بانوان بزرگ تاریخ شاگردان این بانوی مکرمه میباشند.

حضرت خدیجه سلام الله علیها مادر امت

سخن از خدیجه ، سخن از یک دنیا عظمت و پایداری و استقامت در راه هدف است . به حق قلم فرسایی و سخنرانی در باره کسی که خداوند بر او سلام و درود فرستاد ، بسی مشکل است . اما به مصداق (مالا یدرک کله لا یتدرک کله) به بررسی گوشه هایی از شخصیت و زندگی این بزرگ بانو می پردازیم

ولادت و خانواده

خانواده ای که خدیجه را پرورش داد ، از نظر شرافت خانوادگی و نسبت های خویشاوندی ، در شمار بزرگترین قبیله های عرب جای داشت . این خاندان در همه حجاز نفوذ داشت . آثار بزرگی و نجابت و شرافت از کردار و گفتار خدیجه پدیدار بود.

خدیجه از قبیله هاشم بود و پدر و اقوامش از ثروتمندان قریش بودند . پدرش خویلد بن اسد قریشی نام داشت . مادرش فاطمه دختر زائد بن اصم بود

ص: 109

اخلاق حضرت خدیجه (علیها السلام)

خدیجه در بین اقوام خود یگانه و ممتاز و میان اقران کم نظیر بود. او به فضیلت اخلاقی و پذیرایی های شایان بسیار معروف بود و بدین جهت زنان مکه به وی حسد می ورزیدند

دخترت خویلد در سجایا و کمالات اخلاقی زبانزد و نمونه بود و به حق ایشان کفو خوبی برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود. بی تردید می توان گفت که این سجایا و فضایل اخلاقی سبب شد تا خدیجه برای همسری پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شایسته شمرده شود. طبق روایات، او برای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) یاوری صادق بود

آیا خدیجه (علیها السلام) قبل از پیامبر (صلی الله علیه و آله) ازدواج کرده بود؟

ابوالقاسم کوفی - احمد بلاذری - علم الهدی (سیدمرتضی در کتاب شافی - و «شیخ طوسی» در تلخیص شافی و علامه مجلسی آشکارا می گویند که خدیجه، هنگام ازدواج با پیامبر عذرا بود

آشنایی ایشان با حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)

فضایل اخلاقی خدیجه، بسیاری از بزرگان و صاحب منصبان عرب رابه فکر ازدواج با وی می انداخت. ولی خاطرات همسر پیشین به وی اجازه نمی داد شوهری دیگر انتخاب کند. تا اینکه با مقامات معنوی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) آشنا شد و آن دو غلامی که برای تجارت همراه پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرستاده بود، مطالب و معجزاتی که از وی دیده بودند، برای خدیجه نقل کردند. خدیجه فریفته اخلاق و کمال و مقامات معنوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) شد. البته او از یکی از دانشمندان یهود و نیز ورقه بن نوفل، که از علمای بزرگ عرب و خویشان نزدیک خدیجه به شمار می رفت، در باره ظهور پیغمبر آخرالزمان و خاتم الانبیا (صلی الله علیه و آله) مطالبی شنیده بود. همه این عوامل

موجب شد تا خدیجه حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) را به همسری خودانتخاب کند

ازدواج حضرت خدیجه (علیها السلام)

زفاف خدیجه با حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) 2 ماه و 75 روز پس از بازگشت از سفر تجارت شام تحقق یافت .

در آن زمان ، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) 25سال داشت و حضرت خدیجه 28 ساله بودند

خدیجه به سبب علاقه به حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و مقام معنوی او بارسول خدا ازدواج کرد و تمام دارایی و مقام و جایگاه فAMILI خود را فدای پیشرفت مقاصد همسرش ساخت.

در عقد ازدواج حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و خدیجه ، عبدالله بن غنم به آنها چنین تبریک گفت:

گوارا باد بر تو ای خدیجه که طالع تو سعادت‌مند بوده و بابهترین خلایق ازدواج کردی . چه کسی در میان مردم همانند محمد (صلی الله علیه و آله) است . محمد (صلی الله علیه و آله) کسی است که حضرت عیسی و موسی به آمدنش بشارت داده اند و کتب آسمانی به پیامبری او اقرار داشتند رسولی که سر از بطحاء (مکه) در می آورد و او هدایت کننده و هدایت شونده است .

احترام پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله) به خدیجه (علیها السلام)

احترام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) به خدیجه ، به خاطر عقیده و ایمان او به توحید بود

خصال و صفات حضرت خدیجه (علیها السلام)

ص: 111

خدیجه از بزرگترین بانوان اسلام به شمار می رود .

1- او اولین زنی بود که به اسلام گروید چنان که علی بن ابی طالب (علیه السلام) اولین مردی بود که اسلام آورد .

2- اولین زنی که نماز خواند خدیجه بود.

3- او انسانی روشن بین و دور اندیش بود .

4- با گذشت ،

5- علاقه مند به معنویات ،

6- وزین و با وقار ،

7- معتقد به حق و حقیقت و متمایل به اخبار آسمانی بود همین شرافت برای او بس که همسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود

8- و گسترش اسلام به کمک مال و ثروت او تحقق یافت.

9- خدیجه از کتب آسمانی آگاهی داشت

10- و علاوه بر کثرت اموال و املاک، او را ملکه بطحاء می گفتند .

11- از نظر عقل و زیرکی نیز برتری فوق العاده ای داشت

12- و مهمتر اینکه حتی قبل از اسلام وی را 1- طاهره 2- مبارکه 3- سیده زنان می خواندند

13- جالب این است او از کسانی بود که انتظار ظهور پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می کشید و همیشه از ورقه بن نوفل و دیگر علما جویای نشانه های نبوت می شد .

14- اشعار فصیح و پرمغز وی در شان پیامبر (صلی الله علیه و آله) از علم و ادب و محبت او به حضرت رسول راحکایت می کند.

مضمون اشعار حضرت خدیجه چنین است :

اگر تمام نعمتهای دنیا از آن من باشد و ملک و مملکت کسراها و پادشاهان را داشته باشم ، در نظرم هیچ ارزش ندارد زمانی که چشم به چشم تو نیافتند

15- دیگر خصوصیت خدیجه این است که او دارای شم اقتصادی و روح بازرگانی بود و آوازه شهرتش در این امر به شام هم رسیده بود.

16- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: افضل نساء اهل الجنة خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد و مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم است. چه می توان گفت در شان کسی که مایه آرامش و تسلائی خاطر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود؟!

در تاریخ می خوانیم:

حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) هر وقت از تکذیب قریش و اذیت های ایشان محزون و آزرده می شدند، هیچ چیز آن حضرت را مسرور نمی کرد مگر یاد خدیجه؛ و هرگاه خدیجه را می دید مسرور می شد

ذهبی عالم متعصب سنی می گوید:

مناقب و فضایل خدیجه بسیار است؛ او از جمله زنان کامل، عاقل، والا، پای بند به دیانت و عفیف و کریم و از اهل بهشت بود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) کرارا او را مدح و ثنا می گفت و بر سایر امهات مومنین ترجیح می داد و از او بسیار تجلیل می کرد. به حدی که عایشه می گفت: بر هیچ یک از زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) به اندازه خدیجه رشک نوزیدم و این بدان سبب بود که پیامبر (صلی الله علیه و آله) بسیار او را یاد کرد.

درود خدا بر حضرت خدیجه (علیها السلام)

خدیجه کبری چنان مقام والایی داشت که خداوند عزوجل بارها براو درود و سلام فرستاد

طبق روایتی از حضرت امام محمد باقر (صلی الله علیه و آله):

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) هنگام بازگشت از معراج به جبرئیل فرمود: آیا حاجتی داری؟ جبرئیل عرض کرد: خواسته ام این است که از طرف خدا و من

ص: 113

به خدیجه سلام برسانی.

در روایتی دیگر می خوانیم: روزی خدیجه به طلب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بیرون آمد. جبرئیل به صورت مردی با وی رو به رو شد و از خدیجه احوال رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را پرسید. خدیجه نمی توانست بگوید رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در کجا به سر می برد. او می ترسید این مرد از کسانی باشد که قصد کشتن پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را دارد. وقتی که خدمت آن حضرت رسید و قصه باز گفت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) فرمود: آن جبرئیل بود و امر کرد که از خداتو را سلام برسانم.

نقش حضرت خدیجه (علیها السلام) در پیشبرد اسلام

وقتی حضرت خدیجه دریافت که سعادت مند شده، هر چه داشت در راه پیشرفت و موقعیت پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله) انفاق کرد. او تمام اموال خویش را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) بخشید و در راه نشر اسلام به مصرف رساند. تا جایی که هنگام ارتحال، پارچه ای برای کفن نداشت.

ابن اسحاق جمله ای در شان خدیجه دارد که گویای همکاری و صداقت او در پیشبرد اسلام است.

او می گوید: خدیجه یاور صادق و با وفایی برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود و مصیبت ها در پی رحلت خدیجه و ابوطالب بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) سرازیر شد گویا این دو، در برابر هجوم ناملایمات بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، سدی بلند و مستحکم بودند.

این جمله، معروف که اسلام رهین اخلاق پیامبر (صلی الله علیه و آله)، شمشیر علی (علیه السلام)، و اموال خدیجه است از نهایت همکاری و صداقت خدیجه پرده بر می دارد.

فرزندان حضرت خدیجه (علیها السلام)

در تعداد فرزندان حضرت خدیجه گرچه میان مورخان اختلاف است ولی به گفته مشهور ثمره ازدواج رسول خدا و خدیجه شش فرزند بود: 1-

ص: 114

هاشم یا (طاهر) 2- عبدالله یا (طیب) 3- رقیه . 4- زینب 5- ام کلثوم . 6- فاطمه

اول رقیه- دوم زینب -سوم ام کلثوم- اخر فاطمه سلام الله علیها بود پسران خدیجه پیش از بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، بدرود زندگی گفتند . ولی دخترانش ، نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را درک کردند

وصیت حضرت خدیجه (علیها السلام)

حضرت خدیجه (علیها السلام) سه سال قبل از هجرت بیمار شد . پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود : ای خدیجه آیا می دانی که خداوند تو را در بهشت نیز همسرم ساخته است ؟

آنگاه از خدیجه دل جوئی و تققد کرد ؛ او را وعده بهشت داد و درجات عالی بهشت را به شکرانه خدمات او توصیف فرمود . چون بیماری خدیجه شدت یافت ، حضرت خدیجه به رسول خدا عرض کرد : یا رسول الله !

چندوصیت دارم :

وصیت اولم : من در حق تو کوتاهی کردم ، مرا عفو کن . پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود : هرگز از تو تقصیری ندیدم و نهایت تلاش خود را به کار بردی . در خانه ام بسیار خسته شدی و اموات را در راه خدا مصرف کردی .

وصیت دوم : یا رسول الله ! مواظب این دختر باشید . و به فاطمه زهرا (علیها السلام) اشاره کرد . چون او بعد از من یتیم و غریب خواهد شد . پس مبادا کسی از زنان قریش به او آزار برساند . مبادا کسی به صورتش سیلی بزند . مبادا کسی بر او فریاد بکشد . مبادا کسی با او برخورد غیر ملایم و زننده ای داشته باشد .

اما وصیت سوم را شرم می کنم برایت بگویم . آن را به فاطمه عرض می کنم

ص: 115

تا او برایت بازگو کند . سپس فاطمه را فراخواند و به وی فرمود : نور چشمم ! به پدرت رسول الله بگو : مادرم می گوید : من از قبر در هراسم ; از تو می خواهم مرا درلباسی که هنگام نزول وحی به تن داشتی ، کفن کنی .

پس فاطمه زهرا (علیها السلام) از اتاق بیرون آمد و مطلب را به پیامبر(صلی الله علیه و آله) عرض کرد . پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آن پیراهن را برای خدیجه فرستاد و او بسیار خوشحال شد .

هنگام وفات حضرت خدیجه ، پیامبراکرم (صلی الله علیه و آله) غسل و کفن وی را به عهده گرفت . ناگهان جبرئیل درحالی که کفن از بهشت همراه داشت ، نازل شد و عرض کرد : یا رسول الله ، خداوند به تو سلام می رساند و می فرماید : ایشان اموالش را در راه ما صرف کرد و ما سزاوارتریم که کفنش را به عهده بگیریم .

وفات حضرت خدیجه (علیها السلام)

خدیجه در سن 53 سالگی در ماه رمضان سال دهم بعثت در خارج از شعب ابوطالب جان به جان آفرین تسلیم کرد پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله) شخصا خدیجه را غسل داد ، حنوط کرد و با همان پارچه ای که جبرئیل از طرف خداوند عزوجل برای خدیجه آورده بود ، کفن کرد . رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شخصا درون قبر رفت ، سپس خدیجه را در خاک نهاد و آنگاه سنگ لحد را در جای خویش استوار ساخت .

او بر خدیجه اشک می ریخت ، دعا می کرد و برایش آمرزش می طلبید .

آرامگاه خدیجه درگورستان مکه در حجون واقع است .

رحلت خدیجه برای پیغمبر (صلی الله علیه و آله) مصیبتی بزرگ بود ; زیرا خدیجه یاور پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله) بود و به احترام او بسیاری به حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) احترام می گذاشتند و از آزار وی خودداری می کردند .

یاد و خاطره حضرت خدیجه (علیها السلام)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با این که بعد از رحلت حضرت خدیجه (علیها السلام) با زنانی چند ازدواج کرد؛ ولی هرگز خدیجه را از یاد نبرد.

عایشه می گوید: هر وقت پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله) یاد خدیجه می افتاد ملول و گرفته می شد و برای او آمرزش می طلبید.

روزی من رشک ورزیدم و گفتم: یا رسول الله، خداوند به جای آن پیرزن، زنی جوان و زیبا به تو داد پیغمبر (صلی الله علیه و آله) ناگهان بر آشفت و خشمگینانه دست بر دست من زد و فرمود: خدا شاهد است خدیجه زنی بود که چون همه از من رومی گردانیدند، او به من روی می کرد؛ و چون همه از من می گریختند، به من محبت و مهربانی می کرد؛ و چون همه دعوت مرا تکذیب می کردند، به من ایمان می آورد و مرا تصدیق می کرد. در مشکلات زندگی مرا یاری می داد و با مال خود کمک می کرد و غم از دلم می زدود

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمود: «وقتی خدیجه از دنیا رفت، فاطمه کودکی خردسال بود، نزد پدر آمد و گفت: یا رسول الله این امی؟ مادرم کجاست؟»

پیامبر (صلی الله علیه و آله) سکوت کرد. جبرئیل نازل شد و گفت: خدایت سلام می رساند و می فرماید: به زهرا بفرما، مادرت در بهشت و در کاخ طلایی که ستونش از یاقوت سرخ است و اطرافش آسیه و مریم هستند، جای دارد.

مظلومیت ام المومنین حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) در کتب اهل سنت و علمای خائن سنی

مشهور بین علمای اهل سنت و برخی از علمای تشیع این است که عایشه هنگام عقد ازدواج با پیامبر (صلی الله علیه و آله) شش ساله و هنگامی که نه ساله بوده، به خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) رفته است، و طبق این نقل در زمان رحلت پیامبر اکرم، 18 ساله بوده است، ولی علمای اهل سنت از او 2210 حدیث نقل کرده اند؛ در حالی که از همسران دیگر پیامبر تعداد کمی حدیث نقل نموده اند

پایگاه جامع فرق، ادیان و مذاهب_ طبق این نقل، عایشه در سن رشد، تقریباً پنج سال با پیامبر زندگی کرد و علمای اهل سنت از او 2210 حدیث نقل کرده اند عالمان اهل سنت از عایشه، احادیث بسیاری آورده اند، لذا چنین به نظر می رسد که لقب ام المؤمنین، مخصوص عایشه است، در حالی که طبق فرموده ی خداوند، این لقب، همه ی همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) را شامل می شود خداوند در قرآن می فرماید: (احزاب/6) {النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ} پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است و زنانش مادران مؤمنان هستند.

حال بینیم از همسران دیگر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در کتاب های اهل سنت

چند حدیث نقل شده است

(در کتاب جوامع السیره/276 - ابن حزم)

از ام سلمه: 378 حدیث؛

از میمون: 76 حدیث؛

از ام حبیبه: 65 حدیث؛

از حفصه: 60 حدیث؛

ص: 118

از صفیه: 10 حدیث؛

از جویریة: 7 حدیث

از سوده: 5 حدیث

از زینب بنت جحش: 11 حدیث

ولی با کمال تعجب و تاثر از حضرت خدیجه کبری (علیها السلام): فقط یک حدیث در کتب اهل سنت نقل گردیده است

کتاب بخاری نقل از کتاب (جوامع السیره/278) ابن حزم ملعون

از عایشه: 242 حدیث نقل نموده؛

از أم سلمه: 16 حدیث

از میمونه بنت حارث: 7 حدیث؛

از رمله (ام حبیبه): 2 حدیث

از حفصه: 5 حدیث؛

از زینب بنت جحش: 2 حدیث

از صفیه بنت حبیبی: 1 حدیث

از سوده بنت زمعه: 1 حدیث نقل نموده است

ولی ابن حزم ملعون بی انصاف از حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) حتی یک حدیث هم نقل نکرده است . .

انسان منصف با این مقایسه متوجه می شود، که نویسندگان کتاب های حدیث اهل سنت، به کسانی اعتماد کرده اند، که علم مخالفت و دشمنی با اهل بیت (علیهم السلام) برداشته باشد

بخاری سه مرتبه در صحیح خود آورده است، که عایشه نام مولا امیرالمؤمنین را نمی آورد.

و احمد بن حنبل، از ابن عباس، و عینی از شارحان صحیح بخاری از عبدالرزاق و زهری نقل می کنند که عایشه طاقت شنیدن نام علی (علیه السلام) را نداشت، و نمی توانست او را به خوبی یاد کند

هم چنین عینی، کلام یکی دیگر از شارحان صحیح بخاری، که عدم ذکر نام علی (علیه السلام) را از روی دشمنی و کینه ندانسته و توجیه نموده، پذیرفته است.

آری نه تنها علمای اهل سنت و بویژه وهابیت خبیث و پلید به مقام و شخصیت و شانیت حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) ظلم کرده اند بلکه ما شیعیان نیز به نحوی در مظلومیت این بانوی بزرگ اسلام مقصر و سهیم هستیم.

آنها دانسته به بی بی ظلم کرده و میکنند. و ما با بی توجهی و غفلت حرمت واقعی و احترام ویژه به آن بزرگوار را ادب نمیکنیم. پیشنهاد میشود شیعیان عالم نام مبارک خدیجه کبری (علیها السلام) را برای دختران و فرزندان شان انتخاب کنند به تمام یاستاندارهای کشور و من تبع آنها و تمامی شهرداری ها و شوراهای شهر سفارش میکنم در هر شهر و دیاری یک مرکز آموزشی

عالی رتبه و یا حوزه علمیه و نام اتوبان یا خیابان یا مرکز علمی و تحقیقاتی را به نام حضرت خدیجه با لقب ام المومنین (علیها السلام) اختصاص دهند.

به مرکز امور مساجد کشور توصیه میشود حتما نام یکی از مساجد جدید الاحداث شهر یا یکی از تکایا و حسینیه ها و مصلی های شهر را به نام این بزرگوار ثبت کنند. تا حداقل در هر سالی به مناسبت های گوناگون در مرکزی که به نام مقدس حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) مزین است جلسات عالی علمی و مذهبی و سمینارهای تربیتی و فرهنگی برگزار گردد.

پیشنهاد میشود به تمام خیرین عزیز کشور که در ساختن منازل برای فقرا دستی برآتش دارند یا کسانی که جلسه گل ریزان میگیرند تا با کمک خیرین زندانی ها را آزاد کنند بدلیل بزرگترین خیر عالم اسلام. بزرگواری که تمام دارایی خویش را برای تبلیغ اسلام و آزاد سازی مسلمانانی که در بند اسارت و شکنجه و غلام و کنیزی بودند هدیه داد و صرف نمود. بزرگترین پایگاه خیریه کشور به نام حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) ثبت گردد.

پیشنهاد میشود آزادی زندانیان در ماه مبارک رمضان بویژه روز ارتحال شهادت گونه بی بی صورت گیرد. تا بدین بهانه هم تمامی آزادشدگان از زندان خود را آزاد شده حضرت خدیجه (علیها السلام) بدانند و هم خانواده هایشان ممنون دار بی بی باشند. و با تمام عشق از بی بی تشکر کنند که باعث شد عزیزشان از زندان نجات پیدا کند. یا بخاطر بسپارند که به برکت حضرت خدیجه خانه دار شدند. یا جهیزیه دخترشان فراهم

گردید یا بدهکاری آنها پرداخت شد.

بیائید تصمیم بگیریم از غربت مادرمان حضرت خدیجه (علیها السلام) کم کنیم.

ص: 122

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم . صلى الله عليك يا رسول الله وعلى آل بيتك المظلومين المعصومين الهداه المهديين الحجج الميامين و لعنه الله على اعداءهم ابدًا الابدین و دهر الداهرين الى يوم الدين

بجهت سلامتی امام زمان ارواحناله الفداه صلوات

مقدمه :

همانطور که مستحضرید به دلیل مصادف بودن ایام رحلت شهادتگونه حضرت ام المومنین خدیجه کبری (علیها السلام) در روز دهم ماه مبارک رمضان . تیمنا و تبرکا دوشب در مورد زندگی پر درس بی بی حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) صحبت کردیم . و اما از امشب به ادامه بحث ماه مبارک رمضان خواهیم پرداخت . در دو جلسه قبل عرض کردیم اگر در روایات غور کرده و تفحص نمائیم بیش از 100 تاثیر منفی و نکبت های از ناحیه معاصی و گناه دست و پاگیر انسان در دنیا و آخرت میشود . در جلسات قبل به 15 تاثیرات آن اشاره کردیم . از امشب به بعد به مابقی تاثیرات آن میپردازیم .

تاثیرات و نکبات گناه در زندگی دنیا و آخرت

16- میثم بن واقد گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم فرمودند:

خداوند یکی از پیامبران خود را بطرف قومش فرستاد و به او گفت: به

ص: 123

قومت بگوهر گاه اهل یک آبادی به طاعت من مشغول گردند و نافرمانی نکنند خیر به آنها میرسد مردمان آن ناحیه در خوشی و رفاه بسر خواهند برد، گزندى به آنها نخواهد رسید اما اگر دست از کارهای نیک بردارند و کارهایی انجام دهند که موجب ناخشنودی من گردد نعمتها را از آنها سلب خواهم کرد و به ناراحتی گرفتار خواهند شد

کسانی که اهل معصیت هستند و یا اهل آبادی ها و خاندان هائی که به گناه آلوده شده اند و در اثر گناه گرفتار مشکلاتی شده اند، دست از گناه و فساد بردارند، و به کارهای نیک مشغول شوند سختیها را از آن ها بر میدارم، تا خوشحال گردند به آنها بگو رحمت من بر غضبم مقدم است، شما از رحمت من ناامید نگردید، من گناهان بندگان خود را می آمرزم، و به آنها بگو حتی به دشمنان من تعرض نکنند. و دوستان مرا سبک شمارند، من اگر غضب کنم کسی نمیتواند جلو آن را بگیرد

17- یونس بن یعقوب گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند :

شما همه از ترس حکومت ناراحت میباشید، و این ترس به خاطر گناهان می باشد، اینک تا آنجا که میتوانید دست از گناه بردارید و لجبازی نکنید

18- عباد بن صهیب گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود

خداوند متعال فرمود کسی که مرا میشناسد و در عین حال مرا معصیت میکند ، من هم کسی را که مرا نمیشناسد بر او مسلط خواهم کرد

19- ابن عرفه از ابو الحسن (علیه السلام) روایت میکند که فرمودند خداوند یک منادی دارد که در هر شب و روز فریاد میزند ای مردم از معصیت های خداوند دست بردارید، آهسته حرکت کنید و تجاوز ننمائید اگر نه این بود که در روی زمین چهار پایان و حیوانات چرنده نبودند، و یا کودکان

شیرخوار زندگی نمیگردند، و یا پیر مردانی که به عبادت و پرستش خداوند مشغول نبودند، عذاب بر شما فرود می آمد و شما را درهم میشکست

20- زید شحام گوید: امام صادق(علیه السلام) فرمودند:

از گناهان کوچک خودداری کنید که آنها آمرزیده نمیشوند، راوی گوید: عرض کردم گناهان کوچک چه هستند؟ فرمودند مردی گناه میکند و میگوید: خوشا بحال من که غیر از این گناه را نکرده و ندارم.

21- سماعه گوید: از ابو الحسن (علیه السلام) شنیدم فرمودند:

کارهای زیاد را زیاد ندانید، و گناهان اندک را هم اندک ندانید، زیرا گناهان کوچک بزرگ میشوند، در نهان از خداوند بترسید تا خود به صداقت خود مطمئن گردید.

22- امام صادق (علیه السلام) روایت میکند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

زاهدترین مردم کسی است که از حرام دوری کند و استوارترین مردم هم کسانی میباشند که گناه نمایند.

23- زیاد گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در زمین خشکی فرود آمدند و به یاران خود گفتند برای ما هیزم بیاورید، گفتند: یا رسول الله در اینجا هیزم نیست رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: هر چه میتوانید بیاورید و آنها رفتند و مقداری هیزم آوردند و در مقابل رسول نهادند، بعد از این رسول خدا متوجه یاران خود

شد و فرمود: گناهان هم این چنین جمع میگردند سپس به آنها گفتند: از گناهان کوچک دوری کنید و بدانید هر گناهی که مرتکب میشوید از انظار دور نیست و کسانی آن را یادداشت میکنند، و گذشته و آینده شما را مینویسند، و در کتابها ثبت میکنند

24- سکونی از امام صادق (علیه السلام) روایت میکند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

تعجب دارم از کسانی که غذا نمیخورند چون میترسند بیمار گردند، ولی از گناهان که آنها را وارد دوزخ میکند اجتناب ندارند.

25- طلحه بن زید از امام صادق (علیه السلام) روایت میکند که پدرم فرمودند: فاسدترین چیزی که قلب را تباه میکند گناه است، قلب با گناه مبارزه میکند، تا آن گاه که گناه بر آن غلبه میابد و در این هنگام قلب را زیر و رو میسازد .

26- معاذ جوهری از امام صادق و او از پدرانش علیهما السلام روایت میکند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: خداوند عالم میفرماید: هر کس گناه کوچک و یا بزرگی انجام دهد و نداند که من او را عذاب میکنم و یا عفو می نمایم، او را نخواهم آمرزید اما هر گاه گناه کوچک انجام دهد، و یا معصیت بزرگی از وی صادر گردد و بداند که من میتوانم او را عذاب و عقوبت نمایم و یا اینکه از وی درگذرم من هم او را مورد عفو قرار خواهم داد .

ص: 126

27- سکونی از امام صادق (علیه السلام) روایت میکنند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

هرکس از شیطان اطاعت کند خداوند را معصیت کرده است، و هرکس خدا را معصیت کند خداوند او را عذاب میکند .

28- امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه شریفه (روم/41) { ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ } در خشکی و دریا به سبب اعمال زشتی که مردم به دست خود مرتکب شدند، فساد و تباهی نمودار شده است تا خدا کیفر برخی از آنچه را انجام داده اند به آنان بچشاند، باشد که [از گناه و طغیان] برگردند.

فرمودند: هنگامی که باران نبارد حیوانات در بیابانها فاسد میشوند و چهارپایان و دریا هم همان گونه تباه میگردند

29- امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

زندگی حیوانات دریا به سبب باران میباشد، و هر گاه باران قطع گردد در بیابانها و دریاها فساد پیدا می شود، و این در هنگامی میباشد که گناه و معصیت زیاد گردد

30- ازدی از امام صادق (علیه السلام) روایت میکنند که فرمودند:

دعاء قضاء را بر میگرداند و مؤمن هر گاه مرتکب گناه شود از روزی محروم می شود

31- علی (علیه السلام) فرمودند:

خداوند خشم خود را در معصیت مخفی کرده است اینک هیچ گناهی را کوچک ندانید ممکن است خداوند غضب کرده باشد و شما از آن اطلاع نداشته باشید .

32- ابو شعیب از امام صادق (علیه السلام) روایت میکند که فرمودند:

پرهیزکارترین مردم کسی میباشد که در هنگام شبهه توقف کند،

عابدترین مردم کسی میباشد که واجبات را انجام دهد،

زاهدترین مردم کسی است که حرام را ترک نماید

و شب زنده دارترین مردم آن است که از گناهان دست بردارد

33- سکونی از امام صادق (علیه السلام) روایت میکند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

از نشانه های شقاوت خشک بودن دیدگان و قساوت دلها، و حرص زیاد در طلب روزی و اصرار بر گناهان میباشد.

34- اصبع بن نباته از علی (علیه السلام) روایت میکند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

هر گاه خداوند بر یک امتی غضب کند و عذاب برای آنها نفرستد قیمت ها بالا میروند و عمرها کوتاه میگردند، بازرگانان سود نمیبزنند، و میوه ها

ص: 128

خوب نمیشوند، و آنها زیاد نمیگردند و اشرار بر آنها مسلط میشوند .

35- علی (علیه السلام) فرمودند:

از گناه خودداری کنید، هر گرفتاری و نقصی که در زندگی پیدا شود به خاطر گناه میباشد.

خداوند میفرماید (شوری/30) {وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ} هر چه مصیبت به شما برسد به خاطر کارهایی میباشد که انجام داده اید، و خداوند از گناهان زیاد در میگذرد، هر چه بر سر شما آید از گناه میباشد حتی زخم های جزئی و خراش های دست و پا و افتادن بر زمین!

36- علی (علیه السلام) فرمود:

درب توبه باز است برای هر کس که بخواهد توبه کند، اینک به درگاه خداوند توبه کنید و نیتها را خالص گردانید، امید است که خداوند گناهان شما را بیامرزد و از شما درگذرد

هر گاه با کسی عهد و پیمان بستید به عهد خود وفا کنید

هر نعمتی که از شما دور گردد و یا زندگی خوش شما تغییر یابد همه به خاطر گناه میباشد و خداوند به بندگان خود هرگز ظلم روا نمیدارد

و با دعا و انابه میتوان جلو عذاب و بلا را گرفت اگر هنگامی که بر آنها بلا فرود آمد و نعمت از آنها زائل شد

اگر آنها با نیت های پاک بطرف خداوند رفته بودند و سست نمیشدند

ص: 129

خداوند کارهای خراب آنها را به لطف خود اصلاح میکرد و راه سعادت را به آنها نشان میداد.

37- علی (علیه السلام) فرمودند: گناهان کم را کوچک بشمارید زیرا کوچکها به شمارش در میانند تا بزرگ گردند

38- علی (علیه السلام) فرمودند: از گناهان بترسید، بنده ای گرفتار گناه میگردد و روزی او حبس می شود.

39- امام (علیه السلام) فرمودند: اگر بنده ای از شیعیان گناهی که ما او را از آن نهی کرده ایم مرتکب شود او قبل از اینکه از دنیا برود خداوند او را مبتلا میکند تا گناهانش پاک گردد. گرفتاری های او این است که یا مالی از او تلف می شود و یا فرزندی از او جهان را وداع میکند و یا خود بیمار میگردد تا هنگامی که به محضر خداوند میرسد گناهی نداشته باشد و اگر گناهی از وی باقی مانده باشد هنگام مرگ بر وی سخت گرفته می شود تا گناهانش آمرزیده گردد

40- امام حسن عسکری (علیه السلام) از پدرانش علیهم السلام روایت میکند که امام صادق (علیه السلام) به مردی نوشتند اگر میخواهی کارهایت به نیکی انجام گیرد و پایان زندگیت خیر باشد 1- تا هنگام مرگ حق خدا را مراعات کن

2- نعمتهای خداوند را در راه معصیت خرج نکن

3- به حلم خداوند مغرور نباش

4- به دوستان و طرفداران ما نیکی نما،

5- لازم نیست بدانی او راست میگوید یا دروغ، تو طبق نیت خود کار کن و او را به دروغش واگذار

جلسه دوازدهم (05/02/1400)

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم . صلى الله عليك يا رسول الله وعلى آل بيتك المظلومين المعصومين الهداه المهديين الحجج الميامين و لعنه الله على اعداءهم ابداء الابدين ودهر الداهرين الى يوم الدين

بجهت سلامتی امام زمان ارواحنا له الفداء صلوات

مقدمه : بحمدالله دیشب توفیق داشتیم فقط روایت خواندیم و کمی باندازه حوصله مستمعین

عزیز و بزرگوار توضیح دادیم امشب نیز انشاء الله ادامه بحث تاثیرات گناه در روایات را بررسی میکنیم

تاثیرات و نکبات گناه در زندگی دنیا و آخرت.

41- امام هادی(علیه السلام) از علی بن الحسین علیهما السلام روایت میکند که فرمودند:

عمال این امت در هر بامدادی به خداوند عرضه می شود

42- فطربن خلیفه از امام صادق(علیه السلام) روایت میکند که فرمود وقتی که این آیه شریفه نازل شد: (آل عمران/135)

{وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ

ص: 131

وَمَنْ يَغْفِرِ الذَّنْبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِدِّرُوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ {شیطان بالای کوهی در مکه رفت شیطان فریادی زد و همه شیاطین جمع شدند. آنها گفتند: ای سید ما چرا ما را دعوت کردید؟ گفت این آیه نازل شده است، چه کسی حاضر است با او به مقابله برخیزد و نگذارد این آیه اثر بگذارد. در این هنگام شیطانی برخاست و گفت من حاضر میباشم، ابلیس گفت تو اهل آن نمیباشی! بعد از آن دیگری برخاست به او هم گفت شما هم بنشین، در این جا وسواس خناس برخاست و گفت: من حاضرم. ابلیس گفت: تو چه گونه عمل میکنی؟، گفت: آنها را وعده میدهم و به آرزوهای دور و دراز مشغولشان میکنم تا مرتکب گناه شوند، هنگامی که گناه کردند، استغفار را از یاد آنها میبرم.

گفت: تو شایسته هستی و این کار تا روز قیامت به تو واگذار شد

43- ابو الحسن سوم (امام عسگری) از امیرالمؤمنین (علیه السلام) و او از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت میکند که فرمودند: ای علی از کرامت مؤمن در نزد خداوند آن است که برای او وقت معینی برای مرگ نگذاشته است، تا آن گاه که تصمیم بگیرد گناهی بکند، و هر گاه اراده کرد انجام دهد او را قبض روح میکند .

44- امام رضا (علیه السلام) از پدرانش روایت میکند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: خداوند میفرماید ای فرزندان آدم تو با من با انصاف رفتار نمیکنی!

1- من با محبت به تو نعمت میدهم تو در عوض با من مخالفت میکنی و مرتکب گناه میشوی

2- نیکیهای من بطرف تو روان است، ولی شرت بطرف من بالا می آید

یک فرشته شریف هر روز و شب کارهای تو را بر من عرضه میکند و اعمال زشت تو را بمن میدهد.

ای فرزند آدم اگر وصفت را از دیگری میشنیدی و نمیدانستی موصوف کدام است به سرعت بر وی غضب میکردی!

45- ابو الحسن ثالث (علیه السلام) (امام عسگری) از پدرانش از علی (علیه السلام) روایت می کند که فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: امت من همواره در خیر هستند مادامی که

1- یک دیگر را دوست بدارند

2- رفت و آمد نمایند

3- تا آن گاه که امانت ها را اداء کنند

4- و از محرمات دست باز دارند

5- و مهمانی کنند و از دوستان خود پذیرائی نمایند

6- نماز بخوانند

7- و زکاه بدهند

هر گاه این کارها را نکنند به قحط و خشک سالی گرفتار میگردند.

46- امام صادق (علیه السلام) فرمودند: از گناهان دوری کنید تا زندگانی شما دراز گردد.

47- از سخنان امام رضا (علیه السلام) است که فرمودند:

گناهان کوچک راه هائی بسوی گناهان بزرگ میباشند هر کس از گناهان کوچک نترسد از گناهان بزرگ نخواهد ترسید اگر خداوند مردم را به

ص: 133

آتش دوزخ و یا رسیدن به بهشت انذار نمیکرد، باز هم واجب بود که از خداوند اطاعت کنند و او را نافرمانی ننمایند، چون خدا به مردم احسان کرده است، و نعمتهائی به آنها داده که استحقاق آن را ندارند.

48- بکر بن محمد گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

دعاء قضاء خداوند را رد میکند و مؤمن هنگامی که گناه میکند از روزی محروم می شود .

49- امام صادق (علیه السلام) میفرماید: هر گاه خداوند بر یک ملتی غضب کند عذاب بر آنها نازل نمیکند، بلکه

1- قیمتها را بالا میبرد

2- و عمرها را کوتاه میکند

3- بازرگانان سود نمیبیرند،

4- رودخانه ها آب ندارند،

5- میوه ها خوب نمیشوند

6- و بدان مسلط میشوند .

50- ابن نباته گوید: امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

دیدگان خشک نمیشوند تا آنگاه که دل ها قساوت پیدا کنند و دلها هم به خاطر گناه قساوت پیدا میکنند.

51- عباس شامی گوید: از امام رضا (علیه السلام) شنیدم فرمودند: هرگاه بندگان از روی جهالت گناهی مرتکب شوند خداوند بلاهائی برای آنها میفرستد که آنها از آن آگاه نمیباشند.

52- مفضل بن عمر گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

خداوند برای مؤمن وقت معینی برای مرگش نگذاشته و هر چه دوست بدارد باقی میماند، و هر گاه بداند او میخواهد در گناهی گرفتار شود که دیش تباه گردد او را قبض روح میکند.

53- مردی از امام باقر (علیه السلام) روایت میکند که به محمد بن مسلم فرمودند

1- فریب گفته های مردم را نخورید،

2- عاقبت اعمال به شما میرسد نه به آنان

3- روزهای خود را بدون هدف از دست مده زیرا کسانی کارهای تو را زیر نظر دارند

4- اگر کار نیکی انجام دهی اگر چه کوچک باشد آن را اهمیت بده زیرا روزی تو را خوشحال میکند

5- هر کار بدی را اگر چه کوچک باشد بزرگ بدان که روزی تو را بد حال میسازد

6- هر چه میتوانی کار نیک انجام بده و کار نیک زود به شما نتیجه میدهد.

54- ابن مسکان از امام صادق (علیه السلام) روایت میکند که علی (علیه السلام) فرمودند: هر بنده ای چهل پوشش دارد تا آن گاه که چهل گناه کبیره انجام دهد

و هر گاه چهل گناه انجام داد همه پرده ها کنار میروند در این هنگام فرشتگان حافظ او میگویند بار خدایا اینک بنده ات همه پرده هایش را بالا رفت و اکنون چیزی نیست آن را بپوشاند

خداوند به آنها دستور میدهد بنده مرا با بالهای خود بپوشانید فرشتگان او را با بالهای خود میپوشانند

و او باز هر کار زشتی میکند و کارش به جایی میرسد که اعمال زشت خود را به رخ مردم میکشد،

بار دیگر فرشتگان میگویند بار خدایا این بنده ات هر کار بدی را مرتکب میگردد، و ما از کارهای او شرم داریم در این جا خداوند امر میکند بالهای خود را از او بردارید و او بعد از این به دشمنی ما اهل بیت مشغول میگردد

و بعد پرده های او را در آسمان بر میدارند ولی در زمین همچنان مستور است

فرشتگان میگویند بار خدایا این بنده ات بی پرده مانده است؟

خدا میفرماید اگر من به او حاجتی داشتم به شما نمیگفتم بالهای خود را از آن بردارید (یعنی من به او نیازی ندارم)

55- بکر بن محمد از امام صادق (علیه السلام) روایت میکند که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

اهل شک و معصیت در آتش هستند، آنها از ما نیستند و به ما بستگی ندارند

56- در مناهی حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) آمده است که فرمود:

بدها را کوچک ندانید اگر چه در نظر کوچک جلوه کنند، و کارهای نیک را در نظر تان بزرگ نکنید و بدانید با استغفار گناه کبیره ای نخواهد بود، و اگر هم اصرار بر گناه داشته باشید در این جا گناه کوچک وجود ندارد.

58- فضیل از امام باقر (علیه السلام) روایت میکند که فرمود:

از گناهایی که آمرزیده نمیشود گفتار آن مردی است که گوید: کاش مرا جز به این گناه مواخذه نمیکردند.

59- حفص از امام صادق (علیه السلام) روایت میکند که فرمودند:

امید نجات برای کسانی که حق ما را بشناسند وجود دارد مگر سه نفر که امید نجات آنها نیست

1- همنشین حاکم ستمگر 2- اهل هوی و هوس 3- کسی که آشکارا گناه میکند

60- فضیل گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر گاه گروهی سواره معصیت خداوند را انجام دهند از سواران شیطان به حساب میآیند، و اگر پیاده باشند از پیادگان او به شمار میروند.

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم . صلى الله عليك يا رسول الله وعلى آل بيتك المظلومين المعصومين الهداه المهديين الحجج الميامين و لعنه الله على اعداءهم ابداء الابدين و دهر الداهرين الى يوم الدين

بجهت سلامتی امام زمان ارواحناله الفداه صلوات

مقدمه : بحمدالله چندین شب است توفیق داشتیم فقط روایت خواندیم و کمی باندازه حوصله مستمعین عزیز و بزرگوار توضیح دادیم امشب نیز انشاء الله ادامه بحث تاثیرات گناه در روایات را بررسی میکنیم

61- عباس بن هلال گوید: امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

کسی که کارهای نیک را مخفی بدارد خداوند هفتاد حسنه در نامه عمل او مینویسد

و کسی که کار بد را علنی انجام دهد مخذول میباشد و کسی که گناه را مخفی کند مورد آمرزش قرار میگیرد

62- جعفر جعفری از امام صادق (علیه السلام) و او از پدرانش (علیه السلام) روایت میکند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

هر کس در حال خنده گناهی بکند، در حال گریه وارد جهنم میگردد

63- ابن عمیره از امام صادق (علیه السلام) روایت میکند که فرمودند :

1- کسانی که باک ندارند چه میگویند و یا در باره آنها چه گفته می شود شیطان در آنها نفوذ میکند

2- و هر کس باکی نداشته باشد که مردم او را در کارهای زشت بنگرند او هم در دام شیطان است

3- هر کس برادر مؤمن خود را غیبت کند و بدون اینکه بین آنها سخنی باشد از وی بدگویی نماید او هم در دام شیطان قرار دارد

4- و هر کس اشتیاق به مال حرام داشته باشد در دام شیطان است

5- و یا علاقه مند به زنا گردد او هم در دام شیطان گرفتار است

بعد از آن فرمودند ولد الزنا نشانه هائی دارد که :

یکی از آنها بغض ما اهل بیت میباشد

دوم اینکه او همواره میل به حرام دارد چون از حرام خلق شده است

سوم اینکه دین را سبک می شمارد و به آن اهمیت نمیدهد،

چهارم مردم از دیدن آن ناراحت میگردند، و چهره اش گریزناک است، کسانی سوء منظر دارند و مصاحبان خود را

ناراحت میکنند که در بستری غیر از بستر پدر خود به وجود آمده باشند، و یا اینکه مادرش در ایام حیض او را حامله شده باشد

64- هشتم بن واقد گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم فرمودند : خداوند متعال پیامبری را بطرف قومش فرستاد و به او فرمود: به

قومت بگو اگر اهل یک آبادی و یا خانواده که به طاعت من مشغول بوده اند در اثر رسیدن یک ناراحتی از طاعت من دست بردارند و کار

ناشایسته انجام

ص: 140

دهند من هم آنها را به ناراحتی میکشانم .

65- امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند:

از گناهانی که آمرزیده نمیشوند قول آن شخصی است که میگویند: کاش من به همین یک گناه مواخذه میشدم

بعد فرمودند: شرک در انسان از حرکت مورچه در شب تاریک روی فرش سیاه هم مخفی تر است

66- مردی از امام صادق (علیه السلام) روایت میکند که فرمودند: مردی گناه میکند و از نماز شب محروم می شود و کارهای بد به صاحب خود زود اثر میکند همان گونه که کارد بر گوشت اثر فوری دارد

67- ابن صدقه از امام صادق (علیه السلام) روایت میکند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

چهار چیز دل را می میراند: 1- گناه روی گناه 2- با زبان زیاد سخن گفتن

3- با احمق رفاقت کردن که در گفتن او خیری نیست 4- و هم نشینی با مردگان

گفته شد یا رسول الله مردگان کدام افراد هستند؟ فرمود هر توانگری که در لذتها فرو رفته است .

68- بکر بن محمد ازدی گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر گاه مؤمن نیت گناه بکند از روزی محروم میگردد .

69- زراره از امام باقر (علیه السلام) روایت میکند که فرمودند:

هر کس در معصیت خدا جرات کند و گناهان کبیره به جای آورد کافر میباشد،

70- ابو هاشم جعفری گوید: از امام عسکری (علیه السلام) شنیدم فرمودند: از گناهی که آمرزیده نمیگردند قول مردی است که میگوید: کاش من همین یک گناه را داشتم،

من با خود گفتم: این مطلب بسیار دقیق است و باید انسان هر روز مراقب خود باشد و بنگرد چه میکند و از وی چه کارهائی ظاهر میگردد! در این هنگام امام (علیه السلام) متوجه من شدند و فرمودند: درست فکر کردید، شرک در آدیان از حرکت مورچه در یک شب تاریک روی یک فرش سیاه نیز باریک تر است و باید مواظب اعمال و اقوال خود باشید .

71- عنبسه گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خداوند دوست میدارد بنده ای از گناه بزرگ دست باز دارد، و کسی که از گناهان کوچک خودداری نکند و آن را سبک بشمارد مورد بغض خدا میباشد.

72- علی بن اسباط از امام رضا (علیه السلام) و او از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت میکند که فرمود:

گناهان را فاش نکنید و اگر کار زشتی هم انجام داده اید پنهان کنید و آسوده هم نخواهید و در فکر گناهتان باشید

73- امام رضا (علیه السلام) از پدرانش روایت میکند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: خداوند میفرماید

1- ای فرزند آدم گناهان مردم تو را فریب ندهد و موجب نگردد که تو از گناهان خود فراموش کنی

2- متوجه باش که نعمتهای دیگران در نظرت بزرگ جلوه کند و از نعمتی که خداوند به تو داده غفلت کنی،

3- و کاری نکنی که مردم را از رحمت خداوند ناامید نمائی در حالی که خودت به رحمت خدا امیدوار هستی.

74- ابو بصیرگوید: از امام (علیه السلام) شنیدم در تفسیر آیه شریفه: (نساء/137) { إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أُزْدُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا } کسانی که ایمان آوردند، سپس کفر ورزیدند، باز ایمان آوردند، و بار دیگر کافر شدند، آن گاه بر کفر خود افزودند، خدا بر آن نیست که آنان را بیامرزد، و به راهی هدایت کند فرمودند: یعنی کسی که:

1- شراب را حرام میدانند ولی آن را می آشامد،

ص: 143

2- زنا را حرام میدانند ولی مرتکب میگردد،

3- و زکاه را حق میدانند اما آن را نمیدهد.

75- ابو حمزه ثمالی گوید: امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

هر بنده ای که مرتکب گناهی شود و خداوند از آن راضی نباشد بار اول گناه را بر او میپوشاند، اگر بار دوم مرتکب شد باز هم مخفی میدارد و در مرتبه سوم فرشته ای را بصورت آدمی میفرستد و به مردم اطلاع میدهد

76- امام باقر (علیه السلام) فرمودند: بنده ای حاجتی از حاجتهای دنیا را از خداوند میخواهد، و خداوند هم روی مصلحتی که دارد حاجت او را برمیآورد ولی آن را مقداری تاخیر میاندازد در این فاصله بنده ای که طلب حاجت کرده است مرتکب گناهی می شود، خداوند به فرشته ای که مامور است خواسته های او را برآورد دستور میدهد از بر آوردن حاجت او خودداری کند زیرا وی مرتکب گناه شده و محروم گردیده است

77- زید شحام گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم فرمودند:

از غضب خداوند در شب و روز بترسید

گوید عرض کردم غضب خداوند چیست؟ فرمودند هنگام معصیت خداوند بر شما غضب میکند

78- سماعه گوید: از امام (علیه السلام) شنیدم فرمودند:

چرا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را اذیت میکنید! گفتم: قربانت کردم ما چگونه او را اذیت میکنیم.

فرمودند: کارهای شما بر رسول خدا عرضه می شود، هنگامی که معصیتهای شما را ملاحظه میکند ناراحت میگردد، پس شما او را آزار ندهید بلکه او را خوشحال سازید.

79- ابو بصیر از امام صادق (علیه السلام) روایت میکند که فرمودند: از گناهان خودداری کنید، هر گرفتاری که برای انسان پیش آید از گناه میباشد، و حتی اگر خراش بدن باشد و یا هر معصیت و نکبتی که پیش آید، و این است معنی آیه شریفه (شوری/30) { وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ }

80- رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند

ای بندگان خدا از فرو رفتن در معصیتهای خودداری کنید، اگر در گناه سستی به خرج دهید:

1- گرفتار رسوایی خواهید شد

2- و آبروی شما خواهد رفت

3- معصیت و نافرمانی کار را به جایی میرساند که اعتقاد به ولایت وصی رسول خدا را هم منکر می شود

4- و نبوت را هم قبول نمیکند

5- و کار را به جایی خواهد کشانید که وحدانیت خداوند را هم انکار میکند و ملحد می شود

81- علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر و او از پدرانش (علیه السلام) روایت میکند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند هر رگی که از شما از حال طبیعی بیرون گردد و یا قدم شما بلغزد به خاطر گناهی است که انجام داده اید و آن چه را که خداوند عفو میکند بیشتر میباشد.

82- ابن مسکان از امام صادق (علیه السلام) روایت میکند که آن حضرت در تفسیر آیه شریفه: (بقره/ 175) { أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهَدَى وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ } اینانند که گمراهی را به جای هدایت، و عذاب را به عوض آمرزش خریده اند، شگفتا! چه شکیبایند بر آتش. فرمودند: (آنها کاری انجام میدهند و نمیدانند آن کار آنها را به دوزخ خواهد کشانید .

83- در زبور داود (علیه السلام) آمده است که خداوند میفرماید: ای فرزند آدم تو از من سؤال میکنی ولی من میدانم چه برای تو سودمند میباشد، ولی اگر اصرار نمائی هر چه بخواهی میدهم، ولی تو از آن در معصیت استفاده میکنی من میخواهم اسرار تو را حفظ کنم، من کارهای نیکی در باره ات انجام میدهم ولی تو کارهای بدی با من میکنی، نزدیک است چنان بر تو غضب کنم که دیگر رضایتی در بین نباشد

خداوند متعال به عیسی (علیه السلام) وحی فرستاد:

کسانی که معصیت مرا میکنند، تو را فریب ندهند، آن ها روزی مرا میخورند و غیر از مرا عبادت میکنند، بعد از آن هر گاه گرفتار شوند مرا میخوانند من هم اجابت میکنم او بار دیگر که مشکلس رفع شد باز بر

میگردد و گناه مینماید، آیا او میخواهد بار دیگر متعرض گناه شود، به عزت خودم سوگند این بار چنان او را گرفتار کنم که راه خلاص نداشته باشد، و پناهگاهی هم پیدا نمیکند، او هر جا برود ملک من میباشد و زمین و آسمان بمن تعلق دارد.

84- علی (علیه السلام) میفرماید: اگر خداوند به معصیت کاران وعده عذاب هم نداده بود باز هم باید برای شکر نعمتهای خداوند او را معصیت نمیکردند. فرمودند: گناه نکردن آسانتر است تا اینکه آدمی از گناه توبه کند

85- حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: از معصیت خداوند در خلوت پرهیز کنید، زیرا حاکم خودش در این جا شاهد میباشد فرمودند: کمترین چیزی که باید شما آن را ملاحظه کنید آن است که با نعمتهای خداوند او را نافرمانی نکنید فرمودند: یکی از وسایل نگهدارنده انسان از گناه این است که آدمی وسیله گناه نداشته باشد

فرمودند: از پایان گرفتن لذتها و ماندن گناهها یاد کنید

فرمودند: ای مردم دنیا آرزوکنندگان خود را فریب میدهد و آنها خیال میکنند که همیشه در دنیا خواهند بود،

او به کسانی که به آن علاقه دارند علاقه ندارد و سرانجام بر همه پیروز

میگردد و همه مردم را از پا در می آورد به خداوند سوگند هر قومی و ملتی از نعمتها بیرون نمیگردند مگر اینکه به خاطر گناه سلب نعمت میگردند، و خداوند به هیچ کس ظلم نمیکند، اگر مردم هنگامی که عذاب بر آنها نازل میگردد و یا نعمتها از آنها گرفته می شود با نیت پاک در خانه خدا بیایند، پروردگار نعمتها را به آنها میدهد و رفع پریشانی میکند

فرمود: مردم در شب و یا روزها هر کاری بکنند خداوند آن را میداند، و از اعمال آنها آگاه و بصیر میباشد، اعضاء و جوارح شما لشکریان او میباشند، و باطن شما بازرسهای خداوند هستند، و اسرار شما در نزد او روشن است .

86- سکونی از امام صادق(علیه السلام) روایت میکند که امیرالمؤمنین(علیه السلام) فرمود:

گناهانتان را فاش نکنید. آنهایی که کار بد میکنند باید آسوده نخواستند .

87- زراره از امام باقر (علیه السلام) روایت میکند که فرمودند:

که گناهان همه مهم میباشند و مهمتر از همه گناهی میباشد که گوشت و خون از آن به وجود آمده باشد، گناه یا آمرزیده می شود و یا صاحب آن عذاب میگردد و جز پاکان کسی وارد بهشت نمیگردد.

88- مردی از حضرت صادق (علیه السلام) روایت میکند که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

ملعون است کسی که بنده درهم و دینار باشد

ملعون میباشد آن شخصی که در دین خود سرگردان باشد و ملعون است کسی که با چهارپائی در آمیزد.

89- ابو حمزه ثمالی روایت میکند که امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

خداوند به داود وحی کردند که نزد بنده ام دانیال بروید و به او بگوئید شما گناه کردی و من آن را آمرزیدم و تا سه بار گناهانت را بخشیدم اکنون اگر بار چهارم

گناه کنی نخواهم آمرزید داود نزد دانیال آمد و جریان را به او گفت دانیال جواب داد تو پیام خداوند را رسانیدی، هنگام سحر دانیال با خداوند مشغول مناجات شد و گفت: بار خدایا داود پیامبرت بمن خبر داد که من تو را معصیت کردم و تو هم مرا آمرزیدی، سوگند به جلالت اگر مرا ننگه نداری بار دیگر تو را معصیت خواهم کرد.

90- مسمع بن عبد الملک گوید: امام صادق (علیه السلام) روایت کردند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

مردی به خاطر یک گناه صد سال حبس می شود و زنان خود را در بهشت در حال تنعم و خوشی مینگرد

91- ابو بصیر از امام باقر (علیه السلام) روایت میکند که فرمودند:

از گناهان کوچک دوری کنید که کسانی آنها را دنبال میکنند، یکی از شما میگوید: من گناه میکنم و بعد از آن استغفار مینمایم.

در حالی که خداوند میفرماید: (یس/12) { إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ } بی تردید ما مردگان را زنده می کنیم و آنچه را پیش فرستاده اند و [خوبی ها و بدی های] بر جا

ص: 149

مانده از ایشان را ثبت می کنیم و همه چیز را در کتابی روشن [که اصل همه کتاب هاست و آن لوح محفوظ است] برشمرده ایم .

و در جای دیگر فرمود: (لقمان/16) { يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ } پسرم! اگر عمل هم وزن دانه خردلی و در درون سنگی یا در آسمان ها یا در دل زمین باشد، خدا آن را [در قیامت برای حسابرسی] می آورد یقیناً خدا لطیف و آگاه است

92- معاویه بن عمار گوید: خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدم، در حالی که باد عمامه مرا در بیابان برده بود امام فریاد زدند: ای معاویه! گفتم آری قربانت گردم یا ابن رسول الله فرمودند: باد عمامه شما را برد؟ گفتم آری! فرمودند: این پاداش کسی میباشد که اعراب را طعام دهد (قرار بوده مصیبتی یا بلایی براو نازل شود بدلیل اطعام مهمان خداوند ان بیلا را در ضرر رفتن ی عمامه بر باد تمام کرده بود)

93- موسی بن جعفر از پدرانش از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت میکند که فرمودند:

مؤمن هفتاد و دو پرده دارد، هنگامی که یک گناه مرتکب شود یک پرده پاره می شود اگر توبه کند خداوند آن را به وی بر میگردداند، و اگر اندک اندک معصیت کرد، پرده ها همه پاره میگردند تا آن جا که برایش پرده ای باقی نماند، در این هنگام خداوند به فرشتگان امر میکند با بالهای خود او را بپوشانند.

94- مفضل گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خداوند متعال برای مؤمن وقت معینی برای مرگ قرار نداده است، تا هر گاه که دوست میدارد او را نگه می دارد و هر گاه بخواهد دین خود را به خاطر گناه فاسد گرداند او را به اکراه خودش قبض روح میکند

95- داود بن سلیمان از امام رضا (علیه السلام) روایت میکند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

خداوند میفرماید: ای فرزند آدم تو با من با انصاف رفتار نکردی من با محبت به تو نعمت میدهم ولی تو دشمنی میکنی و مرتکب معصیت من میگردی و گناه میکنی نیکیهای من بطرف تو فرود می آید، ولی از آن سو شرت بطرف من می آید، آیا باید هر روز یکی از فرشتگان شریف، کارهای ناشایست تو را بیاورد، ای فرزند آدم اگر کارهایت را از دیگری میپسندی و نمیدانستی که او کیست به سرعت او را نکوهش میکردی.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر کس توبه را عقب بیندازد فریب خورده است هر کس کارها را تاخیر اندازد سرگردان میگردد، هر کس بخواهد نزد خداوند بهانه جوئی کند هلاک می شود، هر کس بر گناه اصرار داشته باشد از عقوبت خدا خود را نمیتواند نگهدارد و کسانی از مکر خداوند خود را آرام مینگرند که زیان کار باشند .

جلسه چهاردهم (07/02/1400)

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم . صلی الله علیک یا رسول الله وعلی آل بیتک

ص: 151

المظلومين المعصومين الهداه المهديين الحجج الميامين و لعنه الله على اعداءهم ابدا الابدین و دهر الداهرين الى يوم الدين

بجہت سلامتی امام زمان ارواحناله الفداه صلوات

مقدمه :

امشب به مناسبت میلاد با سعادت کریم اهل بیت حضرت امام مجتبی حسن بن علی علیهما السلام است. تیمنا و تبرکا در مورد شخصیت این امام همام با هم صحبتی داشته باشیم. مظلومیت امام مجتبی (علیه السلام) بر کسی پوشیده نیست. غربت ایشان فقط به خاکی بودن قبر آن بزرگوار نیست بلکه از هر نظر غریب هستند حتی در بین محبان و شیعیان آن بزرگوار. بحمدالله چند سالی است در اصفهان بویژه و در کشور طرح اعطای نان و سفره امام مجتبی (علیه السلام) رایج شده است و بسیار کار زیننده و بجایی است. هرکسی به اندازه توانش با نانوائی محله خود قرار دادی میبندد که فلان مبلغ نان مجانی به مردم داده شود تا حداقل یکروز از سال را به عشق امام مجتبی (علیه السلام) و به برکت روز میلاد امام حسن (علیه السلام) مردم بر سر سفره خان و پر برکت امام مجتبی (علیه السلام) بنشینند. امیدوارم این سنت حسنه انقدر گسترش یابد که در طول ایام سال مردم خیر و نیکو کار و عاشق اهل بیت (علیهم السلام) هدیه نان را ادامه داده تا کسی به خاطر نان گرسنه نماند.

بررسی شخصیت و زندگی امام حسن مجتبی (علیه السلام)

تولد آن حضرت بنا به قول بیشتر مورخان در مدینه و در روز سه شنبه (15 رمضان) سال سوم هجری اتفاق افتاده است.

ص: 152

1- امام حسن (علیه السلام) یکی از پنج تن آل عبا است که آیه تطهیر: (احزاب/33) {إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا} در شأن ایشان نازل گردیده است. 2- به روایت عایشه: رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) علی و فاطمه و حسن و حسین (علیه السلام) را در زیر کساء خود جمع، و آیه تطهیر را تلاوت کرد و فرمود: اینها اهل بیت منند.

3- در حدیثی دیگر فرمود: این چهار تن آل محمدند، با هر کس در جنگ باشند من هم با او در جنگم و با هر که در آشتی باشند من نیز در آشتی هستم.

4- نام حسن و حسین (علیهما السلام) را خود حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) تعیین فرموده و در گوش ایشان اذان گفته و برایشان عقیقه کرده است.

5- گفته اند که نامهای حسن و حسین در میان عرب مرسوم نبوده است و آنچه بوده است (حَسَن) (به فتح حاء و سکون سین) و (حَسِين) (به فتح حاء) بوده است. ازهری در کتابش (التهدیب فی اللغه) گفته است که حسن نام تپه ای ریگی در دیار بنو تمیم، و حسن و حسین بطور کلی به معنی کوه

ریگی یا تپه ریگی بلند بوده است. (لسان العرب)

6- حسنین (علیهما السلام) محبوبترین اهل بیت بودند.

7- نامهای حسن و حسین در عرب سابقه نداشته و انتخاب این دو نام به ابتکار حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) بوده است.

8- بنا بر روایات بسیاری: امام حسن (علیه السلام) شبیه ترین مردم به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بوده است.

9- حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) این دو سبط خود را زیاد دوست می داشت و پاره تن خود و دو گل خوش بوی خویش می نامید،

10- آنها را بر شانه های خود سوار می کرد و بر زمین خم می شد تا بر او سوار شوند. در سجده اجازه می داد به پشت او بپرند و بازی کنند و بخاطر آنها خطبه را قطع می کرد و از منبر به زیر می آمد.

11- رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) ایشان را دو پسر خود و سید جوانان بهشت و زینت آن و دو گوشواره عرش خواند و نسل خود را از پشت آن دو معرفی کرد

12- در مباحثه با نصارای نجران . پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) علی و فاطمه و حسنین همراه بودند و به حکم قرآن (آل عمران/61) حسنین را پسران خود نامید.

13- ذهبی (سیر اعلام النبلاء/ج 3/253) در وصف حضرت گوید: امام حسن (علیه السلام)

1- بزرگمنشی 2- زیباروی، 3- عقل، 4- متانت 5- سخاوت 6- نیکوکاری 7- تدین، 8- تقوی 9-

با صلابت 10- افضل زمان 11- پارسا و خداترس 12- فداکارترین کس 13- هرگز با سخنش دل آزار کسی نشد 14- طبعی بلند 15- احدی جز سخن راست از او نشنید. 16- در حلم و صبر وارث بر حق پدر بود. 17- بلاغت و تبحر او در قرآن و حدیث و کلام عرب تا جایی بود که معاویه ملعون شامیان و طرفداران خود را از بحث و احتجاج با آن حضرت بر حذر می داشت.

14- در وصف آن حضرت گفته اند که امام مجتبی (علیه السلام) پانزده بار حج به جای آورد و بیشتر آن را از مدینه تا مکه با پای پیاده طی کرد.

15- درباره سخاوت آن حضرت نیز روایات زیادی آمده است. از جمله

روایت محمد بن حبيب در امالی است که به موجب آن حضرت امام حسن (علیه السلام) 2 بار هر چه داشت به فقرا داد و 3 بار مال خود را با خدا به دو نیم کرد و نیمی را در راه او انفاق نمود. پس از شهادت حضرت امیر (علیه السلام) مردم کوفه با امام حسن (علیه السلام) بیعت کردند. به روایت طبری نخستین کسی که با او بیعت کرد قیس بن سعد بن عباده انصاری بود

و بنا به روایت مدائنی نخستین کسی که مردم را به بیعت امام حسن (علیه السلام) فراخواند عبد الله بن عباس بود پس از آن سایر مردم شامل مهاجرین و انصار ساکن کوفه و دیگر مردم این شهر با آن حضرت بیعت کردند. امام حسن (علیه السلام) در زمان حیات پدر بزرگوار خود یعنی از جنگ صفین و قضیه حکمین، سستی و تزلزل رأی بیشتر مردم کوفه را در جنگ با معاویه به خوبی درک کرده بود

و می دانست که مردم کوفه از عدالت مولا- امیرالمومنین علی (علیه السلام) در تقسیم بیت المال و رفتار سخت او حتی با خانواده و خویشان خود در مورد اموال عمومی ناراحتند. ولذا مردم با حسرت طالب معاویه ملعون هستند که در بذل بیت المال مرزی شرعی و قانونی نمی شناسد، و معاویه ملعون اصحاب خود را غرق مال و نعمت می کند و بزرگانی را که در اطراف امام علی (علیه السلام) هستند با اموال گزاف می فریبد.

کسانی که صرفاً اهل تقوی بودند و آرزویی بجز اجرای دقیق احکام الهی

نداشتند در میان اصحاب حضرت امیر (علیه السلام) کم بودند و به تدریج کمتر می شدند.

18- معاویه از سستی و تزلزل یاران امام (علیه السلام) جرأت و جسارت بیشتری بدست آورد و اطراف بصره و کوفه را غارت کرد و هر چه مولا علی (علیه السلام) اصحاب خود را به جهاد و مقابله با دشمن ترغیب فرمود چیزی جز سستی از ایشان ندید

19- شهادت حضرت علی (علیه السلام) به دست یکی از خوارج بردلسردی و نومیدی امام حسن (علیه السلام) افزود و از اینکه بتواند در چنین محیط آلوده ای با سپاهیان منظم و مصمم معاویه بجنگد مأیوس شد. در نتیجه امام تصمیم گرفت خلافت را تحت شرایطی به معاویه بازگذارد.

شرایط صلح با معاویه :

شیخ صدوق (الفروق بین الأباطیل) و محمد بن بحر الشیبانی (الحقوق) و علامه مجلسی در (بحار ج 10/101) آورده است. به موجب این روایت حسن بن علی (علیه السلام) با معاویه بیعت کرد به این شرط که

1- او را امیر المؤمنین نخواند و پیش او شهادتی ندهد،

2- معاویه شیعه امام علی (علیه السلام) را تعقیب نکند و ایشان را امان دهد،

3- به شیعیان ضرر و بدی نرساند،

4- هر که از ایشان صاحب حقی باشد آن حق را به او بازگرداند

5- و یک میلیون درهم به فرزندان کسانی که در جنگهای صفین و جمل در رکاب امام علی (علیه السلام) کشته شده اند بدهد. معاویه تمام این شروط را

ص: 156

پذیرفت ولی به هیچیک از آنها وفا نکرد.

ابن الصباغ مالکی در کتاب

فصول المهمه صلحنامه چنین آمده است: حسن بن علی (علیه السلام) با معاویه بن ابی سفیان ملعون صلح کرد به این شرط که

1- ولایت مسلمانان را به او بسپارد

2- و معاویه با مسلمانان به موجب کتاب خدا و سنت رسول عمل کند

3- و معاویه کسی را پس از خود ولی عهد نکند

4- و مردم در همه جا در امان باشند

5- اصحاب و شیعه علی بر جان و مال و زن و فرزند خود در امان باشند.

6- معاویه عهد و میثاق می بندد که در نهان و آشکار با حسن و برادرش حسین و اهل بیت رسول بد نیندیشد

7- و مردم را بر علیه آنان تحریک و تشویق نکند و کسی از ایشان را در جهان ترساند.

به گفته طبری یکی از شروط امام حسن آن بود که از بیت المال کوفه پنج میلیون درهم برای خانواده های شهدایی که در جنگ صفین و جمل که در رکاب مولی بشهادت رسیده بودند اختصاص دهد .

ابو الفرج اصفهانی در مقاتل الطالبیین درباره وقایعی که منجر به صلح امام حسن (علیه السلام) با معاویه گردیده است مینویسد: پس از بیعت مردم با

ص: 157

امام حسن (علیه السلام) نامه هایی میان آن حضرت (علیه السلام) و معاویه رد و بدل شد و سرانجام هر دو طرف تصمیم به جنگ گرفتند. معاویه بخشنامه ای به اطراف فرستاد و در آن به خاطر قتل امام علی (علیه السلام) خدا را سپاس گفت و از اینکه در میان یاران امام علی (علیه السلام) تفرقه و نفاق افتاده است اظهار خرسندی کرد.

در این نامه معاویه اعلام کرد که نامه های اشراف و بزرگان سپاه امام علی (علیه السلام) به او می رسد که از او برای خود و عشایر خود امان می خواهند. معاویه از مردم خواست که همه با سپاه و سلاح بسوی او بروند زیرا خداوند اهل بغی و عدوان را هلاک کرده است. پس از آن با سپاه خود تا پل مَنبِج حرکت کرد و امام حسن (علیه السلام) نیز آماده حرکت به سوی او گردید.

و حجر بن عدی را از پیش فرستاد تا مردم و کارداران را برای حرکت به میدان جنگ آماده سازد. سپس حاضران را فرا خواند و آنان را به جهاد دعوت کرد. کسی پاسخ نداد تا آنکه عدی بن حاتم مردم را ملامت کرد و خود روی به امام کرد و اطاعت خود را اعلام داشت. پس از جناب حجر بن عدی قیس بن سعد بن عباد و مَعْقِل بن قیس ریاحی و زیاد بن صعصعه تیمی به پا خاستند و مردم را به جهت سکوتشان سرزنش کردند و آمادگی خود را اعلام داشتند.

امام مجتبی (علیه السلام) آماده قتال شد و از کوفه بیرون آمد و عبید الله بن عباس را با دوازده هزار تن از پیش فرستاد و وصایایی به او فرمود و خود نیز حرکت کرد تا به ساباط مدائن رسید. در آنجا امام حسن (علیه السلام) خطبه ای خواندند که از مضمون آن میل به

مصالحه استشمام می شد.

مردم با شنیدن این خطبه به یکدیگر نگاه کردند و گفتند گمان ما این است که او می خواهد با معاویه آشتی کند و امر خلافت را به او تسلیم کند، او کافر شد. پس به خیمه او ریختند و آن را غارت کردند، سجاده او را از زیر پایش کشیدند و عبایش را از دوشش برداشتند. در این میان جمعی از شیعه و اطرافیانش او را احاطه کرده و از دست حمله کنندگانش باز داشتند ولی او را به سبب سخنانی که گفته بود ملامت کردند و به ضعفش منسوب داشتند.

پس از آن مردی به نام جراح بن سنان گفت: الله اکبر، ای حسن تو نیز مانند پدرت مشرک شدی! و با آلتی که در دستش بود زخمی بر ران او زد و آن حضرت شمشیر خود را به او حواله کرد و هر دو به زمین افتادند. در این میان مردم جمع شدند و جراح بن سنان را کشته و امام (علیه السلام) را بر روی تختی تا مداین حمل کردند.

امام (علیه السلام) نزد والی آنجا به نام سعد (یا سعید) بن مسعود ثقفی (عموی مختار بن ابی عبیده ثقفی) به معالجه پرداخت تا خوب شد.

اطرافیان امام حسن (علیه السلام) بر 3 دسته بودند:

1- دوستان اقا بودند ولی اهل جهاد نبودند که اکثریت با آنها بود همانها بودند که چون امام (علیه السلام) دعوت به جهاد فرمود ساکت شدند و عدم رضایت

ص: 159

خود را با این سکوت اظهار کردند.

2- دوستان وفادار اقا بودند ولی بسیار تند رو و افراطی و از امام جلوتر بودند . این دسته نیز چون خطبه او را در ساباط مدائن که بوی آشتی می داد شنیدند او را بر ضعفی که نشان داده بود ملامت کردند.

3- اطراف اقا بودند ولی بسیار احمق و جزء خوارج نهروان بودند لذا با شنیدن این خطبه حضرت (علیه السلام) به خشم آمدند و او را مشرک خواندند و یکی از ایشان می خواست او را بکشد.

این گروه سوم - که در اقلیت بودند به امید جنگ با معاویه با امام (علیه السلام) بیعت کرده بودند و چون تردید امام (علیه السلام) را دیدند او را هم مانند پدرش مشرک خواندند و دست به غارت اموال او زدند.

دسته اول در برابر جسارت این گروه کوچک اقدامی نکرد و فقط شیعیان خالص او از او حمایت کردند آنهم با سرزنش و ملامت! بنابر این امام حسن (علیه السلام) میان گروهها و دسته هایی که

هواهای نفسانی و آمال و اهداف گوناگونی داشتند گرفتار شده بود و نمی توانست با وسایلی که منطبق بر امر دین و احکام الهی باشد همه این گروهها را راضی سازد.

از سوی دیگر می دانست که در برابر کسی قرار دارد که در رسیدن به اهداف خود از هیچ وسیله و واسطه ای ابا ندارد و از این راه مسلما بر او غلبه خواهد کرد.

واضح است که اگر این غلبه در اثر جنگ باشد نتیجه آن برای او و خانواده و شیعیانش بسیار گران تمام خواهد شد و به همین جهت تصمیم به مصالحه گرفت.

بنا بر روایت ابو الفرج در مقاتل الطالبیین معاویه عبید اللہ بن عباس را - که امام او را در مقدمه لشکر فرستاده بود - با یک میلیون درهم بفریفت و او شبانه سپاه خود را ترک کرد و داخل سپاه معاویه شد.

در این میان معاویه ملعون دو تن از اصحاب خود را پیش امام (علیه السلام) فرستاد و او را دعوت به آشتی کرد و شرایطی در برابر صرف نظر کردن امام از خلافت به او وعده داد که از جمله آن بود که از امام علی (علیه السلام) جز به نیکی یاد نکنند و به شیعیان ایشان آزاری نرسانند. آن دسته از یاران امام که از موافقت امام ناراضی بودند: او را ملامت می کردند و از این واقعه که پیش آمده بود گریه می کردند و حتی یک تن از اصحابش او را مذل المؤمنین (خوار کننده مؤمنان) خواندند.

گفته شده معاویه پس از موافقت امام روی به کوفه نهاد و در نُخَیْلَه خطبه ای برای مردم کوفه ایراد کرد و گفت: من با شما جنگ نکردم که نماز بخوانید و روزه بگیرید و حج کنید و زکات بدهید. من با شما برای آن جنگیدم که بر شما حکومت کنم و خداوند این را با آنکه شما نمی خواستید به من عطا فرمود و هرچه به حسن بن علی داده ام (یعنی وعده کرده ام) زیرا این دو پای م می گذارم و به آن وفا نمی کنم

معاویه همان طور که در روایت فوق ذکر شده به شروطی که با امام کرده بود وفا نکرد که مهمتر از همه

1- ناسزا گفتن به حضرت امیر (علیه السلام)

2- و تعقیب دوستان آن حضرت از جمله قتل حجر بن عدی بود.

در احتجاج طبرسی روایتی از زید بن وهب جهنی هست که در آن امام حسن (علیه السلام) علت مصالحه خود را با معاویه بیان فرموده است.

زید بن وهب می گوید: پس از آنکه حسن بن علی را زخم زدند در مدائن پیش او رفتم در حالی که از درد می نالید. گفتم ای پسر رسول خدا رأی تو چیست و چه می بینی که مردم در کار خود متحیر مانده اند؟.

ایشان فرمودند: معاویه به نظر من از این کسانی که می پندارند شیعه من هستند بهتر است. اینها آهنگ کشتن مرا کردند و بار و بنه مرا غارت کردند و مال مرا گرفتند.

اگر از معاویه پیمانی بگیرم که خون خود را حفظ کنم و برای خانواده خود امان بگیرم بهتر از آن است که اینها مرا بکشند و خانواده مرا از بین ببرند.

به خدا که اگر من با معاویه بکنم اینها گردن مرا می گیرند و مرا به او تسلیم می کنند.

اگر من با معاویه در حال عزت صلح کنم بهتر از آن است که او مرا در حال اسارت بکشد و یا بر من منت بگذارد و مرا نکشد و این ننگ تا آخر دنیا بر بنی هاشم بماند و معاویه و فرزندان او بر زنده و مرده ما منت بگذارند.

در همین کتاب (احتجاج/ج2/12) آمده است که راوی می گوید:

پیش حسن بن علی رفتم و گفتم ای پسر رسول خدا ما را خوار ساختی و ما شیعیان را برده و بنده کردی.

فرمود چرا؟ گفتم برای اینکه امر خلافت را به معاویه تسلیم کردی. فرمود به خدا که من خلافت را برای آن تسلیم کردم که برای خود یارانی نیافتم و اگر یارانی می یافتم شب و روز با او می جنگیدم تا خداوند میان من و او حکم کند.

ولی من مردم کوفه را شناختم که در سخن و در عمل پای بند عهد و پیمان نیستند، به ما می گویند که دل ما با شما است اما شمشیرهایشان بر روی ما آخته است.

روایتی در احتجاج طبرسی هست که چون امام با معاویه آشتی فرمود بعضی از مردم او را بر این کار سرزنش کردند.

امام فرمود: به خدا نمی دانید که من چه کردم. آنچه من کردم برای شیعه من از همه آنچه آفتاب بر آن طلوع کند یا غروب کند بهتر است. آیا نمی دانید که من امام مفترض الطاعه شما و یکی از دو سرور جوانان اهل بهشت به نص رسول خدا هستم؟ گفتند بلی. بعد حضرت اشاره به قصه موسی و خضر که در قرآن آمده است فرمود و گفت آیا نمی دانید که چون خضر آن کشتی را سوراخ کرد و آن دیوار را اصلاح نمود و آن کودک را کشت موسی (علیه السلام) در خشم آمد؟ موسی (علیه السلام) علت و حکمت این کارها را نمی دانست ولی این کارهای خضر همه از روی حکمت و عین صواب بود.

سید مرتضی پس از بیانات مفصل می گوید: (بحار/ج 10/ص 106 و 107)

امام خود را از امامت خلع نکرد زیرا امامت پس از حصول آن از او سلب نمی شود.

حتی بیشتر اهل سنت نیز می گویند که امام خود را نمی تواند خلع کند و فقط از راه اختیار کامل این کار را می تواند بکند و اگر از راه ناچاری و اکراه خود را خلع کرد این خلع تأثیری ندارد. نیز امام امر خلافت را به معاویه تسلیم نفرمود بلکه متارکه جنگ کرد و این به جهت نبودن یار و یاور بود. اما بیعت او با معاویه به معنی رضایت ظاهری و خودداری از نزاع بود همچنانکه حضرت امیر (علیه السلام) نیز با خلفای سه گانه بیعت کرد ولی این بیعت به معنی رضایت باطنی و طیب نفس نبود،

چنانکه رفتار و گفتار او بعدها شاهد این مدعا است.

به هر حال امام حسن (علیه السلام) خلافت را به معاویه باز گذاشت و خود به مدینه مراجعت فرمود.

بنا به گفته ابو الفرج اصفهانی معاویه می خواست برای فرزند خود یزید بن معاویه بیعت بگیرد و با وجود امام حسن (علیه السلام) و سعد بن ابی وقاص جرأت چنین کاری را نداشت تا آنکه هر دو را مسموم ساخت و پس از آن، زمینه جهت بیعت گرفتن برای یزید آماده گردید. معاویه امام حسن (علیه السلام) را توسط جعده همسر ایشان که دختر اشعث بن قیس کنندی بود مسموم ساخت. معاویه به او وعده داده بود که در صورت مسموم ساختن امام، او را به همسری یزید درآورد و صد هزار درهم برای او فرستاد. اما معاویه پس از مسموم شدن امام به شرط ازدواج او با یزید

وفا نکرد و گفت می ترسم با پسر من همان کاری را بکنم که با پسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) کرد.

جسد مطهر امام (علیه السلام) را می خواستند بنا به وصیتش در جوار رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دفن کنند ولی مروان بن حکم و عایشه مخالفت کردند امام در ساعات واپسین عمر با اینکه ظن قوی داشت که به دست همسرش جعده مسموم شده است نگذاشتند او را قصاص کنند و عذاب وجدان را که با خلف وعده معاویه توأم می شد و تا آخر عمر سرافکنده اش می داشت برای جعده کافی دانست. برای امام حسن (علیه السلام) پانزده فرزند پسر و دختر از مادران مختلف شمرده اند اما نسل آن حضرت فقط از دو فرزند ذکور او مانده است، یکی حسن بن حسن معروف به حسن مثنی و دیگری زید بن الحسن. چند تن از فرزندان آن حضرت در کربلا به شهادت رسیدند.

ماشیهه ال مرتضی میباشیم از خاک بقیع و کربلا میباشیم

یک عمراگر حسین حسین میگوئیم مدیون امام مجتبی میباشیم

السلام علیک یا حسن بن علی ایها المجتبی یا بن رسول الله یا سیدنا و مولینا انا توجهنا واستشفعنا و توسلنا بک الی الله یا وجیها عندالله اشفع لنا عندالله .

ص: 165

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم . صلى الله عليك يا رسول الله وعلى آل بيتك المظلومين المعصومين الهداه المهديين الحجج الميامين و لعنه الله على اعداءهم ابداء الابدين و دهر الداهرين الى يوم الدين

بجهت سلامتی امام زمان ارواحناله الفداه صلوات

مقدمه :

ضمن عرض تبریک به مناسبت میلاد با سعادت امام مجتبی (علیه السلام) موضوع بحث ماه مبارک رمضان سال 1400 در حسینیه مرحوم ایت الله العظمی حاج سید احمد خوانساری در هیات محترم جنت الرضای تهران در مورد استغفار و مهندسی اشتی با خدا توبه از گناهان میباشد.

در جلسات قبل بحمدالله توانستیم از آثار 100 گانه نکبت بار گناه روایات را بررسی کنیم و تقدیم نمائیم .

ص: 166

اگر اجازه بفرمائید در ادامه بحث باز سری به روایات و ادعیه اسلامی بزنیم و ریشه و عوامل و آثار گناهان را از زوایای مختلف مورد بررسی و بحث قرار دهیم. آنقدر این روایات سلیس و روان و واضح است که هیچ نیازی به توضیح نیست. شما اصل روایت را که بخوانید کاملاً در مورد نوع گناهان و تأثیرات آن در روح و روان و زندگی فردی و اجتماعی گناهکار ازعان و اعتراف خواهید کرد.

آثار گناهان از نگاه حضرت سجاد زین العابدین (علیه السلام)

الف: گناهانی که موجب تغییر نعمت الهی می شوند، عبارتند از:

- 1- ظلم بر مردم 2- کار خیری را که به آن عادت کرده یا عمل معروفی را ترک کند 3- کفران نعمت
- 4- ترک شکر: خداوند متعال می فرماید: (رعد/11) { إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ } خداوند حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم، حالشان را تغییر دهند.

ب: گناهانی که پشیمانی بهمراه دارد عبارتند از:

- 1- کشتن کسی که قتلش حرام است، خداوند متعال در مورد قاییل که برادرش را کشت و از دفنش عاجز ماند می فرماید: (قاییل) پشیمان گردید
- 2- و ترک صلّه رحم (در صورتی که قادر بدان باشد) 3- ترک وصیت و ردّ مظالم

ص: 167

4- نماز را نخواند تا وقتش بگذرد، 5- و ندادن زکات تا زمانی که مرگ فرا برسد و زبان بسته گردد.

پ: گناهانی که نعمت‌ها را از بین می‌برد عبارتند از: 1- معصیت کردن انسان خداشناس 2- گردنکشی بر مردم 3- و مسخره کردن و ریشخند نمودن آنان.

ت: گناهانی که بهره و نصیب انسان (از فیوضات الهی) را دفع می‌نماید عبارتند از:

1- اظهار فقر و احتیاج نمودن 2- در وقت نماز عشاء و نماز صبح، خوابیدن (و آن دو را به جای نیاورند) 3- نعمتهای الهی را کوچک شمردن 4- و از خداوند عزیز و جلیل، شکایت کردن

ث: گناهانی که پرده عصمت را می‌درند عبارتند از: 1- شرابخواری 2- قمار بازی 3- انجام دادن کاری که مردم را بخندانند 4- سخن بیهوده 5- شوخی کردن 6- ذکر عیبهای مردم 7- با کسانی که عقاید و اعمالشان مشکوک است، نشست و برخاست داشتن

ج: گناهانی که موجب نزول بلا است عبارتند از:

1- یاری نکردن کسی که دادرس می‌طلبد 2- کمک نکردن مظلوم 3- امر به معروف و نهی از منکر را ضایع نمودن.

چ: گناهانی که دشمنان را پیروز می کند عبارتند از:

1- آشکارا ظلم نمودن 2- علنی مرتکب گناه شدن 3- حرام را حلال شمردن 4- در برابر نیکان سرکشی نمودن 5- از اشرار و بدان، اطاعت کردن.

ح: گناهانی که موجب تعجیل مرگ می گردند عبارتند از:

1- قطع رحم نمودن 2- قسم ناحق خوردن 3- سخن دروغ گفتن 4- زنا کردن 5- راههای مسلمانان را بستن 6- به ناحق ادعای رهبری داشتن.

خ: گناهانی که موجب قطع امید می گردد عبارتند از:

1- مایوس شدن از لطف خداوند 2- ناامید گشتن از رحمت خدا 3- به غیر خداوند متعال تکیه کردن

4- وعده های الهی را دروغ پنداشتن

د: گناهانی که آسمان را تیره می سازند و موجب سلب قدرت تشخیص حق از باطل می گردند عبارتند از:

1- جادوگری 2- پیشگویی 3- ایمان به ستارگان بدین معنا که آنها را در سرنوشت انسان مؤثر دانستن

4- قضا و قدر الهی را دروغ خواندن 5- عاق والدین شدن.

ذ: گناهانی که موجب پرده دری می گردند عبارتند از:

1- قرض کردن با این نیت که آن را نپردازد 2- در مخارج زندگی زیاده

روی نمودن 3- بد اخلاقی 4- کم طاقتی

5- بخل ورزیدن در پرداخت مخارج زندگی انواده و فرزندان و نزدیکان 6- بی قراری 7- تنبلی 8- دینداران را خوار دانستن..

ز: گناهایی که موجب برگشتن دعا می شوند عبارتند از: 1- نیت بد داشتن 2- در باطن، پلید بودن 3- با برادران دینی، دورویی و نفاق نمودن 4- برادران دینی را با ترک اجابت، تصدیق نکردن 5- نمازهای واجب را به تأخیر انداختن تا وقتشان بگذرد

تفسیر: گناه سرچشمه گناه دیگر است

{آل عمران/155} إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَمَى الْجَمْعَانِ إِنَّهُمْ لَمَّا تَرَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِيَعُضٍ مَا كَسَبُوا وَ لَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ {قطعاً کسانی از شما روزی که [در نبرد احد] که دو گروه [مؤمن و مشرک] با هم رویاروی شدند، به دشمن پشت کردند، جز این نیست که شیطان آنان را به سبب برخی از گناهایی که مرتکب شده بودند لغزانید، و یقیناً خدا از آنان در گذشت زیرا خدا بسیار آمرزنده و بردبار است.

(تفسیر نمونه/ج 3/ص 135)

این آیه که باز ناظر به حوادث جنگ احد است حقیقت دیگری را برای مسلمانان بازگو می کند و آن اینکه: لغزشهایی که بر اثر وسوسه های شیطانی به انسان دست می دهد و او را به گناهایی می کشاند نتیجه زمینه های نامناسب روحی است که بر اثر گناهان پیشین در انسان فراهم

ص: 170

شده و راه را برای گناهان دیگر هموار ساخته است و گرنه وسوسه های شیطانی در دل های پاک که آثار گناهان سابق در آن نیست اثری در آن نمی گذارد و لذا می فرماید: آنهایی که در میدان احد فرار کردند شیطان آنان را به سبب پاره ای از اعمالشان به لغزش انداخت، اما خدا آنها را بخشید، خداوند آمرزنده و حلیم است. و به این ترتیب به آنها می آموزد که برای کسب پیروزی در آینده باید بکوشند نخست خود را تربیت کنند و دل را از گناه بشویند ممکن است منظور از گناهی که سابقا مرتکب شده اند: همان گناه دنیاپرستی و جمع آوری غنائم و مخالفت فرمان پیامبر در بحبوحه جنگ بوده باشد. و یا گناهان دیگری که قبل از حادثه احد مرتکب شده بودند و نیروی ایمان را در آنها تضعیف کرده بود.

مفسر بزرگ مرحوم طبرسی در ذیل این آیه از ابو القاسم بلخی نقل می کند:

که در روز احد همه مهاجرین و انصار جز 13

نفر (که با پیامبر 14 نفر می شدند) فرار کردند از این تعداد 8 نفر از انصار و 5 نفر از مهاجرین بودند که در شخص این افراد اختلاف شده به جز علی ع که همه بالاتفاق گفته اند که ایشان فرار نکردند.

1- رابطه گناه و فساد! (تفسیر نمونه/ج 16/ص 457)

ص: 171

(روم/41) { ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ } در خشکی و دریا به سبب اعمال زشتی که مردم به دست خود مرتکب شدند، فساد و تباهی نمودار شده است تا خدا کیفر برخی از آنچه را انجام داده اند به آنان بچشانند، باشد که [از گناه و طغیان برگردند]

شرح :

به این ترتیب فساد در آیه مورد بحث، اعم از مفساد اجتماعی و بلاها و سلب برکات است. نکته قابل توجه دیگر اینکه: از آیه فوق ضمنا استفاده می شود که یکی از فلسفه های آفات و بلاها، تاثیر تربیتی آنها روی انسانها است، آنها باید واکنش اعمال خود را ببینند، تا از خواب غفلت بیدار شوند و به سوی پاکی و تقوی باز گردند.

همانطور که غذای فاسدبر بدن انسان تاثیر میگذارد گناه نیز بر زندگی آدمی اثر خواهد گذاشت: به طور مثال 1- دروغ سلب اعتماد می کند 2- خیانت در امانت روابط اجتماعی را بر هم می زند 3- ظلم همیشه منشا ظلم دیگری است 4- سوء استفاده از آزادی به دیکتاتوری می انجامد 5- دیکتاتوری به انفجار 6- ترک حقوق محرومان کینه و عداوت می آفریند 7- تراکم کینه ها و عداوتها اساس جامعه را متزلزل می سازد 8- قطع رحم عمر را کوتاه میکند 9- خوردن مال حرام قلب را تاریک میکند 10- شیوع زنا سبب فنای انسانها شده و روزی را کم می کند

11- امام صادق ع فرمودند: آنها که بوسیله گناه از دنیا می روند بیش از کسانی هستند که به مرگ طبیعی می میرند.

نظیر همین معنی به تعبیر دیگری در قرآن مجید آمده است آنجا که می فرماید:

(اعراف/96) {وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ} اگر آنها که در شهرها و آبادیها زندگی می کنند ایمان بیاورند و تقوی پیشه کنند، برکات آسمانها و زمین را به روی آنها می گشاییم، اما آیات ما را تکذیب کردند، مانیز آنها را به مجازات اعمالشان گرفتیم

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اکرم فرمودند: (سفینه البحار ماده زنی)

زناش عقوبت دارد: سه عقوبت در دنیا، و سه عقوبت در آخرت

اما سه عقوبتش در دنیا 1- نورانیت را از انسان سلب می کند 2- مرگ زودرس می آورد 3- روزی را قطع می نماید

اما سه عقوبت آن در آخرت: 1- باعث سختگیری در حساب 2- خشم پروردگار 3- خلود در آتش است

2- چرا گناه، زنگار دل است؟!

(روم/59) {كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ} خدا این گونه بر دل های کسانی که معرفت و دانش ندارند مهرتیره بختی می نهد

ص: 173

(غافر/35) {الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ} کسانی که در آیات خدا بی آنکه دلیلی برای آنان آمده باشد، مجادله و ستیزه می کنند [این عمل زشتشان] نزد خدا و نزد اهل ایمان مایه دشمنی بزرگ است این گونه خدا بر دل هر گردنکش زورگویی، مُهر تیره بختی می نهد.

و در جای دیگر درباره گروهی از گنهکاران لجوج و عنود می فرماید:

(بقره/7) {خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ} خدا به کیفر کفرشان بردل ها و گوش هایشان مُهر تیره بختی نهاده، و برچشم هایشان پرده ای از تاریکی است که فروغ هدایت را نمی بینند و برای آنان عذابی بزرگ است

(حج/46) {أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ} آیا در زمین گردش نکرده اند تا برای

آنان دل هایی [بیدار و بینا] پیدا شود که با آن بیندیشند یا گوش هایی که با آن اندرزها را بشنوند؟ حقیقت این است که دیده ها کور نیست بلکه دل هایی که در سینه هاست، کور است

جلسه شانزدهم (09/02/1400)

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم . صلى الله عليك يا رسول الله وعلى آل بيتك المظلومين المعصومين الهداه المهديين الحجج الميامين ولعنه الله على اعداءهم ابد الابدين ودهر الداهرين الى يوم الدين

بجهت سلامتی امام زمان ارواحنا له الفداء صلوات.

بحمدالله به لطف خداوند مهربان و سعه صدر شما مستمعین عزیز در نیمه اول ماه مبارک رمضان 1400 توانستیم بطور کامل در تعریف و توصیف آثار و آداب و شرائط و برکات استغفار و مضرات گناه و شرح اسامی معاصی در آیات و روایات و ادعیه اسلامی مطالبی را تقدیم حضور تان کنیم. در جلسه امشب قصد دارم ضمن بیان تاریخچه و داستان زیبای تعلیم دعای خضر توسط مولا امیرالمومنین علی (علیه السلام) به جناب خضر در شرح سرفصل های آثار گناه در زندگی فردی و اجتماعی با کمک روایات مطالب دیگری را به سمع مبارکتان برسانم. دعای کمیل دراصل همان دعای حضرت خضر نبی (علیه السلام) است که مولا به کمیل بن زیاد 3 مرتبه تاکید فرمود هرشب جمعه این دعا را بخواند که بسیار نافع و موثر است. جناب کمیل عرض کرد مولای من دعای خضر را به من تعلیم دهید تا

در هر شب جمعه به خواندن آن کوشا باشم. حضرت مولا دعای خضر را به ایشان تعلیم فرمود و این دعا توسط جناب کمیل در جامعه شیعی به یادگار ماند. در این دعا حضرت مولا (علیه السلام) به چند سرفصل از آثار گناه اشاره دارند که با کمک روایات این چند فصل سرخط گناهان را بررسی میکنیم.

سرنخ و سرفصلهای گناه را در دعای کمیل اشاره فرموده اند :

{اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذَّنُوبَ الَّتِي تَحْتِكُ الْعِصْمَ} خدایا گناهانی که پرده حیاء مرا پاره کرده را ببخش و پیامرز امام صادق (علیه السلام) فرمودند :

گناهانی که پرده حیاء را پاره می کند عبارتند از : 1- شرب خمر. 2- قمار 3- سرگرمیهای بیهوده و بی ثمر

آثار شوم شراب و قمار در آیات قران کریم .:

1- شراب و قمار موجب کُندی و بازماندن از ثواب و خیر میگردد.

(بقره/219)

{يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا} درباره شراب و قمار از تومی پرسند بگو در آن دو گناهی بزرگ و سودهایی برای مردم است، و گناه هر دو از سودشان بیشتر است.

2- شراب و قمار ابزار شیطان برای ایجاد کینه و عداوت بین شماست

(مائده/91) {إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ...} مسلماً شیطان می خواهد با شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه سخت اندازد،

3- قماربازی و شراب ابزار شیطان برای بازداشتن مردم از یاد خدا و برپایی نماز و عبادت

(مائده/91) {....وَيَصُدُّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ} و از یاد خدا و نماز بازتان دارد؛ آیا شما از این امور با همه زیان ها و خطراتی که دارد خودداری خواهید کرد

ص: 176

4- شراب نجس دنیا مایه ضرر و زیان و آسیب رسان به عقل و هوش آدمی (صافات/47) { لا فیها غَوْلٌ وَ لا هُمْ عَنْهَا يُنْزِفُونَ } در بهشت نوشیدن مشروبات طاهر و پاک نه در آن مایه فساد هوش و عقل است، و نه از آن مست و بیهوش می شوند.

5- پرهیز از شرابخواری و قماربازی و مظاهر شرک زمینه ساز نسل به فلاح و رستگاری است (مائده/90) { یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمِیسِرُ وَ الْأَنْصَابُ وَ الْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّیْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ }

6- یکی از نشانه های ایمان و صفات مومن اجتناب از شرابخواری و قمار بازی و مظاهر شرک (مائده/90) { یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمِیسِرُ وَ الْأَنْصَابُ وَ الْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّیْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ } ای اهل ایمان! جز این نیست که همه مایعات مست کننده و قمار و بت هایی که برای پرستش نصب شده و پاره چوب هایی که به آن تقال زده می شود، پلید و نجس و از کارهای شیطان است؛ پس از آنها دوری کنید تا رستگار شوید

7- دوری جستن از شراب و قمار و مظاهر شرک نشانگر اطاعت از خدا و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است

(مائده/92) { وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ احْذَرُوا فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَی رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِینُ } و از خدا اطاعت کنید و از پیامبر فرمان برید، و از مخالفت با خدا و پیامبر بپرهیزید، پس اگر روی گردانید

سزاوار کیفر می شوید و بدانید که بر عهده پیامبر ما فقط رساندن آشکار پیام وحی است

ایا شرابخوار میتواند توبه کند و خودش را تبرئه نماید؟

(مائده/93) { لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ } بر کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند نسبت به آنچه پیش از حکم تحریم مُسکرات، قمار و سایر مُحرّمات خورده اند، گناهی نیست، اما زین پس: 1- هرگاه پرهیزند 2- ایمان آورند 3- کارهای شایسته انجام دهند 4- سپس پرهیزکاری را تداوم بخشند 5- و ایمان خود را ادامه دهند، 6- و بر پرهیزکاری پافشاری ورزند 7- و کار نیک بجا آورند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد .

خوردن شراب و انجام قمار با علم به حرمتش کفر محسوب میشود :

(نساء/137) { إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أَرَادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا } کسانی که ایمان آوردند، سپس کفر ورزیدند، باز ایمان آوردند، و بار دیگر کافر شدند، آن گاه بر کفر خود افزودند، خدا بر آن نیست که آنان را بیامرزد، و به راهی هدایت کند

(توضیح ایه (نساء/137) ابوبصیر از امام صادق (علیه السلام) نقل میکند. بعد از تلاوت این ایه شریفه (نساء/137) فرمودند :

اگر کسی بداند که شراب حرام است و بنوشد . و بداند که زنا حرام است و انجام دهد و بداند که زکات دادن واجب است و نپردازد !! کافر است .

(کتاب الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا(عليه السلام)/274) قال الرضا(عليه السلام) {وَلَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) الْخَمْرَ وَ غَارِسَهَا وَ عَاصِرَهَا وَ حَامِلَهَا وَ الْمُحْمُولَةَ إِلَيْهِ وَ بَائِعَهَا وَ مُبْتَاعَهَا وَ شَارِبَهَا وَ آكِلَ ثَمَنِهَا وَ سَاقِيَهَا وَ الْمُتَحَوِّلَ فِيهَا فَهِيَ مَلْعُونَةٌ شَرَّ رَابِّ لَعِينٍ وَ شَارِبُهَا اللَّعْنَاءُ وَ اعْلَمْ أَنَّ شَارِبَ الْخَمْرِ كَعَبْدِهِ الْأَوْثَانِ . (بت ها را میپرستد). وَ هُوَ يُحْشَدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ الْمَجُوسِ (وَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا بِاللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ) وَ اعْلَمْ أَنَّ مَنْ شَرِبَ مِنَ الْخَمْرِ قَدْحًا وَاحِدًا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاتَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَ مَنْ كَانَ مُؤْمِنًا فَلَيْسَ لَهُ فِي الْإِيمَانِ حِطٌّ وَ لَا فِي الْإِسْلَامِ لَهُ نَصِيبٌ وَ لَا يَقْبَلُ مِنْهُ الصَّرْفُ (هیچ صدقه ای از او پذیرفته نخواهد شد) وَ لَا الْعَدْلُ (عدالت نخواهد داشت) وَ هُوَ أَقْرَبُ إِلَى الشَّرِكِ مِنَ الْإِيمَانِ خُصَمَاءُ اللَّهِ وَ أَعْدَاؤُهُ فِي أَرْضِهِ شُرَابُ الْخَمْرِ وَ الزُّنَاهُ فَإِنْ مَاتَ فِي أَرْبَعِينَ يَوْمًا لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَا يُكَلِّمُهُ وَ لَا يُزَكِّيهِ وَ لَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَ لَا يَقْبَلُ تَوْبَتَهُ فِي أَرْبَعِينَ وَ هُوَ فِي النَّارِ لَا سَكَّ فِيهِ }

(کتاب الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا(عليه السلام)/68)

قال الرضا(عليه السلام) { لَا تَقِيَّةَ فِي شُرْبِ الْخَمْرِ } تقيه واجب است مگر در پرهیز از خوردن شراب

ص: 179

(کتاب الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا(عليه السلام)/206) قال الرضا(عليه السلام) {اجْتَنِبُوا الْعَيْبَةَ عَيْبَةَ الْمُؤْمِنِ وَاحْذَرُوا التَّمِيمَةَ فَإِنَّهُمَا يُفْطِرَانِ الصَّائِمَ وَلَا عَيْبَةَ لِلْفَاجِرِ وَشَارِبِ الْخَمْرِ وَاللَّاعِبِ بِالشُّطْرُنْجِ وَالْقِمَارِ} از غیبت کردن پشت سر مومن و سخن چینی بهره‌یزید اگر کسی غیبت و سخن چینی کند روزه اش را افطار کرده ولی غیبت از ظالم و ادم شر و شرور و بی باک و شرابخور و قمارباز اشکالی ندارد

(کتاب الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا(عليه السلام)/237) قال الرضا(عليه السلام) {وَلَا تُزَوِّجْ شَارِبَ خَمْرٍ فَإِنَّ مَنْ فَعَلَ فَكَانَتْ قَادَهَا إِلَى الرَّثَا} با شرابخوار ازدواج نکنید اگر کسی به شرابخوار ازدواج کند مثل این است که تن به زنا داده است

(کتاب الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا(عليه السلام)/260) قال الرضا(عليه السلام) {وَأَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَجُوزُ شَهَادَةُ شَارِبِ الْخَمْرِ وَلَا اللَّاعِبِ بِالشُّطْرُنْجِ وَالرَّزْدِ وَلَا الْمَقَامِرِ} شهادت شرابخور و شطرنج باز و تخته نرد و جادوگر ورمال قبول نیست.

4- ذکر عیوب مردم و غفلت از معایب خویشان.

5- و همنشینی با کسانی که شکاک و افکار شیطانی دارند. (صفات الشیعه/ص6)

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) {مُجَالَسَةُ الْأَشْرَارِ تُورِثُ سُوءَ الظَّنِّ بِالْأَخْيَارِ وَمُجَالَسَةُ الْأَخْيَارِ تُلْحِقُ الْأَشْرَارَ بِالْأَخْيَارِ وَمُجَالَسَةُ الْفُجَّارِ لِلْأَبْرَارِ تُلْحِقُ الْفُجَّارَ بِالْأَبْرَارِ فَمَنْ اشْتَبَهَ عَلَيْكُمْ أَمْرُهُ وَلَمْ تَعْرِفُوا دِينَهُ فَانظُرُوا إِلَى خُلَطَائِهِ فَإِنْ كَانُوا أَهْلَ دِينِ اللَّهِ فَهُوَ عَلَى دِينِ اللَّهِ وَإِنْ كَانُوا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ فَلَا

ص: 180

قَالَ فَقُلْتُ لَهُ زِدْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ (عليه السلام) إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَسَعَوْهُمْ بِطَلَاقِهِ الْوَجْهِ وَحُسْنِ اللَّقَاءِ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَسَعَوْهُمْ بِأَخْلَاقِكُمْ . قَالَ فَقُلْتُ لَهُ زِدْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ (عليه السلام) مَنْ عَتَبَ عَلَى الزَّمَانِ طَالَتْ مَعْتَبَتُهُ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ زِدْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ (عليه السلام) مُجَالَسَةُ الْأَشْدَّارِ تُورِثُ سُوءَ الظَّنِّ بِالْأَخْيَارِ

قَالَ فَقُلْتُ لَهُ زِدْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ (عليه السلام) بِسْرِ الرَّادِّ إِلَى الْمَعَادِ الْعُدْوَانُ عَلَى الْعِبَادِ

قَالَ فَقُلْتُ لَهُ زِدْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ (عليه السلام) قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ

قَالَ فَقُلْتُ لَهُ زِدْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ (عليه السلام) الْمَرْءُ مَحْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ

قَالَ فَقُلْتُ لَهُ زِدْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ (عليه السلام) مَا هَلَكَ امْرُؤٌ عَرَفَ قَدْرَهُ

قَالَ فَقُلْتُ لَهُ زِدْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ (عليه السلام) التَّدْبِيرُ قَبْلَ الْعَمَلِ يُؤْمِنُكَ مِنَ النَّدَمِ

قَالَ فَقُلْتُ لَهُ زِدْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ (عليه السلام) مَنْ وَثِقَ بِالزَّمَانِ صُرِعَ

قَالَ فَقُلْتُ لَهُ زِدْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ (عليه السلام) خَاطَرَ بِنَفْسِهِ مَنْ اسْتَعْنَى بِرَأْيِهِ

قَالَ فَقُلْتُ لَهُ زِدْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ (عليه السلام) قِلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينِ

قَالَ فَقُلْتُ لَهُ زِدْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ (عليه السلام) مَنْ دَخَلَهُ الْعُجْبُ هَلَكَ

قَالَ فَقُلْتُ لَهُ زِدْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ (عليه السلام) مَنْ أَتَقَنَ بِالْخَلْفِ جَادَ بِالْعَطِيَّةِ

قَالَ فَقُلْتُ لَهُ زِدْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ (عليه السلام) مَنْ رَضِيَ بِالْعَافِيَةِ مِمَّنْ دُونَهُ رَزِقَ السَّلَامَةَ مِمَّنْ فَوْقَهُ . قَالَ فَقُلْتُ حَسْبِي { (عبد العظيم

حسنى راوى

حدیث از امام رضا (علیه السلام) خواهش میکند یابن رسول الله مرا موعظه کنید . حضرت رضا میفرماید از پدرانم شنیدم که میفرمودند
جدم امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند :

همیشه حال مردم خوبست تا با هم تفاوت دارند و چون برابر شوند هلاکند

باو عرض کردم بیفزا فرمود : اگر به راز همدیگر آگاه میشدید همدیگر را بخاک نمی سپردید

گفتم برایم بیفزا یا ابن رسول الله فرمود: شما نمی توانید همه مردم را بمال خود خوشنود کنید پس آنها را بخوشروئی و خوش برخوردی
خشنود دارید که من از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم میفرمود مال شما بهمه مردم کافی نیست پس اخلاق خود را بآنها برسانید

گفتم یا ابن رسول الله بیفزا برایم فرمود : هر که از زمانه گله کند گله او بدرازا کشد،

گفتم برایم بیفزا یا ابن رسول الله فرمود: همنشینی بدان باعث بدگمانی بنیکانست،

گفتم یا ابن رسول الله برایم بیفزا فرمود: چه بد توشه ایست برای معاد ستم بر عباد

گفتم یا ابن رسول الله برایم بیفزا فرمود : ارزش هر مردی کاریست که در آن استاد باشد

گفتم یا ابن رسول الله برایم بیفزا فرمود : مرد زیر زبانش پنهانست

و امام رضا (علیه السلام) از امیر المؤمنین (علیه السلام) بیان فرمود:

1- مردی که اندازه خود را بدانند هلاک نشود.

2- تدبیر پیش از کار تو را از پشیمانی آسوده دارد،

3- هر که بزمانه پشت دهد بزمین میخورد.

4- خود رأی خویش را در خطر اندازد

5- کمی عیال هم یکی از دو وسعت است.

6- هر که را خود بینی بر سر آید نابود گردد

7- هر که بداند جای گزین دارد عطا بخش است

8- هر که بعافیت زیر دستش خشنود است از بالا دست خود سالم ماند

در اینجا حضرت عبد العظیم حسنی (علیه السلام) عرض کرد مرا بس است.

6- فعلی که (يُضْحِكُ النَّاسَ مِنَ الْمَزَاحِ وَالْعَب)

(أمالی اصدوق اص 220) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:

{ كَانَ بِالْمَدِينَةِ رَجُلٌ بَطَّالٌ يُضْحِكُ النَّاسَ مِنْهُ فَقَالَ قَدْ أَعْيَانِي هَذَا الرَّجُلُ أَنْ أُضْحِكَهُ يَعْنِي عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع قَالَ فَمَرَّ عَلِيٌّ ع وَخَلْفَهُ مَوْلِيَانِ لَهُ فِجَاءُ الرَّجُلِ حَتَّى انْتَزَعَ رِدَاءَهُ مِنْ رَقَبَتِهِ ثُمَّ مَضَى فَلَمْ يَلْتَفِتْ إِلَيْهِ عَلِيٌّ ع فَاتَّبَعُوهُ وَأَخَذُوا الرِّدَاءَ مِنْهُ فَجَاءُوا بِهِ فَطَرَحُوهُ عَلَيْهِ فَقَالَ لَهُمْ مَنْ هَذَا فَقَالُوا لَهُ هَذَا رَجُلٌ بَطَّالٌ يُضْحِكُ أَهْلَ الْمَدِينَةِ فَقَالَ قُولُوا لَهُ إِنَّ لِلَّهِ يَوْمًا يَخْسِرُ فِيهِ الْمُبْطِلُونَ } امام صادق (علیه السلام) فرمود در مدینه مردی بود دلچک که مردم را میخندانید، گفت این مرد را نتوانستم بخندانم مقصودش علی بن الحسین (علیه السلام) بود فرمود علی (علیه السلام) میگذشت دو غلام همراهش بود چون

چشم آن دلچک باو افتاد ردای آن حضرت در بر گرفت و رفت و آن حضرت توجهی نکرد آن مسخره را دنبال کردند و رداء را از او گرفتند و آوردند و بدوش او انداختند بآنها فرمود این کیست؟ گفتند مردیست دلچک که مردم را میخندانند، فرمود بگوئید برای خدا روزیست که در آن مردم بیهوده زیان کارند.

ص: 185

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير رب اشرح لي صدري و يسر لي أمري و احل عقده من لساني يفقهوا قولي الحمد لله الذي علا في توحده و دنا في تفرده و جل في سلطانه و عظم في اركانه و احاط بكل شيء علماً و هو في مكانه و خير الصلاه و السلام على سيدنا سيد الانبياء و المرسلين حبيب إله العالمين أبي القاسم محمد (صلى الله عليه و آله) و على أهل بيته المعصومين المكرمين واللعن الدائم على أعدائهم اجمعين من الآن إلى يوم الدين.

بسم الله الرحمن الرحيم اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ و عَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ و فِي كُلِّ سَاعَةٍ و لِيّاً و حَافِظاً و قَائِداً و ناصراً و دليلاً و عينا حتى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً و تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً بجهت سلامتی امام زمان ارواحناله الفداه صلوات

مقدمه :

در جلسه قبل سری زدیم به دعای شریف کمیل در این دعا حضرت مولا (علیه السلام) به چند سرفصل از آثار گناه اشاره دارند. در جلسه قبل یکی از سرفصل های گناه را بررسی کردیم {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْتِكُ الْعِصْمَ}.

امشب به یاری امام زمان ارواحناله الفداه به سرفصل دیگری از آثار گناه

{ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ الذُّنُوْبَ الَّتِي تَنْزِلُ النَّقْمَ }

معنای نقیمت چیست؟

1- نَقَمَ : کینه بدل گرفت از فلانی بخاطر فلان چیز یا فلان عمل (کتاب مقدمه الادب/102) (انتقام - عقوبت - عاقبت) نیز به معنای نتیجه اعمال زشتی را خاطی ببیند(قاموس قران/ج7/ص105)

2- نَقَمَ : انکار کردن چیزی بازبان یا با عمل . انتقام : مجازاتی است در مقابل عمل سوء و زشت و بد عقوبت در مقابل انکار است و به دو نوع است 1- زبانی 2- عمل و برخورد شدید

چه چیزهایی باعث انتقام الهی میگردد؟

درقران کریم نیز هر جا سخن از عقوبت و انتقام آمده است به خاطر :

1- انکار همراه با تمسخر مومنین توسط کفار و مشرکین (بروج/8) { وَ مَا نَقَمُوا مِنْهُمْ اِلَّا اَنْ يُؤْمِنُوا بِاللّٰهِ الْعَزِيْزِ الْحَمِيْدِ }

2- انکار رسالت و عیب جویی از مسلمین و مومنین و پشت سر پیامبر و مومنین سخنان ناروا و نادرست و کفرامیز میگفتند (توبه/74) { يَحْلِفُوْنَ بِاللّٰهِ مَا قَالُوْا وَّلَقَدْ قَالُوْا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَّ كَفَرُوْا بَعْدَ اِسْلَامِهِمْ وَ هُمْ بِمَا لَمْ يَنْاَلُوْا وَّ مَا نَقَمُوْا اِلَّا اَنْ اَغْنَاهُمْ اللّٰهُ وَ رَسُوْلُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَاِنْ يَتُوبُوْا يَكُ خَيْرًا }

لَهُمْ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ {همواره سوگند می خورند که بر ضد پیامبر سخن ناروا و نادرست نگفته اند، در صورتی که سخن کفرآمیز گفته اند و پیش از اسلامشان کافر شده اند و به آنچه از اهداف خائنانه ای که دست نیافتند، اهتمام ورزیدند و زبان به عیب جویی و انکار نسبت به پیامبر نگشودند مگر پس از آنکه خدا و پیامبرش آنان را از فضل و احسان خود توانگر ساختند

3- انکار رسالت رسول خدا توسط اهل کتاب با زبانشان و عیب جویی از مومنین (مانده/59) { قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَتَّقُمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلُ وَأَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ } بگو: ای اهل کتاب! آیا جز این را بر ما عیب می گیرید که ما به خدا و آنچه از سوی او بر ما نازل شده و آنچه پیش از ما بر پیامبران فرود آمده ایمان آورده ایم؟! او این عیب جویی شما به سبب این است که بیشتر شما فاسق هستید

4- انتقام بسبب تکذیب قرآن و نبوت و ولایت اهل بیت (ایات الله) (اعراف/136) { فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ } نهایتاً به سبب اینکه آیات ما را تکذیب کردند، و از آنها غافل و بی خبر بودند، از آنان انتقام گرفتیم و در دریا غرقشان کردیم

5- انتقام گرفتیم از مردم دوشهر (لوط - شعیب) (حجر/79) { فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِينٍ }

در نتیجه از آنان انتقام گرفتیم، و آثار دو شهر نابود شده قوم لوط و

شعیب بر سر جاده ای آشکار قرار دارد

6- انتقام از گنهکاران لجوج و تمسخرکننده

(روم/47) { وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاؤُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَاذْتَمَنَّا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَ كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ } و به راستی پیش از تو پیامبرانی را به سوی قومشان فرستادیم که برای آنان دلایل روشن آوردند، سپس ما از آنان که مرتکب گناه شدند، انتقام گرفتیم و مؤمنان را یاری دادیم و یاری مؤمنان حقی بر عهده ماست

7- انتقام از تکذیب کنندگان نبوت و امامت: (زخرف/25) { فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَنْظَرُ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ } در نتیجه از آنان انتقام گرفتیم. پس با تأمل بنگر سرانجام تکذیب کنندگان چگونه بود

در روایات چه چیزهایی باعث انتقام الهی میشود؟

1- ظلم کردن به مردم مقدمات انتقام الهی را فراهم میآورد (کافی/ج 2/448) قال الصادق (علیه السلام) { وَ الدُّنُوبُ الَّتِي تُنَزِّلُ النَّقْمَ الظُّلْمُ } {

2- کم فروشی (اعراف/85) { ... فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ ... } {

3- گوش نکردن به سخن حق عالم ناصح دلسوز و لجبازی و مخالفت کردن با او . 4- بر مردم گردن کشی کند و با توهین و تویخ و بداخلاقی با مردم

ص: 189

5- مردم را مسخره کند و نیشخند بزند و مورد استهزاء قرار دهد (معانی الأخبار/ص 270)

قال الصادق (عليه السلام) { وَالدُّنُوبُ الَّتِي تُنَزِّلُ النَّقَمَ :

1- عَصِيَانُ الْعَارِفِ بِالْبَغْيِ (گوش نکردن به سخن حق عالم)

2- وَ التَّطَاوُلُ عَلَى النَّاسِ (بر مردم گردن کشی کند)

3- وَ الإِسْتِهْزَاءُ بِهِمْ (مردم را مسخره کند)

4- وَ السُّخْرِيَّةُ مِنْهُمْ { (نیشخند بزند) پیامبر خدا فرمودند : گناهایی که نکبت آور و مقدمات انتقام را فراهم می‌آورد عبارتند از : 1- عهد شکنی 2- ترویج دروغ 3- نپرداختن زکات 4- اعمال زشت را علنی انجام دهد

(نساء/148) { لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَ كَانَ اللَّهُ سَمِيعاً عَلِيماً } خدا افشای بدی های دیگران را دوست ندارد، جز برای کسی که مورد ستم قرار گرفته است که بر ستمدیده برای دفع ستم، افشای بدی های ستمکار جایز است و خدا شنوا و داناست

پیامبر خدا فرمودند : گناهایی که نکبت می آورد عبارتند از :

1- نقض العهد : عهد شکنی در همه مصادیق و موارد آن بسیار نکوهیده و زشت شمرده شده است. اولین ضربه و خسارتی که عهد شکنی میزند به شخص ناقض عهد است . او را در چشم مردم و انزار و اجتماع بی آبرو و بی اعتبار

میکنند و در نتیجه بزرگ ترین سرمایه بشری که اعتماد و اعتبار انسان در جامعه هست را به نابودی میکشاند تا بجایی میرسد که حتی نزدیک ترین فرد به ناقض عهد و عهد شکن اعتمادی نخواهد داشت و همه از اطراف او پراکنده میشوند مگر کسانی که همانند او ابدتر از او عهد شکن میباشند.

متعصبین سرسخت قبیله بنی قینقاع

قبیله بنی قینقاع هفتصد مرد جنگی داشت و در سال دوم هجرت از مدینه تبعید و تار و مار شدند . نکته مهم این است که هیچ یک از آنان ایمان نیاوردند

بنی قریظه هم تا آخرین لحظات اعدام، حق داشتند که اظهار ایمان بکنند و از مرگ حتمی نجات یابند، ولی هر انسان از سرسختی یهود درباره دین آنان متعجب می ماند، که چگونه حتی یک نفر هم از قبیله ای که بنابر روایاتی هشتصد یا نهصد مرگ جنگی داشت، ایمان نیاورد و فقط دو نفر از آنان نجات یافتند .

مهربانی و سخاوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) آنان یهودیان را راضی نمی کرد. آنان از این که نمی توانستند از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آله برای تبدیل عربستان به یهودیت استفاده کنند، و این که اعتقادات او از افسانه های تلمودی و عهد عتیق آنان بسیار ساده تر بود، به خشم آمده بودند، لذا در صف مخالفان این دین تازه درآمدند

نکته جالب این که، هنگامی که از آنان سؤال می شد، بت پرستی را ترجیح می دهند یا اسلام را؟ مثل بسیاری از مغلظه گرای مسیحی اعلام می کردند، بت پرستی را با تمام بدی های ملازم با آن، بر احکام پیامبر (صلی الله علیه و آله) ترجیح می دهند به آن حضرت

به جای سلام (السلام علیک) (یعنی مرگ بر تو) می گفتند، زبان خود را می چرخاندند و کلمات قرآن و نمازهای یومیه و دستورات اسلام را ناجور تلفظ می کردند و آنان را تبدیل به کلمات بی معنی و پوچ و موهن می کردند

شاعران ذکور و اناث یهود، که در آن زمان، تعدادشان زیاد بود، با هجو زنان مسلمان در اشعار قبیح خود، همه نجابت معمول و شرافت و جوانمردی مورد قبول عرب را زیر پا می گذاشتند

اما این ها همه گناهان صغیره آنان بود، زیرا آنان فقط از اهانت به زنان مؤمنین و هتک حرمت پیامبر قانع نشده بودند، بلکه مأمورانی را مخفیانه نزد دشمنان مملکت که قبلاً حمایت از آن را پذیرفته بودند، اعزام می کردند، و با این اقدام خائنانه آنان، دیگر موضوع صلح و زندگی مسالمت آمیز باقی نمانده بود

نکته قابل توجه این که پیامبر (صلی الله علیه و آله) علاوه بر رسالت عظیم موعظه و اندرز، برای امت اش آزادی های مشروع در سایه قوانین الهی را خواستار بود علاوه بر آن که امنیت کشور ایجاب می کرد تا خائنینی را که یا تخم نفاق را در مدینه می کاشتند و یا اطلاعات به دشمن مشترک می رساندند، توقیف یا تبعید نماید به همین علت بود که پیامبر صلی الله علیه و آله می خواست که اولین گروه متخلف یعنی بنوقینقاع را به شدت مجازات کند، ولی منافقین مانع از آن شدند، لذا بنی نضیر یا بنی قریظه حوصله مخالفت پیدا کردند

سیاست پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبتنی بر اصل بسیار مهم سیاسی ای بود که هیچ وقت نقض عهد نمی نمود.

چنان چه ملتی نقض عهد می کرد، آن را با چشم پوشی جواب نمی داد، بلکه جواب قاطعی برای آن در نظر می گرفت تا دیگران جرأت نقض عهد نکنند

همان گونه که در کتب فقهی نیز مطرح شده است، و پیش تر آمد، اسلام دینی است که جنگ و جهاد را برای هر امری راه حل منصفانه قرار نمی دهد، بلکه صلح را تا آخرین حد ممکن بسیار ممدوح و مستحسن قرار می دهد. خداوند در قرآن می فرماید: {وَالصُّلْحُ خَيْرٌ} صلح بهتر است و این همان اصل مهم اسلامی است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در تمام دوره زندگانی پربرکت به شدت به آن معتقد و پای بند بودند

2- ترویج دروغ: امروزه فضای مجازی بدترین محلی است برای ترویج شبهات و شایعات و اخبار کذب و دروغ برای نابودی اتحاد و همبستگی و وحدت و از بین بردن اخلاق و انسانیت. و تحریک مردم بر علیه مردم و جامعه. بهوش باشیم تا تهدیدات دشمن را تبدیل به فرصت نمائیم. و آتشی که دشمنان دین و مملکت و ناموس و آینده و جوانان ما بپا کرده و میکنند را با درایت و بصیرت و رعایت اخلاق خاموش کنیم. تا مبادا ناخواسته آب به آسیاب دشمن بریزیم.

داستان زینب کذابه

در زمان متوکل عباسی زنی ادعا کرد که من زینب دختر فاطمه زهرا علیها السلام می باشم.

ص: 193

متوکل گفت: از زمان زینب تا به حال سالها گذشته و تو جوانی؟! گفت: پیامبر (صلی الله علیه و آله) دست بر سر من کشید و دعا کرد در هر چهل سال جوانی من عود کند!

متوکل بزرگان آل ابوطالب و اولاد عباس و قریش را جمع کرد و آنها همگی گفتند: او دروغ می گوید، زیرا زینب در سال 62 هجری وفات کرده است.

زینب کذابه گفت: ایشان دروغ می گویند، من از مردم پنهان بودم و کسی از حال من مطلع نبود تا الان که ظاهر شدم.

متوکل قسم خورد که باید شما با دلیل ادعای این زن را باطل کنید. آنان گفتند: دنبال امام هادی (علیه السلام) بفرست تا بیاید و ادعای او را باطل کند. متوکل امام را طلبید و حکایت این زن را عرض کرد.

امام فرمود: او دروغ می گوید و زینب در فلان سال وفات کرد.

متوکل گفت: دلیلی بر بطلان قول او بیان کن.

امام فرمود: گوشت فرزندان فاطمه علیها السلام بر درندگان حرام است، او را بفرست نزد شیران اگر راست می گوید!

متوکل به آن زن گفت: چه می گویی؟ گفت: می خواهد مرا به این سبب بکشد.

امام فرمود: اینجا جماعتی از اولاد فاطمه علیها السلام می باشند هر کدام را خواهی بفرست.

راوی گفت: صورتهای جمیع سادات تغییر یافت، بعضی گفتند: چرا حواله بر دیگری می کند و خودش نمی رود.

متوکل گفت: شما چرا خودتان نمی روی؟

فرمود: میل تو است می روم؛

متوکل قبول کرد و دستور داد نردبانی نهادند؛ حضرت هادی(علیه السلام) داخل در جایگاه شیران درنده شدند و آنها از روی خضوع سر خود را جلو امام به زمین می نهادند و امام(علیه السلام) دست بر سر ایشان می مالید، بعد امر کرد کنار روند و همه درندگان کنار رفتند!

وزیر متوکل گفت: زود امام هادی(علیه السلام) را بطلب که اگر مردم این کرامت را از او ببینند بر او می گروند.

پس نردبان نهادند و امام(علیه السلام) به بالا آمدند

حضرت فرمودند: هر کس اولاد فاطمه علیها السلام است بیاید میان درندگان بنشیند!!

آن زن گفت: اقا غلط کردم. ادعای باطلی کردم، من دختر فلان مرد فقیر هستم، بی چیزی و فقرم مسبب شد که این خدعه کنم.

متوکل گفت: او را نزد شیران بیفکنید؛ مادر متوکل شفاعت زینب کذابه را نمود و متوکل او را بخشید

3- نپرداختن زکات.

ولید بن عقبه

ولید بن عقبه ابی معیط از مسلمانانی بود که ابتداءً ظاهری خوب داشت، تا جائیکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) او را مأمور کرد به سوی قبیله بنی مصطلق برود و زکات و صدقات آنان را بگیرد.

افراد قبیله وقتی شنیدند مأمور پیامبر آمده، به استقبال برای خوش

ص: 195

آمد گوئی آمدند. چون در زمان جاهلیت میان ولید و این قبیله خصومت و عداوت بوده خیال کرد آنها به کشتن او مهیا شدند، پس مراجعه به مدینه کرد و نزد پیامبر آمد و گفت: اینان زکات مالشان را نمی دهند در حالیکه که قضیه به عکس بود.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) ناراحت شد و قصد کرد که سپاهی به طرف آن قبیله بفرستد که خداوند این آیه را نازل کرد:

(ای کسانی که ایمان آورده اید اگر شخص فاسقی برای شما خبر آورد تحقیق کنید (در این که حرف او صحیح است یا دروغ) بعد از نزول آیه ولید دروغگو بعنوان فاسد شناخته شد، و پیامبر فرمود او از اهل دوزخ است و بعد او با عمروعاص شراب خوردند و دشمنی با پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین (صلی الله علیه و آله) را شیوه خود کرد؛ و چون از طرف خلیفه سوم به امارت کوفه منصوب شد یک روز صبح به حالت مستی نماز صبح به جماعت را چهار رکعت خواند

4- فواحش و اعمال زشت را در جامعه علنی و جسورانه انجام دهد (نساء/148) {لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعاً عَلِيماً} خدا افشای بدی های دیگران را دوست ندارد، جز برای کسی که مورد ستم قرار گرفته است که بر ستمدیده برای دفع ستم، افشای بدی های ستمکار جایز است [و خدا شنوا و داناست.

1- ابو بصیر از امام باقر (علیه السلام) روایت میکند که فرمودند:

از گناهان کوچک دوری کنید که کسانی آنها را دنبال میکنند، یکی از شما میگوید: من گناه میکنم و بعد از آن استغفار مینمایم در حالی که خداوند میفرماید: (یس/12) { اَنَا نَحْنُ نَحْيِي الْمَوْتِي وَ نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ آثَرَهُمْ وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ }

و در جای دیگر فرمود: (لقمان/16) { إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ } ما هر چه آنها قبلاً انجام داده اند و همه آثار آنها را نوشته ایم، و در یک کتاب روشنی جمع کرده ایم، اگر آن اعمال مانند دانه ای در یک صخره باشند و یا در آسمان و زمین قرار گیرند خداوند همه آنها را میآورد و خداوند بر همه چیز دانا میباشد

2- فضیل از امام باقر (علیه السلام) روایت میکند که فرمودند:

مردی گناه میکند و روزی او گرفته می شود، و بعد این آیه را تلاوت کردند (قلم/17) { إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ وَ لَا يَسْتَنْوْنَ فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِنْ رَبِّكَ وَ هُمْ نَائِمُونَ } آن جماعت سوگند خوردند که در هنگام صبح میوه ها را به چینند، ولی آنها برای فقراء حقی در نظر نگرفتند، آنها هنگامی که به خواب رفتند شب هنگام آتش آمد و باغ آنها را سوزانید و آرزوی آنها بر آورده نشد

3- ابو بصیر گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

هر گاه مردی مرتکب گناهی بشود نقطه سیاهی در دل او پیدا میگردد،

هر گاه توبه کند آن گناه پاک می شود اما اگر بر گناه اصرار کرد زیاد می گردد و او را هلاک میکند

4- محمد بن مسلم گوید: امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

بنده ای از خداوند حاجت میخواهد، و آن حاجت هم قابل روا شدن میباشد ولی صاحب حاجت گناهی مرتکب میگردد و خداوند به فرشته امر میکند حاجت او را ندهد، زیرا او مرتکب گناه شده و از آن خواسته محروم شده است

5- ابو حمزه گوید: از امام باقر (علیه السلام) شنیدم فرمودند:

این طور نیست که سالی باران کمتر از سالی دیگر بیاید. خداوند خود بارانها را هر طور مصلحت بداند نازل می کند و به هر جا اراده کند میفرستد هر گاه قومی مرتکب گناه شوند خداوند باران را از آنها بر میگرداند اگر چه باران برای آنها مقدر شده باشد خدا آن باران را برای گروهی دیگر میفرستد، و در بیابانها و دریاها و کوه ها فرو میریزد خداوند خزندگان را هم در سوراخ ها معذب میکند، و باران را از سرزمین هائی که مردمان آنجا معصیت میکنند منع میگرداند و باران را در جاهای دیگر میریزد و بعد از آن امام علیه السلام فرمودند ای اهل بصیرت از اینها پند گیرید

4- هشام بن سالم گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

هر رگی در انسان حرکت طبیعی خود را از دست بدهد، و یا گرفتاری و پریشانی برای آدمی بیاید، و یا سردرد و بیماری نصیب انسان گردد همه به خاطر گناه میباشد خداوند متعال فرمود: {وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ

مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ { هر مصیبتی که به شما برسد برای آن است که خود مقدمات آن را فراهم کرده اید و خداوند از گناهان زیادی در میگذرد .

5- کم فروشی

{ (اعراف/85) ... فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ ... }

پس پیمانانه و ترازو را تمام و کامل بدهید، و از اجناس و اموال و حقوق مردم مکاهد

{ (شعراء/181) } { أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ } { پیمانانه را کامل بدهید و از کم فروشان نباشید

{ (اسراء/35) } { وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا } { و هنگامی که جنسی را پیمانانه می کنید، پیمانانه را کامل بدهید، و اجناس قابل وزن را با ترازوی درست و صحیح وزن کنید، این برای شما بهتر و فرجامش نیکوتر است.

{ (شعراء/182) } { وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ } { متاع و کالا را با ترازوی درست وزن کنید

بجهت اینکه بعضی از مردم خیال میکنند اگر کم فروشی یا گرانیفروشی یا اھتکار کنند صاحب اموال آنچنانی میشوند و میتوانند تا آخر عمرشان با آسودگی زندگی میکنند سخت در اشتباهند. لطفاً به این آیاتی که در مورد موضوع اقتصاد است توجه کنید.

آیات اقتصادی :

(منافقون/9) { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ } ای مؤمنان! مبادا اموال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل کنند، و آنان که به خاطر مال و فرزند از یاد خدا غافل می شوند، زیانکارند

سوال :

آیا غفلت از خداوند عامل کم فروشی و یا گرانفروشی و اھتکار و ظلم به مردم نیست؟

آیا والدینی که به خاطر فرزندان اموالشان را به حرام و نجس آلوده میکنند خسارت اخروی نمی بینند؟

آیا خانواده و فرزندان میتوانند عاملاً غفال والدین باشند؟

آیا توجه به خانواده و بی توجهی به اوامر الهی خسارت نیست؟

آیا برای رضایت خانواده خدای را از خود ناراضی کنیم عاقلانه است؟

آیا کسی که بخاطر رضایت خاواده اش دست به حرام میزند خدا پرست است یا زن و اولاد پرست؟

(بقره/254) { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةَ وَلَا شَفَاعَةَ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ } ای اهل ایمان! از آنچه به شما روزی کرده ایم انفاق کنید، پیش از آنکه روزی بیاید که در آن نه داد و ستدی است و نه دوستی و نه شفاعتی و کافراند که خود ستمکارند.

سوال : آیا کسی که فکر میکند اگر انفاق به فقرا کند ضرر کرده و از مالش

ص: 200

کم میشود به خودش ظلم نکرده و از ظالمین محسوب نمیشود؟

(بقره/172) { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ } ای مومنین از انواع میوه ها و خوردنی های پاکیزه ای که روزی شما کرده ایم بخورید، و خدا را سپاس گزارید اگر فقط او را می پرستید

(بقره/267) { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ } ای اهل ایمان! از پاکیزه های آنچه از راه داد و ستد به دست آورده اید، و آنچه از گیاهان و معادن برای شما از زمین بیرون آورده ایم، انفاق کنید و برای انفاق کردن دنبال مال ناپاک و بی ارزش و معیوب نروید، در حالی که اگر آن را به عنوان حقّ شما به خود شما می دادند، جز با چشم پوشی و دلسردی نمی گرفتید، و بدانید که خدا بی نیاز و ستوده است

سوال: آیا اینهمه نعمات و برکات رزق و روزی از طرف خدای بحان نیست؟

آیا طیبات را تبدیل به نجاسات کنیم کفران نعمت نکرده ایم؟

آیا بجای پاکیزگیها و طیبات محرّمات و نجاسات را مصرف کنیم ناشکری نکرده ایم؟

آیا شکر نعمت کردن با زبان کافیست؟

آیا برخلاف دستورالعمل مصرف نعمت ها کفران نعمت نمیشود؟

آیا پرستش خداوند جزء تحت فرمان خداوند بودن نیست؟

{نساء/29} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا {ای اهل ایمان! اموال یکدیگر را در میان خود به باطل [و از راه حرام و نامشروع] مخورید، مگر آنکه تجارتي از روی خشنودی و رضایت میان خودتان انجام گرفته باشد. و خودکشی نکنید زیرا خدا همواره به شما مهربان است

سوال : آیا مومنین نباید به اموال یکدیگر چشم ندوخته و از حریم خود تجاوز نکنند؟

آیا خداوند اجازه داده که از راه حرام کسب درآمد کنیم؟

آیا مخلوط کردن اموال با مال حرام و شبهه جائز است؟

آیا تجارت فقط باید ما را خوشحال کند یا رضایت خداوند هم در آن شرط است؟

آیا تجارت از روی نافرمانی خدا و نارضایتی خدا خود زنی یا خودکشی و نابد کردن سرمایه دینی و معاد نیست؟

آیا بعد از سفارش به تجارت مشروع اشاره به خودکشی شده است نمیتوان فهمید همانطوریکه اگر کسی خودکشی کند خلود در جهنم خواهد داشت . تاجری که تجارت غیر مشروع میباشد نیز همانند او خلود در نار خواهد داشت؟

آیا رحیمیت و مهربانی خداوند را فراموش کرده ایم یا منکر شده ایم؟

آیا کسانی که با اعمال نامشروع خود خودشان را جهنمی میکنند ربطی به

مهربانی خدا دارد؟

(بقره/275) { وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا } خدا خرید و فروش را حلال، و ربا را حرام کرده است.

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ } (آل عمران/130)

ای اهل ایمان! ربا را که سودهای چند برابر است نخورید، و از خدا پروا کنید تا رستگار شوید.

سوال : آیا خداوند با اصل تجارت مخالف است؟

آیا خداوند نمیخواهد ما ثروتمند شویم؟

آیا خداوند با سرمایه داری مخالف است؟

آیا خداوند با ربا خواری دشمنی دارد یا با تجارت صحیح و مشروع؟

آیا ربا خسارت به جامعه وارد نمیکند؟

آیا ربا خواری امنیت اقتصادی و فرهنگی و اخلاقی جامعه را تحدید نمیکند؟

آیا به مضرات ربا خواری هنوز پی نبرده ایم؟

آیا کسانی که بوسیله ربا نابود و بدبخت شده اند را در جامعه ندیده اید؟

آیا معامله کردن حرام است یا ربا خواری؟ چرا خودمان را گول میزنیم؟

(بقره/264) { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْإِذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ } ای اهل

ایمان! صدقه هایتان را با منت و آزار باطل نکنید، مانند کسی که مالش را به ربا به مردم انفاق می کند و به خدا و روز قیامت ایمان ندارد،

ص: 203

سوال: آیا صدقه دادن به معنای تلافی و مهربانی و توجه به فقراء نیست؟

آیا میتوان صدقه دادن را با منت نهادن کنار هم دانست؟

آیا منت گذاشتن آزار رسانی به مستمند و نیازمند نیست؟

آیا تا بحال کسی بر سر شما منت گذاشته است؟ چقدر ناراحت شدید؟

آیا کسی که محتاج است و در گرفتاریهای خودش سردرگم است تاب و تحمل شنیدن منت را دارد؟

آیا منت گذاشتن را مبطل صدقه و اعمال نیک نمیدانید؟

آیا کسی که بخاطر ریا کمک به فقیر میکند اعتقادی به معاد دارد؟

آیا کسی که بر کمکی که کرده است منت میگذارد در معاد چیزی دستگیر او میشود؟

آیا منت گذار معتقد به معاد و قیامت و حساب و کتاب و دادگاه الهی دارد؟

پس مواظب باشیم در کمک های به فقرا و انفاق هایمان از ریا و منت و آزار های زبانی بشدت دوری کنیم وال آب در هاونگ میکوییم!

(مانده/1) {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آؤْفُوا بِالْعُقُودِ} ای اهل ایمان! به همه قراردادهای خود وفا کنید. سوال: آیا وفای بعهد اعتبار آور نیست؟ آیا یکی از تعهداتی که خداوند از ما گرفته کمک به فقرا و بیچارگان نیست؟ آیا کسی که نذر کرده تا مشککش حل شود و بنتیجه هم رسیده است نباید به تعهد و نذرش عمل کند؟ آیا مسلمان نباید به تعهداتی که امضاء میکند و قول و قرارهایی که میگذارد پایبند باشد؟

(مائده/90) {يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْحَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ} ای اهل ایمان! جز این نیست که همه مایعات مست کننده و قمار و بت هایی که برای پرستش نصب شده و پاره چوب هایی که به آن تفأل زده می شود، پلید و نجس و از کارهای شیطان است پس از آنها دوری کنید تا رستگار شوید

سوال: آیا میتوان مومن بخدا بود و شراب هم خورد؟

آیا نجاسات جامعه را به فساد و تباهی نمیکشاند؟

آیا میتوان شراب را حرام بدانیم ولی قمار را حلال بدانیم؟

آیا در نابودی جامعه قمار و شراب فروشی و شرابخواری و تهیه شراب موثر نیست؟

آیا بت پرستی با شرابخواری و قمار در کنار هم نیامده است؟

آیا شراب و قمار و جادو و رمالی مضر امنیت جامعه نیست؟

آیا این اعمال زشت پلیدی و خبث روحی بوجود نمیآورد؟

آیا شیطان بوسیله این اعمال زشت جامعه را بفساد نکشاند و نمیکشاند؟

ایا دوری کردن از شیطان همان فاصله گرفتن از اعمالی همچون شراب و قمار و جادو ربا و نزول و گرانفروشی و کم فروشی و زنا و لواط و... گناهان نیست؟

(مائده/87) {يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ} ای اهل ایمان! چیزهای پاکیزه ای را که خدا برای شما حلال کرده بر خود حرام نکنید، و از حدود خدا تجاوز

نمایید یقیناً خدا متجاوزان را دوست ندارد

سوال:

آیا خداوند برای مصرف ما نعمت های حلال قرار نداده است؟

ایا خدای مهربان فقط حرامها را نهی فرموده و اشاره به خوردن حلال و طبابت نکرده است؟

آیا کسی که حرام خدا را میخورد مخالفت با خداوند نیست؟

آیا کسی که حلال خدا را بر خود حرام میکند مخالفت با خدای خویش نکرده است؟

آیا میتوان بدون اجازه شارع مقدس دست به حرام و حلال خدا زد و هرکس خودش برای خود حلال و حرام کند؟

آیا ما میتوانیم در احکام حلال حرام دست ببریم؟

آیا تجاوز از حدود خدا فقط با حرامخواری است؟ یا دوری کردن از حلال خدا نیز یک نوع تجاوز از حدود خداست؟

جلسه هجدهم (11/02/1400)

اشاره

ص: 206

بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم و لا حول و لا قوه الا بالله العلي العظيم حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير رب اشرح لي صدري و يسر لي أمري و احلل عقده من لساني يفقهوا قولي الحمد لله الذي علا في توحده و دنا في تفرده و جل في سلطانه و عظم في اركانه و احاط بكل شىء علماً و هو في مكانه و خير الصلاه و السلام على سيدنا سيد الانبياء و المرسلين حبيب إله العالمين أبى القاسم محمد صلى الله عليه و على أهل بيته المعصومين المكرمين و اللعن الدائم على أعدائهم اجمعين من الآن إلى يوم الدين.

بسم الله الرحمن الرحيم اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ و عَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ و فِي كُلِّ سَاعَةٍ و لِيّاً و حَافِظاً و قَائِداً و ناصراً و دليلاً و عينا حتى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً و تُمَتِّعَهُ فِيهَا طويلاً

بجهد سلامتی امام زمان ارواحناله الفداه صلوات

مقدمه :

امشب سومین شبی است که به سرفصل های گناه دردعای کمیل اشاره داریم در دو جلسه قبل سرنخ اول و دوم را بررسی کردیم

1- {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْتِكُ الْعِصَمَ}

2- اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ النَّقَمَ

ص: 207

امشب به یاری امام زمان ارواحناله الفداه به سرنخ سوم میپردازیم. { اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الدُّنُوْبَ الَّتِي تَغَيَّرُ النِّعَمَ } خدایا ببخش گناهی که نعمت‌هایمان را تغییر می دهد

تذکر : خداوند رحیم و بخشنده است . این گناهان ما ست که نعمتها را تغییر می دهد

{ یونس/44 } { اِنَّ اللّٰهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَّ لَكِنَّ النَّاسَ اَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُوْنَ }

{ روم/9 } { فَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَّ لَكِنْ كَانُوْا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ }

{ رعد/11 } { اِنَّ اللّٰهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتّٰى يُعَيِّرُوْا مَا بِاَنْفُسِهِمْ }

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند : گناهی که نعمتها را تغییر می دهد عبارتند از :

1- تَرَكَ شُكْرَ الْمُنْعِمِ .

{ سبأ/13 } { ... وَاَقْلِيلُ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُوْرُ }

شکر نعمت به چند قسم است

1- نعمت را در همان راهی که خداوند برای آن خلق فرموده استفاده کنی نه در راه شهوت و بیراهه!

2- شکر نعمت این است که نعمت را فزونی بخشی تا همه آن استفاده کنند نه اھتکار کن یا گرانروشی نمایی تا برای رسیدن به پول بسیاری را از آن نعمت محروم نمایی!

3- شکر نعمت این است که در آن نعمت تغییر بخلاف ایجاد نکنی مثل انگور پاکی که به شراب نجس و حرام مبدلش میکنند!

ص: 208

4- شکر نعمت این است که با آن نعمت تفاخر و تکبر نکنی و بدست آوردن آن نعمت را لطف خدای مهربان بدانی نه زرنگی خودت!

5- شکر نعمت آن است که در مصرف آن و داشتن آن نعمت دائما خدای را شکر کنی

6- شکر نعمت آن است که از آن نعمت بدیگران هم بیخشی و صدقه بدهی!

7- شکر نعمت آن است که در مصرف آن نعمت اسراف نکنی و حیف و میلش ننمایی!

مکارم اخلاق

خوی های ستوده و صفات ممدوح را می توان به دو گروه متمایز تقسیم نمود

مکارم اخلاق را معیار انسانیت، عامل کرامت و شرافت انسانی، و حاکی از بزرگواری و تعالی روحی دانسته، و محاسن اخلاقی را در زمره خُلقیاتی که موجب حسن روابط اجتماعی، جلب منافع و بهبود زندگی است برشمرده اند،

امام صادق(علیه السلام) فرموده اند (کافی/ج2/ص46/ح2)

خدای بزرگ پیامبرانش را به مکارم اخلاق اختصاص داده است، شما خود را بیازمایید؛ اگر این اوصاف در شما وجود دارد خدای را سپاس گفته و بدانید که به خیر بزرگی نایل شده اید، و چنانچه از آن ها بی بهره اید از

خداوند درخواست نموده و به آن‌ها ابراز علاقه نمایید و بکوشید تا به آن‌ها دست یابید!

سپس ده مورد از آن صفات را به شرح زیر یادآور گشته اند

سپاس‌گزاری - یقین - قناعت - صبر - حلم - خلق نیکو - سخاوت - غیرت - شجاعت - جوانمردی.

البته در بعضی از روایات موارد دیگری از صفات از جمله؛ راست‌گویی و امانت‌داری نیز در زمره مکارم اخلاق شمرده شده است

مفهوم شکر‌گزاری (مفردات راغب)

شکر به معنای تصور و ابراز نعمت است که در مقابل فراموش کردن، پوشاندن و کفران نعمت قرار می‌گیرد

شکر‌گزاری دارای سه مرحله عمده است

شکر قلبی: عبارت از تصور و تفکر درباره نیکی و نعمت و قدردانی قلبی از بخشنده و عطا کننده آن است شکر زبانی که ثناگویی بر منعم و سپاس‌گزاری به زبان است شکر عملی: که عملاً دو مرحله دیگر را نیز در بر می‌گیرد عبارت است از

1- بهره‌گیری صحیح از نعمت و قرار دادن آن در جای شایسته و مناسب خود از طریق شناخت

نعمت

2- و آگاهی از انگیزه و هدفی که سبب بهره‌مندی از آن نعمت شده است کسی که به زبان ثنا می‌گوید ولی در عمل به شایستگی از نعمت بهره‌برداری نمی‌کند، کفران نعمت کرده است

شکر در قرآن:

ص: 210

(ابراهیم/7) {وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَّرْتُمْ لَازِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ} و آنگاه که پروردگارتان اعلان کرد که اگر واقعاً سپاس گزاری کنید. ظرفیت شما را افزون خواهیم کرد و چنانچه ناسپاسی نمایید قطعاً عذاب من بسیار سخت و دردناک می باشد

در مقابل، با عنایت به وعده عذاب در ذیل آیه، کفران نعمت که به مثابه پشت کردن به این فراخوانی است، سبب طغیان و نافرمانی بیشتر خداوند و در نهایت منجر به کفر نسبت به منعم و عذاب اخروی می گردد

(نحل/78) {وَجَعَلْ لَكُمْ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ} برای شما گوش و چشم و عقل قرار داد، باشد که سپاس گزاری کنید

(سبأ/13) {إِعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِي الشَّاكِرُونَ} ای خاندان داود! شکر گزار باشید. و از بندگان من، اندکی سپاس گزارند و این ناسپاسی بدان جهت است که :

اولاً: شکر واقعی، آن گاه محقق می گردد که به شناگویی زبانی بسنده نشود، بلکه نعمت ها حقیقتاً در راستای هدفی مورد استفاده قرار گیرد که برای آن خلق و اعطا شده است.

ثانیاً: وفور نعمت و کثرت مواهب الهی آن چنان سر تا پای وجود آدمی را فرا گرفته و تا آن اندازه فراوان است که هیچ کس قادر بر شمارش آن ها نمی باشد. بقول شاعر: از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش بدر آید

و چه بسیار است نعمت هایی که از آن ها آگاه نیستیم و هیچ گاه به خاطر

آن‌ها در صدد شکرگزاری بر نیامده ایم ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تونانی به کف آری و به غفلت نخوری

و حقیقتاً چه اندک ند هشیاران و شکر گزاران! (ملک/23) { قَلِيلاً مَا تَشْكُرُونَ } کم سپاس‌گذاری می‌کنید و آنجا که بیشتر مردم را ناسپاس گزار معرفی کرده است (نمل/73) { وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ }

موارد شکر گذاری در قرآن کریم :

1- از فرصت‌های الهی برای جبران گناهان گذشته و دوری از معاصی سپاس‌گذاری از خداست (بقره/52) { ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ } سپس بعد از آن [کار زشت] از [گناه] شما درگذشتیم، تا سپاس‌گذاری کنید.

2- ایمان به رجعت و زنده شدن دوباره بعد از مرگ بهانه‌ای است برای شکرگذاری از خداست : (بقره/56) { ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ } سپس شما را پس از مرگتان برانگیختیم تا سپاس‌گذاری کنید

3- رام شدن دریاها برای صید ماهی و رزق‌های دریایی و مسافرت‌های دریایی بهانه‌ایست برای شکرگذاری خداوند (جاثیه/12) { اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِيَتَجْرَىَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ } خداست که دریا را برای شما مسخّر و رام کرد تا کشتی‌ها به فرمانش در آن روان شوند و تا شما [با سفرهای دریایی] از فضل و رزق و روزی‌اش بهره‌جویید و تا شما [بر نعمت‌هایش] سپاس‌گذاری کنید.

4- خلقت شب برای استراحت و آرامش و خلقت روز برای کار و تلاش و کسب روزی بهانه ای است برای شکرگذاری از خداست : (قصص/73) { وَ مِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ } و از رحمت خود شب و روز را برای شما قرار داد، تا در شب بیارامید و [در روز] رزق و روزی بجوید، باشد که سپاس گزاری کنید.

5- خلقت بادهای مژده آوردنده و نافع و نزول باران و حرکت کشتی ها در دریاها ببرکت باد ها که باعث کسب رزق و روزی شما میشود بهانه ای است برای شکرگذاری خداست : (روم/46) { وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَ لِيَذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ لِيَجْزِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَ لِيَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ } و از نشانه های [قدرت و ربوبیت] او این است که بادهای مژده دهنده می فرستد، و تا بخشی از [باران] رحمتش را به شما بچشاند، و تا کشتی ها [به وسیله بادهای] به فرمان او حرکت کنند، و نیز برای اینکه از رزق و روزی او بجوید، و باشد که شما سپاس گزاری کنید.

6- دو دریا کنار هم یکی آب شیرین و دیگری آب شور و باهم قاطی نمیشود و صید ماهی های خوشمزه و حلال و تازه و شکافتن آب توسط کشتی ها بهانه ای است برای شکرگذاری خداست : (فاطر/12) { وَ مَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَ هَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَ مِنْ كُلِّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَ تَسْتَخْرِجُونَ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَ تَرَى الْفُلُكَ فِيهِ مَوَاحِرَ

لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ } دو دریا مساوی نیستند، این یکی شیرین و از بین برنده تشنگی و نوشیدنش گوارا و آن یکی شور و تلخ است و از هر یک گوشتی تازه می خورید و زینتی که آن را می پوشید، استخراج می کنید. و کشتی ها را در آن می بینی که آب را می شکافند و می روند تا شما [با رسیدن به مقاصد و هدف هایتان] از فضل او بجوید و باشد که سپاس گزاری کنید

7- خلقت شتر نیرومند و رام شدن او در برابر شما و منافی که از شتران می برید . در حال قربانی کردن شتران نام خدا را ببرید و بعد از جان دادن شتران به فقیران و هیذستان کمک کنید . همه این ها بهانه ای است برای شکرگذاری از خداوند است : (حج/36) { وَ الْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ } شتران قربانی را برای شما از شعایر خدا قرار دادیم، برای شما در آنها سودی [مانند سواری گرفتن و تغذیه از شیر و گوشت آنها] است در حالی که به نظم در خط مستقیم ایستاده اند، نام خدا را [هنگام نحر کردنشان] بر آنها ذکر کنید، و زمانی که [بی جان] به پهلو در افتاده اند، از آنها بخورید و به تهیدستانی که اهل درخواست کردن نیستند و فقیرانی که اهل درخواست کردن هستند، بخورانید. این گونه آنها را برای شما رام و مستخر کردیم تا سپاس گزاری کنید.

8- خلقت گوش و چشم و قلب برای شکرگذاری از خداوند است : (نحل/78)

{ وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئاً وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ

الْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ} و خدا شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد در حالی که چیزی نمی دانستید، و برای شما گوش و چشم و قلب قرار داد تا سپاس گزاری کنید.

9- رام شدن دریاها و صید ماهی های تازه و لباس های زینتی که از منافع صید دریایی بدست می اورید و رام بودن کشتی ها در دریاها و کشتی های تجاری و حمل نقل و معاملات تجاری دریایی برای این است که از فضل خدا طلب کنید و شکرزار خدا باشید: (نحل/14) { وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِيَتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاجِرَ فِيهِ وَلِيَبْتَلُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ } و اوست که دریا را رام و مسخر کرد تا از آن گوشت تازه بخورید، و زینتی را که می پوشید از آن بیرون آورید و در آن کشتی ها را می بینی که آب را می شکافند [تا شما را برای حمل کالا، تجارت و داد و ستد جابجا کنند] و برای اینکه از فضل و احسان خدا طلب کنید و [در نهایت] به سپاس گزاری خدا برخیزید.

10- از زبونی و ضعف به قدرت و نیرو رسیدن . از کمی عده مسلمانان به کثرت عده و نیرو رسیدن . و مدینه پایگاه اسلام شدن و از شکنجه های مشرکین و کافرین نجات پیدا کردن و نعمات الهی بهره مند شدن بهانه هایی است که شکرگذار خدا باشید: (أنفال/26) { وَادْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ }

ص: 215

مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَفَتَكُمْ النَّاسُ فَأَوَاكُمُ وَآيِدُكُمْ بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ { و یاد کنید هنگامی را که شما در زمین گروهی اندک بودید، و ناتوان و زبون شمرده می شدید، و همواره می ترسیدید که مردم [مشرک و کافر] شما را بربایند [تا شکنجه و آزار دهند و نابود کنند] پس خدا شما را [در شهر مدینه] جای داد و با یاریش نیرومندان ساخت، و از [نعمت های] پاکیزه اش به شما روزی بخشید تا سپاس گزاری کنید.

11- تعلیم وضو و وجوب غسل بعد از جنابت و اگر بیمار و مریض هستید و یا با کمبود آب مواجه هستید بجای غسل تیمم با خاک پاک نمائید و اینکه خدا تخفیف داده و آسان گیری در احکام و اتمام نعمت به برکت ولایت اهل بیت ع بهانه هایی است تا شکر گذار خدا باشید : (مائده/6) { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَآيِدِيكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُنِزِلَ عَلَيْكُمْ تَشْكُرُونَ } ای اهل ایمان! هنگامی که به [قصد] نماز برخیزید، صورت و دست هایتان را تا آرنج بشوید و بخشی از سرتان و روی پاهایتان را تا برآمدگی پشت پا مسح کنید و اگر جُنب بودید، غسل کنید و اگر بیمار هستید یا در سفر می باشید یا یکی از شما از قضای حاجت [دستشویی] آمده، یا با زنان آمیزش کرده اید و آبی [برای

وضو یا غسل] نیافتید، به خاکی پاک، روی کنید و از آن بخشی از صورت و دست هایتان را مسح نمایید. خدا نمی خواهد [با احکامش] بر شما تنگی و مشقت قرار دهد، بلکه می خواهد شما را [از آلودگی ها] پاک کند و نعمتش را بر شما تمام نماید، تا سپاس گزارید.

12- مجازات کردن شما برای شکستن سوگندهای جدی و با قصد و اراده و کفاره آن اطعام 10 نفر فقیر و یا پوشاندن لباس 10 نفر برهنه و و یا آزاد کردن 10 نفر اسیر و برده و زندانی است و اگر نتوانستید کفارات 3 گانه را انجام دهید باید 3 روز روزه بگیرید. پس مواظب سوگندهای خود باشید. این حکم نیز بهانه ای است تا خدا را شکر کنید: (مانده/89) { لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ } خدا شما را به خاطر سوگندهای لغو و بی هدفتان مجازات نمی کند، ولی به سبب [شکستن] سوگندهایی که به طور جدی و با قصد و اراده خورده اید، مؤاخذه می کند پس کفاره [شکستن] این گونه سوگندها، طعام دادن به ده نفر مسکین از غذاهای متوسطی است که به خانواده خود می خورانید، یا لباس پوشاندن بر آن ده نفر، یا آزاد کردن یک برده. و کسی که هیچ یک

[از این کفارات سه گانه] را نباید کفاره اش سه روز روزه است. این است کفاره سوگندهایتان زمانی که سوگند خوردید [و آن را شکستید]. لازم است سوگندهای خود را حفظ کنید. این گونه خدا آیتش را برای شما بیان می کند تا سپاس گزارید.

13- بخاطر پیروزی تان در جنگ بدر با وجودی که عده وعده شما کم و محدود بود باید شکرگذار خدا باشید: (آل عمران/123) { وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ } و بی تردید خدا در [جنگ] بدر شما را یاری داد، در حالی که [از نظر ساز و برگ جنگی و شمار نفرات نسبت به دشمن] ناتوان بودید بنابراین از خدا پروا کنید، باشد که سپاس گزاری نمایید.

شکر در روایات

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند (کافی/ج2/ص80/ح27) خداوند بزرگ به حضرت موسی (علیه السلام) وحی فرستاد: ای موسی! حق شکر مرا به جای آور. پرسید: پروردگارا! چگونه حق شکر تو را به جای آورم در حالی که هر شکری به جای آورم، خود نعمتی است که تو آن را به من عطا کرده ای؟ فرمود: ای موسی! اکنون که دانستی توفیق شکرگزاری نیز از من است، شکر مرا به جای آوردی.

باز چنین فرمودند (ینابیع الحکمه/ج3/ص341/ح37) برای هر نفسی که می کشی یک شکر، بلکه هزاران شکر لازم است. کم ترین درجه

سپاس‌گزاری آن است که بدون آنکه قلبت مشغول نعمت گردد و خدا را فراموش کنی، آن را تنها از جانب خدا بدانی و به آنچه داده است راضی باشی و نعمتش را وسیله نافرمانی او قرار ندهی و اوامر و نواهی او را با استفاده نامطلوب از نعمت هایش زیر پا نگذاری. پس در هر حال بنده ای شاکر باش!

در پایان می‌فرمایند (ینابیع الحکمه/ج3/ص341/ح37) شکر کامل آن است که به دل و زبان، در نهان و آشکار صادقانه و خالصانه اعتراف کنی که بر کم‌ترین درجه شکرگزاری قادر نیستی. زیرا توفیق شکر، خود نعمت دیگری است که باید بر آن نیز سپاس گزار باشی. و این نعمت، بسی بزرگ‌تر و کمیاب‌تر از نعمتی است که برای آن توفیق شکر یافته‌ای... در حالی که در دریای نعمت‌های او غرق گشته‌ای و از درک شکر کامل او عاجز و قاصر هستی!

علی (علیه السلام) فرموده اند (نهج البلاغه/فیض/ص1194/ح236) {إِنَّ لِلَّهِ فِي كُلِّ نِعْمَةٍ حَقًّا فَمَنْ آذَاهُ زَادَهُ مِنْهَا وَمَنْ قَصَرَ فِيهِ خَاطَرَ بِزَوَالِ نِعْمَتٍ} به راستی که برای خداوند بزرگ در هر نعمتی حقِ سپاسی است، پس هر که آن را به جای آورد خدا از آن نعمت بیش از پیش به او عطا فرماید و کسی که در ادای این حق کوتاهی نماید آن را در معرض نابودی قرار خواهد داد

پس تا میتوانیم بگوئیم: الحمد لله رب العالمین

امیر مؤمنان (علیه السلام) می فرمایند (بحار/ج 71/ص 42)

{شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ الْوَرَعُ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ} شکر هر نعمتی پرهیز از محرمات الهی است

(ابراهیم/7) {لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ} اگر شکر کنید شما را (رشد داده و قابلیت شما را) افزون خواهم کرد

امیر مؤمنان (علیه السلام) (نهج البلاغه/فیض/ص 1289/ح 427)

{مَا كَانَ اللَّهُ لِيُفْتَحَ عَلَى عَبْدٍ بَابَ الشُّكْرِ وَيَغْلِقَ عَنْهُ بَابَ الزِّيَادَةِ} هرگز چنین نخواهد شد که خداوند بر بنده ای در سپاس گزاری را بگشاید و در رشد و فزونی را بر او مسدود سازد.

خداوند به حضرت داود (علیه السلام) وحی فرستاد (بحار/ج 77/ص 42)

{أَهْلُ طَاعَتِي فِي ضِيَاغَتِي وَأَهْلُ شُكْرِي فِي زِيَادَتِي وَأَهْلُ ذِكْرِي فِي نِعْمَتِي وَأَهْلُ مَعْصِيَتِي لَا أُؤَيِّسُهُمْ مِنْ رَحْمَتِي إِنْ تَابُوا فَإِنَّا حَبِيبُهُمْ وَإِنْ دَعَوْا فَإِنَّا مُجِيبُهُمْ وَإِنْ مَرَضُوا فَإِنَّا طَبِيبُهُمْ أَدَاوِيهِمْ بِالْمِحْنِ وَالْمَصَائِبِ، لِأَطْهَرَهُمْ مِنَ الذُّنُوبِ وَالْمَعَايِبِ} اطاعت کنندگان از من در بزم ضیافت من هستند، شکرکنندگان در فزونی و یاد کنندگانم (غرق) در نعمت هایم می باشند. آنان را که مرا معصیت می کنند (هرگز) از رحمت خویش مأیوس نگردانم، چنانچه توبه کنند خود حبيب آنانم و اگر مرا بخوانند آنان را خود پاسخگو باشم. اگر بیمار شوند من طیب آنانم؛ با سختی ها و مصیبت همدادای شان می کنم تا زگناهان و زشتی هاپاکشان سازم

ص: 220

امام رضا (علیه السلام) می فرمایند (عیون الاخبار/ج 2/ص 23/ح 2)

{ مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ } کسی که احسان و انعام بندگان را قدردانی ننماید، خدای بزرگ را سپاس گزاری نکرده است

امام سجاد (علیه السلام) فرموده اند (کافی/ج 2/ص 81/ح 30)

روز قیامت خدای متعال به یکی از بندگانش می فرماید: از فلانی سپاس گزاری کردی؟ عرض می کند: پروردگارا! من تو را سپاس گفتم. خدای متعال می فرماید: چون از او قدردانی نکردی، شکر مرا نیز به جای نیاوردی!

سپس فرموده اند (کافی/ج 2/ص 81/ح 30)

{ أَشْكُرْكُمْ لِلَّهِ أَشْكُرْكُمْ لِلنَّاسِ } سپاس گزارترین شما از خدا کسی است که بیش از همه سپاس مردمان را به جای آورد!

سهل انگاری در قدردانی از احسان دیگران و خودداری از سپاس گزاری که به مثابه نادیده گرفتن حق آنان است، مایه دل سردی و ناامیدی و عامل بی رغبت شدن خدمت گزاران به ادامه عمل نیک خود می باشد. اجتماع فاقد روحیه قدردانی و سپاس گزاری، از پشتوانه عظیم علاقمندی

به کار نیک و دلگرمی به خدمت‌گزاری محروم است در چنین جامعه‌ای جز افراد مخلص که قدرت و امکانات خود را تنها برای خدا در کف اخلاص نهاده، کمر به خدمت‌گزاری بسته‌اند، کمتر کسی به خیرخواهی و نیکوکاری ابراز علاقه خواهد کرد

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید (وسائل الشیعه/ج 16/ص 309/ح 1)

خدا لعنت کند کسی را که (مانع احسان نیکوکار گشته) راه معروف و کار نیک را قطع نماید. او فردی است (ناسپاس) که مورد احسان قرار می‌گیرد و نعمت احسان‌کننده را با ناسپاسی پاسخ داده، مانع آن می‌شود که نیکوکار نسبت به شخص دیگری آن را انجام دهد.

در میان افرادی که حقوق مادی و معنوی فراوانی بر ما دارند و سپاس‌گزاری از آن‌ها را به عنوان یک وظیفه دینی و انسانی متوجه ما می‌گرداند -

پس از حجج الهی که واسطه فیض پروردگارانند و وجودشان سبب بقای زمین و اهل آن است -

پدر و مادر و نیز کسانی هستند که در تعلیم و تربیت ما سهم به‌سزایی دارند

امام سجاد (علیه السلام) (بحار/ج 74/ص 21/ح 2)

پنجاه مورد از این حق‌داران را بیان فرموده‌اند که در میان آن‌ها حق پدر و مادر و خصوصاً حق مادر - به واسطه زحمات جان‌فروشی او از آغاز انعقاد نطفه در رحم او تا دوران شیرخوارگی و مراحل بعد از آن که از خواب و بیداری و راحتی خویش برای حفظ و حراست و رشد و تعالی آدمی مایه گذاشته است از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

خداوند به همه ما توفیق عنایت کند تا شکر گزار منعم خود و اطرافیان

ص: 222

خویش باشیم . بخصوص در مورد والدین و خانواده و دوستانمان احترام ویژه قائل شویم تا به برکت رعایت حقوق حق داران و ادب در برابر آنان رحمت خدای مهربان را به خود جذب و جلب کنیم و از رحمت و نعم خداوند بیشتر منتعم گردیم .

ادامه بحث انشاء الله بعد از مراسم شب احیاء 19 ماه مبارک رمضان .

جلسه نوزدهم (12/02/1400)

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير ربّ اشرح لي صدري و يسّر لي أمري و احلل عقده من لساني يفقهوا قولي الحمد لله الذي علا في توحده و دنا في تقرده و جلّ في سلطانه و عظم في اركانه و أحاط بكلّ شيء علماً و هو في مكانه و خير الصلاه و السلام على سيدنا سيد الانبياء و المرسلين حبيب إله العالمين أبي القاسم محمد صلى الله عليه و على أهل بيته المعصومين المكرّمين و اللعن الدائم على أعدائهم اجمعين من الآن إلى يوم الدين.

بسم الله الرحمن الرحيم اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ

ص: 223

عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلَيْتَا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

بجهد سلامتی امام زمان ارواحاله الفداه صلوات

مقدمه

امشب شب احیاء 19 ماه مبارک رمضان سال 1400 است. خیلی فکر کردم که چه تحفه ای را برایتان بیاورم تا کمکی کرده باشم به شب احیاء شما. بهترین تحفه را همین روایت دیدم که امیدوارم بتواند کمکی کند به همه ما تا امشب دست خالی برنگردیم.

(امالی اصدوق ص 93) قَالَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ: {إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص حَظَبْنَا ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ (صلى الله عليه وآله)

علی بن ابی طالب فرمود: رسول خدا (صلى الله عليه وآله) یک روز این خطبه را برای ما خواند:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ {

ایا مردم ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش بشما رو کرده است،

شَهْرٌ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ أَفْضَلُ الشُّهُورِ وَأَيَّامُهُ أَفْضَلُ الْأَيَّامِ وَلَيَالِيهِ أَفْضَلُ اللَّيَالِيِ وَسَاعَاتُهُ أَفْضَلُ السَّاعَاتِ { ماهی است که پیش خدا بهترین ماه و روزهایش بهترین روزها و شبهایش بهترین شبها و ساعاتش بهترین ساعات

هُوَ شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَاغِهِ اللَّهُ وَجُعِلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كَرَامَةِ اللَّهِ { آن ماهی است که در آن دعوت شدید بمهمانی خدا و اهل کرامت خدائید

أَنْفُسُكُمْ فِيهِ تَسْبِيحٌ { در آن نفسهای شما در آن تسبیح است

وَنَوْمُكُمْ فِيهِ عِبَادَةٌ { و خواب شما در آن عبادتست

وَعَمَلُكُمْ فِيهِ مَقْبُولٌ { کردارتان در آن پذیرفته

وَدُعَاؤُكُمْ فِيهِ مُسْتَجَابٌ { و دعایتان مستجاب

ص: 224

فَاسْأَلُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ بِنِّيَاتٍ صَادِقَةٍ وَقُلُوبٍ طَاهِرَةٍ أَنْ يُؤَفِّقَكُمْ لِحَيَاتِكُمْ وَتَلَاوَهُ كِتَابِهِ {

از خدا بخواهید با نیت درست و دلهای پاک که شما را برای روزه در آن و خواندن قرآن موفق دارد

فَإِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ حُرِمَ غُفْرَانَ اللَّهِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ { بدبخت آنکه از آمرزش خدا در این ماه محروم گردد

وَ اذْكُرُوا بِجُوعِكُمْ وَ عَطَشِكُمْ فِيهِ جُوعَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ عَطَشَهُ { بگرسنگی و تشنگی خود در آن گرسنگی و تشنگی روز قیامت را یاد کنید

وَ تَصَدَّقُوا عَلَى فُقَرَائِكُمْ وَ مَسَاكِينِكُمْ { و بر فقراء و مساکین خود صدقه دهید

وَ وَقِّرُوا كِبَارَكُمْ وَ اذْحَمُّوا صِغَارَكُمْ وَ صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ { و بزرگان خود را احترام کنید و خردان را ترحم و صله رحم کنید

وَ احْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ { و زبانهایتان را نگهدارید

وَ غَضُّوا عَمَّا لَا يَحِلُّ النَّظَرُ إِلَيْهِ أَبْصَارَكُمْ { و از آنچه خدا دیدنش را حلال نکرده چشم بپوشید

وَ عَمَّا لَا يَحِلُّ الْإِسْتِمَاعُ إِلَيْهِ أَسْمَاعَكُمْ { و آنچه را از شنیدنش حلال نکرده گوش ببندید

وَ تَحَنَّنُوا عَلَى أَيْتَامِ النَّاسِ يُتَحَنَّنْ عَلَى أَيْتَامِكُمْ { و بر یتیمان مردم مهر ورزید تا بر یتیمان شما مهر ورزند

وَ تُوبُوا إِلَى اللَّهِ مِنْ ذُنُوبِكُمْ { و بخدا از گناهان خود توبه کنید

وَ اذْفَعُوا إِلَيْهِ أُيْدِيَكُمْ بِالِدُّعَاءِ فِي أَوْقَاتِ صَلَاتِكُمْ فَإِنَّهَا أَفْضَلُ السَّاعَاتِ { و در وقت نماز دست بدعا بردارید که بهترین ساعتها است

يَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا بِالرَّحْمَةِ إِلَى عِبَادِهِ { خدا در آن نظر لطف به بندگان خود دارد

يُجِيبُهُمْ إِذَا نَاجَوْهُ وَيُلَبِّسُهُمْ إِذَا نَادَوْهُ { بمناجات آنها پاسخ دهد و فریاد آنها را لیبیک گوید

و يُعْطِيهِمْ إِذَا سَأَلُوهُ وَ يَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِذَا دَعَوْهُ { و درخواست آنها را بدهد و دعای آنها را مستجاب کند

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَنْفُسَكُمْ مَرْهُونَةٌ بِأَعْمَالِكُمْ فَكُفُّوا بِاسْتِغْفَارِكُمْ { ایا مردم نفس شما گرو کردار شما است آن را باستغفار رها کنید

وَ ظُهُورُكُمْ تَقِيلُهُ مِنْ أَوْزَارِكُمْ فَخَفِّفُوا عَنْهَا بِطُولِ سُجُودِكُمْ { دوش شما از گناهان شما بار سنگینی دارد بطول سجود آن را سبک کنید

وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ أَقْسَمَ بِعِزَّتِهِ أَنْ لَا يُعَذِّبَ الْمُصَلِّينَ وَ السَّاجِدِينَ { بدانید که خدا بعزت خود قسم خورده که نماز خوانان و ساجدان را عذاب نکند

وَ أَنْ لَا يُرَوِّعَهُمْ بِالنَّارِ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ { و آنها را روز قیامت بهراس دوزخ نیندازد،

أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ فَطَرَ مِنْكُمْ صَائِمًا مُؤْمِنًا فِي هَذَا الشَّهْرِ كَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عِتْقٌ نَسَمَهُ { ایا مردم هر کدام شما یک روزه دار را افطار دهد در این ماه نزد خدا ثواب آزاد کردن بنده ای دارد

وَ مَغْفِرَةٌ لِمَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِهِ { و گناهان گذشته اش آمرزیده گردد

فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ لَيْسَ كُلُّنَا يَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ { عرض شد یا رسول الله همه ماها بر آن توانائی نداریم،

فَقَالَ (صلى الله عليه وآله) اتَّقُوا النَّارَ وَ لَوْ بِشِقِّ تَمْرِهِ اتَّقُوا النَّارَ وَ لَوْ بِشَرْبِ رِيٍّ مِنْ مَاءٍ { فرمود از خدا بپرهیزید گرچه با نیمه خرمائی باشد و گرچه بشربتی آب باشد

أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ حَسَنَ مِنْكُمْ فِي هَذَا الشَّهْرِ خُلِقَ لَهُ جَوَازٌ عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزَلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ { ایا مردم هر که در این ماه خوش خلقی کند جواز صراط او باشد در روزی که همه قدمها بلغزد

وَمَنْ خَفَّفَ فِي هَذَا الشَّهْرِ عَمَّا مَلَكَتْ يَمِينُهُ خَفَّفَ اللَّهُ عَلَيْهِ حِسَابَهُ { هر که در آن تخفیف دهد بر مملوکان خود حسابش را تخفیف دهد

وَمَنْ كَفَّ فِيهِ شَرَّهُ كَفَّ اللَّهُ عَنْهُ غَضَبَهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ { و هر که شر خود را باز دارد خدا خشم خود را از او باز دارد روزی که ملاقاتش کند

وَمَنْ أَكْرَمَ فِيهِ يَتِيمًا أَكْرَمَهُ اللَّهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ { و هر که در آن یتیمی را گرامی دارد خدا روز ملاقاتش او را گرامی دارد

وَمَنْ وَصَلَ فِيهِ رَحْمَةً وَصَلَهُ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ يَوْمَ يَلْقَاهُ { و هر که در آن صله رحم کند روز ملاقات با او صله نماید برحمت خود

وَمَنْ قَطَعَ فِيهِ رَحْمَةً قَطَعَ اللَّهُ عَنْهُ رَحْمَتَهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ { و هر که قطع رحم کند خدا در روز ملاقاتش رحمت خود از او ببرد

وَمَنْ تَطَوَّعَ فِيهِ بِصَلَاةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ { هر که نماز مستحبی بخواند خدا برات آزادی از آتش برایش بنویسد

وَمَنْ أَدَّى فِيهِ فُرْصًا كَانَ لَهُ ثَوَابٌ مَنْ أَدَّى سَبْعِينَ فَرِيضَةً فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ { هر که در آن واجبی ادا کند ثواب کسی دارد که هفتاد واجب در ماههای دیگر ادا کند

وَمَنْ أَكْثَرَ فِيهِ مِنَ الصَّلَوَاتِ عَلَى تَقْلِ اللَّهِ مِيزَانَهُ يَوْمَ تَخِفُّ الْمَوَازِينُ { و هر که در آن بر من بسیار صلوات فرستد خدا روزی که میزانها سبک

است میزانش را سنگین کند

وَمَنْ تَلَا فِيهِ آيَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ فِي غَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ { هر که یک آیه قرآن در آن بخواند چون کسی باشد که در ماههای دیگر یکختم قرآن بخواند آیهها النَّاسُ إِنَّ أَبْوَابَ الْجَنَانِ فِي هَذَا الشَّهْرِ مُفْتَحَةٌ { ایا مردم درهای بهشت در این ماه گشوده

فَأَسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يُغَلِّقَهَا عَلَيْكُمْ { از خدا بخواهید که آنها را نبندد بروی شما،

وَأَبْوَابَ النَّيرانِ مُغْلَقَةً { درهای دوزخ در این ماه بسته است

فَأَسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يَفْتَحَهَا عَلَيْكُمْ { از خدا بخواهید که بروی شما آنها را نگشاید

وَالشَّيَاطِينَ مَغْلُوبَةً { در ماه مبارک رمضان شیاطین در آن بسته خواهند شد

فَأَسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يُسَلِّطَهَا عَلَيْكُمْ { از خدا بخواهید که شیاطین بر شما مسلط نشوند

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فُقُئْتُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ { امیر المؤمنین فرمود من برخاستم و عرض کردم یا رسول الله کدام عمل در این ماه بهتر است؟

فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فرمود ای ابو الحسن بهترین عمل در این ماه ورع از محارم خدای عز و جل است

ثُمَّ بَكَى فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا يُبْكِيكَ؟ سپس گریست عرض کردم یا

ص: 228

رسول الله چرا گریه کنی؟

فَقَالَ يَا عَلِيُّ! أَبِئْتِي لِمَا يُسْتَحَلُّ مِنْكَ فِي هَذَا الشَّهْرِ كَأَنِّي بِكَ وَأَنْتَ تُصَلِّي لِرَبِّكَ {

فرمود برای آنچه در این ماه از تو حلال شمارند گویا تو را مینگرم که نماز برای پروردگارت میخوانی

وَقَدْ انْبَعَثَ أَشْقَى الْأَوْلِينَ وَالْآخِرِينَ { و شقی تر اولین و آخرین که

شقیق عاقِرِ نَافَةِ ثَمُودَ { جفت پی کننده شتر ثمود است برانگیخته شود

فَضْرَبَكَ ضَرْبَهُ عَلَى قَرْنِكَ فَخَضَبَ مِنْهَا لِحْيَتَكَ { و ضربتی بر فرقت زند و ریشت را خضاب کند

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَ ذَلِكَ فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِي {

فَقَالَ (صلى الله عليه وآله) فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِكَ { امیر المؤمنین فرمود گفتم یا رسول الله این در صورتیست که دین من سالم است؟ فرمود

اری با سلامتی دین تو است

ثُمَّ قَالَ (صلى الله عليه وآله) يَا عَلِيُّ مَنْ قَتَلَكَ فَقَدْ قَتَلَنِي وَ مَنْ أَبْغَضَكَ فَقَدْ أَبْغَضَنِي { سپس فرمود ای علی هر که تو را بکشد مرا کشته و هر

که تو را بخشم آرد مرا بخشم آورده

وَ مَنْ سَبَّكَ فَقَدْ سَبَّنِي لِأَنَّكَ مِنْنِي كَنَفْسِي رُوحُكَ مِنْ رُوحِي { و هر که تو را دشنام دهد مرا دشنام داده زیرا تو جان منی روح از روح

مِنْ وَ طَيْبَتِكَ مِنْ طَيْبَتِي { و گلت از گل منست

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَنِي وَ إِيَّاكَ وَ اصْطَفَانِي { براستی خدای تبارک و تعالی آفریده مرا با تو برگزیده مرا با تو

وَ إِيَّاكَ وَ اخْتَارَنِي لِلنُّبُوَّةِ وَ اخْتَارَكَ لِلْإِمَامَةِ { و مرا برای نبوت اختیار کرده

فَمَنْ أَنْكَرَ إِمَامَتَكَ فَقَدْ أَنْكَرَ نُبُوتِي { هر که منکر امامت تو است منکر نبوت منست

يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَصِيِّي وَأَبُو وُلْدِي وَزَوْجُ ابْنَتِي { ای علی تو وصی من و پدر فرزندان من و شوهر دختر من

وَ خَلِيفَتِي عَلِيٌّ أُمَّتِي فِي حَيَاتِي وَ بَعْدَ مَوْتِي { و خلیفه من بر امت منی در زندگی من و پس از مردن من

أَمْرَكَ أَمْرِي وَ نَهْيِكَ نَهْيِي { فرمانت فرمان من و نهی تو نهی منست

أُقْسِمُ بِالَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ { سوگند بآن که مرا به نبوت گسیل کرده

وَ جَعَلَنِي خَيْرَ الْبَرِيَّةِ { و بهتر خلق ساخته

إِنَّكَ لَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ { که تو حجت خدائی بر خلقش

وَ أَمِينُهُ عَلَيَّ سِرِّهِ { و امین او هستی بر اسرارش

وَ خَلِيفَتُهُ عَلَيَّ عِبَادَتِهِ { و خلیفه او هستی بر بندگانش.

اینقدر پیامبر عظیم الشان اسلام در مورد مولا امیرالمومنین علی (علیه السلام) سفارش فرمود که عمر و ابوبکر گفتند محمد (صلی الله علیه و آله) قوم و خویش بازی میکنند و دائم پسر عمومیش را بر سرما میکوبد در حالیکه ادعا میکردند به پیامبری او ایمان دارند و هرچه میگویند وحی است. ولی بارها و بارها نشان دادند که هیچ ایمانی نه بخدا دارند و نه به پیامبر او آنقدر بنی امیه بر علیه پیامبر رو مولا توطئه کردند تا اینکه تاریک تین حوادث تاریخ را رقم بزنند.

هنوز کفن پیامبر نخشکیده بود که خانه مولا را تش زدند و فاطمه را بین درب و دیوار قرار داده و محسن بن علی (علیه السلام) را بشهادت رساندند با کت کزدن فاطمه و لگد بر درب سوخته و میخ و مسمار در پهلو و سینه زهرا را مجروح ساخته تا اینکه زهرا جوان 18 ساله را به شهادت رساندند. و اخرا لا مر با تیغ ابن ملجم مرادی فرق علی را دوتا کردند و او را

در محراب عبادتش به خاک و خون کشانند. امشب دست‌ها را بدعا بردارید و خدای مهربان را به مظلومیت ال‌الله قسم بدهید که از همه تقصیرات و گناهانمان درگذرد و امشب را شب تطهیر ما قرار دهد.

70 مرتبه همه باهم استغفار میکنیم . استغفرالله ربی واتوب الیه

قران‌ها را باز کرده روبه صورت خود قرار دهید

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمُنزَّلِ وَمَا فِيهِ وَفِيهِ اسْمُكَ الْأَعْظَمُ الْأَكْبَرُ وَاسْمُ مَاؤُكَ الْحُسْنَىٰ وَ مَا يُخَافُ وَيُرْجَىٰ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ عَتَقَائِكَ مِنَ النَّارِ .

قرانها را بر سر بگذارید

اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ وَبِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ بِهِ وَبِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَحْتَهُ فِيهِ وَبِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلَا أَحَدٌ أَعْرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ بِكَ يَا اللَّهُ - بِمُحَمَّدٍ -

بِعَلِيٍّ - بِفَاطِمَةَ - بِالْحَسَنِ - بِالْحُسَيْنِ - بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ - بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ - بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ - بِمُوسَىٰ بْنِ جَعْفَرٍ - بِعَلِيِّ بْنِ مُوسَىٰ -
بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ - بِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ - بِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ - بِالْحُجَّهِ

ص: 231

اشاره

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم و لا حول و لا قوه الا بالله العلیّ العظیم حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر ربّ اشرح لی صدری و یسر لی امری و احلل عقده من لسانی یفقهوا قولی الحمد لله الذی علا فی توحده و دنا فی تقدده و جلّ فی سلطانه و عظم فی ارکانه و أحاط بكلّ شیء علماً و هو فی مکانه و خیر الصلاه و السلام علی سیدنا سید الانبیاء و المرسلین حبیب إله العالمین أبی القاسم محمد صلی الله علیه و علی أهل بیته المعصومین المکرّمین و اللعن الدائم علی أعدائهم اجمعین من الآن إلی یوم الدین. بسم الله الرحمن الرحيم اللّهُمَّ کُنْ لِوَلِيِّکَ الْحُجَّهٖ بِنِ الْحَسَنِ صَلَواتِکَ عَلَیْهِ و عَلَی آبائِهِ فی هَذِهِ السَّاعَةِ و فی کُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا و حَافِظًا و قَائِدًا و ناصِرًا و دَلِيلاً و عَیْنًا حَتّٰی تُسکِنَهُ اَرْضَکَ طَوْعًا و تُمتِعَهُ فیها طَوِيلاً

بجهت سلامتی امام زمان ارواحناله الفداء صلوات

مقدمه

امشب شب احیاء 21 ماه مبارک رمضان سال 1400 است .

تحفه ای را که شب 19 برایتان اوردم . نیمه تمام ماند. امشب ادامه همان

ص: 232

روایت را تقدیمتان میکنم . امیدوارم این روایت کمکی کند تا در این شب بسیار مهم و حیاتی که مقدرات و حوائج بررسی میشود . تا انشاء الله در شب 23 ماه مبارک رمضان با مهر و امضای امام زمان ارواحنا له الفاه تایید و مقرر گردد.

انشاء لله بحق این شب عزیز خدای سبحان قلم غفور تمام جرائم ما بکشد . و روح آلوده ما به معصیت را شستشو دهد و اندیشه بیمار ما را به شهوات درمان کند. امیدوارم بتواند این روایت و این احیاء امشب کمکی کند به همه ما تا دست خالی برنگردیم .

(امالی/صدوق/ص 93) قَالَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ: {إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَ حَظَبْنَا ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ (صلى الله عليه وآله) على بن ابى طالب فرمود: رسول خدا (صلى الله عليه وآله) یک روز این خطبه را برای ما خواند:

أَيُّهَا النَّاسُ

فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ لَيْسَ كُلُّنَا يَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ {عرض شد یا رسول الله همه ماها بر آن توانائی نداریم،

فَقَالَ (صلى الله عليه وآله) اتَّقُوا النَّارَ وَ لَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ اتَّقُوا النَّارَ وَ لَوْ بِشِرْبِ مَاءٍ { فرمود از خدا بپرهیزید گرچه با نیمه خرمائی باشد و گرچه بشربتی آب باشد

أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ حَسَنَ مِنْكُمْ فِي هَذَا الشَّهْرِ خُلِقَهُ كَانَ لَهُ جَوَازٌ عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَرْتُلُ فِيهِ الْأَقْدَامُ { ایا مردم هر که در این ماه خوش خلقی کند جواز صراط او باشد در روزی که همه قدمها بلغزد

ص: 233

وَمَنْ خَفَّفَ فِي هَذَا الشَّهْرِ عَمَّا مَلَكَتْ يَمِينُهُ خَفَّفَ اللَّهُ عَلَيْهِ حِسَابَهُ { هر که در آن تخفیف دهد بر مملوکان خود خدا حسابش را تخفیف دهد

وَمَنْ كَفَّ فِيهِ شَرَّهُ كَفَّ اللَّهُ عَنْهُ غَضَبَهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ { و هر که شر خود را باز دارد خدا خشم خود را از او باز دارد روزی که ملاقاتش کند

وَمَنْ أَكْرَمَ فِيهِ يَتِيمًا أَكْرَمَهُ اللَّهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ { و هر که در آن یتیمی را گرامی دارد خدا روز ملاقاتش او را گرامی دارد

وَمَنْ وَصَلَ فِيهِ رَحْمَةً وَصَلَهُ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ يَوْمَ يَلْقَاهُ { هر که در آن صله رحم کند روز ملاقات با او صله نماید برحمت خود

وَمَنْ قَطَعَ فِيهِ رَحِمَهُ قَطَعَ اللَّهُ عَنْهُ رَحْمَتَهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ { هر که قطع رحم کند خدا در روز ملاقاتش رحمت خود از او ببرد

وَمَنْ تَطَوَّعَ فِيهِ بِصَلَاةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ { هر که نماز مستحبی بخواند خدا برات آزادی از آتش برایش بنویسد

وَمَنْ أَدَّى فِيهِ فُرْصًا كَانَ لَهُ ثَوَابٌ مَن أَدَّى سَبْعِينَ فَرِيضَةً فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ { هر که در آن واجبی ادا کند ثواب کسی دارد که هفتاد واجب در ماههای دیگر ادا کند

وَمَنْ أَكْثَرَ فِيهِ مِنَ الصَّلَوَاتِ عَلَى تَقَلُّ اللَّهِ مِيزَانَهُ يَوْمَ تَحِفُّ الْمَوَازِينُ { و هر که در آن بر من بسیار صلوات فرستد خدا روزی که میزانها سبک است میزانش را سنگین کند

وَمَنْ تَلَا فِيهِ آيَةً مِنَ الْقُرْآنِ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ فِي غَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ { هر که یک آیه قرآن در آن بخواند چون کسی باشد که در ماههای دیگر یکختم قرآن بخواند

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ فِي هَذَا الشَّهْرِ مُفْتَحَةٌ { ایا مردم درهای بهشت

فَأَسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يُغَلِّقَهَا عَلَيْكُمْ { از خدا بخواهید که آنها را نبندد بروی شما،

وَأَبْوَابِ النَّارِ مَغْلُوقَةً { درهای دوزخ در این ماه بسته است

فَأَسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يَفْتَحَهَا عَلَيْكُمْ { از خدا بخواهید که بروی شما آنها را نگشاید

وَالشَّيَاطِينَ مَغْلُوبَةً { در ماه مبارک رمضان شیاطین در آن بسته خواهند شد

فَأَسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يُسَلِّطَهَا عَلَيْكُمْ { از خدا بخواهید که شیاطین بر شما مسلط نشوند

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فُقُوتُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ { امیر المؤمنین فرمود من برخاستم و عرض کردم
یا رسول الله کدام عمل در این ماه بهتر است؟ فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فرمود ای ابو
الحسن بهترین عمل در این ماه ورع از محارم خدای عز و جل است

ثُمَّ بَكَى فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا يُبْكِيكَ؟ سپس گریست عرض کردم یا رسول الله چرا گریه کنی؟

فَقَالَ يَا عَلِيُّ! لِمَا يُسَدُّ تَحُلُّ مِنْكَ فِي هَذَا الشَّهْرِ كَأَنِّي بِكَ وَأَنْتَ تُصَلِّي لِرَبِّكَ { فرمود برای آنچه در این ماه از تو حلال شمارند گویا تو
را مینگرم که نماز

وَقَدْ انْبَعَثَ أَشْقَى الْأَوْلَيْنِ وَالْآخِرِينَ { و شقی تر اولین و آخرین که

شقیق عاقِرِ نَافَهُ ثَمُودَ { جفت پی کننده شتر ثمود است برانگیخته شود

فَضْرَبَكَ ضَرْبَهُ عَلَى قَرْنِكَ فَخَضَبَ مِنْهَا لِحْيَتِكَ { و ضربتی بر فرقت زند و ریشت را خضاب کند

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَ ذَلِكَ فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِي { فَقَالَ (صلى الله عليه وآله) فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِكَ { امیر المؤمنین فرمود گفتم یا رسول الله این در صورتیست که دین من سالم است؟ فرمود اری با سلامتی دین تو است

ثُمَّ قَالَ (صلى الله عليه وآله) يَا عَلِيُّ مَنْ قَتَلَكَ فَقَدْ قَتَلَنِي وَ مَنْ أَبْغَضَكَ فَقَدْ أَبْغَضَنِي { سپس فرمود ای علی هر که تو را بکشد مرا کشته و هر که تو را بخشم آرد مرا بخشم آورده

وَ مَنْ سَبَّكَ فَقَدْ سَبَّ بَنِي لِأَنَّكَ مَنِّي كُنْفَسِي رُوحَكَ مِنْ رُوحِي { و هر که تو را دشنام دهد مرا دشنام داده زیرا تو جان منی روح از روح من وَ طِينَتِكَ مِنْ طِينَتِي { و گِلت از گِل منست

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَنِي وَ إِيَّاكَ وَ اصْطَفَانِي { براستی خدای تبارک و تعالی آفریده مرا با تو برگزیده مرا با تو

وَ إِيَّاكَ وَ اخْتَارَنِي لِلنُّبُوَّةِ وَ اخْتَارَكَ لِلْإِمَامَةِ { و مرا برای نبوت اختیار کرده و تو را برای امامت

فَمَنْ أَنْكَرَ إِمَامَتَكَ فَقَدْ أَنْكَرَ نُبُوتِي { هر که منکر امامت تو است منکر نبوت منست

يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَ صَبِيٌّ وَ أَبُو وَ لَدِي وَ زَوْجُ ابْنَتِي { ای علی تو وصی من و پدر فرزندان من و شوهر دختر من

وَ خَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي فِي حَيَاتِي وَ بَعْدَ مَوْتِي { و خلیفه من بر امت منی در

زندگی من و پس از مردن من

أَمْرِكَ أَمْرِي وَ نَهْيِكَ نَهْيِي {فرمانت فرمان من و نهی تو نهی منست

أُقْسِمُ بِالَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ {سوگند بآن که مرا به نبوت گسیل کرده

وَ جَعَلَنِي خَيْرَ الْبَرِيَّةِ {و بهتر خلق ساخته إِنَّكَ لِحُجَّةُ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ {که تو حجت خدائی بر خلقش وَ أَمِينُهُ عَلَيَّ سِرِّهِ {و امین او هستی بر
اسراش

وَ خَلِيفَتُهُ عَلَيَّ عِبَادِهِ {و خلیفه او هستی بر بندگانش.

السلام علیک یا امیرالمومنین . یا حجه الله علی خلقه یا سیدنا و مولینا انا توجهنا و استشفعنا و توسلنا بک الی الله و قدمناک بین یدیہ
حاجتنا . یا و حجیها عندالله اشفع لنا عندالله .

طیب مسیحی آوردند . آزمایشاتی بر فرق شکافته مولا کرد . با تاسف و تأثر رو به امام مجتبی (علیه السلام) نمود . عرض کرد آقا جان .
پدرتان نان خواست . شیرش دهید . آب خواست شیرش دهید . بجز شیر چیز دیگری نباید بخورد . تمام بدن مبارکشان مسموم شده چون
تیغ ابن ملجم مرادی حرامی اغشته به سم خطرناکی بوده است .

وقتی خبر درمان با شیر به مردم کوفه رسید . بخصوص یتیمان کوفه کاسه های شیرشان را برداشتند . بدرج خانه اقا جمع شدند . هرکس
التماس میکرد . شمارا بخدا از کاسه شیر من به مولا دهید .

حضرت به امام مجتبی فرمود: برای اینکه همه یتیمان راضی باشند . شیرها را در یک ظرف بزرگ جمع کنید تا همه در شیر دادن به مولا
سهیم باشند .

ان روز یک روز بود . کوفیا هجوم آوردند کاسه شیر بهمراه داشتند تا به مولا بدهند

ص: 237

اما یک روزی هم کوفیا جمع شدند نیزها و شمشیرها را جمع کردند و یکجا بر گودی قتلگاه هجوم آوردند. چنان ناله اهل خیام حرم بلند شد. آن کسی که از همه بیشتر و بلند تر ناله سرداد . سه ساله اباعبدالله الحسین. حضرت رقیه خاتون بود.

ناله ای بخاطر سیلی . ناله ای بخاطر تازیانه. ناله ای به خاطر خار مغیلان. ناله ای به خاطر گوشواره و گوش پاره. ناله ای به خاطر سوختن لباس و دامن. ناله ای به خاطر کشیدن گیسوانش . اما آن ناله ای که از همه ناله ها بلندتر بود

وقتی دید سر بریده بابا بالای نیزه غریبی .

صدای زد یا ایتا یا اباعبدالله . من الذی ایتمنی علی صغر سنی . من الذی قطع وریدک . یا حسین . یا حسین .

به نیت پاک شدن دلها . آرمزش گناهانمان . استجابت دعا ها . بویژه فرج امام زمان ارواحناله الفداه . همه باهم

70 مرتبه یک صدا و با نالهع و شیون و التجاء به رحمت الهی استغفار میکنیم و میگوئیم . استغفرالله ربی واتوب الیه قران ها را باز کرده روبه صورت خود قرار دهید

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ وَمَا فِيهِ وَفِيهِ اسْمُكَ الْأَعْظَمُ الْأَكْبَرُ وَاسْمُ مَاؤُكَ الْحُسْنَى وَ مَا يُخَافُ وَيُزَجَى أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ عَتَائِكَ مِنَ النَّارِ . قرانها را بر سر بگذارید اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ وَ بِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ بِهِ وَ بِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَحْتَهُ فِيهِ وَ بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلَا أَحَدَ أَعْرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ بِكَ يَا اللَّهُ - بِمُحَمَّدٍ - بِعَلِيٍّ - بِفَاطِمَةَ - بِالْحَسَنِ - بِالْحُسَيْنِ - بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ - بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ - بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ - بِمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ - بِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى - بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ - بِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ - بِالْحُجَّهِ

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم و لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير رب اشرح لى صدرى و يسر لى امرى و احلل عقده من لسانى يفقهوا قولى الحمد لله الذى علا فى توحده و دنا فى تقرده و جل فى سلطانه و عظم فى اركانه و احاط بكل شىء علماً و هو فى مكانه و خير الصلاه و السلام على سيدنا سيد الانبياء و المرسلين حبيب إله العالمين أبى القاسم محمد صلى الله عليه و على أهل بيته المعصومين المكرمين و اللعن الدائم على أعدائهم اجمعين من الآن إلى يوم الدين. بسم الله الرحمن الرحيم اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّهَ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ و على آبائِهِ فى هَذِهِ السَّاعَةِ و فى كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ ناصِراً وَ دَلِيلاً وَ عِيْناً حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً

بجهت سلامتی امام زمان ارواحناله الفداء صلوات

انشاء الله تحت توجهات و عنایات حضرت بقیه الله الاعظم بهر مند باشیم بلند صلوات

درجلسات شبهای قبل از احیاء سرى زديم به دعای شريف كمیل تا سر

فصل های آثار نکبت بار گناه را که مولا امیرالمومنین علی (علیه السلام) در دعا مطرح فرمودند را با دقت بررسی کرده و با روایات و آیات قرآن کریم تطبیق دهیم. در جلسات

قبل به سرنخ اول و دوم را اشاره کردیم .

1- {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْتِكُ الْعِصَمَ}

2- {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ النَّقْمَ}

منتهی در شرح سرفصل سوم در بحث گناهایی که نعمت ها را از بین میبرد بطور کامل شرح ندادیم .

امشب به یاری امام زمان ارواحنا له الفداه به ادامه بحث میپردازیم {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّقْمَ}

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند : گناهایی که نعمتها را تغییر می دهد عبارتند از :

1- تَرَكَ شُكْرَ الْمُنْعِمِ . (سبأ/13) { ... وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ } که مفصل توضیح دادیم

2- افتراء علی الله ورسوله : (أنعام/140) {قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ} قطعاً کسانی که فرزندان خود را از روی سبک مغزی و جهالت کشته اند، و آنچه را خدا روزی آنان کرده بود بر پایه دروغ بستن به خدا حرام شمرده اند، زیان کردند؛ به راستی که گمراه شدند و هدایت یافته نبودند

در توضیح عامل دوم برای تغییر نعمتها باید کمی در مورد دروغ و مضرات

مضرات و نکبات دروغ

(مائده /42) { سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ } (جاسوسان) دروغ پرداز و خورندگان مال حرامند.

(نزهه الناظر وتنبیه الخاطر/145) قَالَ امام العسگری (علیه السلام)

{ جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الْكَذِبُ } اگر همه خبائث در خانه ای جمع شود کلید آن خانه دروغ می باشد.

(فقه الرضا (علیه السلام)/408) قَالَ الرضا (ع) { كَتَبَ الْحَسَنُ بْنُ أَبِي الْحَسَنِ الْبَصْرِيُّ إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع يسأله عن القدر فكتب إليه أتبع ما شئت لك في القدر مما أفضى إلينا أهل البيت فإنه من لم يؤمن بالقدر خيره وشره فقد كفر و من حمل المعاصي على الله عز وجل فقد فجر و افتري على الله افتراء عظيمًا إن الله تبارك و تعالی لا يطاع بإكراه و لا يعصى بغلبة و لا يهمل العباد في الهلكة }

(بصائر الدرجات/ح 1/123)

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) { مَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ يَحْتَجُّ بِعَبْدِهِ فِي بِلَادِهِ ثُمَّ يَسْتُرُ عَنْهُ جَمِيعَ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ فَقَدْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ. }

(الإمامه و التبصره من الحيره/136)

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: { مَنْ ادَّعَى الْإِمَامَةَ وَ لَيْسَ بِإِمَامٍ فَقَدْ افْتَرَى عَلَى

(کمال الدین وتمام النعمه/ج 1/ص 256)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) { لُعِنَ الْمُجَادِلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ عَلَى لِسَانِ سَبْعِينَ نَبِيًّا وَمَنْ جَادَلَ فِي آيَاتِ اللَّهِ فَقَدْ كَفَرَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا (غافر/4) { فَلَا يَغْرُزُكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ } وَمَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَقَدْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ وَمَنْ أَفْتَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَلَعْنَتُهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكُلُّ بَدْعِهِ ضَلَالَةٌ وَكُلُّ ضَلَالَةٍ سَبِيلُهَا إِلَى النَّارِ {

(کتاب سیمای امام علی (علیه السلام)/ص 290)

ابن عباس گفت: پیامبر به مدینه آمد در حالی که چیزی در دست نداشت و حوادثی برای او پیش می آمد و او را به زحمت می انداخت چون وسعت مالی نداشت، انصار میان خود گفتند: این مردی است که خداوند به وسیله او شما را هدایت کرده و او پسر خواهر شماست حوادثی برای او پیش می آید و وسعت مالی ندارد، از اموال خودتان مقداری جمع آوری کنید و به او بدهید تا در اینگونه موارد از آن کمک بگیرد، آنها این کار را کردند و آن مال را نزد پیامبر آوردند، پس این آیه نازل شد: { قُلْ لَا اسْتَلْكُمْ عَلَيْهِ اجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى } یعنی برای ایمان و قرآن قیمتی نمی خواهیم، یعنی روزی و مالی نمی خواهیم مگر اینکه پس از حق خویشان مرا ادا کنید.

از این سخن، چیزی در دل‌های آن قوم واقع شد و گفتند: از آنچه در دست ما بود اظهار بی نیازی کرد، می خواهد ما را به دوستی خویشان خود پس از خود وادار کند، سپس بیرون رفتند، جبرئیل نازل شد و به پیامبر خبر

داد که این قوم تو را در آنچه به آنان گفتمی متهم کردند، پیامبر نزد آنان کس فرستاد و آنان آمدند و به آنان گفت: شما را به خدا و آنچه شما را به دین خود هدایت کرد، سوگند می‌دهم آیا شما مرا در آنچه راجع به خویشانم گفتم، متهم می‌کنید؟ گفتند: نه یا رسول الله، تو نزد ما راستگو و نیک هستی، و این آیه نازل شد: {ام یقولون افتری علی الله کذبا} یا می‌گویند بر خدا دروغ بسته است آن قوم همگی برخاستند و گفتند: یا رسول الله ما تصدیق می‌کنیم که تو راستگویی ولی در دل ما چیزی وارد شد و آن را به زبان آوردیم و اینک از خدا طلب آمرزش می‌کنیم و به او توبه می‌کنیم، در این حال این آیه نازل شد: «و هو الذی یقبل التوبه عن عباده و او کسی است که از بندگان توبه را می‌پذیرد»

شرح کوتاه :

دروغ چه کوچک باشد یا بزرگ، جدی باشد یا شوخی گفتنش اشکال دارد.

حضرت فرمودند: (اگر همه پلیدی‌ها در خانه‌ای باشد کلید آن خانه دروغ است پرهیز از آن لازم است).

دروغ چون خلاف ظاهر کلام است، و گوینده‌اش نه در مقام مبالغه در گفتن است و نه بخاطر مصلحت بین دو نفر و یا قبیله که نزاع دارند، دروغ موجب خراب شدن ایمان و دور شدن ملائکه از نزد کاذب و کم شدن روزی و رسوا شدن میان مردم می‌شود تا جائی که اگر کذب بخدا و رسول در ماه مبارک رمضان باشد موجب بطلان روزه هم می‌شود

بهترین روش برای بیان مضرات دروغ استفاده از تاریخ است .

ولید بن عقبه ملعون

ولید بن عقبه ابی معیط از مسلمانانی بود که ابتداءً ظاهری خوب داشت ، تا جائیکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) او را مأمور کرد به سوی قبیله بنی مصطلق برود و زکات و صدقات آنان را بگیرد.

افراد قبیله وقتی شنیدند مأمور پیامبر آمده ، به استقبال برای خوش آمد گوئی آمدند.

چون در زمان جاهلیت میان ولید و این قبیله خصومت و عداوت بوده خیال کرد آنها به کشتن او مهیا شدند، پس مراجعه به مدینه کرد و نزد پیامبر آمد و گفت : اینان زکات مالشان را نمی دهند در حالیکه که قضیه به عکس بود.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) ناراحت شد و قصد کرد که سپاهی به طرف آن قبیله بفرستد که خداوند این آیه را نازل کرد: (ای کسانی که ایمان آورده اید اگر شخص فاسقی برای شما خبر آورد تحقیق کنید (در این که حرف او صحیح است یا دروغ) بعد از نزول آیه ولید دروغگو بعنوان فاسد شناخته شد، و پیامبر فرمود او از اهل دوزخ است و بعد او با عمروعاص شراب خوردند و دشمنی با پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین (صلی الله علیه و آله) را شیوه خود کرد؛ و چون از طرف خلیفه سوم به امارت کوفه منصوب شد یک روز صبح به حالت مستی نماز صبح به جماعت را چهار رکعت خواند

3- قطع صلّه الرحم .

(بقره/83) { وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهََ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ مُّعْرِضُونَ } و [یاد

کنید زمانی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید، و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان نیکی کنید، و با مردم با خوش زبانی سخن گوید، و نماز را بر پا دارید، و زکات بپردازید، سپس همه شما جز اندکی از پیمان خدا] روی گردانیدید و شما [به طور عادت روی گردان هستید

(فقه الرضا(علیه السلام) / 376/104) وَ تَزَوَى أَنْ رَجُلًا جَاءَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فَقَالَ أَخْبِرْنِي مَا أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فَقَالَ الْإِيمَانُ بِاللَّهِ قَالَ ثُمَّ مَاذَا قَالَ صَلَّى الرَّحِمِ قَالَ ثُمَّ مَاذَا قَالَ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ قَالَ الرَّجُلُ وَ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَبْغَضُ مِنْهَا قَالَ الشُّرْكَ بِاللَّهِ ثُمَّ مَاذَا قَالَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ قَالَ ثُمَّ مَاذَا قَالَ الْأَمْرُ بِالْمُنْكَرِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمَعْرُوفِ. { مردی خدمت رسول خدا رسید و عرض کرد که به من خبر بدهید افضل اعمال چیست؟ فرمود: ایمان به خدا. گفت بعد از آن چه؟ فرمود: صله رحم. گفت بعد از آن؟ فرمود: امر بمعروف و نهی از منکر. آن مرد پرسید یا رسول الله کدام اعمال مبعوض ترین عمل کدام است؟ فرمود: شرک بخدا. پرسید بعد از آن چه؟ فرمود: قطع صله رحم. گفت بعد از آن؟ فرمود امر به منکر و نهی از معروف خدا

(أصول سته عشر / 297/ص 281) وَ عَنْهُ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ، قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ (عليه السلام) { لَا نَعْلَمُ شَيْئًا يَزِيدُ فِي الْعُمْرِ إِلَّا صَلَاةَ الرَّحِمِ، قَالَ: ثُمَّ قَالَ: إِنَّ الرَّجُلَ لَيَكُونُ

بَارًا وَأَجَلُهُ إِلَى ثَلَاثِ سِنِينَ، فَيَزِيدُهُ اللَّهُ فَيَجْعَلُهُ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَكُونُ عَاقًا وَأَجَلُهُ ثَلَاثٌ وَثَلَاثِينَ فَيَنْقُصُهُ اللَّهُ فَيُرِدُّهُ إِلَى ثَلَاثِ سِنِينَ { امام هشتم فرمود: نمیدانم چیزی را که مثل صله رحم عمر را زیاد طولانی تر کند. بعد فرمود: مردی نیکوکار است و مرگ و اجل او 3 سال دیگر است. خدا بسبب خوب بودن او عمرش را به 33 سال تمديد میکند. و یک مردی عاق میشود و بسبب کار بدی نفرین میشود و مرگ او 33 سال بعد است ولی خدا عمرش را کم میکند و به سه سال مبدل مینماید.

(زهده/34) ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عُمَرَ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: { إِنَّ صَلَةَ الرَّحِمِ تُزَكِّي الْأَعْمَالَ وَتُسِّرُّ الْحِسَابَ وَتَدْفَعُ الْبَلْوَى وَتَزِيدُ فِي الْعُمُرِ } امام صادق (علیه السلام) فرمود: همانا صله رحم اعمال را تزکیه می کند، اموال را رشد می دهد، محاسبه را آسان، بلاها را بر طرف می نماید و سبب افزایش عمر می گردد

(زهده/35) عَنْ جَابِرِ بْنِ الْوَصَّافِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) { صَدَقَةٌ السَّرِّ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَصِلَةُ الرَّحِمِ يَزِيدَانِ فِي الْأَجَلِ } صدقه دادن پنهانی آتش غضب خدا را خاموش میکند و نیکی به والدین و صله رحم عمر را زیاد مینماید

(زهده/37) قَالَ الْبَاقِرُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) { إِنَّ صَلَةَ الرَّحِمِ تُهَوِّنُ الْحِسَابَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ قَرَأَ يَصِدُّ لَمُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ } امام باقر (علیه السلام) فرمود: صدقه دادن پنهانی غضب پروردگار را

خاموش می گرداند و نیکی به پدر و مادر و صله رحم مرگ را به تأخیر می اندازند

(بحار/74/ص102) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) { إِنَّ صِلَةَ الرَّحِمِ مَثْرَاءٌ فِي الْمَالِ، وَ مَحَبَّةٌ فِي الْأَهْلِ، وَ مَنْسَأَةٌ فِي الْأَجْلِ } رسول خدا (صلى الله عليه وآله) می فرمود: صله و دلجویی کردن خویشاوند سبب افزایش مال، محبت و دوستی در جمع خانواده گشته و مرگ را به تأخیر می اندازد.

(کافی/ج 2/ص151) قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) { أَوَّلُ نَاطِقٍ مِنَ الْجَوَارِحِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الرَّحِمُ تَقُولُ يَا رَبُّ مَنْ وَصَلَنِي فِي الدُّنْيَا فَصَلِّ لِي الْيَوْمَ مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ وَ مَنْ قَطَعَنِي فِي الدُّنْيَا فَاقْطَعْ الْيَوْمَ مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ } اولین عضوی که روز قیامت به سخن در میآید رحم است. میگوید خدایا کسی که با من وصل بود در دنیا و حرمت را نگه داشت امروز بین او بین خودت وصل باش و هرکس در دنیا با من قطع رحم نمود با او قطع کن رابطه ات را با او.

(کافی/ج 2/ص151) قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) { صِلْ رَحِمَكَ وَ لَوْ بِشَرْبَةِ مَاءٍ وَ أَفْضَلُ مَا تُوصِلُ بِهِ الرَّحِمُ كَفُّ الْأَذَى عَنْهَا وَ صِلَةُ الرَّحِمِ مَنْسَأَةٌ فِي الْأَجْلِ مَحَبَّةٌ فِي الْأَهْلِ } صله رحم کن ولو بخوردن یک شربت آبی باشد و بهترین صله رحم این است که دست بکشد از اذیت و آزار آنها. (با چشم همچشمی و زایده خواهی از آنها را اذیت نکن) و صله رحم اجل و مرگ را عقب میاندازد و محبت بین خانواده ایجاد میکند.

(کافی/ج 2/ص151) قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) { إِنَّ الرَّحِمَ مُعَلَّقَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالْعَرْشِ تَقُولُ اللَّهُمَّ صَلِّ مَنْ وَصَلَنِي وَ أَقْطَعْ مَنْ قَطَعَنِي } بدرستی که رحم روز قیامت معلق در عرش است . میگوید خدایا رحمتت را به کسی برسان که با من صله رحم نمود و از او قطع کن کسی را که با من قطه رحم نمود.

(کافی/ج 2/ص 152) قَالَ قَالَ أَبُو ذَرٍّ (عليها السلام) سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ { حَافَتَا الصَّرَاطِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الرَّحْمُ وَالْأَمَانَةُ فَإِذَا مَرَّ الْوَسُوءُ لِلرَّحِمِ الْمُوَدَّى لِلْأَمَانَةِ نَفَذَ إِلَى الْجَنَّةِ وَإِذَا مَرَّ الْحَائِنُ لِلْأَمَانَةِ الْقَطُوعُ لِلرَّحِمِ لَمْ يَنْفَعُهُ مَعَهُمَا عَمَلٌ وَتَكَفَّأَ بِهِ الصَّرَاطُ فِي النَّارِ } امام باقر (عليه السلام) فرمود: ابو ذر (عليه السلام) گفت شنیدم رسول خدا صلى الله عليه وآله میفرمود: رحمت و امانت روز قیامت در دو جانب صراطند، چون صله رحمت کننده و امانت نگهدار بر صراط گذرد ببهشت رسد، و چون خائن امانت و قاطع رحمت از آن بگذرد، هیچ عملی با وجود این دو گناه سودش نبخشد و صراط در آتش دوزخ سرنگونش کند.

(کافی/ج 2/ص 152) قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) { صَلَةُ الرَّحِمِ وَ حُسْنُ الْجَوَارِ يَعْمُرَانِ الدِّيَارَ وَيَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ } فرمود: صله رحمت و اخلاق خوش و خوش نشینی شهر را اباد میکند و عمرها را زیاد مینماید (کافی/ج 2/ص 152) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) { إِنَّ أَعْجَلَ الْخَيْرِ ثَوَاباً صَلَةُ الرَّحِمِ } چیزی که ثوابش از همه چیز زودتر رسد، صله رحمت است

4- تاخیرِ صَلَاتِهَا عَلَى أَوْقَاتِهَا: (بقره/43) { وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ } (وسائل الشیعه/ج 4/ص 124) عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) { فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ - قَالَ تَأْخِيرُ الصَّلَاةِ عَنْ أَوَّلِ وَقْتِهَا لِغَيْرِ عُدْرٍ }

(مجمع البحرين/ج 4/ص 60) وَفِي الدُّعَاءِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ (عليه السلام) { أَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ وَهِيَ سُوءُ النَّيِّهِ، وَخُبْتُ السَّرِيرَةَ، وَالنَّفَاقَ مَعَ الْإِخْوَانِ، وَتَرَكْتُ التَّصَدِّيقَ بِالْإِجَابَةِ، وَتَأْخِيرَ الصَّلَاةِ الْمَفْرُوضَةِ حَتَّى تَذْهَبَ أَوْقَاتُهَا. } و گناهی که دعا را رد می کند: سوء نیت

و خبث سریره و نفاق با دوستان و عدم ایمان به اجابت و تاخیر نمازهای واجب تا آنکه وقتشان فوت شود.

5- دِيَّاسَه (دو حرام را بهم رساندن)

(قرب الإسناد/ص 25) قَالَ الْبَاقِرُ (عليه السلام) {جَاءَ رَجُلٌ إِلَى عَلِيٍّ (عليه السلام) فَقَالَ: جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ، إِنِّي لِأُحِبُّكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ. قَالَ: وَ كَانَ فِيهِ لَيْنٌ. قَالَ: فَأَثْنَى عَلَيْهِ عِدَّةً. فَقَالَ لَهُ: كَذَبْتَ، مَا يُحِبُّنَا مُخَنَّثٌ، وَلَا دِيْوْتُ، وَلَا وَالدُ زِنَا، وَلَا مَنْ حَمَلَتْ بِهِ أُمُّهُ فِي حَيْضِهَا. قَالَ: فَذَهَبَ الرَّجُلُ، فَلَمَّا كَانَ يَوْمَ صِفِّينَ قُتِلَ مَعَ مُعَاوِيَةَ {مردی خدمت علی (عليه السلام) آمده گفت فدایت شوم من شما اهل بیت را دوست میدارم. مردی نرم بود که زود انحراف می پذیرفت عده ای از حاضرین او را ستودند اما علی (عليه السلام) در جواب او فرمود دروغ میگوئی ما را لواط دهنده و دلال زنها (جا انداز) و ولد الزنا و کسی که مادرش در حیض با او حامله شده دوست نمیدارد.

(محاسن/ج 1/115) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: ثَلَاثَةٌ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ لَهُمْ صَلَاةً مِنْهُمْ الدِّيْوْتُ الَّذِي يُفَجِّرُ بِأَمْرَاتِهِ {سه گروهند که دعایشان مستجاب نمیشود که یکی از آن سه نفر دیوث است و دیوث کسی است که میداند با همسر او زنا میکنند و هیچ عکس العملی از خود نشان نمیدهد.

مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ {عَرَضَ إِبْلِيسُ لِنُوحٍ (عليه السلام) وَ هُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فَحَسَدَهُ عَلَى حُسْنِ صَلَاتِهِ فَقَالَ يَا نُوحُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ جَنَّةً عَدْنٍ بِيَدِهِ وَ غَرَسَ أَشْجَارَهَا وَ اتَّخَذَ قُصُورَهَا وَ شَقَّ أَنْهَارَهَا

ثُمَّ أَطَّلَعَ إِلَيْهَا فَقَالَ قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ لَا وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا يَسِدُّ كُنْهَهَا دَيْوُثٌ { ابليس نزد جناب نوح آمد. دید چه عبادتی میکند. ابليس بر عبادت زیبای او حسودی کرد. ابليس گفت: ای نوح. خداوند وقتی بهشت عدن را با دست قدرتش خلق نمود و درختان آن را غرض نمود و قصور و کاخ های آنرا ساخت و چشمه ها و نهرها را تقسیم بهشت نمود به بهشت عدن فرمود: چه رستگارانند مومنین من. بعزت و جلالم ساکن نمیکند دیوث را بر بهشت.

(من لا يحضره الفقيه/ج 3/ص 444) قَالَ (عليه السلام) { إِنَّ الْجَنَّةَ لَتُوجَدُ رِيحُهَا مِنْ مَسِيرِهِ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ وَلَا يَجِدُهَا عَاقٌ وَلَا دَيْوُثٌ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا الدَّيُّوْثُ قَالَ الَّذِي تَزْنِي امْرَأَتُهُ وَهُوَ يَعْلَمُ بِهَا } و فرمود: بوی بهشت از مسافت پانصد سال راه بمشام میرسد ولی عاق والدین و دیوث آن را نیابد، پرسیدند یا رسول الله دیوث که باشد؟ فرمود: مردیکه زوجه و همسرش با مردان دیگر راه دارد و او میدانند اهمیت نمی دهد

(من لا يحضره الفقيه/ج 5/ص 356) قَالَ رَسُولُ (صلى الله عليه وآله) يَا عَلِيُّ كَفَرَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ عَشْرَةٌ الْقَتَاتُ وَالسَّاحِرُ وَالِدَيْوُثُ وَنَاكِحُ الْمَرْأَةِ حَرَامًا فِي دُبُرِهَا وَنَاكِحُ الْبُهَيْمَةِ وَمَنْ نَكَحَ ذَاتَ مَحْرَمٍ وَالسَّاعِي فِي الْفِتْنَةِ وَبَائِعُ السَّلَاحِ مِنْ أَهْلِ الْحَرْبِ وَمَانِعُ الزَّكَاةِ وَمَنْ وَجَدَ سَعَةً فَمَاتَ وَلَمْ يُحِجْ {

ده نفر از این امت به خداوند کافر شدند، و آنان عبارتند از: 1- سخن چین، 2- جادوگر، 3- مرد بی غیرت، 4- مردان زناکار، 5- کسی که با چهار پا در آمیزد،

6- کسی که با محارم خود زنا کند 7- شخصی که فتنه برانگیزد 8- و به دشمنان مسلمان ها اسلحه جنگی بفروشد 9- و زکاه ندهد، 10- و با استطاعت زیارت خانه خدا را ترک کند و بمیرد.

(صواب الاعمال/558) حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) روایت است که فرمود: بهشت بر سه تن حرام شده است، سخن چین، و میخواره و دیوث (1) که به فسق و فجور آلوده است.

(خصال/ج 2/ص 436) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)

{ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مُدْمِنٌ خَمْرٍ وَلَا سَكَّيرٌ وَلَا عَاقٌ وَلَا دِيْوثٌ وَلَا قَلَّاعٌ وَهُوَ الشُّرْطِيُّ وَلَا زَنْتُوْقٌ وَهُوَ الْخُنْثَى وَلَا خَيْوْفٌ وَهُوَ النَّبَّاشُ وَلَا عَشَّازٌ وَلَا قَطَّاعٌ رَحِمٍ وَلَا قَدْرِيٌّ } رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: به بهشت نمیرود 1- دائم الخمر 2- خود فروش 3- حق ناشناس پدر و مادر 4- بی غیرت در باره همسر 5- مأمور شهربانی ظالم و رشوه گیر 6- خنثی و مخنث 7- کفن دزد 8- گمرکچی و ظالم به مردم و مال مردم 9- قاطع رحم 10- قدری مسلک (صوفی) (مقصود از خنثی: مُخَنَّث است یعنی مردیکه با او عمل جنسی انجام داده شود)

(کاشف الأستار/ترجمه جامع الأخبار/ص 108)

حضرت رسول (صلى الله عليه وآله) فرمود خدای تبارک و تعالی در (نساء/15) { وَاللَّاتِي يَأْتِيْنَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَأَسْتَشِدُّ هُنَّ عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيْلًا } آنان که میکنند فاحشه از زنان شما پس گواه طلب کنید بر ایشان چهار مرد از شما که مسلمانید پس گواه دهند پس نگاهدارید آن زنان را در خانه ها تا آنکه بمیراند ایشان را مرگ یا آنکه بگرداند خدا از برای ایشان راهی و فرمود پیغمبر (صلى الله عليه وآله) که تعجب دارم از زدن شما زنان را بچوب که

ص: 251

در آن قصاص است لیکن بزیند ایشان را بگرسنگی و برهنگی تا آنکه بیابید فایده دنیا و آخرت و هر مردیکه زینت کند زن او و بیرون آید از در خانه او پس آن مرد دیوث است و گناه ندارد هر که بخواند او را دیوث و زن چون بیرون آید از در خانه خود زینت کرده و بوی خوش بخود زده و شوهر باین راضی باشد بنا شود از برای شوهر وی بهر قدمی خانه در دوزخ پس کوتاه کنید دست زنان خود را و دراز مگذارید که بدرستی که دراز گردانیدن دست او پشیمانی است و جزاء آن دوزخست و در کوتاه گردانیدن آن رضا و شادیست و داخل شدن بهشت است بی حساب حفظ کنید وصیت مرا در امر زنان خود که خلاص شوید از سختی عذاب و هر که حفظ نکند وصیت مرا پس چه باشد حال او پیش خدای تعالی.

ص: 252

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم و لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير رب اشرح لى صدرى و يسر لى امرى و احلل عقده من لسانى يفقهوا قولى الحمد لله الذى علا فى توحده و دنا فى تقرده و جل فى سلطانه و عظم فى اركانه و احاط بكل شىء علماً و هو فى مكانه و خير الصلاه و السلام على سيدنا سيد الانبياء و المرسلين حبيب إله العالمين أبى القاسم محمد صلى الله عليه و على أهل بيته المعصومين المكرمين و اللعن الدائم على أعدائهم اجمعين من الآن إلى يوم الدين. بسم الله الرحمن الرحيم اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّهَ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ و على آبائه فى هَذِهِ السَّاعَةِ و فى كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ ناصِراً وَ دَلِيلاً وَ عِيْناً حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً

انشاء الله تحت توجهات و عنایات حضرت بقیه الله الاعظم بهر مند باشیم بلند صلوات

در جلسات شبهای قبل از احیاء سرى زديم به دعای شريف كميل تا سر فصل های آثار نکبت بار گناه را که مولا امیرالمومنین علی (علیه السلام) ذر دعا مطرح فرمودند را با دقت بررسی کرده و بار روایات و آیات قرآن کریم

تطبیق دهیم. در جلسات قبل به سرنخ اول و دوم را اشاره کردیم .

1- {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْتِكُ الْعِصَمَ}

2- {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ النَّقْمَ}

منتهی در شرح سرفصل سوم در بحث گناهانی که نعمت ها را از بین میبرد بطور کامل شرح ندادیم .

امشب به یاری امام زمان ارواحنا له الفداء به ادامه بحث میپردازیم

{اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّقْمَ}

1- تَرَكَ شُكْرَ الْمُنْعَمِ 2- افتراء علی الله ورسوله 3- قطع صلته الرحم 4- تاخیر صلاتها علی اوقاتها 5- دیاسه

6- کسی دادخواهی کند ولی اعتناء به او نکنند!

مظلوم

{اسرا/33} { و من قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطانا }

کسیکه خون مظلومی را بریزد، به ولی او تسلط بر قاتل قرار دادیم . امام علی (علیه السلام) { یوم المظلوم علی الظالم اشد من یوم الظالم
علی المظلوم }

روز ستمکشیده بر ستمگر سخت تر است از روز ستمگر بر مظلوم .

{روضه الواعظین/ج 2/ص 466} قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام)

{بِسَ الرِّزَادِ إِلَى الْمَعَادِ الْعَدْوَانُ عَلَى الْعِبَادِ وَيَوْمُ الْمَظْلُومِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الظَّالِمِ عَلَى الْمَظْلُومِ لِلظَّالِمِ مِنَ الرِّجَالِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ
يُظَلِمُ مَنْ فَوْقَهُ بِالْمَعْصِيَةِ وَ مَنْ دُونَهُ بِالْعَلْبَةِ وَيُظَاهِرُ الْقَوْمَ الظَّالِمَةَ } فرمود: ستم بر بندگان چه بد توشه بی برای آخرت است و روز مظلوم بر
ظالم، سخت تر از روز ظالم بر مظلوم است. برای مردم ستمگر سه نشانه است، نخست اینکه از کسی که از او برتر است (خدا و پیامبر و
ائممه) با

ارتکاب معصیت و گناه سرپیچی می کند. دوم آنکه به زیر دستان خود با چیرگی ستم می کند. سوم آنکه ستمکاران را پشیمان می کند

(روضه الواعظین/ج 2/ص 466) سئلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام)

{ أَيُّمَا أَفْضَلُ الْعَدْلُ أَوِ الْجُودُ فَقَالَ الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا وَ الْجُودُ يُخْرِجُهَا عَنْ جِهَتِهَا وَ الْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ وَ الْجُودُ عَارِضٌ خَاصٌّ فَالْعَدْلُ أَشَدُّ رَفْهُمَا وَ أَفْضَلُ لَهُمَا أَحَدَرِ الْعَسْفِ وَ الْحَيْفِ فَإِنَّ الْعَسْفَ يَعُودُ بِالْجَلَاءِ وَ الْحَيْفَ يَدْعُو إِلَى السَّيْفِ } از امیر المؤمنین علی (علیه السلام) پرسیده شد: آیا دادگری برتر است یا بخشندگی؟ فرمودند: دادگری همه کارها را به جای خود قرار می دهد و بخشندگی و سخاوت آنها را از جهت خود بیرون می برد. دادگری، رهبری همگانی و بخشندگی، عرضی خاص است و دادگری برتر و شریف تر است. از بی انصافی بر حذر باش که منجر به آوارگی می شود و ستم، به درگیری و شمشیر بر روی یک دیگر کشیدن می انجامد

(روضه الواعظین/ج 2/ص 466) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) { إِيَّاكُمْ وَ الظُّلْمَ فَإِنَّهُ يُحَرِّبُ قُلُوبَكُمْ } پیامبر (صلى الله عليه وآله) فرموده اند: از ستم بر حذر باشید که دلهايتان را ویران می کند

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) { أَحَبُّ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ أَقْرَبُهُمْ مِنَ اللَّهِ مَجْلِسًا إِمَامٌ عَادِلٌ إِنَّ أَبْغَضَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ وَ أَشَدَّهُمْ عَذَابًا إِمَامٌ جَائِرٌ } پیامبر (صلى الله عليه وآله) فرموده اند: محبوب ترین مردم، روز قیامت، در پیشگاه خداوند، کسی

است که امام عادل باشد و مجلس او از همگان به خداوند نزدیک تر است. و مبعوض تر و سخت عذاب تر از همگان در پیشگاه خداوند، پیشوای ستمگر است. و فرموده اند: هر کس صبح کند و همت به ستم بر کسی نبندد، گناهان کوچک او بخشیده می شود

(روضه الواعظین/ج 2/ص 467) قَالَ (صلى الله عليه و آله) { مَنْ أَصْبَحَ وَلَا يَهُمُّ بِظُلْمِ أَحَدٍ غُفِرَ لَهُ مَا اجْتَرَمَ } فرموده اند: هر کس صبح کند و همت به ستم بر کسی نبندد، گناهان کوچک او بخشیده می شود

شرح کوتاه :

کسی با پیامبر (صلی الله علیه و آله) در بهشت مصاحب و همراه است که از ظالمی حق مظلومی را بگیرد چون مظلوم زر و زور و قدرت و یاور ندارد، اعانت به او از عدل بشمار می آید. ساعی در یآوری از مظلوم عملش افضل از روزه و یک ماه اعتکاف در مسجدالحرام است و در قیامت قدم هایش متزلزل نخواهد بود. خدا چون آه مظلوم و استغاثه او را می شنود به بندگان توجه می کند تا به دادرسی و نصرت او بشتابند که ناله ای همانند ناله مظلوم در عالم خطیر و جانسوز نیست .

1- خوارزم شاه

خوارزم شاه وقتی با لشگر مغول جنگ کرد و شکست خورد ابتدا قصد داشت به هندوستان برود عازم عراق شد و بعد به نیشابور آمد و مشغول خوش گذرانی شد. در همان ایام مظلومین و شکایت داران بیش از دو

ص: 256

سال از او تقاضای رسیدگی می کردند ولی کسی نبود که به حرف آنان گوش دهد. روزی این بیچارگان اجتماع نموده جلو بارگاه سلطان بوزیر پناه آوردند، گفتند: برای خدا چاره ای نسبت به ما بیندیش! وزیر خوارزمشاه در جواب آنها گفت: سلطان مرا مأمور آرایش زنان مطرب کرده اینک نمی توانم به این حرفها رسیدگی کنم.!! زمانی نگذشت که خبر آوردند که سنتای بهادر با سی هزار نفر از جیهون گذشته اند خوارزمشاه به عراق رفت، لشکر مغول به دنبال او رفتند، بعد مجبور شد به ری آمد و از آنجا به مازندران و گرگان آمد و در قلعه اقلال عیال و فرزندان را با خزائن مخفی کرد و خود به جزیره آبسکون پناهنده شد. سنتای بهادر قلعه را محاصره و بعد از مدتی آنها تسلیم شدند و فرزندان پسر به امر مغول کشته و زنهای او را به سرداران بخشید و دستور داد مادر خوارزم شاه بر اسب برهنه در جلو لشکر گریه نماید و خوارزمشاه بعد از شنیدن این وقایع بعد از سه روز به خاطر عدم دادرسی به مظلومین از غصه در بستری مرد.

2- ای خدا آیا خوابی؟

فرعون فرمان داد، تا یک کاخ آسمان خراش برای او بسازند، دژخیمان ستمگر او هم مردم را از زن و مرد برای ساختن آن کاخ و بیگاری گرفته بودند، حتی زنهای آبستن از این فرمان استثناء نشده بودند.

ص: 257

یکی از زنان جوان که آبستن بود، سنگی سنگین را برای آن ساختمان حمل می کرد و چاره ای جز این نداشت

زیرا همه تحت کنترل ماءموران خونخوار بودند، اگر او از بردن آن سنگها شانه خالی می کرد، زیر تازیانه جلادان به هلاکت می رسید. آن زن جوان در برابر چنین فشاری قرار گرفت و بار سنگین سنگ را همچنان حمل می کرد، ولی ناگهان حالش منقلب شد و بچه اش سقط گردید. در این تنگنای سخت از اعماق دل غمبارش ناله کرد و در حالی که گریه گلویش را گرفته بود، گفت: ای خدا آیا خوابی؟ آیا نمی بینی این طاغوت زورگو با ما چه می کند؟ چند ماهی از این ماجرا نگذشت که همین زن در کنار رود نیل نشسته بود که ناگهان نعش فرعون را در روبروی خود دید. آن زن صدای هاتقی را شنید که به او گفت: هان ای زن، ما در خواب نیستیم ما در کمین ستمگران می باشیم.

3- قبر امام حسین مظلوم (علیه السلام) متوکل خلیفه عباسی (م 247) که چهارده سال خلافت کرد از بدترین خلفای عباسی بود و با آل ابوطالب دشمنی بسیار می کرد و از اذیت و آزار آنها دست بردار نبود تا جائیکه خیانت او متوجه قبر امام حسین علیه السلام هم شد. تمام اراضی کربلا- را آب بست و زراعت نمود و گاوهایی به جهت شخم و شیار زمین اطراف قبر گماشت از طرف او دیزج ملعون یهودی قبر مطهر را شکافت و بوریای تازه ای که بنی اسد هنگام دفن آورده بودند را دید که هنوز باقی است و جسد مطهر

ص: 258

بر روی آن است ، ولیکن به متوکل نامه نوشت که قبر را بدستور شما نبش نمودم اما چیزی ندیدم . البته دیزج قومی از یهود را آورد. تا دوست جریب از اطراف قبر را شخم زدند و آب بستند و دیده بانان گماشت که هر کس بقصد زیارت قبر امام حسین علیه السلام بیاید، بگیرند او را عقوبت کنند! احمد بن الجعد الوشا گفت : سبب محو آثار قبر امام حسین علیه السلام آن بود که قبل از خلافت یکی از مغنیات کنیز مغنیه آواز خوان برای متوکل می فرستاده ، چون او به خلافت رسید هنگام مستی فرستاد آن مغنیه بیاید و آواز بخواند. گفتند: سفر رفته است ؛ ایام ماه شعبان بود که به سفر کربلاء رفته بود چون مراجعت کرد یکی از کنیزان خود را برای تغنی بنزد متوکل فرستاد متوکل از آن کنیز سئوال کرد این ایام کجا رفته بودید؟ گفت : با خانم خود به سفر حج رفته بودیم متوکل گفت : در ماه شعبان به حج رفته بودید؟ گفت : به زیارت قبر حسین مظلوم رفتم . از شنیدن این کلام در غضب شد، امر کرد تا خانم او را گرفتند و حبس کردند و اموالش را مصادره کرد؛ دستور داد قبر امام و همه ابنیه و ساختمانها و نشانه های کربلاء را از بین ببرند.

4- خدایا تو بیداری

یکی از سلاطین غزنوی شبی خوابش نمی برد و از قصر به خیابانها و کوچه ها می گشت ، به درب مسجد رسید، دید مردی سر بر زمین نهاده و می

ص: 259

گوید: خدایا سلطان در بروی مظلومان بسته ولی تو بیداری به دادم برس .

سلطان جلو آمد و گفت : مشکل تو چیست ؟ گفت : یکی از خواص تو می آید منزلم و با زخم هم بستر می شود، من قدرت به دفع او ندارم . سلطان گفت : هر وقت او به خانه ات آمد مرا خبر کن و به پاسبانان قصر هم گفت : هر وقت او آمد مانع نشوید. شب بعد سرهنگ سلطان به خانه آن مظلوم رفت و با همسرش هم بستر شد، و او خبر به سلطان رسانید.

سلطان بمنزل آمد و دستور داد چراغ را خاموش کنند و شمشیر کشید و آن نانجیب را کشت . پس از آن دستور داد چراغ را روشن کنند و به آن مرد گفت : غذائی بیاور گرسنه ام . علت خاموش کردن چراغ را از سلطان پرسیدند، گفت : فکر کردم اگر پسر باشد مانع از کشتن می شود، به شکرانه اینکه فرزندانم نبود خدا را شکر کردم ؛ و از دیشب تا امشب نتوانستم غذائی بخورم ، چون ترا از مظلومیت نجات دادم ، میل به غذا پیدا کردم

5- محمد و ابراهیم نوجوان چون امام حسین (علیه السلام) به شهادت رسید، دو طفل نوجوان از فرزندان مسلم بن عقیل دستگیر و نزد عبدالله بن زیاد استاندار کوفه آوردند و او آن دو را به زندان فرستاد و به زندانبان گفت : بر ایشان سخت بگیرد. بعد از یکسال آنان خود را به زندانبان پیرمرد معرفی کردند، و او آنها را شبانه آزاد کرد و پای به فرار، راه را می پیمودند تا به در خانه ای در

ص: 260

روستائی رسیدند و تقاضای جای نمودند، زن صاحب منزل وقتی نسبت آنان را با پیامبر شنید آنها را جای داد.

عبدالله وقتی شنید اینان از زندان فرار کردند دستور داد هر کس سر یک نفر از آنان را بیاورد هزار درهم جایزه می دهد و سر دو نفر دو هزار درهم جایزه می دهد .

اتفاقا داماد این پیرزن بنام حارث نمیه شب به خانه آمد و خوابید. بر اثر صدای نفس خواب این دو نوجوان ، از خواب بیدار و به اطاق دیگر رفت و آنها را پس از شناسائی با ریسمان بست تا صبح شد صبح به غلام خود گفت : این دو پسر را در کنار نهر فرات گردن بزند، غلام قبول نکرد و به فرزند خود گفت ، او هم قبول نکرد، خودش آنها را آورد کنار فرات که گردن بزند.

آنان گفتند: ما عترت پیامبریم ما را ببر بازار بفروش و از آن استفاده کند، یا زنده نزد عبیدالله بن زیاد ببر، قبول نکرد. آن دو مظلوم گفتند: پس اجازه بده نمازی بخوانیم ، اجازه داد.

چون نماز خواندند گفت : با کشتن شما نزد عبیدالله تقرب می جویم ، مرتبه ام بالا می رود و خدا در دلم رحم قرار نداده است . پس اول برادر بزرگ را شمشیر زد و سر از بدنش جدا کرد و برادر کوچک خود را به خون برادر خضاب می کرد و می گفت : می خواهم پیامبر(صلی الله علیه و آله) را در این حالت ملاقات کنم ؛ و سپس برادر کوچک را گردن زد و بدنها را به نهر فرات انداخت و سرها را بقصد جایزه نزد عبیدالله آورد.

7- مظلومی را که می توانند کمکش کنند ولی کمکش نکنند .

(بقره/265) {وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُضِعْ بَهَا وَابِلٌ فَفُطِلٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ} و مثل کسانی که اموالشان را برای طلب خشنودی خدا و استوار کردن نفوسشان بر حقایق ایمانی و فضایل اخلاقی انفاق می کنند، مانند بوستانی است در جایی بلند که بارانی تند به آن برسد، در نتیجه میوه اش را دو چندان بدهد، و اگر باران تندی به آن نرسد باران ملایمی برسد [و آن برای شادابی و محصول دادنش کافی است] و خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست.

جلسه بیست و سوم (16/02/1400)

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و لا حول و لا قوه الا بالله العلیّ العظیم حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر ربّ اشرح لی صدری و یسر لی امری و احلل عقده من لسانی یفقهوا قولی الحمد لله الذی علا فی توحده و دنا فی تفرده و جلّ فی سلطانه و عظم فی ارکانه و احاط بكلّ شیء علماً و هو فی مکانه و خیر الصلاه و السلام علی سیدنا سید الانبیاء و المرسلین حبیب إله العالمین أبی القاسم محمد صلی الله علیه و علی أهل بیته المعصومین المکرّمین و اللعن الدائم علی أعدائهم اجمعین من الآن إلی یوم الدین.

ص: 262

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَللّٰهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ اَبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَ
نَاصِرًا وَدَلِيلاً وَعَيْناً حَتَّى تُسْكِنَهُ اَرْضَكَ طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً

انشاء الله تحت توجهات و عنایات حضرت بقیه الله الاعظم بهر مند باشیم بلند صلوات .

درجلسات قبل سری زدییم به دعای شریف کمیل تا سر فصل های آثار نکبت بار گناه را که مولا امیرالمومنین علی (علیه السلام) در دعا مطرح فرمودند را با دقت بررسی کرده و با روایات و آیات قرآن کریم تطبیق دهیم. درجلسات قبل به سرنخ اول و دوم را اشاره کردیم .

1- { اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ الذُّنُوْبَ الَّتِي تَحْتِكِ الْعِصْمَ }

2- { اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ الذُّنُوْبَ الَّتِي تُنَزِّلُ النَّقْمَ }

3- { اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ الذُّنُوْبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّقْمَ }

4- اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ الذُّنُوْبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَا

نبی اکرم (ص) می فرماید : عواملی که نمی گذارد دعا ها مستجاب شود عبارتند از :

1- جور و ظلم حکام و قضات

وظائف سلطان و حاکم و مسولین در روایات

1- قال علی (علیه السلام) { ذُوْعَنْ (ذُرْعَنْ) شَرَائِعِ الدِّیْنِ وَ حُطُّ ثُغُوْرِ الْمُسْلِمِیْنَ وَ اَحْرَزُ دِیْنِكَ وَ اَمَانَتِكَ بِاِنْصَافِكَ مِنْ نَفْسِكَ وَ الْعَمَلِ
بِالْعَدْلِ فِي رَعِيَّتِكَ }

ص: 263

دفع کن از شرایع دین، و حفظ کن سر حدهای مسلمانان را، و جمع کن دین خود را و امانت خود را، بانصاف آوردن از نفس خود، و عمل کردن بعدل در رعیت خود.

حضرت امیر(علیه السلام) فرمایششان خطاب بامرای خود بوده و هر که از قبیل ایشان باشد از پادشاهان و امراء و حکام و (شرایع) جمع (شریعت) است و (شریعت) در اصل جائی را گویند که مردم وارد شوند به آنجا از برای آب برداشتن و باعتبار تشبیه بآن قواعد و احکام دین را «شرایع» گویند و مراد به «دفع از شرایع» محکم نگاهداشتن آنهاست و این که نگذارند که رخنه به آنها راه یابد و کسی مخالفت آنها نماید. و مراد به «حفظ کردن سر حدهای مسلمانان» آماده نمودن اسباب نگاهداری آنهاست از لشکر و اسب و سلاح و مانند آنها، و اگر کسی را همین میسر باشد که خود در سرحدی باشد که اگر دشمنی بیاید بدفع ایشان برود یا نگاهبانی کند و خبر آمدن ایشان را بمسلمانان رساند، یا از برای مصلحتی دیگر از مصالح آنجا، یا این که اسبی یا سلاحی از برای اهل آنجا فرستد همان نیز خوبست و اجر عظیم دارد. و «جمع کن دین خود را و امانت خود را بانصاف» یعنی همین که انصاف بیاوری از نفس خود و عدل کنی در رعیت جمع کنی میان دین و امانت خود، و صاحب هر دو باشی. و مراد به «انصاف آوردن از نفس خود» اینست که خود را با هر کس برابر داند که گویا خود را نصفی دانسته و او را نصفی، و خود را بر دیگری ترجیح ندهد، و هر گاه بیند در مقدمه که حق با دیگریست اقرار کند بآن و رعایت خود نکند

(تصنیف غررالحکم/ص 341)

2- قال علی (علیه السلام) { خَيْرُ الْمُلُوكِ مَنْ أَمَاتَ الْجَوْرَ وَأَحْيَا الْعَدْلَ } بهترین حاکم کسی است که به دست او ظلم بمیرد و عدل احیاء گردد.

ص: 264

3- قال علی (علیه السلام) {إِنَّ السُّلْطَانَ لَا مِثْلَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَ مُقِيمُ الْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ وَ الْعِبَادِ وَ وَزَعْتُهُ (وَزَعَتُهُ) فِي الْأَرْضِ} فرمود: سلطان امین خدا روی زمین است پس باید عدل را در کشور اقامه کند و بندگی خدا را در بین مردم عادت دهد. بذر عبادت و بندگی خدا را روی زمین بکارد و زراعت نماید.

4- قال علی (علیه السلام) {اسْتَعِنَ عَلَى الْعَدْلِ بِحُسْنِ النِّيَّةِ فِي الرَّعِيَّةِ وَقَلِّهِ الطَّمَعِ وَ كَثْرَةِ الْوَرَعِ} فرمود: کمک کنید بر عدالت و حسن نیت به مردم بیچاره و طمع خود را کم کنید و ورع و پرهیز جدی از گناه را در خود زیاد کنید

5- قال علی (علیه السلام) {أَقِمِ النَّاسَ عَلَى سُنَّتِهِمْ وَ دِينِهِمْ وَ لِيَأْمَنَكَ بَرِيئُهُمْ وَ لِيَخْفِكَ مُرِيْبُهُمْ وَ تَعَاهَدُ تُغَوَّرُهُمْ وَ أَطْرَافَهُمْ (أَطْرَافَ بِلَادِهِمْ)} {مردم را وادار کنید تا سنت رسول خدا را انجام دهند و بدستورات دینی خود عمل کنند. ایمن باشی از برائت مردم. و بترس از شک و شبهه مردم. و عهده دار ضعفا و مرزهای کشور باشید

6- قال علی (علیه السلام) {إِذَا وُلِّيتَ فَاعْدِلْ} وقتی ولایت و مسولیتی را پذیرفتی عدالت را برقرار کن.

7- قال علی (علیه السلام) {زَكَاةُ السُّلْطَانِ إِعَانَةُ الْمَلْهُوفِ} زکات سلطنت دادرسی بیچارگان است

8- قال علی (علیه السلام) {مَنْ لَمْ يُنْصَفِ الْمَظْلُومَ مِنَ الظَّالِمِ عَظُمَتْ آثَامُهُ} حاکمی که انصاف در برابر ظالم برای مظلوم نداشته باشد خطاها و جرائم و ظلم ظالم زیاد تر میشود

9- قال علی (علیه السلام) {مَنْ لَمْ يُنْصَفِ الْمَظْلُومَ مِنَ الظَّالِمِ سَلَبَهُ اللَّهُ قُدْرَتَهُ} حاکمی که منصف نباشد در برابر مظلوم و حق مظلوم را از ظالم نگیرد

خداوند قدرت ان حاکم را از بین میبرد و سفره سلطنتش را جمع میکند

10- قال علی (علیه السلام) { لَا تُؤْسِ الضُّعْفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ } مواظب باش ضعفا و بیچارگان از عدالتت مایوس و ناامید نشوند

11- قال علی (علیه السلام) { عَلَیْكُمْ بِالْإِحْسَانِ إِلَى الْعِبَادِ وَالْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ تَأْمِنُوا عِنْدَ قِيَامِ الْأَشْهَادِ }

12- قال علی (علیه السلام) { فَضِيْلَةُ السُّلْطَانِ عِمَارَةُ الْبُلْدَانِ } شایستگی سلطان! کشور را آباد میکند و به آبادانی میرساند (تصنیف غررالحکم/ص 342)

13- قال علی (علیه السلام) { الْحِلْمُ رَأْسُ الرَّئَاسَةِ } حلم و بردباری اصل ریاست است

14- قال علی (علیه السلام) { الْعَفْوُ زَيْنُ الْقُدْرَةِ } بخشش بجا زینت دهنده قدرت و سلطنت است

15- قال علی (علیه السلام) { الْإِنْصَافُ زَيْنُ الْأَمْرِ } انصاف داشتن زینت امر و حکام است

16- قال علی (علیه السلام) { اضرب خادِمَكَ إِذَا عَصَى اللَّهَ وَاعْفُ عَنْهُ إِذَا عَصَاكَ } تنبیه کن خاد و غلامت را اگر از خدا نافرمانی کرد

ولی مورد عفو او را قرار بده از اگر از نافرمانی کند. 17- قال علی (علیه السلام) { تَجَاوَزْ مَعَ الْقُدْرَةِ وَأَحْسِنْ مَعَ الدَّوْلَةِ تَكْمُلُ لَكَ السِّيَادَةُ } مبارزه با قدرتمندان ظالم و احسان به کسانی که اهل خدمت به مردمند آقایی و سیادتت را کامل میکند

18- قال علی (علیه السلام) { الْعَفْوُ زَكَاةُ الْقُدْرَةِ } عفو گذشت بجا زکات قدرتمندی است

19- قال علی (علیه السلام) { زَكَاةُ الْقُدْرَةِ الْإِنْصَافُ } انصاف داشتن زکات قدرتمندی است

20- قال علی (علیه السلام) { الظَّفَرُ شَافِعُ الْمُذْنِبِ } پیروزی تو سبب شفاعت

- 22- قال علی (علیه السلام) { الطَّمَعُ يُدِلُّ الْأَمِيرَ } طمع به مال مردم ذلیل میکند حاکم و امیر را
- 23- قال علی (علیه السلام) { آلهُ الرِّياسَةِ سَعَةُ الصِّدْرِ } بهترین وسیله ریاست دریا دلی و سعه صدر است
- 24- قال علی (علیه السلام) { الْعَفْوُ مَعَ الْقُدْرَةِ جُبَّةٌ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ } عفو و گذشت سپر از آتش قهر خداست
- 25- قال علی (علیه السلام) { أَفْضَلُ الْمُلُوكِ أَعْفُهُمْ نَفْسًا } شایسته ترین سلاطین باگذشت ترین آنها ست
- 26- قال علی (علیه السلام) { دَوْلَةُ اللَّئِيمِ تَكْشِفُ مَسَاوِيَهُ وَ مَعَايِبَهُ } حاکمیت انسان دون و پست! آشکار میسازد معایب و رذائل او را.
- 27- قال علی (علیه السلام) { دَوْلَةُ الْكَرِيمِ تُظْهِرُ مَنَاقِبَهُ } دولت و سلطنت انسان کریم آشکار میکند مناقب و فضائل او را
- 28- قال علی (علیه السلام) { رَأْسُ السِّيَاسَةِ اسْتِعْمَالُ الرَّفْقِ } سر و اصل ریاست بکارگیری رفق و مدارای با مردم است
- 29- قال علی (علیه السلام) { زَيْنُ الرِّياسَةِ الْإِفْضَالُ } زینت سلطنت و حاکمیت شایستگی و فضیلت خواهی است
- 30- قال علی (علیه السلام) { عِنْدَ كَمَالِ الْقُدْرَةِ تَظْهَرُ فَضِيلَةُ الْعَفْوِ } نزد سلطان با کمال عفو و بخشش فضیلت دارد
- 31- قال علی (علیه السلام) { يُسْتَتَدَلُّ عَلَى إِدْبَارِ الدُّوَلِ بِأَرْبَعٍ تَصَدِّعُ الْأُصُولَ وَ التَّمَسُّكُ بِالْعُرُورِ وَ تَقْدِيمُ الْأَرَاذِلِ وَ تَأْخِيرُ الْأَفْاضِلِ } برای نابودی و عقب افتادگی حکومت 4 چیز است 1- اصول ضایع شود. 2- غرور و خودخواهی حاکم گردد. 3- اراذل و دون پایه گان قدرت پیدا کنند 4- شایستگان

32- قال علی (علیه السلام) { مَنْ خَافَ سَوْطَكَ تَمَنَّى مَوْتَكَ } کسی که از صدای تو (تهدید) بترسد از خدا تمنای مرگت را خواهد داشت (تصنیف غررالحکم/ص 344)

33- قال علی (علیه السلام) { مَنْ حُمِدَ عَلَى الظُّلْمِ مُكْرِبِهِ } کسی که ظلم تو را تمجید کند حیلۀ (دام پهن) کرده بر علیه تو

34- قال علی (علیه السلام) { مَنْ شَكَرَ عَلَى الإِسَاءَةِ سُخِرَ بِهِ } کسی که ستایش گرزشتی ها و بدی های توست! به سخریه گرفته است تو را.

35- قال علی (علیه السلام) { أَيْنَ كَسْرَى وَ قَيْصَرٌ وَ تَبَعٌ وَ حَمِيرٌ } کجا رفتند کسری و قیصر و قوم تبع و قوم حمیر؟! کنایه از این که انهایی که بیش تر از شماها قدرت و ثروت داشتند از بین رفتند. پس به مال و قدرتت غره نشو

36- قال علی (علیه السلام) { أَيْنَ مَنْ بَنَى وَ شَيَّدَ وَ فَرَشَ وَ مَهَّدَ وَ جَمَعَ وَ عَدَّدَ } کجایند بناها . قصر سازها و فرش باف ها و تخت سازها و مال جمع کن ها و عده دار ها؟ کنایه از این که انهایی که بیش تر از شماها قدرت و ثروت داشتند از بین رفتند. پس به مال و قدرتت غره نشو

37- قال علی (علیه السلام) { أَيْنَ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ أَطْوَلَ أَعْمَاراً أَوْ أَعْظَمَ آثَاراً } کجایند کسانی که عمرشان از شماها طولانی تر بود و آثار و قصور و منازلشان از شما بیشتر؟ کنایه از این که انهایی که بیش تر از شماها قدرت و ثروت داشتند از بین رفتند. پس به مال و قدرتت غره نشو

(تصنیف غررالحکم/ص 345)

38- قال علی (علیه السلام) { آفَةُ الإِقْتِدَارِ البَغْيُ وَ العُتُوُّ } آفت و دشمن اقتدار و سلطنت ظلم است و بیدادگری

39- قال علی (علیه السلام) {الْبَغْيُ يَسْلُبُ النِّعَمَةَ} ظلم نابود کننده نعمت است (تصنیف غررالحکم/ص 346)

40- قال علی (علیه السلام) {لَا ظَفَرَ مَعَ بَغْيٍ} پیروزی و عزت برای کسی که اهل ظلم و جور است نیست

آری اگر نعمت هایمان زائل میشود

اگر زمین هایمان خشک و بی حاصل میگردد

اگر بازارهایمان کشاد و ب یرونق شده است

اگر فساد و تباهی جامعه را فرا گرفته است

اگر خشک سالی و بی بارانی بیچاره مان کرده است فقط دلیلش دوری از اوامر الهی و ظلم به یکدیگر است

(معانی الأخبار/271) {وَالدُّنُوبُ الَّتِي تَحْسِسُ غَيْثَ السَّمَاءِ جَوْرُ الْحُكَّامِ فِي الْقَضَاءِ وَ شَهَادَةُ الزُّورِ وَ كِتْمَانُ الشَّهَادَةِ وَ مَنَعُ الزَّكَاةِ وَ الْقَرْضِ
وَ الْمَاعُونِ وَ فِسَاوَةُ الْقُلُوبِ عَلَى أَهْلِ الْفَقْرِ وَ الْفَاقَةِ وَ ظُلْمُ الْيَتِيمِ وَ الْأَزْمَلِهِ وَ انْتِهَارُ السَّائِلِ وَ رَدُّهُ بِاللَّيْلِ}. و گناهایی که مانع آمدن باران می
گردد، بیدادگری حاکمان است در داوری، و گواهی دادن به دروغ و باطل، و پنهان داشتن شهادت، و ندادن زکات و باز پس ندادن قرض و
سایر ما یحتاج (چون تبر و تیشه و آلات کار) و سخت شدن دلها بر بینوایان و نیازمندان و ستم نمودن به یتیمان و بیوه زنان، و تشر زدن بر
درخواست کننده، و مأوی ندادن و رد کردن او در شب هنگام.

ادامه این بحث انشاء الله در جلسه فرداشب . التماس دعا

ص: 269

انشاء الله تحت توجهات و عنایات حضرت بقیه الله الاعظم بهر مند باشیم بلند صلوات .

در جلسه قبل به فراز های اول دعای شریف کمیل اشاره کردیم و سرفصل های گناه و آثار نکبت بار معصیت را که مولا امیرالمومنین علی (علیه السلام) در این دعا تعلیم داده اند را با دقت بررسی کرده و با روایات و آیات قرآن کریم تطبیق دادیم . در جلسات قبل به سرنخ چهارم اشاره ای داشتیم که در توضیح آن نیاز به وقت بیشتری داریم

آنچه از سرفصل های گناه بیان کردیم : 1- {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي

2- {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ النَّقْمَ} 3- {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّقْمَ} واما سرفصل چهارم که بحث کامل نشد و انشاء الله امسب به ادامه آن میپردازیم 4- {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَا نَبِيَّ اَكْرَمَ (ص) می فرماید : عواملی که نمی گذارد دعا ها مستجاب شود عبارتند از :

1- جور و ظلم حکام و قضات : که بیش از 40 روایت در این باب تقدیم نمودیم .

دومین و سومین عامل مستجاب نشدن دعا :

2- شهادت ناحق

3- کتمان شهادت به حق . اگر درایات قرآن کریم با دقت توجه کنیم جرم شهادت بناحق و کتمان شهادت بحق به یک اندازه است.

1- یکی از صفات خوب عبادالرحمن این است که هرگز شهادت ناحق نخواهند داد.

{وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ ...}

2- یکی از صفات یهودیان منحرف و مفسد این بود که اتهام و دروغ به انبیاء میبستند و حرف حقی را که میدانستند کتمان میکردند.
(بقره/140)

ص: 271

{ أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ أَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمْ اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةَ عِزَّةٍ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ } آیا می گوئید: ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان آنان که دارای مقام نبوت بودند. آنان یهودی یا نصرانی بودند؟! بگو: شما داناترید یا خدا؟ شما به یقین می دانید که آنان یهودی و نصرانی نبودند، پس چرا واقعیت را پنهان می دارید؟! وستمکارتر از کسی که شهادتی را که از خدا نزد اوست پنهان کند، کیست؟ و خدا از آنچه انجام می دهید، بی خبر نیست

3- یکی از دستورات خداوند به مومنان این است که مبدا تدلیس و تلبیس کنید و حقیقت را کتمان نمائید (بقره/42) { وَ لَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ }

4- یکی از صفات یهود و نصاری که مفسد و مجرم بودند این بود که میدانستند پیامبر عزیز اسلام همان پیامبری است که مژده اش در تورات و انجیل آمده است ولی باز کتمان حقیقت میکردند. (بقره/146) { الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ } اهل کتاب، پیامبر اسلام را [بر اساس اوصافش که در تورات و انجیل خوانده اند. می شناسند، به گونه ای که پسران خود را می شناسند؛ و مسلماً گروهی از آنان حق را در حالی که می دانند، پنهان می دارند.

5- کسانی که حلال و حرام خدا را بخوبی میدانند ولی از مردم کتمان میکنند جز آتش در شکمهایشان چیزی نمیریزند: (بقره/174) { إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتُرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَا يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ

أَلِيمٌ} قطعاً کسانی که آنچه را خدا از کتاب [تورات و انجیل به عنوان حلال و حرام] نازل کرده [به سود خود از بی سوادان یهود و نصاری] پنهان می کنند، و در برابر این پنهان کاری بهای اندکی به دست می آورند، جز آتش به شکم های خود نمی ریزند. و خدا روز قیامت با آنان سخن نمی گوید، و [از گناهان و زشتی ها] پاکشان نمی کند، و برای آنان عذابی دردناک است

6- اگر کسی امانتی را در برابر شما به کسی سپرد مبادا از شهادت بحق دادن سرباز بزنید

(بقره/283) {وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَ لِيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَ لَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَ مَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آتِمٌ قَلْبُهُ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ} و اگر در سفر بودید و نویسنده ای [برای ثبت سند] نیافتید، وثیقه های دریافت شده [جایگزین سند و شاهد] است. و اگر یکدیگر را امین دانستید [وثیقه لازم نیست] پس باید کسی که امینش دانسته اند، امانتش را ادا کند. و از خدا پروردگار خود پروا نماید و [شما ای شاهدان!] شهادت را پنهان نکنید و هر که آن را پنهان کند، یقیناً دلش گناهکار است؛ و خدا به آنچه انجام می دهید داناست

7- اگر کسی نزد شما وصیتی کرد مبادا از اقرار ی شهادت بوصیتی اجتناب کرده و حقیقت وصیت را کتمان کنید: (مائده/106) { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ صَرَيْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ

ص: 273

الْمَوْتُ تَحْسِبُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيَقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ اِزْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذًا لَمِنَ الْآثِمِينَ {ای اهل ایمان! هنگامی که یکی از شما را [آثار] مرگ فرا می رسد، باید در حال وصیت، دو عادل از هم کیشان خود را بر وصیت

شاهد بگیرید؛ یا اگر در سفر بودید و مصیبت مرگ شما را فرارسید [و شاهی از مؤمنان نیافتید] دو نفر از غیر هم کیشان خود را شاهد وصیت بگیرید. و اگر [شما وارثان در صداقت و راستی آن دو شاهد غیر مسلمان] شک کردید، هر دو را بعد از نماز حبس کنید، پس به خدا سوگند یاد می کنند که ما این شهادت را به هیچ قیمتی نمی فروشیم هر چند [مورد شهادت] خویشاوندان ما باشد، و شهادت الهی را [که در حقیقت شهادت بر وصیت است] پنهان نمی کنیم، که اگر پنهان کنیم از گناهکاران خواهیم بود

8- خداوند از هر چه کتمان میکنید آگاه هست. پس حقیقت را هرگز پنهان نکنید

(انبیاء/110) {إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ} بی تردید اوست سخن آشکار و پنهان را میداریدرامی داند

اکنون روایات را در مورد کتمان حقیقت و شهادت به ناحق بررسی میکنیم

1- (کافی/ج 7/ص 383) قال أبو عبد الله (عليه السلام) { شاهد الزور لا تزول قدماه حتى تجب له النار } کسی که شهادت بناحق بدهد قدم از قدم برنمیدارد مگر اینکه آتش

جهنم او را به طرف خود میکشاند

2- (کافی/ج 7/ص 383) قال أبي عبد الله (عليه السلام) قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) { لا ينقضى كلام شاهد الزور من بين يدي الحاكم حتى يتبوأ مقعده من النار و كذلك من كتم الشهاده } سخن شاهد به ناحق تمام نمیشود مگر اینکه پرشود مقعد او از آتش جهنم و چنین است برای کسی که کتمان کند شهادت بحق را (تا حق مظلوم خورده شود)

3- (کافی/ج 7/ص 383) قال الباقر (عليه السلام) { ما من رجل يشهد بشهادة زور على مال رجل مسلم ليقطعه إلا كتب الله له مكانه صكا إلى النار } . اگر کسی شهادت به ناحق دهد تا مال فرد مسلمانی از او جدا و به او ظلم گردد . به محض شهادت ناحق او خداوند مینویسد برای او تا در آتش جهنم غوطه ور گردد

چهارمین عامل برای استجابت نشدن دعا: مانع زکات و صدقه است

فردی که نگذارد کسی زکات دهد و خود نیز زکاتش را ندهد و اجازه ندهد تا کمک و خیری به فقرا و محرومین برسد یکی از مهمترین

موانع استجابت دعا خواهد بود

بخل نسبت به فقراء و محرومان در قرآن کریم

ص: 275

(نساء/37) { الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا } آن گروه (اهل کتاب) که بخل می ورزند و مردم را به بخل وادار می کنند و آنچه را خدا از فضل خود به آنها داده کتمان می کنند، خدا بر این کافرین عذابی سخت مهیا داشته است .

(آل عمران/180) { وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ } کسانی که در آنچه خدا از فضلش به آنها داده است، بخل می ورزند، هرگز گمان نکنند این کار برای شان خیر است بلکه شر است، به زودی در روز رستاخیز آنچه در بخشیدنش بخل ورزیده اند همچون طوقی به گردنشان خواهند آویخت. میراث آسمانها و زمین از آن خداست و به کرده هایتان آگاه است

(حدید/24) { الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَ مَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ } و آنان را که بخل می ورزند و مردم را به بخل می خوانند، و هر کس روی بگرداند (بداند که) خدا بی نیاز و شایسته ستایش است

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله) { جَاهِلٌ سَخِيٌّ أَعْرَبٌ إِلَى اللَّهِ مِنْ عَابِدٍ بَخِيلٍ } جاهل سخاوتمند نزد خدا از عابد بخیل محبوب تر است معصوم (علیه السلام) میفرماید: (هیچ بخیلی وارد بهشت نمی شود).

صفت بخل آنقدر نفرت انگیز است که :

1- اگر کسی به دیگری می بخشد او باطنا ناراحت می شود

2- بر خانواده اش سخت می گیرد،

3- دوست ندارد مهمانی به خانه اش بیاید

4- حتی خودش مهمانی نمی رود تا کسی خانه اش نیاید،

5- و با اهل سخاوت دوستی نمی کند؛

لذا روایت وارد شده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) از صفت بخل همیشه به خدا پناه می برد .

چند حکایت در مورد بخیل

1 - گناه بخیل

پیامبر (صلی الله علیه و آله) به طواف خانه خدا مشغول بود، مردی را دید که پرده کعبه را گرفته و می گوید: خدایا به حرمت این خانه مرا بیامرز!

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: گناه تو چیست؟ گفت: گناهم بزرگتر از آن است که برایت توصیف کنم .

فرمود: وای بر تو، گناه تو بزرگتر است یا زمینها؟ گفت: گناه من .

فرمود: گناه تو بزرگتر است یا کوهها؟ گفت: گناه من .

فرمود: گناه تو بزرگتر است یا آسمانها؟ گفت: گناه من

فرمود: گناه تو بزرگتر است یا عرش خدا؟ گفت: گناه من .

ص: 277

فرمود: گناه تو بزرگتر است یا خدا؟ گفت: خدا اعظم و اعلی و اجل است.

فرمود: وای بر تو گناه خود را برایم وصف کن. گفت: یا رسول الله،

من مردی ثروتمندم و هر وقت سائلی رو به من می آورد که از من چیزی بخواهد، گویا شعله آتشی رو به من می آورد.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: از من دور شو و مرا به آتش خود مسوزان! قسم به آن که مرا به هدایت و کرامت برانگیخته است، اگر میان رکن و مقام بایستی و دو هزار سال نمازگزاری و چندان بگری که نهرها از اشکهایت جاری شود و درختان از آن سیراب گردند، و آنگاه با بخل و لئامت بمیری خدا ترا به جهنم می افکند. وای بر تو، مگر نمی دانی که خدا می فرماید (هر که بخل کند تنها بر خود بخل می کند. و هر کسی از بخل، نفس خویش را نگاهدارد آنان رستگارانند).

2 - منصور دوانقی بخیل و گدا صفت

(منصور دوانقی) دومین (خلیفه عباسی)، مشهور به بخل و امساک بود. او برای صلح و جایزه ندادن به ادبا و شعراء اول به شاعر می گفت: اگر قبلاً کسی این اشعار را از حفظ داشته باشد یا ثابت شود که شعر از شاعر دیگری است، نباید انتظار جایزه داشته باشی. اگر شاعر شعرش مال خودش بود، به وزن طومار شعرش پول می کشید، و به او می داد! تازه خودش به قدری خوش حافظه بود، که شعر شاعر را حفظ می کرده و برای شاعر می خوانده، و غلامی خوش حافظه داشته که او هم شعر را در جا حفظ می کرده و سپس رو به شاعر می کرد و می گفت

: این شعر را گفتمی نه تنها من بلکه این غلام من آن را حفظ دارد، و این کنیز که در پس پرده نشسته نیز آن را حفظ دارد، سپس به اشاره خلیفه، کنیزک هم که سه بار از شاعر و خلیفه و غلام شنیده بود، قصیده را از اول تا آخر می خواند و شاعر بدون دریافت چیزی با تعجب و دست خالی بیرون می رفت !!

روزی (اصمعی) شاعر توانا و مشهور که از وضع بخل منصور به تنگ آمده بود اشعاری با کلمات مشکل ساخت و بر روی ستون سنگی شکسته ای نوشت، و با تغییر لباس و نقاب زده به صورت عشایر که جز دو چشمش پیدا نبود، نزد منصور آمد و با لحنی غریبانه گفت: قصیده ای سروده ام، اجازه می خواهم آن را بخوانم.

منصور مانند همیشه توضیحات را برای او داد، و اصمعی هم قبول کرد و شروع به خواندن قصیده پر از الفاظ عجیب و غریب و لغات نامأنوس و جملات غامض پرداخت تا قصیده به پایان رسید. منصور با همه دقت و غلام و کنیز با همه هوش سرشار نتوانستند اشعار را حفظ کنند، و برای اولین بار فرو ماندند.

سرانجام منصور گفت: ای برادر عرب معلوم می شود که شعر را خودت گفتمی، طومار شعرت را بیاور تا به وزن آن جایزه بدهم.

اصمعی گفت: من کاغذی پیدا نکردم روی ستون سنگی نوشتم، روی بار شترم هست و آن را آورد.

منصور در شگفت ماند که اگر تمام موجودی خزانه را در یک کفه ترازو

بریزند، با آن برابری نمی کند، چکار کند؛ با هوشی که داشت گفت: ای عرب تو اصمعی نیستی؟ او نقاب از چهره اش برداشت، همه دیدند او اصمعی است.

3- ثعلبه انصاری

(ثعلبه بن حاطب انصاری) خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) آمد و عرض کرد: یا رسول (صلی الله علیه و آله)، دعا کنید خداوند به من ثروتی عنایت کند.

فرمود: مقدار کمی که شکر آن را بتوانی بهتر از ثروت زیاد است که نتوانی سپاس آن را انجام دهی.

ثعلبه رفت، باز دو مرتبه مراجعه کرد و تقاضای خود را تکرار کرد. فرمود: راضی باش به رضای خدا؟ به خدا سوگند اگر بخواهم کوهها برایم طلا شود، خواهد شد.

ثعلبه رفت و برای بار سوم مراجعه کرد و گفت: برایم دعا کن اگر خدا مرا ثروتی بدهد هر که را حقی در آن مال باشد حقش را خواهم داد.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) دعا کرد که خداوند مالی به او بدهد. دعای پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حقش مستجاب شد، و چند گوسفند تهیه کرد، و کم کم گوسفندان او چنان رو به افزایش گذاشتند که حد و حصر نداشت.

اول تمامی نمازهای خود را پشت سر پیامبر (صلی الله علیه و آله) می خواند، بعد که اموالش بیشتر شد فقط ظهر و عصر را به مسجد می آمد و بقیه اوقات نزد گوسفندان بود.

اشتغال او به جایی رسید که روز جمعه فقط به مدینه می آمد و نماز جمعه را می خواند. بعد از مدتی روز جمعه هم نمی آمد ولی در آن روز بر سر راه

می آمد و از عابرين اخبار مدینه را می پرسید. روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله) جوای حال ثعلبه شد، گفتند: گوسفندان او زیاد شده در بیرون مدینه زندگی می کند.

سه بار فرمود: وای بر ثعلبه، بعد آیه زکوه نازل شد، و پیامبر (صلی الله علیه و آله) دو نفر یکی از (بنی سلیم) و دیگری از (جهنیه) را انتخاب نمود و دستور گرفتن زکوه را برای آنها نوشت؛ و آنها به نزد ثعلبه آمدند.

برای ثعلبه نامه گرفتن زکوه را خواندند. او فکری کرد و گفت: این جزیه یا شبیه جزیه است فعلا بروید از دیگران که گرفتید آن وقت نزدم برگردید.

ماموران نزد مرد (سلیمی) رفتند و دستور گرفتن زکوه را به او رساندند و او از بهترین شترهای خود را انتخاب و سهم زکوه را داد. گفتند: ما نگفتیم بهترین شترهای ممتاز را بده! خودم مایلم این کار را بکنم. ماموران نزد دیگران هم رفتند و زکوه گرفتند. وقتی برگشتند به نزد ثعلبه آمدند. او گفت: نامه را بدهید بینم پس از خواندن باز پاسخ داد که: این جزیه یا شبیه آن است بروید تا من در این باره فکر کنم. فرستادگان خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمدند.

قبل از اینکه جریان ثعلبه را برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل کنند حضرت فرمودند: وای بر ثعلبه، و برای مرد سلیمی دعا کردند؛ و آنان هم جریان را به تفصیل نقل کردند. این آیه بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شد: (محمد/38) {هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَدْعُونَ لِنُفُوقَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخَلُ وَمَنْ يَبْخَلْ فَإِنَّمَا يَبْخَلْ عَن نَّفْسِهِ

وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ { آگاه باشید که شما همان مردمی هستید که به انفاق در راه خدا دعوت می شدید و بعضی از شما خست نشان می دهد، هر کس بخل ورزد به زیان خود اوست، زیرا خدا بی نیاز است و شما نیازمندید و اگر روی برتابید خداوند مردمی دیگر به جای شما می آورد که همسان شما نخواهند بود

فرمودند: از جمله منافقین کسانی هستند که با خدا پیمان می بندند اگر از فضل خود به ما مالی عنایت کند صدقه خواهیم داد و از نیکوکاران خواهیم بود. همینکه خداوند از فضل خویش، به آنها داد بخل ورزیده و از دین اعراض نمودند. به واسطه این پیمان شکنی و دروغگوئی، نفاق را در قلبهای آنها تا روز قیامت جایگزین کرد.

یکی از اقوام ثعلبه هنگام نزول آیه حضور داشت و جریان را شنید پیش ثعلبه رفت و او را از نزول آیه اطلاع داد. ثعلبه خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد و تقاضای قبول زکوه کرد،

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: خدا مرا امر کرده زکوه تو را نپذیرم، او از ناراحتی خاک بر سر می ریخت.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: این کیفر عمل خودت هست، ترا امری کردم نپذیرفتی. پیامبر (صلی الله علیه و آله) از دنیا رفت و ثعلبه به ابی بکر مراجعه کرد او هم زکوتش را قبول نکرد. در زمان عمر هم مراجعه کرد، عمر هم زکوتش را نپذیرفت. در زمان خلافت عثمان هم مراجعه کرد و او هم زکوتش را نپذیرفت؛ و در همان ایام مرگ او را گرفت.

(سعید بن هارون) کاتب بغدادی که معاصر مأمون خلیفه عباسی بوده است به بخل معروف است .

ابوعلی دعبل خزاعی شاعر مشهور (245 م) گوید: با جمعی از شعراء بر سعید وارد شدیم و از صبح تا ظهر نزدش نشستیم ؛ و از گرسنگی چشمهای ما تاریک شده بود و بیحال شده بودیم . به پیر غلامی که داشت گفت : اگر خوردنی داری بیاور .

غلام رفت و تا ظهر پیدا نشد، بعد از مدتی سفره ای چرکین آورد که در آن یک دانه نان خشک بود، و کاسه کهنه لب شکسته ای پر از آب گرم، که در آن پیر خروسی نپخته و بی سر بود!

چون کاسه را بر سر سفره نهاد، سعید نظر کرد و دید سر خروس بر گردش نیست . کمی فکر کرد و گفت : غلام این خروس سرش کجاست ؟

گفت : انداختم ، گفت : من آن کس را که پای خروس را بیندازد قبول ندارم تا چه رسد به سر خروس . این به فال بد می باشد که رئیس را از رءس (سر) گرفته اند، و سر خروس را چند امتیاز است :

اول ، آن که از دهان او آوازی بیرون می آید که بندگان خدای را وقت نماز معلوم کند، و خفتگان بیدار می گردند، و شب خیزان برای نماز شب آماده شوند.

دوم ، تاجی که بر سر اوست نمودار تاج پادشاهان است و به آن تاج در میان مرغان ممتاز است .

سوم، دو چشم که در کاسه سر اوست، به آن فرشتگان را معاینه می بیند؛ و شاعران شراب رنگین را بوی تشبیه می کنند و در صفت شراب لعل می گویند: این شراب مانند دو چشم خروس است.

چهارم، مغز سر او دوی کلیه است، و هیچ استخوانی خوش طعمتر از استخوان سر او نیست.

و اگر تو آن را به جهت این انداختی که گمان بردی که من نخواهم خورد خطای بزرگ کردی. بر تقدیری که من نخورم، عیال و اطفال من می خورند، و اینان هم نخورند، آخر میدانی مهمانان من که از صبح تا این وقت هیچ نخورده اند آنان می خورند. از روی غضب غلام را گفت: برو هر جا انداختی آن را پیدا کن و بیار، اگر اهمال کنی ترا اذیت کنم.

غلام گفت: والله نمی دانم که کجا انداخته ام. سعید گفت: به خدا قسم من می دانم کجا انداختی در شکم شوم خود انداختی! غلام گفت: به خدا قسم من آن را نخورده ام و تو دروغ می گوئی. سعید با حالت غضب بلند شد و یقه پیر غلام را گرفت تا وی را به زمین بیاندازد که پای سعید به آن کاسه خورد و سرنگون شد و آن پیر خروس نپخته به زمین افتاد. گربه ای در کمین بود خروس را در ربود. ما نیز سعید و غلام را که بهم گلاویز بودند گذاشتیم و از خانه اش بیرون آمدیم.

5 - بخیلیهای عرب

گفته شده: بخیلیهای عرب چهار نفرند.

(اول حطیئه) است، گویند: روزی عرب درب خانه خود ایستاده بود و عصائی در دست داشت. شخصی از آنجا می گذشت، به او رسید و گفت:

ای حطیئه من مهمان توام ، حطیئه اشاره به عصا نمود و گفت : این را برای پذیرائی مهمانان مهیا نموده ام !

دوم : حمیدار قط است ، گویند: روزی جمعی را مهمان نمود و به آنان خرما خورانید بعد از خوردن خرماها، آنها را سرزنش می کرد که چرا بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هسته ای خرما را خوردید!!

سوم : (ابوالاسواد دثلی) است ، گویند: روزی یک دانه خرما به فقیری داد و فقیر گفت : خدا در بهشت به تو یک دانه خرما بدهد. ابوالاسواد هم گفت : اگر به بینوایان چیزی بدهیم ، خودمان از آنها در مانده تر شویم !

چهارم : (خالد بن صفوان) است ، گویند: هرگاه درهمی به دستش می آمد می گفت : ای پول چقدر گردش کرده ای و پرواز نمودی که به دستم رسیدی ، اکنون به صندوق افکنم و زندانیت به طول می انجامد. آنگاه پول را در صندوق می افکند و قفل بر آن می زد. به وی گفتند: چرا انفاق نمی کنی و حال آنکه ثروت تو خیلی زیاد است ؟ در جواب می گفت : ادامه روزگار بیشتر است .

ادامه بحث انشاء الله در شب های آینده

ص: 285

انشاء الله تحت توجهات و عنایات حضرت بقیه الله الاعظم بهر مند باشیم بلند صلوات .

ص: 286

در جلسات قبل به فراز های اول دعای شریف کمیل اشاره کردیم و سرفصل های گناه و آثار نکبت بار معصیت را که مولا امیرالمومنین علی (علیه السلام) در این دعا تعلیم داده اند را با دقت بررسی کرده و با روایات و آیات قرآن کریم تطبیق دادیم . در جلسات قبل به سرنخ چهارم اشاراتی داشتیم که در توضیح آن نیاز به وقت بیشتری داریم

آنچه از سرفصل های گناه تا بحال بیان کردیم :

1- {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْتِكُ الْعِصْمَ}

2- {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ النَّقْمَ}

3- {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّقْمَ}

و اما سرفصل چهارم که هنوز بحث آن کامل نشده و انشاء الله باتمامش میرسانیم

4- {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَا}

نبی اکرم (ص) می فرماید : عواملی که نمی گذارد دعا ها مستجاب شود عبارتند از :

1- جور و ظلم حکام و قضات : که بیش از 40 روایت در این باب تقدیم نمودیم

2- شهادت ناحق 3- کتمان شهادت به حق 3- مانع زکات و صدقات به محرومان

ص: 287

و اما پنجمین عامل عدم استجاب دعا کمک کردن به ظالمین است .

5- کمک کردن به ظالم .

در ابتدا باید سری به قرآن کریم بزنیم تا ببینیم خداوند متعال ظالمین را با چهواژه هایی و صفاتی به ما معرفی فرموده است.

یکی از واژه ها (ملاء) هست. صفات مرفهین بی درد در قرآن کریم بسیار قابل تامل و توجه میباشد.

1- درمقابل مردم اصرار دارند برای جنگ با دشمن ولی در موقع عمل همه اهل فرارند: (بقره/246)

{ أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لِهْمُ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا

أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَانِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ } آیا با دیده عبرت آن گروه از سران و اشراف بنی اسرائیل را پس از موسی ندیدی که به پیامبرشان گفتند: برای ما زمامدار و فرمانروایی برانگیز تا در راه خدا جنگ کنیم؟ گفت: آیا احتمال نمی دهید، اگر جنگ بر شما مقرر و لازم شود، جنگ نکنید [و سر به نافرمانی بزنید؟] گفتند: ما را چه هدف و مرادی است که در راه خدا جنگ نکنیم، در حالی که از میان خانه ها و فرزندانمان بیرون رانده شده ایم؟! پس چون جنگ بر آنان مقرر و لازم شد، همه جز اندکی از آنان روی گرداندند و خدا به ستمکاران داناست

ص: 288

2- قیافه و تم روشن فکری به خود میگیرند و همه را جز خودشان گمراه و احمق میدانند: {أعراف/60} قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي صَلَالٍ مُبِينٍ {اشراف و سران قومش گفتند: مسلماً ما تو را در گمراهی آشکار می بینیم

3- خودشان در کفر و شرک و ناسپاسی غرقند ولی مومنین را سفیه و سبک مغز و نادان میدانند و معرفی میکنند: {أعراف/66} قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ {اشراف و سران قومش که کافر بودند گفتند: ما تو را در سبک مغزی و نادانی می بینیم و تو را از دروغگویان می پنداریم!!

4- در بین مومنین تشکیک و شبهه ایجاد میکند و در مورد انبیاء و اولیاء خدا هجوم فکری و انحرافی دارند: {أعراف/75} قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّوهُ لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحاً مُرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ {اشراف و سران قومش که تکبر و سرکشی می ورزیدند به مستضعفانی که ایمان آورده بودند، گفتند: آیا شما یقین دارید که صالح از سوی پروردگارش فرستاده شده؟ گفتند: به طور یقین ما به آیینی که فرستاده شده مؤمنیم.

5- وقتی نتوانند از نظر علمی و استدلالی با انبیاء و دین مناظره کنند اتهام جادوگری میزنند تا ضعف علمی خودشان را پنهان و مخفی کنند:

(اعراف/109) { قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ } اشراف و سران قوم فرعون گفتند: قطعاً این جادوگری زبردست و داناست.

6- وقتی نتوانند مناظره و محاجه کنند مومنین را تحدید میکنند به اخراج از شهر (اعراف/88) { قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ } اشراف و سران قومش که از پذیرفتن حق تکبر ورزیدند، گفتند: ای شعیب! مسلماً تو و کسانی را که با تو ایمان آورده اند از شهرمان بیرون می کنیم یا اینکه بی چون و چرا به آیین ما بازگردید. گفت: آیا هر چند که نفرت و کراهت [از آن آیین] داشته باشیم؟

7- تمام مومنین را زیانکار میدانند . (اعراف/90) { وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنِ اتَّبَعْتُمُ شُعَيْبًا إِنَّكُمْ إِذًا لَحَاسِرُونَ } و اشراف و سران کافر قومش به مردم گفتند: اگر از شعیب پیروی کنید، مسلماً شما هم از زیانکارانید.

8- تا میتوانند به مومنین ظلم میکنند (اعراف/103) { ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ } سپس بعد از پیامبران گذشته موسی را با آیات خود به سوی فرعون و اشراف و سران قومش فرستادیم ولی آنان به آن آیات ستم ورزیدند. پس با تأمل بنگر که سرانجام مفسدین چگونه بود؟

9- قدرتهای حاکم را تشویق و تحریک میکنند تا مومنین را به زحمت و تبعید و قتل و در بدری بکشانند: (اعراف/127) {وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَنْذَرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَآلِهَتِكَ قَالَ سَتُنْقَلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسَبَ تَحِيى نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ} اشراف و سران قوم فرعون گفتند: آیا موسی و قومش را رها می کنی تا در این سرزمین فساد و تباهی کنند و تو و معبودهایت را واگذارند؟ گفت: به زودی پسرانشان را به صورتی وسیع و گسترده به قتل می رسانیم و زنانشان را زنده می گذاریم و ما بر آنان چیره و مسلطیم.

10- در مقابل منطق وحی تکبر میورزند و اهل عصیانند. (یونس/75) {ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَى وَ هَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَ كَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ} آن گاه پس از آنان موسی و هارون را با آیات خود به سوی فرعون و اشراف و سران قومش فرستادیم، پس آنان تکبر ورزیدند و آنان گروهی گنهگار بودند.

11- وقتی در مقابل وحی عاجزند اتهام سحر و جادوگری میزنند (شعراء/34) {قَالَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ} فرعون به سران و اشراف پیرامونش گفت: یقیناً این جادوگری بسیار ماهر و دانا است!

12- بشدت از حکام و طاغوت های زمان میترسند تا مبدا به آنان و فرزندان و اموالشان صدمه ای بخورد و سریعاً به طاغوت های زمان اعلان همکاری می دهند (یونس/83) {فَمَا آمَنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِنْ قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِمْ أَنْ يَقْتُلَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ} پس در ابتدای کار کسی به موسی ایمان نیاورد، مگر فرزندان انگشت شمار از قومش آن هم با ترسی شدید از فرعون و اشراف و سران قوم

خودشان که مبدا فرعونیان آنان را شکنجه و عذاب دهند و مسلماً فرعون در سرزمین مصر برتری خواه، و درگناه، معصیت و ستم از اشراف کاران بود.

13- اهل گرفتن رشوه و رانت خواری هستند و سریعاً خودشان را به صاحبان نفوذ و قدرت نزدیک کرده تا بتوانند قدرتی بدست آورند : (یونس/88) {وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَ مَلَآءَهُ زِينَةً وَ أَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّنَا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَ اشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ} و موسی گفت: پروردگارا! فرعون و اشراف و سرانش را در زندگی دنیا زیور و زینت [بسیار] و اموال [فراوان] داده ای که [نهایتاً مردم را] از راه تو گمراه کنند، پروردگارا! اموالشان را نابود کن و دل هایشان را سخت گردان که ایمان نیاورند تا آنکه عذاب دردناک را ببینند.

14- وقتی درمقابل وحی عاجز میبینند سریعاً با تمسخر و توهین و اتهام به دروغگویی به جمع مومنان خودشان را برتر دانسته و آنان را تخفیف میدهند: (هود/27) {فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا تَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَ مَا تَرَاكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادْنَا بِادِي الرَّأْيِ وَ مَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ} اشراف و سران کافر قومش گفتند: ما تو را جز بشری مانند خود نمی بینیم، و کسی را جز فرومایگان که نسنجیده و بدون اندیشه از تو پیروی کرده باشند مشاهده نمی کنیم، و برای شما هیچ برتری و فضیلتی بر خود نمی بینیم، بلکه شما را دروغگو می پنداریم.

15- برکارها و اعمال مومنین ایراد میگیرند و تمسخر میکنند و مردم را تحریک میکنند تا مومنین را مسخره کنند: (هود/38) {وَ يَصْنَعُ الْفُلَكَ وَ كَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأٌ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ} و [نوح] کشتی را می ساخت و هرگاه گروهی از اشراف و سران قومش بر او عبور می کردند، او را به مسخره می گرفتند. گفت: اگر شما ما را مسخره می کنید، مسلماً ما هم شما را به هنگام پدید آمدن توفان [همان گونه که ما را مسخره می کنید، مسخره خواهیم کرد.

16- برای حفظ موقعیت سیاسی و اجتماعی خود تمام قامت با طاغوت های زمان همکاری میکنند و همانند عبد ذلیل مطیع ظالمین زمانند تا مبادا موقعیتشان را از دست بدهند و با وجودیکه بخوبی میدانند عاقبت این عملشان ختم بخیر نمیشود: (هود/97) {إِلَى فِرْعَوْنَ وَ مَلَأْنَاهُ فَاتَّبَعُوا أَمْرًا

فِرْعَوْنَ وَ مَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ {به سوی فرعون و اشراف و سران قوم} او، ولی [آنان برای حفظ مقام و مال خود] از فرمان فرعون پیروی کردند،

در حالی که فرمان فرعون راهنمای به سوی سعادت و خوشبختی نبود.

17- غالباً اطراف و همنشین فرعون های زمانند: (یوسف/43) {وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سَاهِيَاتٍ يَأْكُلْنَ سَبْعَ عِجَافٍ وَسَبْعَ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُءْيَايَ إِن كُنْتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ} و پادشاه مصر به بارگاه نشینانش گفت: پی در پی در خواب می بینم که هفت گاو لاغر، هفت گاو فربه را می خورند، و نیز هفت خوشه سبز و هفت خوشه خشک را مشاهده می کنم شما ای بزرگان! اگر تعبیر خواب می دانید درباره خوابم نظر دهید.

18- خودشان نسبت به مردم ژن برتر میدانند : (مؤمنون/46) {إِلَى فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَ كَانُوا قَوْمًا عَالِينَ} به سوی فرعون و سران و اشراف قومش، پس تکبر ورزیدند و آنان قومی برتری جو بودند

19- اتهام میزنند که انبیاء و مومنین قصد دارند بر ما برتری کنند و ما را برده خودشان نمایند و اگر راست میگویند باید فرشتگانی بادیگارد آنان باشند تا ما بفهمیم اینان از ما برتر و بهترند: و تا بحال حتی از اباء و اجدادمان این سخنان را نشنیده ایم و این ها این حرفها را بهم بافته اند :

(مؤمنون/24) {فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ}

20- وقتی با مخالفین نظراتشان میرسند سریعاً تصمیم به قتل مومنین میگیرند . دست به کشتنشان بسیار راحت و آسان است : (قصص/20) { وَ جَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ } و مردی از دورترین [نقطه] شهر شتابان آمد [و] گفت: ای موسی! اشراف و سران فرعونى [درباره تو مشورت می کنند که تو را بکشند! بنابراین [از این شهر] بیرون برو که یقیناً من از خیر خواهان توام.

21- انبیاء را خدا اول برای حکام و اشرافیان فرستاده است (زخرف/46) { وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ } و به راستی ما موسی را با نشانه های خود به سوی فرعون و سران و اشراف قومش فرستادیم، پس گفت: من فرستاده پروردگار جهانیانم

22- خدا برای اثبات حقانیت معجزه های گوناگون هم برای اشراف زاده ها فرستاده ولی زیر بار نمیروند (قصص/32) { اسْلُكْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضًا مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَ اصْطَمُّمُ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ } دستت را در گریبان ببرد تا بدون هیچ عیبی سفید و درخشان بیرون آید، و برای از بین رفتن ترسی که دچارش شده ای دو دستت را بر سینه بگذار، پس این

دو معجزه از ناحیه پروردگار توسط به سوی فرعون و اشراف و سران او که همواره مردمی نافرمان هستند.

-23

منحرفان را تشویق و تحریک و متحد میکنند تا در برابر استدلال منطقی وحی و انبیاء ایستادگی کنند تا مبادا ریاستشان را از دست ندهند. (ص/6) {وَ انْطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنِ امْشُوا وَ اصْبِرُوا عَلَى آلِهَتِكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ} سران و اشرافشان روان شدند [و فریاد برداشتند] که: بروید و بر پرستش معبودانتان ایستادگی کنید که [از دعوتش به سوی معبود یگانه] این [ریاست و آقایی بر ما مردم] اراده شده است.

جلسه بیست و ششم (19/02/1400)

اشاره

انشاء الله تحت توجهات و عنایات حضرت بقیه الله الاعظم بهر مند باشیم بلند صلوات .

ص: 296

در جلسات قبل به فراز های اول دعای شریف کمیل اشاره کردیم و سرفصل های گناه و

آثار نکبت بار معصیت را که مولا امیرالمومنین علی (علیه السلام) در این دعا تعلیم داده اند را با دقت بررسی کرده و با روایات و آیات قرآن کریم تطبیق دادیم . در جلسات

قبل به سرنخ چهارم اشاراتی داشتیم که در توضیح آن نیاز به وقت بیشتری داریم آنچه از سرفصل های گناه تا بحال بیان کردیم :

1- {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْتِكُ الْعِصْمَ}

2- {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ النَّقْمَ}

3- {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّقْمَ}

و اما سرفصل چهارم که هنوز بحث آن کامل نشده و انشاء الله امشب جمع بندی خواهیم کرد

4- {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَا}

نبی اکرم (ص) می فرماید : عواملی که نمی گذارد دعا ها مستجاب شود عبارتند از :

1- جور و ظلم حکام و قضات : که بیش از 40 روایت در این باب تقدیم نمودیم

2- شهادت ناحق 3- کتمان شهادت به حق 3- مانع زکات و صدقات به محرومان 5- کمک کردن به ظالم .

ص: 297

و اما ششمین عامل عدم استجابت دعا قصی القلب بودن در برابر فقرا و محرومین است .

6- قساوت القلب علی الفقراء.

مقایسه قلب مومن با قلب غیر مومن و گنه کار از دیدگاه قران کریم

1- قلب مومن سالم است: (شعراء/89) { يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ اتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ. }

قلب غیر مومن مریض: (بقره/10) { فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا. }

2- قلب مومن متقی و پرهیزکار است: (حجرات/3) { أُولَئِكَ الَّذِينَ أَمْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِيَتَّقُوا. }

قلب غیر مومن معصیت کار است: (بقره/283) { وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَاَنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ. }

3- قلب مومن با طهارت است: (احزاب/53) { ذَالِكُمْ اَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ }

قلب غیر مومن غیر طاهر و پلید است: (انعام/125) { كَذٰلِكَ يَجْعَلُ اللّٰهُ الرّٰجِسَ عَلٰى الذّٰيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ } (مطففين/14) { كَلَّا بَلْ رَانَ عَلٰى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ }

ص: 298

4- قلب مومن مهربان است: (حدید/27) { وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً } قلب غیر مومن سخت است : (زمر/22) { فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ }

5- قلب مومن آرام است: (رعد/28) { اِلَّا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ } قلب غیر مومن مضطرب است: (ال عمران/151) { سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا اسْتَرْكُوا بِاللَّهِ }

6- قلب مومن باز و فراخ است: (زمر/22) { اِعْمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِإِسْلَامٍ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ } قلب غیر مومن بسته است: (محمد/24) { اِفْلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَشْمَ عَلَى قُلُوبٍ اِغْفَالُهَا }

7- قلب مومن متواضع است: (حج/54) { فَيَوْمِنُوا بِهِ فِتْحَتٍ لَهُ قُلُوبُهُمْ } قلب غیر مومن متکبر است: (غافر/35) { كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٌ }

8- قلب مومن با الفت و اتحاد است: (ال عمران/103) { وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ اِعْدَاءً فَآلَفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ }

قلب غیر مومن با تفرقه و اختلاف است: (حشر/14) { تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى }

9- قلب مومن متذکر به خداست: (ق/37) { إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرٍ لِّمَنْ مَانَ لَهُ قَلْبٌ } قلب مومن غافل از خداست: (کهف/28) { وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا }

10- قلب مومن بینا و بصیر است: (اعراف/201) { إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ } قلب مومن غیر مومن نابینا و کور است تا

حقایق را ببیند: (حج/46) { وَلَكِنَّ تَعْمَى الْقُلُوبِ الَّتِي فِي الصُّدُورِ }

مقام قلب

1- وحی بر قلب نازنین پیامبر نازل شد (شعراء/194/195) { نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ } روح الامین قرآن کریم را بر قلب تو نازل کرد تا از بیم دهندگان باشی.

(بقره/97) { قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ } [آنان می گویند: چون جبرئیل، وحی را برای تو می آورد ما با او دشمنیم بنابراین به تو ایمان نمی آوریم] بگو: هر که دشمن جبرئیل است [دشمن خداست] زیرا او قرآن را به فرمان خدا بر قلب تو نازل کرده است، در حالی که تصدیق کننده کتاب های پیش از خود و هدایت و بشارت برای مؤمنان است.

2- شعور و قلب (حج/46) { اَعْلَمَ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا } چرا در زمین سیر نمی کنند تا قلبهایی داشته باشند که با آنها تعقل کنند؟

3- ایمان و قلب (مجادله/22) { اُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ } خداوند در قلب این مردم ایمان را ثبت کرده و با روحی از جانب خودش تائیدشان نموده است.

4- مهربانی و الفت و قلب (انفال/63) { هُوَ الَّذِي آيَدُكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ وَالْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ } خداست که با نصرت خودش و بوسیله مومنین تو را تائید نمود و در قلبهایشان الفت انداخت .

5- اطمینان و قلب (رعد/28) { اِلَّا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ }

6- هدایت و قلب (تغابن/11) { وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ } هرکس به خدا ایمان بیاورد قلبش را هدایت می کند و خدا به همه چیز آگاه است .

ص: 301

7- ازدیاد ایمان و قلب: (فتح/4) { هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا } خداست که آرامش را در دل مومنین نازل کرد تا ایمانشان بیشتر شود

8- اطاعت از خداوند و گوش‌شنوا به سبب قلبی پندگیرنده (ق/37) { إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْفَى السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيدٌ } بی‌تردید در سرگذشت پیشینیان مایه پند و عبرتی است برای کسی که نیروی تعقل دارد، یا با تأمل و دقت [به سرگذشت‌ها] گوش فرا می‌دهد در حالی که حاضر به شنیدن و فراگیری شنیده‌های خود باشد.

9- عبادت و قلب (کهف/28) { وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَ كَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا } با کسانی که صبح و شام، پروردگارشان را می‌خوانند در حالی که همواره خشنودی او را می‌طلبند، خود را پایدار و شکیبادار، و در طلب زینت و زیور زندگی دنیا دیدگانت [از التفات] به آنان [به سوی ثروتمندان] برنگردد، و از کسی که دلش را [به سبب کفر و طغیانش] از یاد خود غافل کرده ایم و از هوای نفسش پیروی کرده و کارش اسراف و زیاده‌روی است، اطاعت مکن.

9- نان یا چوب و قلب (تغییر رفتار بر اثر مظروفات قلبی است و هرکس اب‌قلبش را می‌خورد) (تغابن/11)

{ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ } هیچ مصیبتی جز به فرمان خدا نرسد. و هر کس به خدا ایمان بیاورد، خدا قلبش را [به حقایق] راهنمایی می کند و خدا به همه چیز داناست.

10- صداقت و قلب (بقره/204) { وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَيْهِ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ } و از مردم کسی است که گفتارش در زندگی دنیا تو را خوش آید، و [برای اینکه چنین وانمود کند که زبانش با دلش یکی است] خدا را بر آنچه در دل دارد شاهد می گیرد، در حالی که سرسخت ترین دشمنان است.

آثار تیرگی قلب

1- لجبازی و جدال (غافر/35) { الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ }

کسانی که در آیات خدا بی آنکه دلیلی برای آنان آمده باشد، مجادله و ستیزه می کنند [این عمل زشتشان] نزد خدا و نزد اهل ایمان مایه دشمنی بزرگ است این گونه خدا بر دل هر گردنکش زورگویی، مهر [تیره بختی] می نه کسانی که اهل مجادله باشند خداوند بر قلبشان مهر باطل خواهد زد

2- مریضی قلب بدلیل گناه و معصیت : ویروس نفهمی عدم تعقل و فهم به دلیل مریضی قلبشان :

(اعراف/179) { لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا } آنهاى كه قلب هاىى دارند كه با آنها نمى فهمند و چشمهاىى دارند كه با آنها نمى بينند .

3- مهربر قلبهايشان مى زينم به دليل مريضى قلبشان (توبه/78) { وَ طَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ } بر قلبهاى آنها مهرب باطل زده شده پس نمى فهمند .

- عدم ايمان به دليل مريضى قلبشان

(نحل/22) { قَالُوا لَئِن لَّا نُؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مَا لَنَكْفُرَهُ وَ هُمْ مَسَدٌ تَكْبُرُونَ } آنان كه جهان آخرت ايمان ندارند قلبشان انكار مى كند و استكبار مى ورزند.

4- نفاق دارند چون قلبشان مريض است (توبه/64) { يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ اِنْ نَزَلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ } منافقون از اين مى ترسند كه از جانب خدا سوره اى نازل شود و از آنچه در قلب دارند خبر مى دهد .

5- غفلت مى ورزند چون مريض است قلبشان (كهف/28) { وَلَا تَطِعْ مَنْ اغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ } از كسى كه قلبش را از يادمان غافل نموده ايم و از هواى نفس پيروي مى كند اطاعت نكن .

6- تندخو و بداخلاق است چون قلبشان مريض است (ال عمران/159) { وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا عَلِيظًا لَاقْتَضَى الْقَلْبُ لَانْفِصَا مِنْ حَوْلِكَ }

ای رسول خدا اگر تند خو و بداخلاق بود و سخت دل بودی مردم از اطراف تو پراکنده می شدند.

یکی از ابزار مهمی که شیطان بشدت از آن بهره برداری میکند ترس از فقر و ناامیدی به آینده است لذا با کمک از این ترس فقیر شدن شک و شبهه ایجاد میکند تا مبادا کسی دست به جیب شود و انفاق نماید تا روز بروز فقر جامعه اسلامی را بگیرد و امنیت در جامعه اسلامی تهدید شود و آسایش و آرامش در جامعه اسلامی رخت بر بندد. لذا دین مبین اسلام هم سفارش به فقرا کرده که صبور یکنند و ناامید نشوند و هم به سرمایه داران سفارش موکد فرموده که انفاق کنند و دستگیری از فقراء را بالاترین عبادت معرفی فرموده است.

فقر و فقیر

شرح کوتاه:

نوع افراد جامعه از طبقه سوم و پائین تر و به فقر مادی دچارند و تعدادشان هم بسیار است .

اگر فقر ادامه داشته باشد، و مشکل فقر در جامعه حل نگردد شخص فقیر توانی و امیدش را ازدست میدهد و چه بسا به کفر کشیده شده و دست به جرائم و گناهان آلوده شود.

از یک طرف فقیر باید به خدا توکل کند و نا امید نگردد و سعی کند

ص: 305

حدالامکان قناعت نماید و با صبر و حلم در حفظ آبرو و کوشا باشد که پیامبر فرمود: بهترین این امت فقراء هستند و زودتر از همه به بهشت می روند؛ فقر فخر من است؛ بهشت مشتاق فقیران است. فقرا پادشاهان اهل بهشت هستند.

از ری حاکمان جامعه باید فکر فقرا و محرومان و مستضعفان باشند و خدمت با آنان را در اولویت دولت و حکومت قرار دهند و با ایجاد اشتغال و رفاه و آسایش عدالت در جامعه را فراگیر و برای عموم فراهم نمایند. بشدت از اختلاس و اھتکار و تورم و گرانی و بی رحمی و ظلم به مشتری و گرانفروشی و کم فروشی مبارزه کند و با جدیت کامل به جنگ خودخواهان و مرفهین بی درد رود تا با این اقدام روزنه امیدی برای فقرا بوجود آید .

(بقره/268) {الشيطان يعدكم الفقر} شیطان به شما وعده فقر و بی چیزی می دهد. تا شمارا بترساند تا مبادا انفاق کنید

پیامبر (صلی الله علیه و آله) {تحفه المومن فی الدنيا الفقر} ارمان شخص مؤمن در دنیا بی چیزی اوست .

واما حکایات و داستان هایی در مورد فقر و فقیر

1 - پارسای فقیر

سعدی گوید: شنیدم پارسای فقیری از شدت فقر، در رنج دشوار بود، و پی در پی لباسش را پاره بر پاره می دوخت و برای آرامش دل می گفت: (به نان خشکی و لباس پشمینه پر وصله ای قناعت کنم، بار سخت خود کشم و بار منت خلق نکشم .

ص: 306

شخصی به او گفت: چرا در اینجا نشسته ای؟ مگر نمی دانی که در شهر راد مرد بزرگوار و بخشنده ای هست که کمر همت برای خدمت به آزادگان بسته، و جویای خشنودی دردمندان است، برخیز و نزد او برو و ماجرای وضع خود را برای او بیان کن، که اگر او از وضع تو آگاه شود، با کمال احترام و رعایت عزت تو، به تو نان و لباس نو خواهد داد و تو را خرسند خواهد کرد!

پارسای فقیر گفت: خاموش باش! که در پستی، مردن به، که حاجت نزد کسی بردن پاره بر پاره دوختن و پیوسته در گوشه صبر و تحمل ماندن، بهتر از آن است که بخاطر خواستن لباس، برای بزرگان نامه نوشتن. برآستی که بهشت رفتن به شفاعت همسایه، با شکنجه آتش دوزخ یکسان است

2- فقر و باز نشستگی

پیرمردی نابینا به حضور امیر مومنان علیه السلام آمد و درخواست کمک نمود. حضرت علی (علیه السلام) از حاضران مجلس پرسید: این کیست از چه قرار است؟ گفتند: یا امیرالمؤمنین این مرد نصرانی است؛ و چنان وانمود کردند که نباید چیزی به او داده شود.

حضرت فرمود: عجب! تا وقتی که توانایی کار داشت از وی کار کشیدید و اکنون که سالمند و ناتوان گردیده، وی را به حال خود گذارده اید. گذشته این مرد حاکی از آنست که در ایام

توانائی کار کرده و خدمت نموده است . آنگاه دستور فرمود: از محل بیت المال به او انفاق گردد و مقرری پرداخت شود.

3 - آثار کمک به فقیر عبدالله بن مبارک در سالی اراده رفتن به مکه داشت . روزی از کوچه ای عبور می نمود، ناگهان زنی را دید که مرغی مرده و گندیده از زمین برگرفت و در زیر چادر خود پنهان نمود!

عبدالله گفت : ای زن این مرغ را چرا برداشتی ؟ زن گفت : نیازمندی و احتیاج مرا وادار کرد تا این کار را کنم ! عبدالله چون این بشنید، زن را به منزل خود برد و پانصد دینار را که تهیه کرده بود به سفر حج برود به آن زن فقیر داد.

آن سال به حج رفت . هنگامیکه حاجی ها برگشتند، او به استقبال آنها رفت . آنان می گفتند: ما ترا در سفر حج در عرفات و منی و جاهای دیگر دیده ایم .

عبدالله نزد امام(علیه السلام) شرفیاب شد و ماجرای خود را نقل کرد، امام علیه السلام فرمود: آری خداوند بشکل تو ملکی را آفرید که زیارت خانه خدا کند .

4 - همسایه سید جواد

فقیه کامل سید جواد عاملی نویسنده کتاب مفتاح الکرامه می گوید: شبی مشغول شام خوردن بودم که درب خانه زده شد. درب را باز کردم دیدم

ص: 308

خادم علامه سید بحرالعلوم است و گفت: سید بحرالعلوم شام در نزدش است و منتظر شماس است. با خادم به منزل سید بحرالعلوم رفتم، همینکه خدمتش رسیدم، فرمود: از خداوند نمی ترسی که مراقبت نداری؟! عرض کردم: استاد مگر چه شده است؟ فرمود: مردی از برادران هم مذهب تو برای خانواده اش از فقر خرما زاهدی آنهم نسیه می گیرد، و هفت روز بر آنان گذشته و جز خرما طعم هیچ چیز دیگری را نچشیده اند! امروز نزد بقال رفت چیزی بگیرد او را جواب کرده و خجالت کشید و الان خود (محمد نجم عاملی) و خانواده اش بدون شام شب را می گذرانند. تو غذای سیر می خوری با اینکه همسایه مستحق است!

عرض کردم: من هیچ اطلاعی از وضع او نداشتم! فرمود: اگر آگاهی داشتی و کمک نمی کردی یهودی بلکه کافر بودی؛ ناراحتیم برای این است که چرا از حال برادران دینی ات تفحص نمی کنی؟ اکنون این ظرفهای غذا را خادمم بر می دارد؛ با او برو در خانه آن مرد و بگو میل داشتم امشب با هم غذا بخوریم، و کیسه پول (120 ریال) را در زیر حصیر او بگذار و ظرفها را برمگردان.

سید جواد گفت: من با خادم بمنزلش رفتیم و دستور استاد را انجام دادیم، همسایه گفت: این غذا را اعراب نمی توانند درست کنند، بگو متعلق به چه کسی است و با اصرار گفتم: از سید بحرالعلوم است.

سوگند یاد کرد و گفت: جز خدا تا کنون کسی از حال من آگاهی نداشت، حتی همسایگان نزدیک چه رسد بکسانیکه دورند و این پیش آمد را از

5- ترک فقیری هم مشکل است

در زمان ملک حسین کرت (کورت) مولانا ارشدی بود که به فقر و گدایی مشهور بود لکن صدای خوبی داشت و مردم را متاثر می کرد. وقتی ملک حسین خواست که پیام آوری به شیراز نزد شاه شجاع بفرستند تا مدعای او را خاطر نشان کند گفتند: در بیان، مولانا ارشد فقیر و گدا خوب است. ملک حسین او را خواست و گفت: تو را برای کار مهمی می فرستم فقط یک عیب داری که دست فقر دراز می نمائی؛ اگر عهد کنی آبروریزی نکنی تو را به شیراز می فرستم! او را بیست هزار دینار داد و عهد گرفتند مبادا در شیراز دست گدائی بگشاید.

اسباب سفر او را آماده و بیست و پنج هزار دینار به او دادند. او به شیراز رفت و به مدعا جواب یافت. چون خواست برگردد، شاه شجاع و ارکان دولت از او خواستند با صدایش پند و آوازی از او بشنوند. قرار شد بعد از نماز جمعه در مسجد جامع، صدا به وعظ بگشاید؛ همه ارکان دولت و مردم هم جمع بودند. چون صدا بلند کرد و همه را جذب کرد، صفت گدائی قوه طمعش را به حرکت درآورد، نزد همگان گفت: مرا سوگند دادند از فقر و گدائی چیزی نگویم. از وقتی به شهر شما آمدم خبری نشد! آیا شما سوگند نخورده اید که مرا چیزی ندهید؟ مردم در عین گریه، خندان شدند و آنقدر به او پول دادند تا راضی شد.

(نور/32) {وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنَ الصَّالِحِينَ وَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ} مردان و زنان

بی همسرتان و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید اگر تهیدست اند، خدا آنان را از فضل خود بی نیاز می کند و خدا بسیار عطا کننده و داناست.

حق صدقه و فقیر

(بقره/264) { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ } ای اهل ایمان! صدقه هایتان را با منت و آزار باطل نکنید، مانند کسی که مالش را به ریا به مردم انفاق می کند

(نساء/37) { الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا } کسانی که [از انفاق اموالشان در راه خدا] بخل می ورزند، و مردم را به بخل فرمان می دهند، و آنچه را خدا از فضل خود به آنان داده پنهان می کنند، [کافرند] و ما برای کافران عذابی خوارکننده آماده کرده ایم

فقیر شناسی فقیر کیست و از کجا باید تشخیص بدهیم؟ (بقره/273)

{ لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ } صدقات حق نیازمندی است که در راه خدا [به سبب جنگ یا طلب دانش یا بیماری یا عوامل دیگر] در مضیقه و تنگنا افتاده اند [و برای فراهم کردن هزینه زندگی] نمی توانند در زمین سفر کنند فرد ناآگاه آنان را از شدت پارسایی و عفتی که دارند توانگر و بی نیاز می پندارد. [تو ای رسول من!] آنان را از سیمایشان

می شناسی. آنان از مردم به اصرار چیزی نمی خواهند. و شما ای اهل ایمان! آنچه از مال [با ارزش و بی عیب] انفاق کنید، یقیناً خدا به آن داناست.

جلسه بیست و هفتم (20/02/1400)

اشاره

انشاء الله تحت توجهات و عنایات حضرت بقیه الله الاعظم بهر مند باشیم بلند صلوات .

در جلسات قبل به فراز های اول دعای شریف کمیل اشاره کردیم و سرفصل های گناه و آثار نکبت بار معصیت را که مولا امیرالمومنین علی (علیه السلام) در این دعا تعلیم داده اند را با دقت بررسی کرده و با روایات و آیات قرآن کریم تطبیق دادیم . در جلسات قبل به سرنخ چهارم اشاراتی داشتیم که در توضیح آن نیاز به وقت بیشتری داریم

آنچه از سرفصل های گناه تا بحال بیان کردیم :

1- {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْتِكُ الْعِصْمَ}

2- {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ النَّقْمَ}

3- {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّقْمَ}

ص: 312

4- اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذَّنُوبَ الَّتِي تَحِسُّ الدَّعَا

واما پنجمین سر فصل آثار نکبت بار گناهان در زندگی فردی و اجتماعی ما

5- اللهم اغفر لي الذنوب التي تنزل البلاء {

پیامبر اکرم (ص) فرمودند : چند گناه است که بلا را نازل می کند عبارتند از :

1- شرک بخدا . (زمر/15) {فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ} پس شما هم آنچه را می خواهید، به جای او بپرستید. بگو: بی تردید زیانکاران واقعی کسانی هستند که روز قیامت سرمایه وجودشان و کسانشان را به تباهی داده باشند آگاه باشید! که آن همان زیان آشکار است.

(شرک)

(لقمان/13) (لا تشرك بالله ان الشرك لظلم عظيم) : هرگز بخدا شرک نیاور که شرک بسیار ظلم بزرگی است .

امام باقر (علیه السلام) { المعاصی التي يرتكبون فهي شرک طاعة اطاعوا فيها الشيطان {

گناهانی که افراد مرتکب می شوند آن شرک در طاعت است که اطاعت از شیطان می باشد.

ص: 313

یکی از رذایل نفسانی شرک ورزیدن است که بوسیله اسباب و عللی از قبیل جهل و فقر و شک و مانند اینها شخص معتقد به چیزهایی می شود که قابلیت خدائی ندارند و یا غیر خدا را مؤثر بالا صاله می داند، و یا در پرستش غیر خدا را می خواند، و یا نیتی را بهمراه عمل عبادی شریک قرار می دهد. آن چه مشرک می پندارد و متوسل می شود گناه است و ادامه فکر شرک منجر به حبط اعمال و نفاق می گردد که خسران دنیوی و اخروی را می خرد، و به حيله شیطانی، آتش روز بروز زیادتر می گردد.

1 - علی بن حسکه

سهل بن زیاد آدمی گوید: بعضی از دوستان ما به امام عسگری نامه نوشتند که : علی بن حسکه مدعی است از دوستان و مریدان شماست و معتقدتر می باشد که شما خدائید، و او باب سوی شما و پیامبر است، و عقیده دارد که نماز و زکات و حج و روزه معرفت شماست و هر کس بر این عقیده باشد مؤمن کامل است و بقیه اعمال نماز و روزه از او ساقط می گردد؟!

امام در جواب نامه نوشتند، علی بن حسکه دروغ می گوید، لعنت خدا بر او باد، من او را جزء دوستانم نمی شناسم، بخدا سوگند محمد (صلی الله علیه و آله) و پیامبران قبل از او به یکتاپرستی و نماز و زکات و روزه و حج و ولایت مبعوث شدند. محمد (صلی الله علیه و آله) کسی را به سوی خدای یکتا بدون شریک دعوت نکرد ما همه جانشینان رسول خدا و بندگان خدائیم و برای او

شریک قائل نیستیم،... اگر یکی از آنان را دیدید (بخاطر حرفهای شرک) با سنگ مغزش را متلاشی سازید.

علی بن حسکه از غلات و عقاید انحرافی داشته و شاگردانی همانند قاسم شعرانی و یقینینی و ابن بابا و محمد بن موسی شریفی را پرورش داده بود که امام با این جمله که (از اینان بیزاری می جویم و خدا آنها را لعنت کند، این عقیده شرک آلود را تخطئه کردند.

2 - مشرک مؤمن شد

شبیبه بن عثمان یکی از مشرکان بوده برادر و پدرش در جنگ احد به دست مسلمانان کشته شدند، او در کمین رسول خدا صلی الله علیه و آله بود در یک فرصت مناسب، آن حضرت را بکشد و انتقام خون برادر و پدرش را از آن حضرت بگیرد.

سالها گذشت تا ماجرای جنگ حنین در سال هشتم هجرت به پیش آمد، در آن بحران (شبیبه) با خود گفت: اکنون فرصت خوبی است، خود را آماده ساخت و به پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله رسانید تا توطئه خود را اجرا سازد.

خداوند پیامبر (صلی الله علیه و آله) را از سوء قصد شبیه آگاه کرد. پیامبر بی درنگ به عقب برگشت و مشت بر سینه شبیه زد و فرمود: (پناه می برم به خدا از شر تو ای شبیه) شبیه می گوید لرزه بر اندامم افتاد، ناگهان چهره پیامبر را دیدم، همان دم احساس کردم او محبوبترین افراد در نزد من است، و حتی او را از گوش

ص: 315

و چشمم عزیزتر می دانم . همان دم با گواهی دادن به یکتایی خدا و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) مسلمان شدم و گفتم : گواهی می دهم

که خداوند تو را از نیت مخفی من آگاه ساخت .

پیامبر دست بر سینه ام نهاد و فرمود: (خدایا شیطان را از او دور گردان)... پس از خاتمه جنگ پیامبر به من فرمود: (آنچه خدای برایت خواسته بهتر از آن بود که می خواستی)

3 - شرک خفی

ابو سعید خدری گوید: ما عده ای بودیم که در زمان و شرایط سخت و دشواری طبق نوبت تنظیم شده از رسول خدا، حراست می کردیم . بعد از مدتی که گذشت ، یک گروه از نگهبانان عادت کرده بودند که در گوشی و آهسته با یکدیگر نجوی کنند و سخن بگویند و منهم میان آنها بودم . رسول خدا (صلی الله علیه و آله) یکشب بر ما وارد شد، وقتیکه مشاهده کرد بعضی در گوشی صحبت می کنند، فرمود: این نجوی (در گوشی سخن گفتن) چیست ؟ آیا شما از آن نهی نشده اید؟ (هرگاه سخن به راز و نجوی گوئید هرگز به مطالب بد و دشمنی و مخالفت رسول (صلی الله علیه و آله) نگوئید) گفتیم : در پیشگاه خدا و رسولش توبه کردیم ، ما درباره دجال صحبت می نمودیم . فرمود: می خواهید شما را از کسی که در نزد من خطرش بیشتر از دجال است به شما معرفی نمایم ؟

ص: 316

آنگاه فرمود: شرک خفی یعنی انسانی عهده دار کارهای ناشایسته و گناه دیگران گردد، خطرش از دجال بیشتر است

4- هم کفر هم شرک

بعد از بدرک واصل شدن هشام بن عبدالملک خلیفه اموی لهنه الله علیه . ملعون دیگری به نام ولید بن یزید لعنه الله علیه در سنه 125 بر خلافت استوار شد. او از کسانی بود که پیامبر خیر داده بود: (در این امت به خلافت می رسد که بدتر از فرعون در قومش باشد). او دائما مست بود و می گفت: چه کسی گفته نبوت برای خاندان هاشمی است اصلا نه ولی و نه کتابی از طرف خدا بوده، به خدا بگوئید مرا از شراب خوردن منع می کنی .

یکشب مؤذن اذان صبح گفت، ولید برخواست در حالیکه با جاریه خود مست بودند، با او مجامعت کرد و قسم یاد کرد که کنیز با مردم نماز بگذارد، لذا لباس خود را به وی پوشاند و با جنابت وی را به مسجد فرستاد و بامامت ایستاد و مردم را اقتدا کردند.

و روزی ولید تقابل به قرآن زد این آیه آمد (فتح نصیب رسولان، و هر ستمگر و جبار نصیبش هلاکت و حرامان است) قرآن را بر هم گذاشت و با تیر قرآن را نشانه خود کرد و آنقدر تیر زد که قرآن پاره پاره شد و گفت: ای قرآن مرا تهدید به جبار عنید می کنی، روز قیامت شد بگو ای خدا ولید مرا پاره پاره کرد، نتیجه کفر و شرکش چنان شد که یک سال بیشتر

ص: 317

حکومت نکرد و او را به بدترین وجهی کشتند و سرش را بر قصر آویختند و تن ناپاکش را در خارج شهر دفن کردند

5 - مناظره با مشرکان

حضرت ابراهیم خلیل (علیه السلام) برای تفهیم خداپرستی از یک طرف با بت پرستان که مجسمه هائی داشتند، و از طرف دیگر با قائلین به الوهیت ستارگان و ماه و خورشید، که برای خدا شریک قائل بودند، درگیر بود. چنان که در بابل و حران هجرتگاه دوم ابراهیم معابد و هیاکلی به نام ستارگان ساخته بودند که آنها را پرستش می کردند.

در مناظره و محاجه با ستاره پرستان چنین آمده است (چون پرده تاریک شب افق را فرو گرفت یکی از ستارگان را - ستاره زهره - بدید فرمود: این است پروردگار من !)

وقتی ستاره غروب کرد ابراهیم به جستجو پرداخت او را نیافت ، به آنان فرمود: من خدایانی را که غروب می کنند دوست ندارم . چون ماه بیرون آمد و طلوع کرد، فرمود: نیست پروردگار من ؛ چون غروب و افول کرد فرمود: اگر پروردگارم مرا هدایت نکند مسلماً از گمراهان خواهم بود. چون خورشید طلوع کرد فرمود: این است پروردگارم ؛ چون غروب کرد در بیزاری از کار مشرکان و کافران فرمود: من روی دل و پرستش را به کسی متوجه می دارم که آسمانها و زمین را آفریده ، و از مشرکان نیستم ... آیا درباره خدای یکتائی که مرا به راه راست هدایت کرده با من محاجه می کنید و از آنچه با او شریک می پندارید بیم ندارم

ص: 318

2- کشتن انسان (قَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى) حرمت انسان و تکریم انسان را میتوان بخوبی از آیات الهی فهمید. انسانی که اشرف مخلوقات است باید حرمت خویش را بداند و برای خود و دیگران حرمت قائل باشد.

(مائده/32) {مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا} هرکس انسانی را جز برای حق، قصاص یا بدون آنکه فساد در زمین کرده باشد، بکشد، چنان است که همه انسان ها را کشته، و هر کس انسانی را از مرگ برهاند و زنده بدارد، گویی همه انسان ها را زنده داشته است.

(نساء/92) {وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَأً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَلْيَدِّهِمْ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِدْيَاً شَاهِرِينَ مُتَّابِعِينَ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا} هیچ مؤمنی را نسزد که مؤمنی را بکشد، مگر آنکه این عمل از روی خطا و اشتباه اتفاق افتد. و کسی که مؤمنی را از روی خطا و اشتباه بکشد، باید یک برده مؤمن آزاد کند، و خون بهایی به وارثان مقتول پرداخت نماید؛ مگر آنکه آنان خون بها را ببخشند. و اگر مقتول از گروهی باشد که دشمن شمایند و خود او مؤمن است، فقط آزاد کردن یک برده مؤمن بر عهده قاتل است. و اگر مقتول مؤمن، از گروهی باشد که میان شما و آنان پیمانی برقرار است، باید خون بهایش را به وارثان او پرداخت کند، و نیز یک برده مؤمن آزاد

نماید. و کسی که برده نیافت، باید دو ماه پیاپی روزه بگیرد. [این حکم] به سبب [پذیرش] توبه [قاتل] از سوی خداست؛ و خدا همواره دانا و حکیم است.

{إسراء/33} وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا {و کسی را که خدا کشتنش را حرام کرده و به جانش حرمت نهاده} جز به حق نکشید، و هر کس مظلوم و به ناحق کشته شود، برای وارثش تسلطی بر قاتل جهت خونخواهی، دیه و عفو قرار داده ایم، پس وارث مقتول نباید در کشتن زیاده روی کند؛ زیرا او [با قوانین صحیح و درستی چون دیه و قصاص مورد حمایت قرار گرفته است

{تکویر/9} {بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ}

{بقره/72} {وَ إِذْ قَاتَلْتُمْ نَفْسًا فَاذَّارَ اَنْتُمْ فِيهَا وَ اللّٰهُ مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ} و یاد کنید هنگامی که کسی را کشتید و درباره قاتل او به نزاع و ستیز برخاستید؛ و خدا آشکار کننده چیزی است که پنهان می داشتید.

{مائده/30} {فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ اَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَاَصْدَبَحَ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ} نفس طغیان گرش کشتن برادرش را در نظرش سهل و آسان جلوه داد، پس او را کشت و از زیانکاران شد

{انعام/137} {وَ كَذٰلِكَ زَيْنٌ لِّكَثِيْرٍ مِّنَ الْمُسَدْرِكِيْنَ قَتَلَ اَوْلَادِهِمْ شُرَكَاءُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَ لِيَلْبَسُوْا عَلَيْهِمْ دِيْنَهُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللّٰهُ مَا فَعَلُوْهُ فَذَرَهُمْ وَ مَا يَفْتَرُوْنَ} مانند این سهم بندی بی اساس که هوای نفسشان در نظرشان آراست بتان، کشتن فرزندانشان را در نظرشان آراستند تا سرگردان و هلاکشان سازند و دینشان را بر آنان مُشْتَبِه [و آمیخته به بدعت ها و خرافات کنند؛ اگر خدا می خواست اجباراً آن کار را نمی کردند ولی اجبار

به عمل و ترک آن مشمول خواست خدا نیست؛ پس آنان را با آنچه دروغ می سازند واگذار میکند

3- زنان پاکدامن را تهمت زدن .

(نور/23) {إِنَّ الَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ} بی تردید کسانی که زنان عفیفه پاکدامن باایمان را [که از شدت ایمان از بی عفتی و گناه بی خبرند] متهم به زنا کنند، در دنیا و آخرت لعنت می شوند، و برای آنان عذابی بزرگ است.

مطلب اول :

شادی انقدر برای زن مفید است که چه بسا نشاط میتواند زن نازا را مادر کند:

(هود/71) {وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحَكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ} پس همسرش در حالی که ایستاده بود [از شنیدن گفتگوی فرشتگان با ابراهیم] خندید. پس او را به اسحاق و پس از اسحاق به یعقوب مژده دادیم.

مطلب دوم:

زنان اگر پاکدامن نباشند نقشه های شوم و فتنه انگیز خواهند کشید

(یوسف/51) {قَالَ مَا خَطْبُكَ إِذْ رَاوَدْتَنِّي يُوسُفَ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَةُ الْعَزِيزِ الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ} [پادشاه به زنان] گفت: داستان شما هنگامی

ص: 321

که یوسف را به کام جویی دعوت کردید چیست؟ [زنان] گفتند: پاک و منزّه است خدا! ما هیچ بدی در او سراغ نداریم. همسر عزیز گفت: اکنون حق [پس از پنهان ماندنش] به خوبی آشکار شد، من [بودم که] از او درخواست کام جویی کردم، یقیناً یوسف از راستگویان است
مطلب سوم:

زن اگر در مسیر الهی گام بر ندارد ولو همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد عذاب خواهد دید:

(حجر/60) {إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَرْنَا إِنِّهَا لَمِنَ الْغَابِرِينَ} مگر همسرش را که [به سبب روی گردانی اش از حق] مقدر کرده ایم از بازماندگان در شهر و نابودشوندگان باشد.

مطلب چهارم:

زنان اگر مومنه باشند فرزندان خود را نذر مساجد کرده تادخدمت مومنین باشند: (ال عمران/35) {إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ} [یاد کنید] هنگامی که همسر عمران گفت: پروردگارا! برای تو نذر کردم که آنچه را در شکم خود دارم [برای خدمت خانه تو از ولایت و سرپرستی من] آزاد باشد، بنابراین از من بپذیر یقیناً تو شنوا و دانایی

مطلب پنجم:

در انتخاب همسر معادله اگر رعایت نشود انسان اسیب می بیند.: (نور/26) {الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ}

ص: 322

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند :

خداوند متعال به سوی زنی که از شوهرش سپاسگذاری نمی کند در حالیکه به او وابسته است ؛ نظر رحمت نمی افکند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند :

از بدبختی مرد آن است که زنی داشته باشد که از دیدنش ناراحت شود و از زبانش آزار ببیند و در غیاب شوهرش امین بر شوهرش نباشد .

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند :

بهترین شما کسی است که بیش از دیگران با همسر و فرزنداناش به نیکی و خوبی رفتار کند و من بهترین شما نسبت به اهل و عیالم هستم .

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند :

کسیکه اخلاقش بهتر است ایمانش کامل تر است و نیکوکارترین شما کسی است که نسبت به همسر و اهلس نیکوکارتر و مهربانتر باشد

امیرالمومنین ع فرمودند : بهترین خصلتهای زنان ؛ بدترین خصلتهای مردان است

1- غرور : زیرا زن هرگاه مغرور باشد هرگز خودش را در اختیار نامحرم نمی گذارد

2- بخل : هرگاه بخیل باشد مال خود و شوهرش را نگه می دارد

ص: 323

3- ترسویی : هرگاه ترسو باشد از هر چیزی که مایع بدنامی باشد وحشت می کند .

4- زنا: (إسراء/32) {وَلَا تَقْرُبُوا الزَّانِيَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا} نزدیک زنا نشوید کار بسیار زشتی است

(نور/2) {الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْشَ هَذَا عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ }

(نور/3) {الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ }

(فرقان/68) {وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا }

(ممتحنه/12) { يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُسَدِّ رُكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بَبْهَتَانٍ يَفْتَرِيَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعَصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنْ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ }

ص: 324

انشاء الله تحت توجهات و عنایات حضرت بقیه الله الاعظم بهر مند باشیم بلند صلوات .

در جلسات قبل به فراز های اول دعای شریف کمیل اشاره کردیم و سرفصل های گناه و آثار نکبت بار معصیت را که مولا امیرالمومنین علی (علیه السلام) در این دعا تعلیم داده اند را با دقت بررسی کرده و با روایات و آیات قرآن کریم تطبیق دادیم . در جلسات قبل به سرنخ چهارم اشاراتی داشتیم که در توضیح آن نیاز به وقت بیشتری داریم

آنچه از سرفصل های گناه تا بحال بیان کردیم :

1- {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْتِكُ الْعِصْمَ}

2- {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ النَّقْمَ}

3- {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّقْمَ}

4- {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْسِبُ الدُّعَا}

5- اللهم اغفر لي الذنوب التي تنزل البلاء }

گناهایی که بلا را نازل میکند و در جلسه قبل توضیح داده شد

1- شرک بخدا 2- کشتن انسان 3- زنان

پاکدامن را تهمت زدن . 4- زنا

و اما پنجمین عامل برای نزول بلا خوردن مال یتیم است

5- خوردن مال یتیم ظالمانه

(اَكُلْ مَالَ الْيَتِيمِ ظُلْمًا). (نساء/10) {إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا} بی تردید کسانی که اموال یتیمان را به ستم می خورند، فقط در شکم خود آتش می خورند، و به زودی در آتش فروزان در آیند.

(یتیم)

(ضحی/9) (فاما الیتیم فلا- تقهر) هرگز یتیم را میازار قال رسول الله (صلی الله علیه و آله) {من کفل یتیمًا و کفل نفقته کنت انا و هو فی الجنة}

هر کس یتیمی را کفالت کند و نفقه اش را بدهد من و او با هم در بهشت هستیم .

شرح کوتاه :

طفلی که محروم از پدر و مادر است احتیاج مبرم به لطف و محبت بندگان خدا دارد. دست به سر کشیدن یتیم ، اطعام دادن ، خوشحال نمودن به وسایلی ، لباس پوشاندن و دهها امثال اینها از اسبابی است که مومنین می توانند نسبت به یتیمان داشته باشند. (در بهشت جایگاهی است به نام (خانه خوشحالی) که داخل آن نمی شود مگر کسی که ایتم مؤمنین را خوشحال کرده باشد، از آن طرف در جهنم جایگاهی است که از پشت (دبر) افراد آتش بیرون می آید آنها کسانی هستند که در دنیا اموال ایتم را به ظلم غصب کردند و خوردند).

1- بصری یتیم نواز

در اطراف بصره مردی فوت شد، چون بسیار آلوده بود کسی برای تشییع جنازه او حاضر نگشت . زنش چند نفر را پول داد تا آمدند جنازه را بردند

ص: 326

به قبرستان تا بدون نماز دفن کنند.

در آن جا زاهدی مشهور که به صدق و صفا مشهور بود، آمد بر جنازه او نماز خواند و بعد جنازه را دفن کردند.

این خبر به مردم شهر رسید، مردم دسته دسته نزد زاهد آمدند و از نماز بر جنازه گناهکار سؤال کردند!

زاهد گفت: من در خواب دیدم که به من گفتند: برو فلان محل جنازه ای می آید که فقط یک زن همراه اوست بر او نماز بخوان. از زن او پرسیدم شوهرت چه عملی داشت که خداوند به تو ترحم کرد؟ گفت: شرب خمر می نمود این بدی او بود. فرمود: کار خویش چه بود؟ زن گفت: هر وقت از مستی بهوش می آمد گریه می کرد و می گفت: خدایا کدام گوشه جهنم مرا جای خواهی داد؛ و صبح که می شد لباس خود را عوض می کرد و غسل می کرد و وضو می گرفت و نماز می خواند. دیگر عمل خوبش، هیچگاه خانه او خالی از دو یا سه یتیم نبود، آنقدر که به یتیمان مهربانی و شفقت می کرد، به اطفال خود نمی کرد.

2- اسفندیار

چون رستم بن زال با اسفندیار مبارزه کرد با آن شجاعتی که رستم داشت مغلوب اسفندیار شد.

چندین حمله میان ایشان واقع شد و در هر حمله جراحی به رستم از اسفندیار وارد می شد؛ چون اسفندیار روئین تن (قوی و پرزور) بود حملات رستم بر او کارگر نمی شد آخر رستم با پدرش درباره اسفندیار

ص: 327

مشورت کرد، زال گفت: باید تیری که دو سر داشته باشد آماده کنی و چشمهای اسفندیار را نشانه کنی تا نابینا گردد. رستم به فرموده پدر این چنین کرد و چشمهای اسفندیار را نابینا نمود و بر او ظفر یافت. علتش را این چنین گفته اند که: اسفندیار در جوانی شاخه درختی در دست داشت و به آن شاخه بر سر و صورت طفل یتیمی زد و او را نابینا کرد. پس آن یتیم شاخه را به زمین نشانید، در زمان جنگ رستم با اسفندیار، رستم از چوب همان شاخه گرفت و تیری دو سر تراشید به چشمان اسفندیار زد و او را کور کرد.

3- توجه به یتیم نوازی

پسر بچه ای نزد پیامبر آمد و گفت: ای پیامبر خدا پدرم از دنیا رفته و خواهر و مادر هم دارم، آنچه خداوند به شما عنایت فرموده به ما کمک کن. پیامبر به بلال فرمود: برو به خانه ما گردش کن هر چه غذا پیدا کردی بیاور. بلال به حجره هایی که مربوط به پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود آمد و پس از جستجو 21 خرما پیدا کرد و به خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) آورد. پیامبر به آن پسر فرمود: هفت عدد آن مال خودت، هفت عدد مال خواهرت و هفت عدد مال مادرت باشد.

در این هنگام یکی از اصحاب بنام معاذ دست نوازش بر سر آن یتیم کشید و گفت: خداوند تو را از یتیمی بیرون آورد و جانشین پدرت سازد!

پیامبر به معاذ فرمود: محبت تو نسبت به این یتیم را دیدم، بدان که هر کس یتیمی را سرپرستی کند و دست نوازش به سر او بکشد، خداوند به

هر موئی که زیر دست او می گذرد، پاداش شایسته ای به او می دهد و گناهی از گناهان او را محو می سازد و مقام او را بالا می برد.

4- سفارش به عمه ها

طبق نقل بعد از حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) هجده پسر و نوزده دختر باقی ماندند عده ای از فرزندان ذکور کم سن و سال بودند و دختران بخاطر آنکه هم کفو نداشتند بعد از پدر شوهر نکردند و عده ای هم کم سن بودند و لذا یتیم شدند و لاجرم احتیاج به کمک وافر داشتند، در نامه ای که امام رضا علیه السلام (از ایران) برای فرزندش امام جواد (علیه السلام) نگاشته بودند این چنین آمده است:

ای ابا جعفر (کنیه امام جواد) به من رسیده است که هر گاه سوار می شوی برای بیرون رفتن از منزل، غلامان ترا از درب کوچک بیرون می برند و این از بخل است که مبادا از جانب تو کسی بهره مند شود. به آن حقی که من بر تو دارم، بیرون رفتن و بازگشتن تو باید از درب بزرگ باشد. هرگاه می خواهی بیرون بروی طلا و نقره همراه بردار، پس هر که از تو چیزی خواست عطا نما؛ و اگر عموهایت از تو چیزی خواستند با آنها نیکوئی نما و کمتر از پنجاه دینار به آنها عطاء مکن، و به عمه های خود نیز کمتر از بیست و پنج دینار مده، همانا من اراده دارم که باین بخشش خداوند تو را بلند گرداند، انفاق کن و از تنگدستی مترس

ص: 329

در سال هشتم هجری در جنگ موته جناب جعفر طیار برادر امیر المؤمنین به شهادت رسید، عبدالله فرزند جعفر گوید: وقتی پیامبر بخانه ما آمد و خبر شهادت پدرم را به مادرم (اسماء بنت عمیس) داد فراموش نمی‌کنم که پیامبر چگونه بر سر من و برادرم دست نوازش و مهربانی می‌کشید در حالیکه اشگ از چشمان مبارکش جاری بود، بحدی گریه می‌کرد که محاسن شریفش تر شد و می‌فرمود: خدایا جعفر به بهترین ثواب اقدام کرد، خاندانش را رعایت کن به بهترین نوع که خاندانها را رعایت می‌کنی ...

پیامبر برخاست دست مرا گرفت و مرا نوازش می‌کرد تا وارد مسجد شد، بمنبر تشریف برد، مرا در یک پله پائین توقرار داد، در حالیکه آثار حزن و اندوه از سر و صورت حضرتش نمایان بود.

سپس بخانه شریف برد، مرا هم با خود بخانه برد؛ دستور داد برایم غذای مخصوصی تهیه کردند و دنبال برادرم فرستادند، من و برادرم غذای پاکیزه ای خوردیم. سپس به کنیز خود سلمی دستور داد مقداری جو آرد کند، سپس سلمی خمیر کرد و با روغن زیتون و فلفل غذا درست کرد و ما از آن می‌خوردیم. سه روز مداوم که مادرم مشغول عزاداری بود در خانه پیغمبر بودیم. به خانه هر یک از زنهایش می‌رفت ما را هم همراه خود می‌برد و پس از سه روز بخانه خود برگشتیم.

(توبه/88) {لَكِنَّ الرَّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ} ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند با اموال و جان هایشان جهاد کردند، اینانند که همه خیرات دنیا و آخرت برای آنان است و اینانند که رستگارند.

و جوب جهاد در راه خدا و شرائط آن

1- نباید والدین و خانواده و اموال و تجارت شمارا از جهاد در راه خدا باز دارد (توبه/24)

{قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ} بگو: اگر پدرانتان و فرزندانان و برادرانتان و همسرانتان و خویشانان و اموالی که فراهم آورده اید و تجارتی که از بی رونقی و کسادى اش می ترسید و خانه هایی که به آنها دل خوش کرده اید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب ترند، پس منتظر بمانید تا خدا فرمان عذابش را بیاورد و خدا گروه فاسقان را هدایت

ص: 331

2- مبادا با دشمن خدا و اعتقادات خود مخفیانه دوستی و مرادده داشته باشید: (ممتحنه/ 1)

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ } ای اهل ایمان! دشمنان من و دشمنان خودتان را دوستان خود مگیرید، شما با آنان اظهار دوستی می کنید، در حالی که آنان به طور یقین به آنچه از حق برای شما آمده کافرنده، و پیامبر و شما را به خاطر ایمانتان به خدا که پروردگار شماست [از وطن] بیرون می کنند، [پس آنان را دوستان خود مگیرید] اگر برای جهاد در راه من و طلب خشنودیم بیرون آمده اید [چرا] مخفیانه به آنان پیام می دهید که دوستشان دارید؟ در حالی که من به آنچه پنهان می داشتید و آنچه آشکار کردید داناترم، و هر کس از شما با دشمنان من رابطه دوستی برقرار کند، مسلماً از راه راست منحرف شده است.

3- با تمسک به آیات قرآن کریم با آنان جهاد و محاجه کنید:

(فرقان/52) { فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا } پس کافران را [که انتظار دارند از ابلاغ وحی باز ایستی] فرمان مبر و به وسیله این [قرآن] با آنان جهاد [ی فرهنگی و تبلیغی] کن.

4- کسی که کور (مشکل اعتقادی دارد و شبهات بر او رخنه کرده) و لنگ (علم و تقوی ندارد) و مریض (از نظر علمی ناتوان است) است جهاد براو

واجب نیست: (فتح/17) { لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّ يَعدُّهُ عَذَاباً أَلِيماً } بر نابینا و لنگ و بیمار اگر در جنگ شرکت نکنند [گناهی نیست. و کسی که از خدا و پیامبرش اطاعت کند، او را در بهشت هایی درآورد که از زیر درختان [آن] نهرها جاری است، و هر کس روی بگرداند او را به عذابی دردناک عذاب می کند.

5- بر کسی که مستضعف (فکری و علمی) و مریض (دچار شبها و خرافات شده) و کسی که ابزار جهاد (بیان؛ شیوه استدلال؛ صبر؛ سیاست) ندارد جهاد براو واجب نیست: (توبه/91) { لَيْسَ عَلَى الضُّعْفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرْجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ } بر ناتوانان و بیماران و آنان که چیزی برای هزینه کردن [در راه جهاد] نمی یابند، گناهی نیست [که در جهاد شرکت نکنند در صورتی که [در پشت جبهه با اعمال و گفتارشان برای خدا و پیامبرش خیرخواهی کنند و از این طریق به حمایت رزمندگان برخیزند آری، بر نیکوکاران

[معدور] هیچ مؤاخذه و سرزنشی نیست، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

7- سرقت و دزدی .

(مائده/38) { وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالاً مِنَ

ص: 333

و دست مرد و زن دزد را به کیفر کار زشتی که مرتکب شده اند به عنوان مجازاتی از سوی خدا قطع کنید؛ و خدا توانای شکست ناپذیر است

امام صادق (علیه السلام): { إِذَا سَرَقَ السَّارِقُ قَطَعْتَ يَدَهُ وَغَرَمَ مَا أَخَذَ }

هرگاه سارقی دزدی کرد انگشتان دستش را قطع و آنچه از اموال برده غرامتش را از او باید گرفت .

شرح کوتاه :

آنکس که مهریه زن را نمی دهد و قرض می گیرد و ادا نمی کند و از دادن زکات واجب جلوگیری می کند و غیره از مصادیق سرقت است ولیکن تداعی از دزدی به سرقت اموال و متاع مردم مخفیانه و با حيله گرفتن است که مورد نظر است . اگر امنیت نباشد مردم خواب راحت نمی روند و از ترس دزد، خانواده ها هم در وحشت هستند . اسلام برای امن بودن ، حکم بریدن انگشتان سارق را دستور داده است ، حتی اگر بچه باشد باید بنحوی تعزیر شود تا عود به این عمل بد ننماید . اجراء نکردن این حکم قرآنی سبب شده که در جوامع اسلامی سارقین کم نباشند .

1- امام و اقرار دزد

مردی نزد امام علی (علیه السلام) آمد و اقرار به دزدی کرد، حضرت فرمود: از قرآن چیزی می توانی قرائت بنمائی؟ عرض کرد: بلی ، سوره بقره را می دانم . فرمود: تو را به جهت سوره بقره بخشیدم . اشعث بن قیس گفت : آیا حدی از حدود خدا را معطل می گذاری؟ فرمود: تو چه می فهمی؟ هر آینه برای امام است که هرگاه کسی خودش اقرار به دزدی بکند، او را

بخواهد حد بزند یا عفو نماید؛ ولی هرگاه دو نفر شهادت دادند تعطیل حدود روا نیست

2 - شتر اعرابی

شیخ طاووس الحرمین گوید: وقتی در مکه معظمه در مسجدالحرام ایستاده بودم، اعرابی را دیدم که بر شتر نشسته می آید وقتی به درب مسجد رسید، از شتر فرود آمد و شتر را خوابانید و هر دو زانویش را بست و آنگاه سر به سوی آسمان بلند کرد و گفت: بار خدایا این شتر و باربر او را به تو سپردم، بعد داخل مسجدالحرام شد. طواف کرد و نماز خواند و سپس از مسجد بیرون آمد و شتر را ندید. رو به سوی آسمان بلند کرد و گفت: الهی در شرع مقدس آمده که مال را از آن کس طلب می کنند که به او امانت سپرده باشد، اکنون من شتر را به تو سپردم، تو به من بازرسان. چون این بگفت، دیدم که از پشت کوه ابوقبیس کسی می آید و مهار شتری به دست چپ و دست راستش بریده و در گردنش آویخته است. نزدیک اعرابی آمد و گفت: ای جوان شتر خود را بگیر. اعرابی گفت: تو کیستی و چگونه به این حالت گرفتار شدی؟ گفت: من مردی در مانده بودم و به خاطر احتیاج شتر را به سرقت بردم، ناگاه در پشت کوه ابوقبیس رفتم و سواری را دیدم می آید، بانگی بر من زد و گفت:

ص: 335

دست را جلو بیار دست را جلو بردم با شمشیری دستم را برید و برگردنم آویخت و گفت : این شتر را زود به صاحبش برسان

3 - بهلول و دزد :

بهلول آنچه از مخارجش زیاد می آمد در گوشه خرابه ای پنهان می کرد. وقتی مقداری پولهایش به سیصد درهم رسیده بود، روزی دیگر که درهم اضافه داشت به اطراف همان خرابه رفت تا پول را ضمیمه آن پنهان کند، مرد کاسبی که در همسایگی خرابه بود از جریان آگاه شد. همینکه بهلول کار خود را کرد و از خرابه دور شد، آن مرد پولهای زیر خاک را بیرون آورد. وقتی بهلول برای سرکشی به جایگاه پول رفت ، اثری از آن ندید؛ فهمید کار همان همسایه کاسب است . بهلول نزد کاسب آمد و گفت : می خواهم به شما زحمتی بدهم و آن اینکه پولهایم در مکانهای متفرق است یکی یکی را نام برد تا مجموع سه هزار درهم رسید، بعد گفت : جانی که سیصد و ده درهم است محفوظتر است می خواهم بقیه را در آنجا بگذارم و خدا حافظی کرد و رفت . کاسب فکر کرد سیصد و ده درهم را ببرد در محل خود بگذارد تا بقیه را در آنجا گذاشت مقدارش زیاد می شود بعد آن را به سرقت ببرد. بهلول بعد از چند روز آمد داخل خرابه و سیصد و ده درهم را در همانجا یافت و در جایگاه آن مدفوع نمود و خاک رویش ریخت . کاسب در کمین زود آمد خاکها را کنار بزد تا همه پولها را ببرد، دستش به نجاست آلوده گردید و از حيله بهلول آگاهی یافت . بهلول پس از چند روز دیگر نزد او آمد و گفت : می خواهم چند رقم از پولهایم را جمع بزنم هشتاد درهم به اضافه

ص: 336

پنجاه درهم بعلاوه صد درهم مجموع را با بوی گندیکه از دستهایت استشمام می کنی چقدر می شود؟! این را گفت و پا به فرار گذاشت ، کاسب دنبالش دوید تا او را بگیرد ولی نتوانست

4- حکایت دزدان زبردست:

چند نفر دزد ، در محلی نشسته بودند 0 اتفاقا مرد صرافى با کیسه ی پولی که در دست داشت ، از پیش آنها می گذشت 0 یکی از دزدان به رفقای خود گفت : چه میدهید اگر من همین کیسه را بدزدم؟ آنها گفتند: به بینیم چگونه می دزدی؟ دزد از جا برخاست و بدنبال صراف راه افتاد ، تا داخل منزلش شد و خود را در گوشه ای پنهان نمود 0 صراف کیسه را روی عبای خود گذاشت و خادمه را صدا زد که آفتابه بیاورد، و خود به مستراح رفت ، فوراً دزد کیسه را برداشت و بنزد رفقای خود برگشت و به آنها کیسه را نشان داد و جریان را نقل نمود رفقایش گفتند: خیلی کار بدی کردی یک زن ضعیفی را بیچاره نمودی. دزد گفت : اکنون چه میخواهید؟ گفتند: اگر هنر داری برو و خادمه را خلاص کن و کیسه را بیاور 0 دزد گفت : این کار را هم خواهیم کرد مجددا برخاست و به پشت درب خانه آمد ، دید فریاد خادمه بلند است که من از کیسه خبر ندارم به بینید شاید بیرون فراموش کرده اید و از این قبیل سخنان که ناگهان دزد در را کوبید صراف شخصا آمد به بیند کیست ؟

ص: 337

دزد بر او سلام کرد و گفت: من شاگرد همسایه ی دکان شما هستم اربابم گفت برو و به حاجی بگو شما حواستان پرت بود کیسه ی پولتان را روی سکوی دکان ما گذاشتید و فراموش کردید بردارد اگر ما هم نمی فهمیدیم کیسه را می دزدیدند. آنگاه دزد کیسه را به صراف ارائه داد و گفت: مگر این کیسه ی شما نیست؟ صراف کیسه را گرفت و گفت بلی کیسه من همین است خیلی متشکر به اربابت سلام برسان. دزد گفت: خواهش میکنم کیسه را مرحمت کنید نگهدارم و شما یک رسیدی بمن بدهید تا به اربابم نشان دهم مرد صراف، کیسه را به دزد تسلیم کرد، و بداخل خانه رفت تا رسید بنویسد. دزد هم از موقعیت استفاده نموده، کیسه را برداشت و با عجله ی تمام بنزد رفقای خود برگشت و پس از نشان دادن کیسه، جریان را برای آنها نقل نمود.

5- معتصم و دزد در زمان معتضد دهمین خلیفه عباسی، ده کیسه زر که هر یک حاوی ده هزار دینار بود از خزانه برای مصرف لشکریان به خانه حسابدار سپاه برده، و به او تحویل داده شد شب دزدی نقب حسابدار رفت و کیسه ها را به سرقت برد. روز رئیس نگهبانان به نام (مونس عجلی) را احضار کرد و گفت: اگر آترا پیدا نکنی آنوقت کارت به خلیفه مربوط می شود. او تمام دزدان سابق و پیر و توبه کنندگان از سرقت را جمع و این مسئله را عنوان کرد، و آنان را تهدید سخت نمود. تمام مأمورین و دزدان سابق همت گماشتند مرد لاغری را تحویل رئیس نگهبانان دادند او از مرد سؤال کرد و انکار نمود. دید با زبان نرم اقرار نمی کند، با جایزه و تشویق

او را مورد تفقد قرار دادند فایده ای نداشت ، آخر الامر او را شکنجه دادند بطوری که جای سالمی در بدنش نماند، ولی اقرار به دزدی نکرد. معتضد از جریان با خبر شد و دزد را خواست و از او بازجوئی کرد، باز اقرار نکرد. دستور داد تا پزشکان او را مداوا کنند تا از ضرب و جراحت نمیرد، و پزشکان او را مداوا کردند.

بار دوم خلیفه او را خواست ، و او بخاطر سلامتی یافتن دوباره خلیفه را دعا کرد، و منکر سرقت شد.

بار سوم خلیفه او را وعده وعید داد و برایش حقوقی تعیین کرد و از اموال مسروقه هم گفت : قسمتی را به تو می بخشم ، او منکر سرقت شد.

بار چهارم قرآن را آوردند و او را قسم دادند که اعتراف کند، او به قرآن قسم خورد که بی گناه است .

بار پنجم خلیفه گفت : دست روی سر خلیفه بگذار و بگو به جان خلیفه من دزدی نکرده ام ، او همچنین کاری کرد و گفت : به جان خلیفه من نذریم .

بار ششم خلیفه سی نفر سیاهان قوی هیکل را گماشت به نوبت کنار متهم باشند به نوبت بخوابند و نگذارند چشم دزد به خواب رود و اگر خواست بخوابد او را بزنند تا چند روز او را همین شکل نگه داشتند تا اینکه خلیفه دستور داد او را به نزدش بیاورند. از او بازجویی کرد او انکار دزدی را کرد و قسم خورد نمی داند.

بار هفتم خلیفه گفت : او بی گناه است او را عفو کنید و از او حلالیت

بجوئید و بعد دستور داد غذا و شربت خنک فراوان به او بدهند؛ وقتی کاملاً سیر شد خوشخوابی از پر قو برایش بگذارند تا چندین روز که نخواستید بود بخوابد.

وقتی دراز کشید لحظه ای خوابید، با حالت خواب آلودگی او را بیدار و نزد خلیفه آوردند و برای بار هشتم گفت: تعریف کن چگونه نقب زدی و اموال کجا بردی؟ متهم که از پری شکم و خواب آلودگی گرفتار شده بود بی اختیار بیهوشانه گفت: اموال را به حمام مقابل خانه حسابدار زیر خارهایی که حمام را با آن روشن می کنند پنهان کردم و روی آن را با خاک پوشاندم. خلیفه دستور داد او را به رختخوابش ببرند تا بخوابد، و دستور داد تا آنجا را که دزد گفته اموال را بگیرند و بیاورند. بعد دستور داد او را از خواب بیدار کنند و برای بار نهم از او از اموال مسروقه سؤال کرد و انکار کرد. خلیفه اموال مسروقه را نزد او گذاشت و به اقرار قبلی اش باز انکار کرد، دستور داد دست و پای او را محکم بستند و پیوسته باد کن در مقعدش فرو کردند و در آن دمیدند گوش و دماغ و دهان او را با پنبه بستند که باد در تمام بدنش فرود رود و بدنش باد کند و ورم نماید.

حالتش بقدری عجیب شده بود که نزدیک بود حدقه چشمش از چشم بیرون بیاید. بعد خلیفه گفت: رگ بالای ابروی او را بشکافند تا باد همراه خون از آن بیرون بیرون بیاید، تا باد خالی شد. (او به هلاکت رسید).

انشاء الله تحت توجهات و عنایات حضرت بقیه الله الاعظم بهر مند باشیم بلند صلوات .

ص: 341

در جلسات قبل به فراز های دعای شریف کمیل اشاره کردیم و سر فصل های گناه و آثار نکبت بار معصیت را که مولا امیرالمومنین علی (علیه السلام) در این دعا تعلیم داده اند را با دقت بررسی کرده و با روایات و آیات قرآن کریم تطبیق دادیم . در جلسات قبل به سرنخ پنجم اشاراتی داشته و مفصلاً با آیات و روایات و حکایات و داستان ها توضیح و شرح دادیم

آنچه از سرفصل های گناه تا بحال بیان کردیم :

1- {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْتِكِ الْعِصْمَ}

2- {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ النِّقَمَ}

3- {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّقَمَ}

4- {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْسِبُ الدُّعَا}

5- اللهم اغفر لي الذنوب التي تُنزلُ البلاء

و اما ششمین سرنخ گناه و آثار نکبت بار آن:

6- {اللهم اغفر لي الذنوب التي تقطع الرجاء}

گناهانی که امید انسان را قطع میکند عبارتند از :

1- يَأْسِ مِنْ رُوحِ اللَّهِ . (زمر/53) { قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ } بگو: ای بندگان من که [با ارتکاب گناه] بر خود تجاوز کار بوده اید! از رحمت خدا نومید نشوید، یقیناً خدا همه گناهان را می آمرزد زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است

2- اعتمادش به خدا کم شود. (حجرات/15) {إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ} مؤمنان فقط کسانی اند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده اند، آن گاه [در حقیقت آنچه به آن ایمان آورده اند] شک ننموده و با اموال و جان هایشان در راه خدا جهاد کرده اند اینان [در گفتار و کردار] اهل صدق و راستی اند.

3- اعتماد بغير خدا پیدا کند (الثقه بغير الله) (یوسف/87) { يَا بَنِي إِدْرِيْسَ أَذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْكَافِرُونَ} ای پسرانم! بروید آن گاه از یوسف و برادرش جستجو کنید و از رحمت خدا مأیوس نباشید زیرا جز مردم کافر از رحمت خدا مأیوس نمی شوند.

4- وعده های خداوند را تکذیب کند. (روم/6) { وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ} خدا این وعده را داده است؛ و خدا از وعده اش تخلف نمی کند، ولی بیشتر مردم معرفت و شناخت نسبت به وفای قطعی خدا در مورد وعده اش ندارند

اثار گناه و راههای محو و از بین بردن آن

1- کیفر بدیها در دنیا اول به گنهکار می رسد و در قیامت معذب به

عذاب الهی میگردد: (نحل/34) {فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ}

پس کیفریدی هایی که انجام دادند به آنان رسید، و عذابی که همواره مسخره می کردند، بر آنان نازل شد.

2- زشتی های گناه را خواهند دید

(زمر/48) {وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ} است: منین هی د شدبدلیل ظلم و ستم و گناهایی که مرتکب شده الهی میگردد: زشتی های آنچه را که مرتکب شده اند برای آنان پدیدار می گردد، و آنچه از عذاب هایی که مسخره می کردند، آنان را احاطه خواهد کرد.

1- حضرت یونس (علیه السلام) عصبانی شد در هدایت کردن مردم و خداوند او را در شکم ماهی و اسارت در دریا گرفتار و سپس تطهیر نمود

2- حضرت موسی بن عمران (علیه السلام) با مشت خود به مرد قبطیه چندسال دچار غربت و دربدری و خوردن سبزی های در بیابان ها شد.

3- حضرت یوسف که امیدوار به برادرانش شد که چه کسی جرات میکند پسری را اذیت نماید که دارای 10 برادر میباشد. خداوند او را به همین برادران توسط حسدشان گرفتار نمود

4- حضرت یعقوب نبی (علیه السلام) که فقیری را به خاطر شلوغی جلسه مهمانی در منزلش غافل شده و او را ساعتی درب منزلش معطل نمود. خداوند نیز او را 40 سال معطل یوسف ش کرد.

5- حضرت یعقوب یوسف را به دست فرزندانش سپرد لذا آنان یوسف را فروختند و بدروغ گفتند اكله الذئب.

ص: 344

3- خار و ذلیل و مفتضح خواهد شد بدلیل ظلم به ایات الهی و ستم به مومنین و گناهانی که مرتکب شده است (زمر/54) { فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَ مَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ } پس عذاب های آنچه را مرتکب شدند به آنان رسید، و کسانی از این [مردم مکه] که [به آیات ما] ستم ورزیدند، به زودی عذاب های آنچه را که مرتکب شدند به آنان خواهد رسید و آنان عاجزکننده ما نیستند [تا بتوانند از دسترس قدرت ما بیرون روند].

1- رابطه گناه و فساد!

(روم/41) { ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ }

در خشکی و دریا به سبب اعمال زشتی که مردم به دست خود مرتکب شدند، فساد و تباهی نمودار شده است تا [خدا کیفر] برخی از آنچه را انجام داده اند به آنان بچشانند، باشد که [از گناه و طغیان] برگردند

به این ترتیب فساد در آیه مورد بحث، اعم از مفسد اجتماعی و بلاها و سلب برکات است.

ص: 345

نکته قابل توجه دیگر: از آیه فوق ضمنا استفاده می شود که یکی از فلسفه های آفات و بلاها، تاثیر تربیتی آنها روی انسانها است، آنها باید واکنش اعمال خود را ببینند تا از خواب غفلت بیدار شوند و به سوی پاکی و تقوی باز گردند.

همانطوریکه غذای فاسد بر بدن انسان تاثیر می گذارد گناه نیز بر زندگی آدمی اثر خواهد گذاشت به طور مثال :

1- دروغ : سلب اعتماد می کند.

2- خیانت در امانت: روابط اجتماعی را بر هم می زند.

3- ظلم : همیشه منشا ظلم دیگری است.

4- سوء استفاده از آزادی: به دیکتاتوری می انجامد

5- دیکتاتوری: به انفجار.

6- ترک حقوق محرومان: کینه و عداوت می آفریند،

7- تراکم کینه ها و عداوتها : اساس جامعه را متزلزل می سازد.

8- قطع رحم :عمر را کوتاه میکند

9- خوردن مال حرام: قلب را تاریک میکند

10- شیوع زنا: سبب فناى انسانها شده و روزی را کم می کند

11- امام صادق ع فرمودند: آنها که بوسیله گناه از دنیا می روند بیش از کسانی هستند که به مرگ طبیعی می میرند

نظیر همین معنی به تعبیر دیگری در قرآن مجید آمده است آنجا که می فرماید:

(اعراف/96) {وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ} اگر آنها

که در شهرها و آبادیها زندگی می کنند ایمان بیاورند و تقوی پیشه کنند، برکات

آسمانها و زمین را به روی آنها می گشائیم، ولی آیات ما را تکذیب کردند، ما نیز آنها را به مجازات اعمالشان گرفتیم!

پیامبر (صلی الله علیه و آله) اکرم فرمودند: (سفینه البحار ماده زنی).

زنا شش عقوبت دارد: سه عقوبت در دنیا، و سه عقوبت در آخرت،

و اما سه عقوبتش در دنیا 1- نورانیت را از انسان سلب می کند 2- مرگ زودرس می آورد 3- روزی را قطع می نماید،

و اما سه عقوبت آن در آخرت 1- باعث سختگیری در حساب 2- خشم پروردگار 3- خلود در آتش است

2- چرا گناه، زنگار دل است؟! (روم/59) {كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ} خدا این گونه بر دل های کسانی که معرفت و دانش ندارند مهر تیره بختی می نهد.

(غافر/35) {الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ} کسانی که در آیات خدا بی آنکه دلیلی برای آنان آمده باشد، مجادله و ستیزه می کنند این عمل زشتشان نزد خدا و نزد اهل ایمان مایه دشمنی بزرگ است این گونه خدا بر دل هر گردنکش زورگویی، مهر [تیره بختی] می نهد

و در جای دیگر درباره گروهی از گنهکاران لجوج و عنود می فرماید: (بقره/7) {خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ}

ص: 347

خدا [به کیفر کفرشان] بر دل ها و گوش هایشان مُهرِ [تیره بختی] نهاده، و بر چشم هایشان پرده ای [از تاریکی است که فروغ هدایت را نمی بینند]، و برای آنان عذابی بزرگ است

(حج/46) {أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ} آیا در زمین گردش نکرده اند تا برای آنان دل هایی [بیدار و بینا] پیدا شود که با آن بیندیشند یا گوش هایی که با آن [اندرزها را] بشنوند؟ حقیقت این است که دیده ها کور نیست بلکه دل هایی که در سینه هاست، کور است

اعمال زشت چگونه محو می گردد

1- کمک به تهیدستان و صدقه بدون منت و ریا: (بقره/271) {إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَ تُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ

يُكْفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ} اگر صدقه ها را آشکار کنید، کاری نیکوست، و اگر آنها را پنهان دارید و به تهیدستان دهید برای شما بهتر است و خدا به این سبب بخشی از گناهاتتان را محو می کند و خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است

2- دوری از گناهان کبیره؛ گناهان صغیره را محو میکند: (نساء/31) {إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ نُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا} اگر از گناهان بزرگی که از آنها نهی می شوید دوری کنید، گناهان کوچکتان را از شما محو می کنیم، و شما را به جایگاهی ارزشمند و نیکو وارد می کنیم

3- اقامه نماز دادن زکات؛ ایمان به انبیاء و عزیزداشتن آنان و قرض

الحسنه دادن گناهان را محو می نماید: (مائده/12) {وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَرْتُمْهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ صَلَّى سِوَاءَ السَّبِيلِ} و خدا به آنان فرمود: یقیناً من با شمایم، اگر نماز را برپا دارید، و زکات بپردازید، و به پیامبرانم ایمان آورید، و آنان را تقویت و یاری کنید و به خدا و امی نیکو دهید مسلماً گناهانتان را محو می کنم، و شما را در بهشت هایی که از زیر درختان آن نهرها جاری است در می آورم پس هر که از شما بعد از این کافر شود یقیناً راه راست را گم کرده است

4- تقوی و دقت در امور زندگی بصیرت و بینایی می آورد و گناهان را محو می نماید:

(انفال/29) {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ} ای اهل ایمان! اگر [در همه امورتان] از خدا پروا کنید، برای شما [بینایی و بصیرتی ویژه] برای تشخیص حق از باطل قرار می دهد، و گناهانتان را محو می کند، و شما را می آموزد و خدا دارای فضل بزرگ است.

5- ایمان به قرآن و مکتب اسلام و پرهیزکاری (مائده/65) {وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ} اگر اهل کتاب به آیین اسلام ایمان می آوردند و پرهیزکاری می کردند، یقیناً گناهانشان را محو می کردیم، و آنان را در

بهشت های پر نعمت در می آوردیم 6- توبه نصوح و واقعی که شما را از بازگشت به گناه باز دارد

(تحریم/8) { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَنْتُمْ لَنَا نُورٌ وَغَفِرَ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ } ای مؤمنان! به پیشگاه خدا توبه کنید، توبه ای که شما را [از بازگشت به گناه] باز دارد امید است پروردگارتان گناهانتان را از شما محو کند و شما را به بهشت هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است در آورد، در آن روزی که خدا پیامبر و کسانی که با او ایمان آورده اند، خوار نمی کند، نورشان پیشاپیش آنان و از سوی راستشان شتابان حرکت می کند، می گویند: پروردگارا! نور ما را برای ما کامل کن و ما را پیامز که تو بر هر کاری توانایی.

7- هجرت برای خدا بجهت حفظ ایمان و جهادد راه خدا (ال عمران/195) { فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَ قَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ } پس کسانی که [برای خدا] هجرت کردند، و از خانه هایشان رانده شدند، و در راه من آزار دیدند، و جنگیدند و کشته شدند، قطعاً بدی هایشان را محو خواهم کرد و آنان را به بهشت هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، وارد می کنم [که] پاداشی است از سوی خدا و خداست که پاداش نیکو نزد اوست.

8- ایمان و توبه از گذشته و عمل صالح گناهان را محو میکند: {إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا} مگر آنان که توبه کنند و ایمان آورند و کار شایسته انجام دهند، که خدا بدی هایشان را به خوبی ها تبدیل می کند و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

9- عمل به احکام دین و رعایت اوامر الهی (طلاق/5) {ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَكْفُرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمِ لَهُ أَجْرًا} آن احکام خداست که آنها را به سوی شما نازل کرده است و هر کس از خدا پروا کند، گناهانش را از او محو می کند و پاداش او را بزرگ می دارد.

10- ایمان به ولایت مولی و عمل صالح و پسندیده (عنکبوت/7) {وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ} و آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، گناهانشان را قطعاً از آنان می پوشانیم و بر پایه بهترین عملی که همواره انجام می داده اند، پاداششان می دهیم

11- ایمان و کار شایسته و اعتقاد به معجزه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرائت قران کریم: (محمد/2) {وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ} و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند و به آنچه بر محمد نازل شده که از سوی پروردگارشان حق است گرویدند، خدا گناهانشان را از آنان محو

کرد و حالشان را اصلاح نمود.

(نوح/10) {فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً - يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً - وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَاراً} پس به آنها گفتم از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است* تا باران های پربرکت آسمان را پی در پی بر شما بفرستد* و خدای متعال شما را با اموال و فرزندان فراوان امداد کند و باغ های سرسبز و نهلهای جاری در اختیارتان قرار دهد

انشالله خداوند به همه توفیق عنایت فرماید تا به تمام آنچه از آیات و روایات گفتیم و شنیدیم جامه عمل بپوشانیم و اهل عمل باشیم امیداست خداوند هب همه ما توفیق سلامتی دین و جسم و عافیت کامل به همه ما عنایت کند اگر ماه مبارک رمضان سال آینده 1401 زنده بودیم که موضوع استغفار 70 بندی از امیرالمومنین (علیه السلام) را شروع خواهیم کرد و تقدیمتان خواهیم نمود امسال فقط فرصت شد تا مقدمه این بحث را در خدمتتان باشیم.

عید فطر بر همه شما مبارک و میمون باشد . التماس دعا

1400/03/23

ص: 352

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

